

[illegible] با حاجة با بنی با ماده شیر

[illegible] نور [illegible]

نكند بايد كه اين تعويذ بنويسد و بر گردن [illegible]

[illegible] رب الحرث [illegible] مجرب است [illegible]

بندد [illegible] ويجعل

السماء عليكم مدرارا ويمددكم باموال وبنين ويجعل لكم

انهارا ما لكم لا ترجون لله وقارا وقد خلقكم

كهيعص [illegible]

[illegible] زخم گوسفند و اسب [illegible]

[illegible] بسم الله الرحمن الرحيم اللهم [illegible]

[illegible] الكريم [illegible] اللهم [illegible]

[illegible]

[illegible] مال و [illegible]

[illegible]

...به نخواهد این دعا بر کاغذ یا بر پوست آهو بنو
...ه و بر بازوی چپ او ببندد و اگر خواهد که از ما
...شو نماید بر کاغذ بنویسد و در رخت خشک بیندد بر گردد
...د ا صلا لا ابراهیم هو بو آمنا بالنمت
...د قدس قدس

له له له له له له . له له له له له له له

ا ا ا ا ا ه ا ا ا ا ه صح صلا هیبه
...لا و او رزق و اله له صاحب ا

...الله علی و بسل و ن
بهجت و فتح
...ر حسم رسند دعا با خود دار بسم الله الرحمن الرحیم
...عطنابک فبصرک الیوم
...من القرآن ما هو
...و تبدیل الق...

---

...یا سمیک یا ...
دفع ... بسم الله اللهم انی اسالک ...
یا مغنی یا مطعم یا معطی یا مغنی یا منجی یا ...
یا محیی یا منجی جهت گریستن کودکان بنویسد و بر گردن ...
... فکشفنا عنک ...
۹۹۹۹ مطالب ... دعای درد گوش
... جنک ... الیوم ... الحدید ... جمک یا ...
... فبصرک الیوم ... الحدید ...
... اکبر ... بیده ... و ...
... تا شفا یابد ... و ...
از ... بحق ... یا ...
ع ع ع ع ع ع ع ع ع بر ...
از جهت ... مولود ما در ... بر ...
... دعا ... بنویسد ...
... مادر ... اللهم ...
... صلاة ... صلاة ...
... من الجن و الانس و الشیاطین ...
... دعا ... جمله ...
... الله ... الامی ...

... که داشته باشد اینها عا[illegible]
و امراضی دیگر و تب
بخواند و بدمد سه بار البته آن علت بر طرف میشود
بقدرت کامله حق سبحانه و تعالی و از برکت اینها
مجرب است و آزموده است و شرح بسیار دارد اما
مختصر کردیم که خواننده و نویسنده و شنونده ملال نباشند
والله اعلم بالصواب بسم الله الرحمن الرحیم
بسم الله الشافی بسم الله الکافی
بسم الله المعافی بسم الله المتعالی
بسم الله الذی لا یضر مع اسمه

... که داخته شود و لیقی صولیقی حولیقی خالیقی
... بجهت حامله شدن زن عقیمه با خود نوشته
... بخورد مجرب است

صو صو صو صو صو صو صو صو صو صو صو
الله الله الله الله الله الله الله الله الله
عی عی عی عی عی عی عی عی
قیوم قیوم قیوم قیوم قیوم قیوم قیوم قیوم

دفع بادهای جمیع اینست روایتست که هر که این
... که باد سرخ و باد سیاه و باد کبود و باد زرد
و باد قولنج و باد لقوه و برای باد خام و بادهای جمیع
... نمی باشد و از برای باد گرم و باد سرد
... تا گون که داشته باشد و هر که هر علتی

شيء في الأرض ولا في السماء
وهو السميع العليم بسم الله ذي
الجلال والإكرام بحق يا داود يا
قهار بحق سليمان بن داود يا وهاب
بحق يا يوسف يا صديق بحق أيوب
يا صابر بحق زكريا يا ستار بحق
يحيى يا عليم بحق ابراهيم يا كريم
بحق

بحق اسمعيل يا مغيث بحق يا موسى
يا كليم بحق عيسى يا غني بحق محمد
المصطفى يا احد بحق علي المرتضى
يا مجيب بحق اولاد و اكباد
محمد يا حليم اللهم انت الها واحدا
احدا صمدا فردا وترا حيا قيوما
دائما ابدا لم يتخذ صاحبة ولا

ولک وبحق محمد وآل محمد صلی الله علیه وآله

وسله بستم بستم بستم باد سرخ وباد کبود وباد نمود

منک وباد نغام وباد شغاف بستم بستم بستم باد لقوه

وباد فالج وباد رعشه وباد بلید وباد کبود وباد رید

بستم بستم بستم باد طحال وباد اصفا وباد کتف وباد

کاشی وباد سفید وباد سیاه وباد جرب وباد آبله

وباد گرم وباد سرد

باد شوم بستم بستم باد خنق وباد رقف وباد

ه وباد خیلوه وباد کوبه بود وسنجی که عظیم بود

چون بر سر درد وچشم وگوش وگردن ودست وپا

وپشت وپی وپوست واستخوان وگوشت

وشحم این مریض وحامل این هیکل فلان

بن فلان بحق توریة موسی وانجیل

عیسی وزبور داود وفرقان محمد المصطفی

صلی الله علیه وآله وسلم الهوی الهوی

بهس کوه دماوند روای باد بای رنج اگر

پیام خدای عزوجل

مطیعی واگر فرمان برداری عزوجل الهوی

الهوی وجعلنا من بین ایدیهم سدا

ومن خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا

يشعرون وننزّل من القرآن ما هو شفاء
ورحمة للمؤمنين ولا يزيد الظا
لمين إلا خسارا اللهم يا أسمع السا
معين ويا أنصر الناصرين ويا أبصر الناظر
ين ويا أحسن الخالقين ويا رازق المقلين
ويا راحم المساكين ويا ولي المؤمنين
ويا أمان الخائفين ويا خير الوارثين
ويا من سلّم سلمه ويا من فرّج فرجه
ويا من

ويا من سهّل سهّله بفضلك ورحمتك
ويا ارحم الراحمين الله حاضري الله
ناظري الله حافظي اسكن بعزة الله
عزت اسكن بقدرة الله اسكن
بالله الذي له ما في السموات والارض
وهو العزيز الحكيم صلى الله على خير
خلقه محمد وآله اجمعين
حضرت محمد فرموده هر که این دعا بخواند از میان
بیابانی بیشتر نترسد و اشته باشد که ما

تا زهر مار از سر تا پا بیرون شود

[illegible] را بتو کشند این دعا الحضرت مرتبه بخوان به حکم خدای

عز و جل زبان مار بسته گردد حضرت فرموده که اگر

خواهی که این دعا حکم کند چیز مخور اول مغز گله

گوشت زیر ناخن گوسفند مخور الا هر گوشت

باشد

بسم الله الرحمن الرحیم

حبیب [illegible] پاره کته کور [illegible] ابه توس [illegible]

عصا تو دو بنا اکل دمل [illegible] کیفی [illegible]

[illegible] گونا لکر الم [illegible] کرناب

بحق احمد کبیر دم از من فرمان از خدا شفا شود

از گفته محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم

کره هو کره هو فلق کره هو ربانی جبانی بر [illegible]

بعلماق [illegible] بسی سال بعمر [illegible] سال الجار کشدی [illegible]

قیصر معقر [illegible] غزان غزان ماری سنگ ماری تنشر

ماری تیره ماری غمی ماری مهیز ماری پلنگ ماری

لوچ ماری آتش ماری لوچ ماری لورسی ماری

سیاه ماری زرد ماری شاخ ماری خاک بر سر ماری سفید ماری

باد ماری حاق ماری لاقر ماری افعی ماری دو سر ماری

هفتاد و دو گروه ماری دم از من فرمان از خدا شفا

شود از گفته محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم

بر گردانیدم زهر ترا از گوشت و از پوست و از

نقش شش رکش و حمل چهار پاره استخوان بر کمر

دانیدم زهر ترا از سر تا پادم بحکم سلیمان پیغمبر

بدم داود پیغمبر کف بند کوه

دعا بهر کودکی که در خواب بترسد و بنویسد در بازو ببندد و [illegible]

[illegible] یا [illegible] الا الا [illegible]

هو هو [illegible] یا قیوم [illegible]

دعا [illegible] بنویسد [illegible] بخورد [illegible]

اگر کسی را [illegible] کند این دعا بنویسد در گردن کند

[illegible] شهد الله انه لا اله الا هو [illegible] قائما بالقسط

لا اله الا هو العزیز الحکیم [illegible]

یا [illegible] العالمین یا [illegible]

یا [illegible] لا اله الا الله [illegible] والاکرام

[illegible] بخواند [illegible]

اندازد

اندازد و [illegible] ضخا ضخیمو از جل [illegible] جلا جلا

جمیلا [illegible] بحق ملک القدوس

اگر [illegible] در گردن کودک ببندد در شب [illegible]

[illegible] الله [illegible]

اگر کسی را روی چشم درد [illegible] شده باشد این دعا

بنویسد [illegible] العدو [illegible] لا قبول

التسبیح [illegible] لا حول و لا قوة الا بالله العلی

العظیم [illegible] بنویسد [illegible]

[illegible] ذات الیمین

و ذات الشمال و کلبهم باسط ذراعیه بالوصید

اگر کسی [illegible] آب [illegible] این دعا بنویسد

[illegible] بخورد [illegible]

[illegible] مهعد [illegible] یا [illegible] الله [illegible]

علاج میان زن و شوهر بنویسد هر روز یکشنبه ناشتا بخورد و بنوشد
[illegible] مجرب جهت شب اول ۱۴۲۱۲۱۱۱۲۴
شب دوم ۹۹ فرمان
شب سیم [illegible]

جهت تب نیز [illegible] باشد این دعا نوشته بر بازوی او ببندد
[illegible]
[illegible] الا الله
۴۲۱۳ ع صواع ۹ ۲ لا ۱ الا

جهت [illegible] نوشته بر کمر [illegible] ببندد و [illegible] در آب انداز و [illegible]
آب بخورد شفا یابد بسم الله الرحمن الرحیم عقل
عقل [illegible] عفر [illegible] عفر [illegible]
[illegible] لا [illegible] لا [illegible]

جهت کسی که سخن نگوید این دعا نوشته به شوید بخورد
زبان [illegible] گشاده شود الیوم نختم علی افواههم و تکلمنا

و تکلمنا ایدیهم و تشهد ارجلهم بما کانوا یکسبون
بر [illegible] جهت [illegible] این طلسم
نوشته در میان طلسم هفت دانه جو بگذارد و در [illegible] آب
یا در زمین نمناک نماید که آن جو [illegible] سبز شود [illegible]

| | | |
|---|---|---|
| ع | ۱ | ۱۴ |
| ع | ٥ | س |
| ۲ | ا | ۴ |

اگر کسی [illegible] رسیده باشد و [illegible] کنند و با دست [illegible] او [illegible]
علاج [illegible] این [illegible] شکل در عمل آر [illegible] او [illegible]
[illegible] او درد کند شکل [illegible] در زیر [illegible] او درد کند
در آب انداز و بخورد [illegible] شکل [illegible]
[illegible]
[illegible]
دفع [illegible] بسم الله الرحمن الرحیم [illegible]
[illegible]

لعلهم

افلا ... واتخذوا من دون الله الهة لعلهم

ینصرون ... بحق ... فلان ابن فلان بحق توریة

موسی و انجیل عیسی و زبور داود و صحف فرقان محمد مصطفی

صلی الله علیه و اله وسلم وجعلنا من بین ایدیهم

سدا ومن خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون یا صالح

یا صالح ... دفع قبض شمس اودهم با حیوان نوشته

| | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| و | و | و | و | و | و | ح | و |
| | | ه | و | و | ع | و | ح |

... بخورند مجرب است

... به خوردن ماده گاو

... که عالم اکبر ... تو نشته بکمر ... آن بند بند

بسم الله ... اللهم ... انتم ... فی ... ولا ...

... الیه ... المر ... شب ... سینه اش

... بنویسید و بر ... سینه اش ... شفا

۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱ ... ۱۱۰ ... ۱۱۳ ...

اگر زن دشوار زاید بنویسید بکوبید اذا السماء انشقت

واذنت لربها وحقت واذا الارض مدت

والقت ما فیها وتخلت ما فیها ...

سلیمان ان اخرج یا ... الولد باذن الله تعالی

... و ... دعا ... که ... بند

... کرد مال جبار ... دهن ... جبار

محمد ... علی ... سلیمان ...

اگر ... دعا ...

... بند ... کن ده کرد ... طلسم

ططو ... اصاوت ...

العجل العجل بسم الله یا ...

ن یا رحیم ... یا ... العز

... نوشته ...

سوره اخلاص ...

اعوذ برب الناس ...

جهت دفع جن و شیاطین با خود دارد محفوظ شود بسم
الله الرحمن الرحیم یا اشنا تلوبث یا مسطیح یا زرا
ن یا ارحم الراحمین یا اکرم الاکرمین حامل هذا
احفظه من جمیع البلاء بحق محمد و آله و
علی آله اجمعین برحمتک یا ارحم الراحمین

جهت آنکه هر که ترا دوست نیست تا بخواند محکم دوست شوند
ال هر بار که بخواند بر خود دمد محکم دوست شوند هذا حرز
ان و این است کاف کاف کاف کاف کفکفا کفلو فا
کفا کفا نا کفو فا کفیفا کفا نا کفلف کن انما
امره اذا اراد شیئا ان یقول له کن فیکون

جهت ... بر کاغذ بر چوب چهار نویسد ... بکند آب
... بر سر آب اندازد مجرب است قل انتی صدانی
... ابراهیم خفقا

جهت ... بر کاغذ بنویسد و بر سر او دفن کند ...
... بسم الله الرحمن الرحیم لترکبن طبقا
عن طبق فما لهم لا یؤمنون و اذا قرئ علیهم
القرآن لا یسجدون [illegible]
[illegible]

جهت آنکه شوهر بد خو باشد و زن بدبخت شود در ماند
... بنویسد روز یکشنبه در موم کبره و در بازو ب
بندد مجرب است نام مادر او و نام ما در ...
اح اح ۱۱۱۵ لا ۵ ۱۹ لا و ۱۱۱ الکریم ...
... بنویسد و بر آب بمالد و تا بخورد شفا یابد
... طالی لکا سیاد یوکسد سیالی
... بر چهار رکن خانه ... 
... عبدالله ...

اگر کسی عنبر کم کرده باشد و نداند که برداشته این اسم
بنویسد و در زیر سر نهد دزد آن شخص در خواب بیند مالبنو
سی البنوسی دعای یادوکی ندن کو [illegible]
و بنویسد لقد جاءکم رسول من انفسکم عزیز علیه
ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رؤف رحیم این طلسم
برای اسب که [illegible] بنویسد و این طلسم در زمین [illegible]
اسب بر گرده او بگردانند دفع شود

| | | |
|---|---|---|
| ٥-٠ | ٤١٥ى | ١١١٤ |
| ٤١٤ | ٤١٤ و١ | ١٤٨٨ |

دعا [illegible] لتفعلان الکم
اللهم [illegible] سبحی [illegible] لاب ان کان [illegible]
[illegible] اجوا [illegible]
قطمیر [illegible] یا مسعون [illegible] دعا [illegible] اگر [illegible]
[illegible] خوابش نیاید بنویسد بر کسی [illegible] بند
[illegible] لا ال [illegible] دعا که [illegible]
[illegible]

[illegible] دیدن [illegible] نعمت بجا [illegible] دیدن درویشی بجا
دیدن [illegible] بجا مادر بزرگ بیند از دوشمن فرزندی
[illegible] سفیده [illegible] غم اندوه بود [illegible]
مرد باشد
[illegible] مرغان دیدن نعمت [illegible] بجا خبر خوش
موضع
[illegible] غریب [illegible] کار کردن دولت بجا [illegible]
[illegible] بجا پلنگ کشتن در دوشمن ظفر یابد [illegible]
[illegible] دیدن بزرگی بجا گرگ نعمت بجا انواع سباع
[illegible] عالم کشتن دو خبر [illegible] کشت [illegible]
[illegible] نعمت [illegible] گوشت گاو خوردن موجب [illegible]
[illegible] حرکت [illegible] اگر در خواب بیند
[illegible] باشد و [illegible] روز [illegible]
[illegible] در دامن او آتش افتاده ناگاه [illegible] اگر
بیند انگور [illegible] بیند خوش حال شود و اگر بیند که انگور
[illegible] از درخت [illegible] اگر بیند که انگور [illegible]
و اگر بیند که حلوا میخورد دعا [illegible]

... اثبت از حضرت پیغمبر ... که ...

با خود داره ... چشم زخم ...

باشد ...

| | | |
|---|---|---|
| ط | ا | ب |
| بج | ی | ا |
| د | ی | د |
| [illegible] | بج | ج |

اگر اسب درد کند ...

... حروف را ...

... نقش کند ...

... قرآن ...

... حروف ابجد

| | | | |
|---|---|---|---|
| ج | ح | | د |
| ج | ا | | د |
| ح | ب | | [illegible] |
| ح | ه | | [illegible] |

... ان الله لا یخلف المیعاد ...

[illegible] در گوش چپ او بدمد و اگر در دست راست پای چپ باشد
بالای چپ باشد از گوش راست او بدمد آن ریسمان را
[illegible] در بار [illegible] بسته اند هر ریسمان را از گوش اسب
بیندازند و اگر سر اسب در چهار دست و پا باشد از گره
[illegible] اسب او بدمد بسم الله الرحمن الرحیم و لو ان قرآنا
سیرت به الجبال او قطعت به الارض او
کلم به الموتی بل لله الامر جمیعا اسب اسب
یا اسب یا اسب یا اسب یا اسب یا اسب
[illegible] الا بالله یا اسب یا اسب یا اسب یا

[illegible] آیه [illegible] یا ارحم الراحمین اگر زنی که
زهست [illegible] رفته باشد این عزیمت بنویسد و
[illegible] در زنان او [illegible] بماند [illegible] ان کل
نفس لما علیها حافظ فلینظر الانسان مم
خلق خلق من ماء دافق [illegible]

اگر زنی که آل فرو گرفته باشد این آیه که بر سه رقعه نوشته
یکی به پیش بستر او و یکی از پس بستر او بدوزد و یکی را
همچنین که در زیر ناف باشد چون باید وما محمد الا رسول
قد خلت من قبله الرسل افان مات
او قتل انقلبتم علی اعقابکم ومن ینقلب
علی عقبیه فلن یضر الله شیئا وسیجزی الله
الشاکرین و چهار طرف این آیه اسم چهار فر
شته نویسد [illegible] اسرافیل و جبر
ئیل و میکائیل و عزرائیل دعای [illegible] با سکینه
گوشها نوشته از هر طرف بیاویزد و بر طرف [illegible]
بسم الله سبحان من فی السموات [illegible] سبحان
من فی [illegible] الرحمة سبحان من [illegible] الارض [illegible]

ننگ شود یا جبر میلا هو قادر ما بحق مانیک شود

اگر کسی را جنون اگر جنه باشد یا بیهوشی دست داده باشد
این اسماء را نوشته خلیته سازد و در زیر دماغ دود
کند بهوش آید آیه ابلیس هامان فرعون نمر
ود شداد

دفع درد شکم در روایت منقول است
که شخصی بخدمت حضرت امیر المومنین علیه السلام آمده شکا
یت کرد از درد شکم فرمودند که آب گرم بخور و این دعا
بخوان یا الله یا الله یا الله یا رحمن یا رحمن
یا رحیم یا رحیم یا رب الارباب یا اله
الالهة یا مالک الملوک یا سید السادا
ت اشفنی بشفائک من کل داء و سقم
فانی عبدک و ابن عبدک المتقلب
فی قبضتک

دفع پیچش شکم در حدیث
و دیگر

دیگر وارد شده که شخصی شکایت کرد بحضرت امام
موسی علیه السلام از پیچش شکم فرمودند که ابتدا بگیر و این دعا
را با آب ترا بران بخوان سه مرتبه بگوید اولم یر الذ
ین کفروا ان السموات و الارض کا
نتا رتقا ففتقناهما و جعلنا من الماء
کل شیء حی افلا یؤمنون پس آن آب را بخورد
دست بر شکم بمالد

دعای خاک خوردن اگر
طفلی خاک بخورد این را بنویسد و ببندد بر
طرف شود بعون الله تعالی و اگر طرک نکند
بر زبان بنویسد بخورد طفل و هم خاک بخورد نشود بر
طرف کنند این است الذی اکل التراب و الا
من اعمالهم لشراب لقیعة یحسبه
الظمآن ماء حتی اذا جاءه

فتحنامه

عبدالله مسعود روایت میکند از حضرت رسول صلعم
که شنیدم که این دعا بحضرت امیرالمومنین علی ابن
ابی طالب علیه السلام آموخت یا علی هر که این دعا بخواند جمیع
مرادات او بر آورده گردد اگر نتواند خواند با خود دارد
و این دعا خاصیت بسیار است و از آنجمله سیزده خاصیت
مخصوص این دعا است اول آنکه هر که بنویسد
در موم گیرد و در آب اندازد و بآن آب روی خود بشو
بشوید در نظر خلایق شیرین نماید دوم آنکه زبان
خلایق بر او بسته گردد سوم آنکه جادو بر وی کار نکند
چهارم آنکه از آفات و بلیات دنیا و آخرت در امان
باشد پنجم آنکه به تهمت گرفتار نشود ششم آنکه از
مرگ مفاجات در امان باشد هفتم آنکه محتاج بخلق
نگردد هشتم آنکه از علتها و رنجها ایمن باشد
نهم آنکه از چشم زخم گزند باو نیاید دهم
آنکه

آنکه اگر زن را دشوار زاید این دعا در گردن او بندد بآسانی
نجات یابد یازدهم آنکه اگر کسی را خون دماغ شود این
دعا را در بینی او بسته باشند خون باز ایستد دوازدهم
آنکه اگر کسی را بنده گریخته باشد این دعا در میان مصحف
نهند و بگوید خدایا بنده گریخته مرا بحق ما ثمن برسان آنکه
گریخته باز آید سیزدهم آنکه اگر کسی بداند که در دل
شخص چیست در وقت خواب این دعا را در زیر سینه او
نهد آنچه در دل داشته باشد بگوید چهاردهم آنکه
اگر کسی در سفر با خود دارد از جمله خطرها ایمن باشد
پانزدهم آنکه اگر همراه میت در قبر نهند جواب سئوال منکر
و نکیر بر او آسان گردد شانزدهم آنکه از ضرر جمیع
گزنده و درنده در حفظ امان خدای تعالی باشد
بسم الله الرحمن الرحیم اللهم افتح ابوا
ب الرحمة والدولة والسعادة
والفتوح والجنة اللهم احفظنا

من كل عاهة وآفة وشدة ومرض
وبلاء ووباء وذلة وكل محنة
يا سبوح يا قدوس يا رب الملائكة
والروح يا ذا الجلال والاكرام منزل الكلام
دعای دلدل حضرت امیر المؤمنین نوشته در گردن
اسب ببندد از جمیع بلاها ایمن باشد در امان خدا
[illegible] بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله
اكبر رب الملائكة والروح ورب العرش
العرش العظيم رب الانبياء والمرسلين
[illegible] اللهم احفظ من شر البلاء
[illegible] والمركوب ان [illegible]
[illegible] والجرح البطن والجرح الا
[illegible] الجبهة والحم والشحم والعظم

والعروق والعصب والعظام بحق محمد وآله

دعای تب ربع زیر اسب ربع منقول است
که این آیه بنویسد و بر دستش ببندد یا نار کونی بردا
و سلاما علی ابراهیم — دعای تب لرزه بر
چوب بید بنویسد و هر روز یک حرف دود کند اول
طیغوق دوم صیغوق سیم کیغوق — دعای
تب لرزه بر سه پاره چوب بید یا بر جوز بنویسد و هر روز دود
کند و زیر دامن بخورد اول | ۱۲۱۲ ۲۳ ۲۳ | دوم
| ۲۳ ۴ ۷ | سیم | ۷ ۵ ۱ ۴ ۱ ۵ | هر آینه [illegible]
در [illegible] بر زمین نزنند [illegible] ۹۹ [illegible]

دفع جن هر که این دعا را با خود دارد جن با او [illegible]
ننمایند [illegible]
یا [illegible] یا ارحم الراحمین یا اکرم الاکرمین
[illegible] و احفظه من جمیع البلاء بحق محمد وآله

و اصحابه اجمعین برحمتک یا ارحم الراحمین

[illegible] الم ||||| ه حفظها الله تعالی باسم

فلان و فلان اگر در میان گوسفند لنگ ظاهر شود

یا بزه گم شود یا گرگ در یابد یا آتش ورود کند یا مرگ واقع

شود یا ناتوان شود این دعا بنویسد و در میان آب انداز

زد و در بالای گوسفندان پاشند و هم در گردن گوسفند

ببندد و شفا یابد بسم الله الرحمن الرحیم افغیر

دین الله یبغون و له من اسلم من فی السموات

و من فی الارض طوعا و کرها و الیه یرجعون

برحمتک یا ارحم الراحمین روایت کرده اند از رسول

صلی الله علیه و آله و سلم [illegible] که هر که خواند این [illegible]

[illegible] یا نگاه دارد خدای تعالی او را از مرگ [illegible]

[illegible] و از [illegible] و از تیغ بران و از شر دیوان

و پریان و از مار و کژدم و از آفت جمله جانوران درنده

[illegible] و از [illegible] بیمار [illegible]

[illegible] بار [illegible] این دعا بر [illegible] بخواند

در آب اندازد و بنیت فرزند بر ان عورت دهند تا بخورد خدای

تعالی او را فرزند صالح کرامت کند و اگر در زادن [illegible] باید

که این دعا بر شیر بنویسد و خواند باو دهد تا بخورد در حال خلاص شود

و اگر بنده گریخته باشد این دعا هفت بار بر هفت سنگریزه

بخواند و در آتش اندازد و بعد از سه روز ان گریخته باز آید

و اگر کسی را مار یا کژدم گزیده باشد در گوش او سه بار این

را بخواند نیکو شود و زهر در وی کار نکند و هر که این دعا با خود دارد

خدای تعالی او را از همه بلاها نگاه دارد و از دزد و غول [illegible]

شود و در پیش بزرگان عزیز و مکرم شود و خلقان [illegible]

[illegible] و دعا [illegible]

انا فتحنا [illegible] بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله السمیع البصیر الذی لیس کمثله

شیء و هو بکل شیء علیم بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الخلاق العلیم الاعلی الذی لیس کمثله شیء

و هو بکل شیء علیم [illegible] بسم الله الرحمن الرحیم

~~بسم الله الرحمن الرحیم السمیع العلیم الذی لیس کمثله~~
السمیع العلیم الذی لیس کمثله
شیء وهو السمیع العلیم بسم الله الرحمن الرحیم
بسم الله البصیر الذی لیس کمثله شیء وهو
العلیم الخبیر ~~بسم الله الرحمن الرحیم~~ بسم الله
الرحمن الرحیم بسم الله السمیع الکبیر الذی
لیس کمثله شیء وهو العزیز الرحیم بسم الله
الرحمن الرحیم بسم الله الرحیم الخفو ... الذی لیس
کمثله شیء وهو علی کل شیء قدیر والله خیر حافظا

دعا ... الرحمن الرحیم ... اگر زبان گرفته باشد بنویسد و در
آب بکند بخورد اگر طفل ... شود
[۱۱۹۲ ... ساله]
زده باشد بنویسد و ببرد ... بخورد ... بشود ... الی الا

| | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|
| ى | ه | ع | ع | ٩ | ع | حو |
| ٥ | ع | ٩ | ع | ع | ع | ٩ |
| ٩ | ع | س | ع | س | ٩ | ى |
| ع | لا | ع | ع | ع | ع | ٩ |
| [illegible] | ٩ | س | ٩ | ٩ | ٩ | ٩ |

ع اا و ى اا دم ع اا ن
... این شکل را بنویسد ... اگر
... خواب ... بکند
... و ... از ... حفاظ ... م ... و

دعا آل ... بنویسد بر ... آدمیزاد ... اگر
و اگر ... شود این نوشته بر گردن او بندد ... یا ... بزند
شفا یابد ... س ... س ... س ... س
... س ... س ... البنا و صاد ... ملوك
... دعا ... بسم الله الرحمن الرحیم ... تو
لعلی خلق عظیم ... باییکم المفتون ... الرحمن
من الله لنت لهم ولو کنت فظا غلیظ القلب
برحمتك یا ارحم الراحمین دعا ...
الرحمن الرحیم ... لیس الا ... [illegible]
... [illegible] ... و ... ال
... الرحیم ... [illegible]
... ان ... ما ... و ...
... و لا ... الا ...
... بر ... و ... بنویسد ...
فقالنا ... الی ... حلح ...
... بسم الله و بالله ... و ...
العظیم

نوعی دیگر زنی بچه نشود بچه از شکم بیرون دراین دعا نوشته با خود دارد دفع
شد او خلق شعو ابینت یاهو هو هوالواحد الاشیل لے اصباو
ت الصباغش اصبا الظس هو میکائیل عف سبیل بر سفر
شیل و معلوس هو مهو نحفظوم هو باقی
که درسرما از خود درد بهر بگیر این بنویسد با خود دارد و یک را دعای بچه
بنویسد و در آب اندازد بخورد طفل بعد اسکن الیل للیل فی
نهار و هو السمیع العلیم ولا حول ولا قوة الا بالله
العلی العظیم دعای کلید شدن بچه بنویسد در بازوی طفل
[illegible] فانت تعلم نجی فلولهم کلفنا
[illegible] کند افتی
[illegible] باد با خود
و بنویسد بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الشفا بسم الله
[illegible] بسم الله الذی لا یضر مع اسمه شئ
[illegible] هرکه این دعا [illegible]
[illegible]
السمیع العلیم

شر کسی شد بسم الله الرحمن الرحیم اعوذ برب الصمد
من کل عقرب و قنفذ و بس و حیة صفت هرکه این
دعا بهر تو با بندد دعا بنده نشود یا کسکی یا کسکی یا کسکی
هرکه این طلسم بر میان کلاه یا دستار بندد از بلا همه بسته شود
و هیچکس مطیع شود [illegible] دعای که
بنویسد و از سر باد بندد از برای درد سر مجرب بسم الله الرحمن
الرحیم قل بحق قل [illegible] بحق این جماد قل هو بحق قل هو
الله احد و بحق قل اعوذ برب الناس و بحق قل اعوذ
برب الفلق و بحق قل اوحی الی انه السمیع [illegible]
الجن اللهم [illegible] فلان ابن فلان [illegible] بحق این [illegible]
[illegible] و بحق کلمه لا اله الا الله محمد رسول
و بحق علی ولی الله اللهم [illegible] بحق [illegible]
الا الله محمد رسول الله علی ولی الله [illegible]
این شکل [illegible]
[illegible]
برون [illegible] تعالی

دعای [illegible]
الاخلاق [illegible]
که این شکل با خود [illegible]

| | | | |
|---|---|---|---|
| ب | ع | ح | [illegible] |
| ی | ب | و | ط |
| ا | ا | ه | ۲۱ |
| [illegible] | ح | ی | [illegible] |

و بدست چپ بگیرد هی الفتاح العلیم بدالت و اگر یکی باشد مانند ثور اسد
حل قبضه بگیرد و بشمارد اگر دو باشد مانند
بدان العزیز اگر خواهی که طالع شخصی بگیرید نام او
و مادر او بحساب ابجد بگیرد و هر از ده دوازده طرح کند
اگر یکی ماند حمل باشد اگر دو ماند ثور باشد و اگر سه ماند
جوزا باشد و اگر چهار ماند سرطان باشد و اگر پنج ماند
اسد باشد و اگر شش ماند سنبله باشد و اگر هفت ماند
میزان باشد و اگر هشت ماند عقرب باشد و اگر نه ماند
قوس باشد و اگر ده ماند جدی باشد و اگر یازده ماند
دلو باشد و اگر هر از ده باشد ماند حوت باشد والله اعلم بالصواب

بسم الله الرحمن الرحیم
بنام خدا بخشنده مهربان

ا ب ج د ه و ز ح ط ی
۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰
ک ل م ن س ع ف ص
ق ر ش ت ث خ ذ ض ظ غ

در بازوی مریض باید بست تا انکه بیرون نیاید که مجرب است

بسم الله الرحمن الرحیم
با برکت این دعا وقف عظیم او
بمریض دهد شفا یابد

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۳۰۱ | ۰۳ | ۱۵۱ | ق |
| | | مغی | ۴ع |
| لالا | ی | ات | ۹۶و |
| ده | ۱۱ | | ۱۲ |
| ۴ | ۱۱ | ۵۱ | |

من سن و بالعرش الله امیر امیر
بادوس الیوس اس باسم فلان بنت فلان

اگر خواهی بسته و بکشی بی جهل
لماس آب بر سر زن زن بزند
این دعا بر گردن ببندد

اها لها لها لها اها مس مس می عمی عمی عمی
مس مس مس مس الهتا
قدوس قدوس قدوس قدوس قدوس
قدوس قدوس ۹۹۹۹۹۹۹۹۹ لا ۹۹۹۹۹۹۹۹۹۹

اگر زن دیر زاید بنویسد بر گردن ببندد ۹۹۹۹۹۹۹
ص ص ص ص ص ص ص ص
هو هو له له اله اله اله لا
اگر کرم ملخ بنویسد در صحرا حاصل بیاویزد دفع
بسم الله الرحمن الرحیم
ن القلم
الا عباد
اگر زن شیر ندارد
این دعا را بر گردن ببندد
الا الله لا یزال هو الذی مجنون تمام شد

باب طالع حمل

طالع حمل باشد دلیل کند انکه روز شنبه بیمار شده
یا در جای نشسته و پریان رنج باو رسانیده اند و از درد
شکم نالد باید که ده روز پرهیز کند از ترشی با پانزده
روز زحمت دارد اما عاقبت خیر باشد و بیمار را او
زنجبیل و فلفل و دار زیانه شربت کند و بخورد و اسفند
سیاه در زیر دامان خود دود کند شفا یابد صاحب این
طالع هر کشی در روز پنجشنبه در ماه مقتم ماه بلا در سن لکی
و پنجاه لکی برسد و این تعویذ با خود دارد شفا یابد
و فرزند در طالع او مینماید
بسم الله الرحمن الرحیم و ان یکاد الذین
کفروا لیزلقونک بابصارهم لما
سمعوا الذکر و یقولون انه لمجنون
و ما هو الا ذکر للعالمین طالع ثور

باب طالع ثور

دلیل کند که روز یکشنبه در جای ناسر خفته
[illegible] رسانیده اند [illegible]

مسلمان اگر مسلمان نبود کافر او را هلاک کرده برد
کردن او درد میکند و همه اندام او درد کند کاه خوش و کاه
ناخوش و پنج روز است بیقرار است در زحمت او ده روز
باشد و در میانه [illegible] او طلا شیر و کل سرخ و کشنیز در شیر
نجی کند بخورد و فرزند در طالع او مینماید و صاحب
این طالع از درد کردن و درد شکم و درد کتف بمیرد
و هر کشی هم در روز او پیش در میانه ماه بلا و این تعویذ
با خود دارد شفا یابد بسم الله الرحمن الرحیم و
حیا باحی و بحق نوح پاک و بحق توراة
و انجیل و زبور و صحف و فرقان حضرت
محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم و [illegible]
در سن لکی و پنجاه لکی و چهل از پنها بکذرد
بهشتاد برسد

باب طالع جوزا

هر لکس
که بطالع جوزا باشد دلیل کند که روز شنبه

زحمت شنجی از جنی برود جادو کرده است پانزده
روز زحمت دارد و دارو بادی زنجفیل و دال چینی و جوز
معجون کنند بخورد و صاحب این طالع علت بلغم بهم
رسد شنبه پانزدهم ماه قیران دارد و یازده فرزند
در طالع او مینماید خطر عمر او در هفت سالگی و پنجاه
سالگی جهد از بینها بگذرد به هفتاد برسد و این تعویذ
با خود دارد شفا یابد بسم الله الرحمن الرحیم قل
هو الله احد الله الصمد لم یلد و لم یولد و لم
یکن له کفوا احد هر انکس که بطالع سرطان بخو
[illegible] دلیل کنند که روز شنبه بیمار شده جنی اعتاب در
عقرب ایذا او [illegible] نیکوی برسد و بیماری او اندر دلتنگم
از دو زحمت هفت روز باشد یا هفتاد روز جهد از بینها
بگذرد شفا یابد و از طعام ترش پرهیز کند صاحب
این طالع مرگش در روز شنبه باشد در دهم ماه

~~[illegible]~~ چهارده

و چهارده فرزند در طالع او مینماید در یک از دو سالگی
و چهارده سالگی و پنجاه سالگی و جهد از بینها بگذرد به هشتاد
برسد و این تعویذ را با خود دارد شفا یابد بسم الله الرحمن الرحیم
یا نور السموات و الارض یا عفو یا ودود یا حنان
یا منان یا دیان یا برهان یا سلطان یا غیاث یا
دایم یا غنی یا ذو الجلال و الاکرام باب طالع [illegible]
نکس طالع او [illegible] باشد دلیل کنند که روز شنبه در زیر درخت
مانند ابری [illegible] او [illegible] رسیده درد او [illegible] دکا
خوش دکان [illegible] باشد و رنج او سیزده روز باشد و دلتنگ
او در [illegible] صندل با انار شربت معجون کنند بخورد
نیک شود و هشت فرزند در طالع او مینماید و [illegible]
[illegible] بیمار و [illegible] او در یک سالگی و [illegible] سالگی جهد
از بینها بگذرد عمرش به صد سال برسد و این تعویذ را
با خود دارد شفا یابد بسم الله الرحمن الرحیم الحنان
المنان بدیع السموات و الارض یا ذو الجلال

والاکرام و بعزت الله بحق جمله انبیا و مشتاقین
انتقال ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین و لا یزید الظالمین
الا خسارا [illegible] هر آنکس که طالع
سنبله باشد [illegible] رسیده زحمت او ده روز باشد و
از چشم زخم بود رسیده و قدری خاک چهار راه در آب
ریزد و این تعویذ را در آب انداز و هفت مرتبه از آن
آب بخورد شفا یابد [illegible] رسیده صاحب این
[illegible] هر روز صبح بخورد و از [illegible] آب
باید [illegible] غسل [illegible] در طالع او [illegible]
[illegible] در پنجاه یکی و نوزده سالگی و چهل یکی [illegible]
[illegible] صاحب طالع [illegible]
در [illegible] شکم [illegible] روز او [illegible] شفا دارد
بسم الله الرحمن الرحیم یا حنان یا منان یا دیان
یا سبحان یا سلطان یا ذو الجلال و الا
کرام یا حی یا قیوم یا حکیم بکل شیء یا علیم
یا [illegible]

یا [illegible] یا رحیم هر آنکس که بطالع میزان آید دلیل
کند [illegible] در روز دوشنبه و در آب [illegible] بریزد
[illegible] و آن هفت اندام نالد زحمت
او ده روز باشد از خاک چهار راه [illegible] در
[illegible] انداز [illegible] و زنجبیل و [illegible]
[illegible] بخورد [illegible] در طالع او [illegible]
و صاحب این طالع [illegible] درد شکم و درد دل و درد ناف
[illegible] روز سه شنبه باشد و در سه سالگی و بیست
سالگی و پنجاه سالگی و پنج [illegible] سالگی [illegible]
[illegible] دعا را [illegible] شفا یابد
بسم الله الرحمن الرحیم یا ذو السلطان العظیم
یا ذو المن القدیم یا ذو الجلال و الاکرام یا حکیم
یا علی یا علیم هر آنکس که بطالع عقرب زاید [illegible]
دلیل کند [illegible] روز شنبه [illegible]
[illegible] دوشنبه دارد [illegible]

یا هشتم روز یا پنجم ده روز باشد و از خواب برخیزد
و دهن او تلخ مزه بود و خواب بسیار بیند اما فراموش کند
و بیماری او بیشتر از خون بود و علاج چنین کنند درست باشد
و دارویی وی فلفل و گل سرخ و زنجبیل با هم معجون
کنند بخورد شفا یابد و در تمام زن تمام سقند درد
کنند و اگر فرزند در طالع او بیاید صاحب طالع
مرگش در روز سه شنبه در پنجم ماه باشد خبر با عمر او
در هشتاد سالگی دهند و اگر بگذرد و سی و پنج سالگی چنین
از بیماری بگذرد عمر او به صد سال برسد [illegible]
تعویذ او با خود دارد بسم الله الرحمن الرحیم
بسم الله الشافی بسم الله الکافی بسم الله المعافی
بسم الله الذی لا یضر مع اسمه شیء فی الارض ولا فی السماء
وهو السمیع العلیم هر انکس که بطالع قوس
باشد نشیب بود و ابر کند در دیوار دارد [illegible]
[illegible] باشد و ادویه او [illegible] زنجبیل و
دال جیم

دال جیم در عسل معجون کند بخورد شفا یابد و از سر بای
آفتاب نول رسیده باید که مرغ سیاه ذبح کند و ابخ [illegible]
بر نویسد با خود نگاه دارد تا از همه بلاها ایمن گردد
از [illegible] و از [illegible] و نیکو [illegible] و ماده ام [illegible]
دور کند از برای چشم زخم نافع است و باشد و
فرزند در طالع او بیاید و خبر از او در هفت
سالگی و به سی سالگی چنین از اینها بگذرد عمر بصد برسد
و تعویذ اینست بسم الله الرحمن الرحیم الله لا اله
الا هو الحی القیوم وقد خاب من حمل ظلما و ننزل
من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین
ولا یزید الظالمین الا خسارا یا العلیم والعالم
بکل شیء یا حی یا قیوم یا بدیع السموات
والارض یا ذو الجلال والاکرام باب
طالع جدی هر انکس طالع او جدی باشد
خانگی بود و میل کند که طعام خوش خورد

علت معده دارد جایگاه نالش اشنه آب خورده
دل و دل شستن میشود بیماری او از گرمی و صفرا بود علاج
انجم ریحان با عسل معجون کنند بخورد شفا یابد خانه
هرکس در روز سه شنبه بوا اندر درد دل و درد شکم
باشد این تعویذ را با خود دارد شفا یابد بسم الله الر
حمن الرحیم بسم الله الشافی بسم الله الکافی
بسم الله المعافی بسم الله الذی لا یضر مع ا
سمه شیء فی الارض ولا فی السماء ۲۱۵۶۱۵۱۲
باب طالع هرانکس طالع او دو تو باشد دلیل کند
که احل او بسیار بود رسیده و زن ئه زحمت یابد
زند خشم تا سیزده روز زحمت دارد داروی وی
سجفیل و دارچینی و دوا اندامش مالند و از شب
وار کوشت پرهیز کنند و صاحب این طالع خوف
هرکس در روز سه شنبه جوارح هفت اندام نالد
خیران او در یک سال الم کمی و شش ماه و سیزده کم
ن یکی

ن یکی و جمله الم کمی جمعه ازین تا یکنذر شیوا برسد
دوم تعویذ با خود دارد بسم الله الرحمن الرحیم
و ننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمومنین
ولا یزید الظالمین الا خسارا العیاذ یا الله
لا اله الا الله انت وحدک لا شریک
له نشهد محمد عبده قل هو الله احد الله الصمد
لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد ولا
حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم ۲ صع ۱۸۱
۲ ۱۱۱م ۱۱۱۱ باب طالع حوت هرانکس که طالع
حوت زاید این دلیل کند علت کرده اکنون
درد سر دارد از شکمش ناله میکنند از پا خنده دارو
او زنجبیل در سیاه شربت کنند بخورد دیعی روی او یا شر
ده روز باشد قیدران او در سال الم کمی و شش ماه یکی
دو دوازده ن یکی و سی سال یکی جمعه ازین ها یکنذر
شیوا برسد عع ابنسا بسم الله الرحمن الرحیم

تحرزني من الغلبة الكواكب التي على القامعة
واشهد الله رسول الله سيده دخل له من قوة
والا بدعاء ... امير المؤمنين ٢
عليه ... والله اعلم بالصواب
تمام شد الدعا چله کردن اگر چله مرده باشد
از هفت قبر خاک برگیرد و بر هر خاک قبر یکبار این دعا یکی
دعا بخواند بدمد و در میان کاسه آب اندازد
و بر سر چهار سر برد و با قبر دیگر که سه روز ناشتا بخورد
و اگر چله زنان باشد بر هفت رنگ ابریشم بر
هر رنگ یکبار بخواند و بدمد که روز چهارشنبه
یکروز تا چهل بندد تا چهارشنبه دیگر و روز که حال
و اگر بند و بر ابریشم که چهل کارد ریزه ریزه کند
در میان آب اندازد و بر سر چهار سر برد و قند زیل
سه روز ناشتا بخورد و اگر چله سگ باشد
هفت تار موی سگ ماده که گرفته ابند ...
بر هر موی

بر هر موی یکبار بخواند و بدمد و در میان آب اندا
ختنه در روز چهارشنبه بر سر چهار برد بسم الله الرحمن
الرحیم من هول اخذ و عاطه من شر ما
فی عله و تبتر بسم الله الشافی ان الشا
فی غیر الله واعوذ بعزة الله ... من
احتل ... یا غیاث المستغیثین ا
غثنی یا ودود یا ذو العرش المجید
احفظنی من کل بلاء و بلیة یا ارحم الرا
دم چله فلان ابن فلان و بحق مهر سلیمان
ابن داود علیه السلام اگر چله ... باشد
این دعا بر هفت رنگ ابریشم یا پنج چهل بار بخواند و چهل
گره بندد و بر سر چهار بندد تا چهل روز بعد از آن یکجا
آب بیاورد و ... کارد ریزه ریزه و در آب
اندازد و نان بدو غسل کند تمام شد

سود این آیه را در زیر زبان گرفته با هرکس سخن گوید راست
وسیقرار کردد وتاکلون التراث اکلا لما وتحبو
ن المال حبا جما از برای محبت نوشته با خود دارد
اگر کسی خواهد که شب خواب زود اید

| | | |
|---|---|---|
| ۱۵ | ۲ | ۱۳ |
| ۱۴ | ۱۶ | ۱۹ |
| ۱۹ | ۱۲ | ۱۵ |

حروف را نوشته با خود دارد ک طاغ
له قوه هع اگر خواهد که زبان خصم بسته
شود این اسم را در زیر زبان گیرد با خصم گوید یا شکهلینا یا
نوع دیگر هرکه این دعا در
شلیفاه ااا قم //// اااا هو
سرمه بخواند در چشم کشد هرکه او را بیند مطیع او گردد
عزیز باشد بسم الله الرحمن الرحیم لقد جاءکم ر
سول من انفسکم عزیز علیه یا رب العرش
العظیم اهیا شراهیا یا ذو الجلال والا
کرام اگر خواهد از کسی چیزی طلب کند و او صفا
نکند این دعا نوشته در موم پیچد و در زبان نهد
هر جا او طلب کند صفا نکند و صوصل
اخی حبیبی لا اخی حانی فی د... ینه
ملکه

ملکه و بقایه فلان ابن فلان هرکه خواهد که دختر بزرگ
دما در و پدر او حاضر نشود باید این کلمات را بنویسد
ربا خود دارد تا حاضر شود بسم الله الرحمن الرحیم
اسمع یسمع لا لا ۱۱۲۱۹ عه ح۹۱۱۱ه ط۹۹۸ ع
مصح یح مسمح ع طاع ۱۱ اگر خواهد به نصیب
کسی بند به بیابنت خاک از زیر پای آنکس بردارد
وابن سوره را هفت بار برآن بخواند و آن خاک را به بار ده نصیب
او بسته شود در روز پنجشنبه مجربه است ولقد فتنا سلیما
والقینا علی کرسیه جسدا ثم اناب
سبحانک یا لا اله الا انت یا رب کل شیء و وارثه
یا الله یا الله یا الله یا محمود کل فاعل زایع راصد
من کل آفه یقدس یا کریم فلا یا قرشی کل شیء
فی الارض ولا فی السماء وهو السمیع العلیم یا احنا
انت الذی وسعت کل شیء وعلم یا ق منا
اجیبوا داعی الله عزائم فلان ابن فلان عزمت علیکم
یا معشر الجن بارواح شیاطین وبحق شمعون

نقدی تتوه یاه ندارد

و بحق آله طسین میم و بحق طسین و بحق یس و بحق
ق و القرآن المجید یا قومنا اجیبوا داعی الله اجابت
کنی و منقر شید و مطیع گردانید و کار ما و مراد ما برآورید خبر تا
خبیر بفرمان خدای عز و جل شجع شجع یا حی یا حی شراهیا
شراهیا منا و نبع الباطل البنجل قل اوحی الی انه استمع
نفر من الجن فقالوا انا سمعنا قرآنا عجبا یهدی الی الرشد فآمنا
به و لن نشرک بربنا احدا و انه تعالی جد ربنا
ما اتخذ صاحبة و لا ولدا السلام علیکم یا ملک الارواح
ملائکه بنده گیر مبارک ندنها خوش آمدید و صفا آوردید و کنا حی
دبرده ببر فلان ابن فلان گناه در نده است لله لله
نظر نمایید و از سر گناهان او درگذرید بیعت جهان بیعت الست
حضرت سلیمان در دنت فلان بیعت کرده است و ما بیعت
امه درست داریم بسم الله جبل جبائل ملک قهار منلا
شما را باکمالی یا نصر نیا شما که پاکانید شما را کنانید
شما آوردید بحق ال خصمان فلان ابن فلان از یک دو ده
ته از لشکر

... از لشکر باغ شما حاضر زند و غایب الله حاضر زند ... و بنده ...
نکر بیرند و بحق ان نامیر که آدم خواند صفی الله گشت نوح خواند
نجی الله گشت و موسی خواند کلیم الله گشت و عیسی خواند روح الله گشت
و ابراهیم خواند خلیل الله گشت و حضرت سلیمان خواند خلیفه روز مین
گشت خبیرا خبیرا و بفرمان خدای عز و جل یا معشر الجن والانس
ان استطعتم ان تنفذوا من اقطار السموات والارض
فانفذوا لا تنفذون الا بسلطان اخرج بعزة الله اخرج
بعزة الله اخرج بعزة الله اخرج و بحق جان بن جان و بحق
دیو و پریان و بحق توراة موسی و انجیل عیسی و زبور داود
و فرقان محمد المصطفی صلی الله محمد و آله اجمعین برحمتک
یا ارحم الراحمین ... عزایم دلیل ...
... الله ... العظیم یا ... العظیم هلشانی
... حیا
... قادر و قاد ...
... الانجیل و ... قرآن و ... بنوم
... بسم الله الرحمن الرحیم ... علیکم یا
یا آیس ... احا ... مردان یا شمس
بن موالحانا ... الی منصور یا یا ... بنا

آهیر یا بوالحمن الن صیدی یا میمون آبن نیلی یا
ت نیلی ابن طاووس یا صودی یا امیر الجن وجنوتی
تانه می آیند شرعیتاً وغربیاً وبحق حضرت سلیمان ع
وبحق زبور حضرت داود ع وبحق تورات حضرت موسی ع
وبحق انجیل حضرت عیسی ع وبحق فرقان محمد مصطفی
ع عیبه تیز کلی مردم حاصل ایلین بو مریض دن
ل تسرین ال نجم خاطر الجعه بنجم خاطر الجعه
سلیمان ت نیک یا دردائیل یا سلیمان ت نیک ع
در دائیل یا سلیمان ت نیک یا دردائیل نمه

[illegible]

خاتم [illegible]



تو احضار کردن [illegible]
[illegible]

اگر جبر که یار خود را در آب بسیار ببیند بکیر قیف بخور دهد بسوا
دهد در محبت مجرب السند الف در کتاب افلاطون گفت شد اگر خواهد
کسی را بطلبد ناری باشد از عشق خدا سبفر کرد آب منی خود را
با ناخن دست و پای خود را در میان ظرف کند و در آتش نهد
وبسوزد خاکستر شرا با منی خود حل کند و در میان حلوا کند
با خوردنی دیگر آمیزد و هفت بار این عظمت ببرد بخواند
و بخورد آنکس دهد بسفر در شود اینست هارو تنا ما رو تنا آب
دادم خنک خوش تو جمله منی تشنه تو جمیع ناخن رو بنده تو
جمیع آتش سوزنده تو بهمه جمیع تو از عشق من سفر شو الکبیر بحق
آنکس که استاد دیده است و بحق آنکس که خواهد دید که حاجت
مرا روا کن بسم فلان ابن فلان علی حب فلان ابن فلان دو
وایضاً محبت هر ناخن هر دو دست خود را که خسته بسوزاند و
آنرا با نبات بخواند مطلوب دهد محبت بسیار الف مجرب است
ناخن یار خود را بسوزاند و بخواند و عداوت بسیار
دیگر هر که این لوح را با خود نگاه دارد الحمد
از جمیع آفت ارضی و سمایی در امان حفظ باشد
دلملک لا الا الله

| | | | |
|---|---|---|---|
| ط | ی | ف | ح |
| ی | ح | ط | ف |
| ف | ط | ح | ی |
| ح | ف | ی | ط |

قوت که دم محمد رسول
الله بنده گردم بحق
خواد بحق مصطفی و بحق
[illegible]
[illegible]

حساب ابجد بیان بینت ا ب ج د ه و ز ح ط ی
١ ٢ ٣ ٤ ٥ ٦ ٧ ٨ ٩ ١٠
ک ل م ن س ع ف ص ق ر
٢٠ ٣٠ ٤٠ ٥٠ ٦٠ ٧٠ ٨٠ ٩٠ ١٠٠ ٢٠٠
ش ت ث خ ذ ض ظ غ
٣٠٠ ٤٠٠ ٥٠٠ ٦٠٠ ٧٠٠ ٨٠٠ ٩٠٠ ١٠٠٠
جمع خواهر که طالع ببینی او بیرون آوردن باید
که بحساب کرده دوازده طرح کند اگر یکی ماند حمل باشد

اگر دو ماند ثور باشد — در برج خاکی
اگر سه ماند جوزا باشد — در برج بادی
اگر چهار ماند سرطان — در برج آبی
اگر یکی ماند حمل باشد — در برج آتشی

اگر پنج ماند اسد باشد — در برج آتشی
اگر شش ماند سنبله باشد — در برج خاکی
اگر هفت ماند میزان باشد — در برج بادی
اگر هشت ماند عقرب باشد — در برج آبی

اگر نه ماند قوس باشد — در برج آتشی
اگر ده ماند جدی باشد — در برج خاکی
اگر یازده ماند دلو باشد — در برج بادی
اگر دوازده ماند حوت باشد — در برج آبی

٤
[illegible] که [illegible] رسیده باشد
حمل در بیان سنبوران
[illegible] و درد دل باشد ثور [illegible] درخت نوکرده
[illegible] درد بازو و درد استخوان باشد جوزا بصورت مار خورده
[illegible] و شکم و درد [illegible] باشد سرطان سر [illegible] و درد [illegible]
[illegible] درد سینه و [illegible] باشد اسد [illegible]
[illegible] که [illegible] عاشق شده درد

معده و درد پشت و درد زانو باشد سنبله چشم بد رسیده در شکم و درد
زانو باشند میزان در نیم روز [illegible] خود او نشسته آسیب رسیده
درد و [illegible] بول کرده و درد [illegible] شده درد کمر و ساق [illegible] باشد
عقرب افسون کرده اند [illegible] بسته اند درد [illegible] و ناف [illegible] باشد
قوس آب [illegible] مانده [illegible] برابر [illegible] کرده [illegible] درد پیشانی
و درد دل باشد جدی درد سینه و درد شکم باشد دلو درد زیر پای [illegible]
چهار [illegible] بول کرده و آب دهن انداخته درد پشت و درد تمام اعضا باشد
حوت در جای خوابیده و پای [illegible] بالای [illegible] گذاشته شده درد
و درد شکم و قدمگاه باشد
حمل بدانکه هر مرد که بطالع حمل [illegible]
در برج آتشی [illegible] [illegible] طبع او گرم [illegible]
خشک است و صاحب طالع مرد نیکو روی و نیکو خوی [illegible]
[illegible] و صاحب طالع [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

باید که در صبح بادام بر سر بمالد و از سود اکثر فایده بسیار بیند قوس خانه
سفر بود دلیل کند که در سوار شدن تیر نیک بود و در پیش بزرگان و سلطانان
با حرمت باشد و هر چیز طلب کنند بیابد باید که همیشه طومار و تعویذ با خود
نگه دارد تا کار او نیکو شود جدی خانه دشمنان بود دلیل کند که دشمنان
او بسیار باشند اما بر او دست نیابند دلو از چهار پایان روزی مند بود و از روز
یکشنبه و یک شنبه از کار بود هر کاری که آراده کنند به اتمام برسد و قران
عمر وی بیک سالگی و شش سالگی و بیست و پنج سالگی و چهل سالگی
بود جمع از این قرانات که بگذرد بهشتاد و نه سال برسد و جمع [illegible] کنند
باید هر روز به نیت نگاه کنند تا [illegible] بر و مبارک شود ان شاء الله تعالی طالع ثور
هر مردی که بطالع ثور باشند در برج خاکی و در ستاره زهره باشد دلیل کند
که [illegible] باشد [illegible] باشند سرخ روی و نیکو صورت و فراخ روی
[illegible] دنیا در گردن نشانی دارد [illegible] نشان دولت باشد و مرد دانا و اهل
باشد [illegible] با خیانت [illegible] اگر یک پول از مال مردم خیانت کنند
[illegible] صاحب این طالع باغ و بوستان نیکو بود
[illegible] دوست دارد و در نیت بخیر بود با همه کس خیر او برسد و از
[illegible] شنبه و یکشنبه بر و نیک بود هر کاری که آراده کنند به اتمام برسد
[illegible] از حور بال بهشت در خواب بیند و باید که با کسی ظاهر نکند
[illegible] دلیل کند که زندگانی دراز بود و مرد شرمگین
[illegible] این طالع [illegible] خداوند [illegible] که از خلقان

خلقان

که از خلقان عزیزتر باشد اگر صاحب این طالع زن اول [illegible]
دلیل کند که سه زن بگیرد و دو یکی زن هیبت بود [illegible] عمر خود
[illegible] و صاحب این طالع [illegible] بسیار باشد و صاحب این طالع اگر در
غربت افتد رنج بسیار کشد دلو خانه سلطانان بود در پیش بزرگان صاحب
آبرو باشد و در آخر عمر مال بسیار بدست آرد و باید از آدم سرخ موی ازرق پرهیز
کند و [illegible] فرزند در طالع او باشد اما آفت [illegible]
باشد و قران عمر وی [illegible] سالگی و [illegible] سالگی [illegible] باید که همیشه
دعا و طومار با خود دارد [illegible] خصم [illegible] حق تعالی [illegible]
طالع جوزا هر مردی که بطالع جوزا باشد [illegible] سرخ و سفید [illegible] و فراخ
چشم و دراز بالا و بلند بینی و با [illegible] اندام و هر دو [illegible] و نیکو قدم [illegible]
بخت و بر دست [illegible] نشان [illegible] باشد و هر جایی که [illegible]
[illegible] و از روز [illegible] شنبه [illegible] مبارک [illegible]
و صفت زندگانی او دراز بود و مال بسیار جمع کند و از [illegible]
خانه زنان بود دلیل کند که [illegible] فرزند [illegible]
فرزند [illegible]
[illegible]
[illegible]

نکند و عمر [illegible] کسل بهم رسد و از چهارپایان روزی مند باشد و [illegible]

در بهار در کمر [illegible] نا غسل بخوردن نافع باشد ان شاء الله تعالی میزان

هر مردی که طالع میزان باشد در برج بادی است و دوستدار زهره در طالع [illegible]

علیه باشد و از زن بار روز زاد نیز بهره نیک بود هر کاری که اراده کند به تمام برسد

و صاحب این طالع از زن و فرزند روزی مند باشد و از [illegible] سفرها سود منفعت یابد

دلیل کند که [illegible] در خواب زیارت جناب پیغمبر صلعم را زیارت کند که عمر او دراز

باشد و در چشم مردم عزیز باشد [illegible] و پنج [illegible] زندگانی کند عقرب

خانه مال باشد دلیل کند که مال بسیار جمع کند [illegible] بیرون [illegible]

بیرون باشد و صاحب این طالع دلیل کند که از زیاده [illegible] باشد

[illegible] از درد شکم باشد [illegible]

[illegible] دلیل کند [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ان شاء الله تعالی عقرب هر مردی که طالع عقرب

باشد طالع [illegible] باشد در برج بادی است و طبع او سرد و تر است [illegible]

[illegible] طالع شخص [illegible] آشفته طبع [illegible]

[illegible] خوش [illegible] خوب رو [illegible] رفتار

[illegible] روز [illegible] ماه رجب [illegible]

که بکند به اتمام برسد و صاحب این طالع [illegible] باشد

البته و البته که [illegible] باشد هرگاه که صفت زندگانی [illegible]

دراز باشد و مال بسیار جمع کند و در روز [illegible] فراخ باشد جدی خانه

برادران و خواهران بود دلیل کند که از ایشان خیر [illegible] بیند [illegible] در

نکاح آورد دلیل کند که از ایشان [illegible] بسیار بیند و از یکی زن

سیاه چهره فایده با و بسیار رسد و از سفر روزی مند باشد و در پیش بزرگان

و پادشاهان عزیز و محترم باشد حمل خانه امید سعادت بود دلیل کند

که هر چیزی که از خدا بخواهد باور رسد و کار او [illegible] میزان خانه دشمنان

باشد دلیل کند که بیشتر دشمنان او از خویشان [illegible] باشد که [illegible] باشند و از

چهارپایان روزی مند باشد [illegible] باید [illegible]

مبارک گردد و در بیماری باید معجون [illegible] بخورد تا [illegible] نافع باشد

و خوف [illegible] باشد جمله

از این [illegible] بشود [illegible] ان شاء الله تعالی

طالع قوس هر مردی که طالع قوس باشد طالع [illegible]

است در برج آتشی است و در [illegible] مشتری [illegible]

[illegible] فراخ

باشد و از [illegible] رجب [illegible] روز چهارشنبه و پنجشنبه [illegible]

باشد صفت زندگانی او دراز باشد و از چهارپایان [illegible]

و مال بسیار جمع کند و دلیل کند که او حرام خورد و نعمت زود از کف دهد
چون جنایت کند مصدع بود یا و خبر برسید و از هادر وید بکند روز سه
باشد و نیستی باشد بنکاح آورد و فرزندان ولی بسیار باشد دلیل
کند که بیشتر سفر باشد و در خمیشم با نعمت باشد و از سفر روزی
مند باشد و از آب باید حذر کند که قربان ولی در آب باشد و قیران
عمرش اول سالم گیر و بیست و سال گیر باشد جمیع از این قیرانات
بگذرد عمرش به صد سال برسد انشاء الله تعالی — حمل اگر مردی
که طالع جدی باشد مرد بلند و لاغر بالا و گشاده پیشانی و طبع و ریش دو تیر
باشد و صاحب این طالع مرد فراخ دست و صاحب خیر باشد و از معصیت
و زر اعتبار دور و نیکو باشد و منفعت بسیار بیند و با مردم خوش خلق
باشد دلیل کند که مال بسیار به دست آورد از دست ولی برود حمل خانه گنج
مال باشد دلیل کند که از این طالع فایده نه بیند سرطان خانه زن بعد از دلیل
کند که سه زن به نکاح آورد و از زنان روزی مند باشد و فرزندان او بسیار
و نیکان باشد چو که مقدر بر بیابان سیر وی باشد باید از جهت فرزند دعا اسم اعظم
نگه دارد تا از شر خصمان در امان باشد سنبله سفر کردن ولی نیک بعد و صاحب
دولت شود و دو شمنان ولی بسیار باشد باید که از چهار پایان حذر کند
تا ضرر با وی نرسد جمیع معالجه کند باید برود ریش سبله نگاه کند تا و ما نبرد و مبادا
شکست خورد حوت خانه دو بهشتی گیرد و در روز جمعه باید کرد که مبارک است
و نحس حول ... باشد

باشد جمیع از این قیرانات بگذرد عمرش شود سه چند بگوید انشاء الله تعالی
دلو هر مردی که طالع دلو باشد طالع جناب امام حسین علیه السلام
باد بست خانه که طبع و کرم تر است و شخص بعد از دراز بالا و باریک اندام
و سفید پوست و سیر ساق با یا بر دست نشان دارد و ریش نه بسیار کشیده
باشد و مرد زیرک و ستوده کردار باشد و به سر وی جراحت رسیده یا برسد
باید که با ستر نگذرد و مال بسیار به دست آورد و با خلقان نیکو باشد و سفر
کردن و بر نیک بعد و در سوی مشرق و از روز تا روز چهارشنبه و جمعه بیرون
مبارک بود و هر کاری که اراده کند به اتمام برسد و صاحب این طالع سو
تجارت نیکو بعد و فایده بسیار باشد دلیل کند که بنده کمانیر ولی دراز
باشد حمل خانه برادران و خواهران و قوم ما باشد دلیل کند که نسبت بر روزی
مند باشد دلیل کند که سه زن به نکاح آورد و فرزندان ولی بسیار باشد و از پیر و زندان
دلیل باشد جدی خانه دشمنان بعد دلیل کند که دشمنان ولی بسیار باشد و
بیمار بر وی بسیار باشد و از درد سر و از درد شکم نالان باشد و قیران عمر وی
سالم گیر و سال گیر باشد جمیع از این قیرانات بگذرد عمرش
سال برسد بگو انشاء الله تعالی — حوت هر مردی که به طالع حوت باشد
در طالع یونس پیغمبر و در برج ابلیست و در ستاره مشتری و در آسمان
شسشم مشابه طبع ولی سرد و طر است و مرد صاحب خیر باشد و از
حرام خوردن دور باشد و حرام او را نسزد و دلیل کند اگر ...

شهادت کند صد ... بد و زر برسد و صفت زنده که اثر وی دراز باشد و باید
که همیشه پیش طومار و تعویذ بنا باشد چرا که دشمنان وی بسیار باشند تا بر و ظفر نیابد
بلند و مال دنیا بسیار بدست آورد و از اهل برادران و خواهران و قومان رنج بیند
بنا شد سرطان خانه زن و فرزندان باشد دلیل کند که دو زن به نکاح آورد
و فرزندان وی بسیار باشد دلیل کند که فرزندان وی را آفت بر جان باشد باید
که همیشه دعا چشم زخم بر فرزندان نگه دارد تا فرزندان وی را خدا به [illegible]
اسد خانه بیماری [illegible] دلیل کند که بیماری وی از درد سر برخیزد و سینه [illegible]
بگیرد عقرب خانه سفر باشد دلیل کند که در سفر روزی مند باشد و صا[illegible]
دولت شود بشرط که حق را داشته باشد دلیل کند که از سلطانان
و از بزرگان روزی مند باشد و دشمنان وی از اهل خط [illegible] باشند و [illegible]
[illegible] سال [illegible] وصیت [illegible] باشد [illegible]
[illegible] سال [illegible] برسد بگو انشاء الله تعالی
[illegible] و [illegible] هست از جناب سلیمان پیغمبر علیه السلام
[illegible] که تا موکل ستاره [illegible] را حاضر کردند و موکل [illegible]
[illegible] پس جواب سلام [illegible] شنیدند و حضرت فرمودند
[illegible] نام تو چیست و مقام تو کجاست گفت و عرض کرد که یا
[illegible] الله نام من محمود است و جای من در [illegible] و [illegible]
[illegible] تا [illegible] یا زیر درخت تاک سبز باشد هر کس که در اینجا [illegible]

نام [illegible] خدا تعالی [illegible] بزبان [illegible] و طومار و تعویذ با خود نداشته باشند
ببرد [illegible] یا هم و آفت رسانم [illegible] آفت [illegible] که [illegible] او را
ببرد [illegible] و لب دهند او [illegible] و قوت از دل او ببرد [illegible] اگر زود
علاج نکنند او را هلاک کنم پس حضرت فرمودند که علاج او چیست
[illegible] عرض کرد یا رسول الله [illegible] اگر [illegible] یک گوسفند سفید
[illegible] کنند و گوشت او را [illegible] خیرات کنند و سر و پای او را دفن کنند
[illegible] او دعا بنویسند در زیر دامان [illegible] کنند با قدر [illegible]
[illegible] و اگر [illegible] باید که یک مرغ [illegible] کنند و با خون او دعا
بنویسند و سر و پای او را دفن کنند و یک من گندم صدقه دهند [illegible]
در [illegible] زیر درخت سبز [illegible] کنند و این دعا بنویسند با [illegible]
[illegible]
بسم الله الرحمن الرحیم یا معشر الجن
والانس ان استطعتم ان تنفذوا من اقطار السموات و
الارض فانفذوا لا تنفذون الا بسلطان [illegible]

یا حنان یا منان یا رئوف یا سبحان یا ذوالجلال والاکرام
برحمتک یا ارحم الراحمین
تو حضرت فرمودند [illegible]

[illegible] موکل ستاره تو را حاضر کنند و پریان رفتند و موکل تو را حاضر کرد
خدمت حضرت رفتند سلام دادند جواب سلام را شنیدند پس حضرت
فرمودند که ای موکل نام تو چیست و مقام تو کجاست و از زمین بنده
[illegible] عرض کرد که یا رسول الله نام من ارغیا [illegible]
[illegible] من در خانه تاریک و بر سر آب روان یا به زیر درختان
[illegible] بجا آید پس نام بزرگ خدا تعالی به زبان [illegible]
[illegible] و تعویذ با خود دارد [illegible] باشد بروی دست یا پا [illegible]
[illegible] آنست که [illegible]
[illegible] را تمام بدرد آرم و [illegible] او را ضعیف
دست و پای او را کج کردانم و سر و چشم وی
[illegible]

کرد یا رسول الله قدر [illegible] خالص جمع کنند و بیارد که تو نگر باشد
باید گوسفند یک رنگ بکشند و گوشت او را خیرات کنند و با خون
او دود [illegible] بسیند و سر و پای او را دفن نماید و دود دست [illegible] همراه
بوی خوش [illegible] در بالای سر آن دود کنند و عزیمت بخوانند و دیگر
پنج من نان و پنج من نمک و پنج زیره که با [illegible] صدقه دهد اگر
بیچاره باشد باید پنج نان و پنج سیر نمک و پنج [illegible]
خیرات کنند [illegible]
دفع کنند و دعا بخوانند [illegible] دعا [illegible] نوشته با خود دارد [illegible]
[illegible] خلاص شود [illegible] شفا یابد ان شاء الله تعالی [illegible]
تعوذ بالله منها بسم الله الرحمن الرحیم [illegible]
[illegible] النوایب کل هم و غم
سینجلی بعظمتک یا الله [illegible] یا محمد [illegible]
لا [illegible] یا علی یا علی یا علی [illegible] حضرت فرمود که
[illegible] حاضر کردانیدند [illegible] سلام کرد و جواب [illegible]
شنید پس حضرت فرمود که [illegible] نام تو چیست و مقام

توکجاست وازین بندهٔ خدا چه میخواهی پس عرض کرد که یا رسول الله
نام من عجاگوس و جای من در گورستان و در زیر درخت سبز و در خانهای
خالی باشد هر کسی که بدینجا آید نام بزرگ خدای تعالی را بزبان
نراند و طومار و تعویز نداشته باشد بیرون دست پایم و آفت رسانم
نشانه آفت آنست که در دسر بیرون افکنم و بزنگ به بزرگ کنم هر
که بیند بترسد حضرت فرمودند که علاج این بنده چه باشد تا از شر
خلاص شود عرض کرد که یا رسول الله اگر توانگر باشد گوسفند
و گوشت او را بفقرا بدهد و یا خروس او دود کنند و عزایم بخوانند و در
نان و پیچ و نمک و پیچ زرد گیر یا سی خیرات کنند و اگر بیچاره
مرغ زرد و یا کفتر ذبح بکند و گوشت او را صدقه کنند و تا توفیق
دارد بنویسد و بسر بیمار دود کنند و دعا بخواند و یک من نان
صدقه کند یا یک کفتر یا سیاه اگر بیچاره باشد یک نان و یک و جب
بر سر گذارد و صبح پیش از نماز بر سر راه گذارد هر کسی که خواهد
این دعا بنویسد با خود نگاه دارد و دود سیاه اسپند
و خود دود کنند تا از شر من خلاص شود و شفا بیابد بگو آن دعا
را بنویسد
بسم الله الرحمن الرحیم

نام عطاء و ملحق آنا ... ناعوعاً غفق عش وماء المطهر و قوا
... بکم الذی خلق السموات و الارض اجیبی صاحب
کتاب بحق توریة موسیٰ و انجیل عیسیٰ و زبور داود
و مصحف ابراهیم و فرقان محمد صلی الله علیه و آله و سلم
اااا قم ... اا ... ق سرطان حضرت فرمودند که تا موکل سرطان
حاضر کنند پیر یان رفتند و حاضر کردند پس موکل را نام توچیست و
تمام تو کجاست و ازین بندهٔ خدا چه میخواهی عرض کرد که یا رسول الله
نام عشعر پیر بلاست و جای من در کنار آب روان و در زیر درخت
و حمامها باشد نام بزرگ خدای تعالی بزبان نراند و طومار و
نداشته باشد بیرون دست پایم و آفت رسانم نشان آفت
آنست که تمام ... او را و شکم و پشت و ... و دندان
... غالب کنم و چون خواهد که بر خوار زد بسرش بگردش در ... و
دندان ... تمام ... و دلش ... باشد ...

ابروی او در کند اگر زود علاج نکند از بیم من هلاک شود پس
عرض کرد یا رسول الله اگر تو انگور باشد یک کوسفند یک
رنگ خون کند و گوشت او را خیرات کند و سر پای او
دفن نماید و با خون او دو دعا نولسید و بالای ان لسر او کند و
بخواند و چهار زغ کرباسی و چهار شب نلک در زیر گذارد شب
و فردا داره خدا کند اگر بیمار د باشد یک مرغ یک رنگ باشد
و با خون او دعا بنولسید و چهار وجب کرباس و چهار لسیر علک شب
در زیر سر گذاشته صبح دمی راه حفظ کنند و قدری خمیر از لسر تا پا
بمالند و این خمیر را چهار چراغ آب زادو از روغن خوردن در بالای
تنت خام روشن کرده بر سر راه روان یا بر زیر درخت لسر بگذارد
و چهار علم بالای چراغ را بر نهند و این دعا را با خلاص در دست
گرفتن و در گردن نهد و از بستر منزل خلاص شود و نجات یابد ان شاء الله
بسم الله الرحمن الرحیم یا هو یا هو یا هو یا من هو یا لا
هو الا هو یا نعم الهو اذ وفی اصحاب قات شاه بر تحقیق
یا الرحیم الرحمن

۱ ۸ ۱۱ ۲ ۱۱ ۲ ۲ ۲ ۵ ۵ ۲ ۱۱ ۲ ۱

۱ ۸ ۱۱۱ ۲ ۱۱ ۲ ۱۱ لا ۲ و ۲ ۲ ۳ ۱ ع لا ۱۱۱۱ ۱ ۵ ۹ لا ۷ ۹ ۱ ۹

انس ایس حضرت فرمودند که نام موکل انس را حاضر کنند
پریان رفتند و موکل را حاضر کردند و بخدمت حضرت آمد و سلام
داد و جواب سلام باز شنید پس حضرت فرمودند که ای موکل نام تو
هیبت و مقام تو کجا است عرض کرد یا رسول الله نام من ناب ایت
و جای من در باغها و بوستانها و در کنار آب روان باشد هر کسی که در این جای لم
اید نام بزرگ خدا تعالی را بر زبان نیاورد و طهارت و نیکو نکند انشبه باشد مرور
دست یا ستم و آفت رسانم تنش ذا وقت من آتش نشت که کلون و بیرا انگیزم
تا دم بپچید و سینه و اماس کند و لسر چشم و درد دارم و تن او را اگر ان
گردانم اگر زود علاج نکند از بیم من هلاک شود پس حضرت فرمودند
که علاج این بیمار و چه باشد گفت یا رسول الله اگر عنایی باشد یک کوسفند
سرخ باشد و گوشت او را خیرات کنند و سر پای او را دفن کنند و
بخوانند و با خون او دعا بنولسید و ایشان بیمار را بو خوش بالسید و او کند
و چهار زغ کرباس و یک من لسیر علک حدقه کنند و بیمار را بالای بدر و
یک کرباس کنند و تعویذ بنولسید با او دوا دفن کنند و قدری شیر

سر بالین صدقه دهد و چهار چراغ روشن کند و چهار الم بار زد در بالای
آب یا بر سر چاه یا بر زیر درخت سبز گذارد و این دعا را بنویسد
تا حق نکه دارد او را از شر و دشمن ایمن باشد انشاالله تعالی و دعا اینست
بسم الله الرحمن الرحیم یا نور السموات
والارض یا غفور یا ودود یا حنان یا منان یا سبحان
یا سلطان یا قائم یا حی یا قیوم
نصر من الله و فتح قریب
صعق علیها عن الواسع وحیم
نبی واله اجمعین الا الله محمد رسول الله علی
تا موکل سنبله حاضر کنند پس رفتند و موکل سنبله را حاضر کردند
پس بخدمت حضرت سلیمان آمدند و سلام دادند جواب سلام باز
پس حضرت فرمودند که ای موکل نام تو چیست و مقام تو کجا است عرض کرد
که یا رسول الله نام من عضریت و جای من ... ام
خانهای تاریک ... هر کس ... آید ... خدای تعالی ... نیز ...
... الیم والف ...

ت من است که تن او را ضعیف ساختم و هفت اندام وی را بدرد آوردم و قوت
از جان او ببردارم پس حضرت فرمود که علاج آن مسلمان چه باشد گفت
یا رسول الله اگر توانگر باشد یک گوسفند صدقه کند و گوشت او را خیرات
کند اگر بیچاره باشد باید که یک قدری گرده با بس و برنج شیرینی و یک من
نمک و قدری نقره خیرات کند و چهار چراغ در بالای جنت روشن کند و جنت
را در زیر ... و ... در پیش ... کند و این دعا را بنویسد با خود
نگه دارد تا از شر خلاص شود و شفا یابد انشاالله تعالی دعا اینست
بسم الله الرحمن الرحیم یا حنان یا غفران یا سبحان یا
سلطان یا حی یا قیوم یا الهی ... یا حلیم یا عظیم
یا ... ۱۱۱۱۱ ... ۱۱۱ و ۲۰ و ۱۱۱ و ...
میزان حضرت فرمودند که موکل ...
میزان را حاضر کنند ... رفتند ... و بخدمت ...
داد جواب سلام باز گشتند پس حضرت فرمودند که ای موکل نام تو چیست

مقام تو کجاست و از ین بنده بیچاره چه مجهول عرض کرد که یا رسول الله
[illegible] من سودا و غالست و جای من در رباطها و در خانه های تاریک
[illegible] آسیاب ها و حمام ها و گذر آب و سایه درختان باشد هر که که بدینجاها
[illegible] آید نام بزرگ خدای تعالی بر زبان و طومار و تعویذ نداشته باشد
[illegible] بروی دست یابیم و آفت رسانیم و زنان را آفت می رسانیم چون
او سویم گمراه شود و خیالهای باطل بخاطر او گذرد و [illegible]
[illegible] کند و دل او را قوت نباشد اگر زود علاج نکنند از بیم من هلاک شود
[illegible] حضرت فرمودند که علاج این بیچاره چه باشد گفت یا رسول الله
اگر نتواند که [illegible] روغن [illegible] کنند و با جهه این دعا نویسید
[illegible] بالای [illegible] تمام [illegible] بجز [illegible] چهار
چراغ در چهار گوشه [illegible] روشن و چهار علم بازده و بر گوشه
[illegible] روان و یک [illegible] خود [illegible] صدقه دهد و این
[illegible] نوشته با خود دارد [illegible] انشاء الله تعالی دو دعا [illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم هذا باب

هذا باب الملائکة والروح رب العرش العظیم بحق
جبرائیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل و الملا
ئکة المقربین من شر کل شیء [illegible]
[illegible] ناصیتها ان ربی علی صراط المستقیم و ان
یکاد الذین کفروا لیزلقونک بابصا
رهم لما سمعوا الذکر و یقولون انه
لمجنون وما هو الا ذکر للعالمین
و لا یزید الظالمین الا خسارا
[illegible]
عقرب حضرت فرمودند [illegible] موکل [illegible] عقرب
حاضر کردند و بخدمت آن حضرت [illegible] سلام داد و جواب سلام
باز شنید پس حضرت فرمودند [illegible] کجا [illegible] و مقام [illegible]
[illegible]

[illegible] جای من در کنار آب روان یا چشمه سار یا در حمام ها باشد هر کس که
[illegible] ای کلم الله نام بزرگ خدا تعالی بزبان نراند و طومار و تعویذ
[illegible] بسته باشد بر وی [illegible] دستش یابم و آفت رسانم نشانه آفت من آنست
[illegible] جان وی که بد ردارم و دل او را بیرم [illegible] او را بیهوش کنیم اگر
علاج نکند از بیم من هلاک شود پس حضرت فرمودند که علاج
بیچاره چه باشد عرض کرد که یا رسول الله اگر غنی باشد گوسفند
[illegible] یا گوی [illegible] باشد سر و پای او را در زیر درخت دفن
[illegible] گوشت او را خیرات کند و سه قدح باسه در زیر سر بگذارد
[illegible] صدقه کنند با خون او [illegible] دس نویسد و در زیر پای خود گذارد [illegible]
[illegible] بیچاره باشد یک قدح باسه و یک من غله و یک سیر نمک
[illegible] خیرات کند و سه چراغ در [illegible] قبرستان روشن کنند و این
[illegible] با خود نگه دارد تا شفا من خلاص شود و شفا یابد
[illegible] در دعا [illegible] بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انی
[illegible] العلیم [illegible] و [illegible] و [illegible] و [illegible]
من فضلک

من فضلک العظیم فانک تقدر [illegible] و انت علام الغیوب
[illegible] فرمودند که موکل ستاره [illegible] فوس
فوس حضرت [illegible] بسم ا[illegible]
حاضر کنند بر بیابان رفتند و حاضر کردند چنین بخدمت حضرت
[illegible] در دند و سلام کرد و جواب سلام باز شنید پس حضرت فرمودند
[illegible] ای موکل نام تو چیست و مقام تو کجاست و از چه بنده خدا
[illegible] میخواهی عرض کرد که یا رسول الله نام من [illegible] است و جای
[illegible] در حمام ها و در باطها [illegible] و در سر آب روان باشد هر که
[illegible] بر بینی یا بجای بد و نام بزرگ خدای تعالی بزبان نراند و طومار و
تعویذ ندوخته باشد بر وی دستم یابم و آفت رسانم و نشانه
آفت من آنست که رنگش زرد شود و خارش بجانش پیدا شود
و [illegible] بحرکت [illegible] که سخن نخواهد گفت و اگر زود علاج نکنند
[illegible] هلاک گردانم پس حضرت [illegible] که علاج او بیچاره چه
باشد گفت که یا رسول الله اگر غنی باشد گوسفند بکشد و گوشت
او را در راه خدا کند و [illegible] او [illegible] نویسد و سر و پای گوسفند
دفن نماید زود دل [illegible] بالای [illegible] دفن کنند و یک رخت
از بدن [illegible] [illegible] یک [illegible] نقره خیرات کنند و اگر

ره شد مرغ یک رنگ بکشند و یک قدر کرباس بچهل [illegible] سکه
[illegible] خیرات کنند و یک نان شب در زیر سرش بگذارد و صبح چهار
[illegible] بچهار سگ دهد و این دعا نوشته با خود نگاه دارد تا از شر
[illegible] خلاص شود و شفا یابد ان شاء الله تعالی و دعا این است
بسم الله الرحمن الرحیم وان یکاد الذین کفروا لیزلقونک
بابصارهم لما سمعوا الذکر ویقولون انه لمجنون وما
هو الا ذکر للعالمین ولا یزید الظالمین الا خسارا
بسم الله شافی بسم الله کافی بسم الله معافی بسم الله الذی
لا یضر مع اسمه شیء فی الارض ولا فی السماء وهو
السمیع العلیم حدیث حضرت فرمودند که نام موکل جدیرا
[illegible] کنند بر بیابان رفتند و او را حاضر کردند چون بخدمت
[illegible] رسید سلام کرد و جواب سلام باز گفتند پس حضرت
فرمودند که ای موکل نام تو چیست و مقام تو کجاست و از بنده
خدا چه میخواهی عرض کرد یا رسول الله نام من [illegible] کنار
[illegible] در کنار آب روان و در سر قبرستان و در شبهای تاریک
[illegible] که بد بینی [illegible] آید نام بزرگ خدا تعالی بر زبان نرانند
د طومار و تعویذ

د طومار و تعویذ بگذاشته باشد بر درد و دست و پا بهم و آفت [illegible]
نشانه آفت آن اینست که تب گرم بر وی پدید شود و چیزها
به بیند به ترسد و خوابها گوناگون ببیند اگر زود علاج نکنند
از بیم آن هلاک شود پس حضرت فرمودند که علاج وی
بیچاره چه باشد عرض کرد که یا رسول الله اگر توانگر باشد گوسفند
سرخ یا بزی بکشند و گوشت او را خیرات کنند و پوست او را دود
نوبسند و سر و پای او را در قبرستان دفن کنند و دعا بخوانند و دود
را دود کنند و پنج ذرع کرباس و پنج من غله و چهار من نمک خیرات
کنند و اگر بی چیز باشد مرغ سفید (?) ذبح کنند و دو بار بنویسند و دعا بخوانند
و یک تخته کرباس و یک من غله و یک من نمک خیرات کنند و چراغ
چراغ روشن کنند و بر سر آب روان [illegible] بخورند و این دعا نوشته
با خود نگاه دارد تا از شر [illegible] خلاص شود و شفا یابد ان شاء الله تعالی و دعا
این است بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله شافی بسم الله کافی بسم الله
معافی [illegible] بسم الله الذی لا یضر مع اسمه شیء فی الارض [illegible] وهو السمیع العلیم
[illegible] اذ [illegible] سلیمان
[illegible] والیاس [illegible]

۲۱۲ ۵۵۵۱۱۱۲۲۱ و ۱۱۱۱ داح ۵ ۸ د ۱ ه ۸ ۲ ۲ ۴ ۷ ۲ ۸ م ح ۲ ۲ ۲ ۱ ا ل ح

و حضرت فرمودند که نام موکل دو ... حاضر کنند و بر پای رفتند
موکل را حاضر کردند چون بخدمت حضرت سلیمان رسید سلام
کرد و حضرت جواب سلام باز داد پس حضرت فرمودند که ای
موکل نام تو چیست و مقام تو کجاست عرض کرد که یا رسول الله
نام من عفریت است و جای من در سر چهار راه و حمامها و در زیر
سایه درختان و سر چشمهها هر کس که بدینجا بیاید و نام بزرگ
خدای تعالی بر زبان نراند و طومار و تعویذ ننوشته باشد بر وی دست یابم
... و آفت من آن است که هفت اندام وی برابر درد کرم
و سر درد و چشم و لرزه بر اندام وی افتد و بیهوش شود اگر زود علاج
نکنند از بیم ... هلاک شود پس حضرت فرمودند که علاج او را بنویسند
... عرض کرد که یا رسول الله اگر توانگر باشد باید که یک گوسفند یک رنگ
... و ... او ... بنویسد ... در زیر درخت دفن نماید
چهار ... کرباس خیرات کنند ... باشد ... یک رنگ بکشد
... او ... در زیر درخت خام ... بهم ... خوش
... اگر باشد ... دعا بخواند و چهار چراغ در سر آب
یا بر سر چاه روشن کنند و چهار ... کرباس و ... رنگه
... بر سر ... نهاده یک نان
بگذارد

یا ... این دعا را نوشته با خود نگه دارد تا از شر من خلاصی شود و شفا
یابد ... الله تعالی و دعا این است بسم الله الرحمن الرحیم اللهم یا رب
... والارض یا معشر الجن والانس ان استطعتم ان تنفذوا
من اقطار السموات والارض فانفذوا لا تنفذون الا بسلطان
... هو الاول والآخر والظاهر والباطن یا سبحان
... و صلی الله علی محمد و آله اجمعین سلعلعطم ... ۲ ع
۳۲۲ حوالة حضرت فرمودند که موکل حوالة را حاضر کنند
... و موکل را حاضر کردند چون موکل بخدمت سلیمان ع
رسید سلام داد و جواب سلام باز شنید پس حضرت فرمودند که ای موکل
نام تو چیست و مقام تو کجاست عرض کرد که یا رسول الله نام من ... و
... در ... آب روان و در سایه درختان و در حمامها و ...
... هر کس که بدانجا بیاید و نام بزرگ خدای تعالی بر زبان نراند
... ننوشته باشد بر وی دست یابم و آفت ...
... که او ... در ... و تمام اعضای وی برابر درد ...
... از ... اگر زود علاج نکنند از بیم ...
... فرمودند که علاج او ... باشد عرض کرد
... اگر توانگر باشد گوسفند ... کنند و با ...
... و گوسفند ... زنده خیرات کنند و هفت ...
... و ... یا ... خیرات کنند اگر ... باشد

بابد هر عیر یک رنگ [illegible] کند و مرغ را خیرات کند [illegible]

[illegible] نویسد و یک [illegible] از [illegible] خط بانو [illegible] بهمراه یک [illegible]

و با یک [illegible] که با [illegible] همراه [illegible] و [illegible] بابو [illegible]

نانی خیرات کند و چهار چراغ در بالا [illegible] خام روشن [illegible]

[illegible] کند [illegible] سفید [illegible] و در [illegible]

محکم کند و [illegible] باشد و این دعا را نوشته با خط در [illegible]

[illegible] باید انشا الله تعالی و دعا [illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم یا [illegible] یا [illegible] یا [illegible]

بحق ابراهیم ع و اسمعیل ع و نوح ع و هود ع و شعیب

[illegible] ع و عیسی ع و محمد صلعم و بحق خاتم سلیمان [illegible]

[illegible] علیهم اجمعین [illegible]

[illegible] بگوید که اشهد ان لا اله

[illegible] لا شریک له الها واحدا [illegible]

[illegible] له [illegible]

[illegible]

[illegible]

اگر کسی زبانش گرفته باشد این دعا را نوشته در گردن آویزد [illegible]

[illegible] والتوره بسم الله الرحمن الرحیم الیوم نختم علی افواههم و

تکلمنا ایدیهم و تشهد ارجلهم بما کانوا یکسبون اگر زبان

کسی را جن گرفته باشد این آیه را بنویسد و در [illegible] او نهد [illegible] در [illegible]

[illegible] و عنده مفاتح الغیب لا یعلمها الا هو و یعلم ما فی البر و البحر و ما

تسقط من ورقة الا یعلمها و لا حبة فی ظلمات الارض و لا رطب

و لا یابس الا فی کتاب مبین بحق الله [illegible] الله الذی

انطق کل شیء و هو خلقکم اول مرة و الیه ترجعون روایت

که روزی حضرت [illegible] نشسته بود که [illegible] پای [illegible]

[illegible] سلیمان ع از وی سوال کرد [illegible] گفت [illegible]

[illegible] گفت [illegible]

[illegible] مادر [illegible] زنان [illegible] گرفتی [illegible] نتوانند

[illegible] که [illegible] تا بکر [illegible] زنان [illegible]

کرد انرا سیمات لغت جنبی بشنید که غب بگیرید او را ببندید کنیم ام صحا لغت اگر که

این جو را انرا نام را بنویسید با خود دارد و باخو بکبو شر بنویسید ابست

جلوس مرقوس ادواس جحجون ملموس فرطوس

هلوصا مخ الباو ومادن ق فروق احیوق حیقو ذا

باب زنی که بار بگیرد لیوسا این تعویذ را در بازو حب ببندد دولیدار

حیض مرد بار جمع کند ابستن شود ط ۲۷ ۱۱ ۱۵ ۱ ء ۹ ۵ ۱

قدوسهی قدوس قدوس قدوس هیا هیا هیا هیا

الملک القدوس ؤ ؤ ؤ ؤ ؤ ؤ ؤ ؤ و بحمد کلام ربی

اگر که دشمن کسی ترا باشد بنویسید بر کرد تا کو اسفند ببندد حوا بی تمیله

وتثبه وسمعه وایمنه بتوکل علیه حتی یذهر اکنه

حق عق یا لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم دعا که زن بر تعقیم

کبود و هفت بار بخواند هر بار گره بزند بسته کرد الله تعالی

بستغفر الله الذی لا اله هو الحی القیوم یا بدیع السماوات

والارض یا ذا الجلال والاکرام یا الله ارحم الراحمین از کج بار نخود و

در دوشنبه و در هشت و ده رکعت و الشنبه با شنبه بنویسید با خود دارد بسم الله الرحمن الرحیم

صحه نقی ه ا ه ا ه رهوبه تفتحه هو بس سصوس ا وله ا ا

هیا شراهیا لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم اللهم

انت لست باله اتخذناه ولا معک رب یسعد

وکیع ولا معک شرکاء یقضون معک ولا کان قبلک اله

نعوه ونعو ذبه وتتضرع به الیه وتعول

ولا اعانک علی اخلقناه من احد فنشرک فیک لا اله

الا انت وحدک لا شریک لک لا حول ولا قوة الا بالله

العلی العظیم وصلی الله علی محمد وآله محمد ا مثل سعه

ملان بن فلان ؤ ؤ ؤ ؤ ؤ ؤ ع صنف ازار

ظفر کوشش درد کنند این دعا را بنویسید در بازوی او ببندد از کوفت

و درد دیو بر کند بعد از بسم الله خرجت الله الیکم بما اعطیه به

سلیمان بن داود وما اتیناه وعلم آصف بن برخیا من ابلیس و

جنود من القطرنیة الجن والقفورنیة والشیاطین

برزارض

جادو

کهلعهلج ۞ ععع ععع

حلوح ملوح وهج ص م ۞ ععع ععع

کهیعص
حلوح ملوح وهج ص م ه ااا م لا اااا هی

جمعسوط ه بحسب یا ارحم الراحمین در ای سفال بنویس

در پیش بیت خود او بزودی اینست م لا

مح اح دع وهو شفائک فلان بن فلان مجی

اسمای اعظم صل شفا دلک جهت بستن ای دی

نوشته بر کمر ببندد واکر ده سال که بسته باشند کشاده شود

یاذی العرش المجید فعال لما یرید وجهی الذی

ملأ وکان علی عرش وسالک بقدرتک الهی

قدرت بما علی و اسئالک و بحسبا الرحم الرحیم

جداول ای کوتاه الخوص کریخته باز آید این اسم را در جای کریخته

تنزیل العزیز الرحیم

فرحبنا لک

ورزمین دفن

کنند اینست

جهت زنی و حیوانی که شیرش کم شود این شکل نوشته در کردن بیاویزد

| | | | |
|---|---|---|---|
| | ۴ | ۳ | ۲۱ |
| ۷ | ۸ | ۵ | ۶ |
| یاالهه | رعقد | ۱۹ | ۹ |
| مالهه | ذان | اجمیا | زمن شار |

نوع دیگر شیر زنان بنویسید بر پستانش ببندد شیرش زیاد شود

م ه
و اعطینا
و لهالع

نوع دیگر شیر زنان بزبان بنویسید بخورید شیرش
زیاده کردد اینست ولد الجوار المنشئات فی البحر کالاعلام

اکر زنی که فرزند بدرست نیاید وقت زائیدن مو ان زن را با
فضله گاو در زیر ان بسوزانند دفع شود بنویسد بر تیغ سر ببندد

جهت بستن آل خون استحاضه آیه
ع ۲ ع ع ب
وننزل من القرآن ما هو شفاء
ورحمة للمؤمنین
ولا یزید الظالمین
الا خسارا
ع ع ه ه ه ه

سحرا تا م المحسنین ما بی حروف ها
ب اااا ت اااا ث اااا ج اااا ح اااا خ اااا د
ذ اااا ر اااا ز اااا س ش ص ض اااا ط
ظ اااا ع اااا غ اااا ف اااا ق اااا ک اااا ل اااا
م اااا ن اااا و اااا ه اااا لا اااا ی اااا

از جهت بستن خون استحاضه با صنوبر حنا سیاه تار عنکبوت
با خون استحاضه مخلوط کنند برداره با بستند دعا رجیم زخم بعد از اللهم
اللهم یا کافی یا شافی اللهم یا معافی بحق هذه الاسماء البرکة
المجبوة اللطیف الشریف بحق محمد و آله اجمعین

www.telasm.com

اگر زن که شوهر را زاید بنویسد [illegible] بندد [illegible]

البشلوک والبلوک لا حول ولا قوة الا بالله العلی

العظیم [illegible] بنویسد در زیر پا بندد و ۱۱۱۹ ا ا للح

۱۱۲۲۹۹ [illegible] بجهت [illegible] الطلسم [illegible]

چهار شنبه [illegible] بنویسد [illegible]

ط ط ر و ۱۱ ا ح ۱۱۱۱ ا م ۱۱۱ ه [illegible]

خود را ببندد [illegible] بنویسد و در گردن ببندد بجهه

صه صه صه صه

خود را بردارد

صه صه ا و صه

حیوان که [illegible]

[illegible] در گردن [illegible] ببندد [illegible]

وله اسلم من فی السموات والارض طوعا وکرها والیه یرجعون

بجهت [illegible] کاغذ نوشته [illegible]

[illegible] بجهت [illegible]

ا ا صه ط ط ا ع ا ا ط

[illegible] بنویسد [illegible] حلومات

منها خلقناکم وفیها نعیدکم ومنها نخرجکم [illegible]

بجهت [illegible] توکلت علی الله واعتصمت

بالله لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم [illegible]

[illegible] اللهم انی اسئلک باسمک [illegible]

[illegible] یا هادی یا داعی یا قاضی یا راضی یا عالی یا باقی سبحانک

یا لا اله الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار یا رب

اگر کسی [illegible] بنویسد [illegible]

روحی نعیمی [illegible] الفتاح العلیم

هر که [illegible] بنویسد [illegible]

مطلب [illegible] عمر علیه لعنة عثمان علیه لعنة

ابو بکر علیه لعنة معاویه علیه لعنة یزید علیه لعنة عایشه علیه لعنة

علیه لعنة [illegible] کلهم اجمعین [illegible]

[illegible] بنویسد [illegible]

[illegible] ألم نجعل الارض مهادا

والجبال اوتادا وخلقناکم ازواجا وجعلنا نومکم سباتا وجعلنا

اللیل لباسا وجعلنا النهار معاشا [illegible]

بجهت [illegible] بنویسد [illegible]

[illegible] سبحان [illegible]

فسیکفیکهم الله وهو السمیع العلیم

وننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین ولا یزید
الظالمین الا خسارا از برای طبقه چهارپایان بنویسید برگردن بندد
ابنت سبع لم ستمعا ستمعا ستمعا یذکر هو الله اه اه اه
اه اه اه اه اسم ورزق طلیوان [illegible] حساب ... دوازده ماه بدانکه برج
چند ساعت میشود در حمل روز دوازده ساعت در ثور روز سیزده ساعت
شب هم همچنان شب یازده ساعت
در جوزا روز چهارده ساعت شب ده ساعت
در سرطان روز پانزده ساعت در اسد روز چهارده ساعت
شب نه ساعت شب ده ساعت
در سنبله روز سیزده ساعت در میزان روز دوازده ساعت
شب یازده ساعت شب دوازده ساعت
در عقرب روز یازده ساعت در قوس روز ده ساعت
شب سیزده ساعت شب چهارده ساعت
جدی روز نه ساعت در دلو روز ده ساعت
شب [illegible] شب چهارده ساعت
در حوت روز یازده ساعت و هر ماه که گوسفند لاغر شود
شب سیزده ساعت نوشته بر گردن بندد
والطرقات المستسا [illegible]

هیا منفا بیه برای زنی که شوهر را بباید این کلمات را نوشته
بر ران بندد اشهدا عوذ بجلال الله اعوذ بکمال الله اعوذ
بسلطان الله لا اله الا الله محمد رسول الله و بنویسد بجوید شب لرزه
فلان بن فلان و بعد بنویسد برگردن بندد بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله العزة والکبریاء
والقدرة یا غفور یا غفور یا رحمن یا رحیم یا کریم یا ذوالجلال والاکرام
از برای دفع [illegible] که نوزادان بیدا تا [illegible] را برد یکبار [illegible]
[illegible] اسم [illegible] نوشته [illegible] خروس [illegible]
[illegible] را [illegible] زود خروس
صدا کند [illegible] زنند و قال الحی بقطمی اه
مه مه ماح لا از برای [illegible] یا کافه نوشته [illegible]
برآب [illegible] یابد بسم الله [illegible] الرحمن
الرحیم از برای گوسفند که زود [illegible]
برگردن گوسفندان ببندد [illegible] واذ قتلتم نفسا فادارأتم
فیها والله مخرج ما تکتمون یا ذا الجلال والاکرام
[illegible]

٣ ع ٩

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ءء | ءءء | ءءء | بسم | لله | الرحمن | الرحيم | ٨٥ | ٢ |
| ٣ | ١٩ | ه | ط | ٥ | ل ١ | ١٢ج | ١١ا | ب |
| ب | ٨ | و | ع | ع | ٤م | ٨ | ٩ | ءءء |
| ءءء | ءءء | ءءء | ءءء | ءءء | ءءء | ءء ء | ءءء | ءءء |
| ءء | ءء | ءء | | | | | | |

اگر کسی را زلو بر داشته باشد اینده را

بر سه پاره نان نوشته سه مرتبه نان را بخورد الته شفا یابد اینست

شرقیتا مرقیتا هواقیتا وغیر شیر از بر سه پاره کاغذ

نوشته هر روز یکی را در زیر صاحب تب لرزه دود کنند اسم اول

ملک ملکت مدوس علیه اللعنة اسم دوم نبقوت کیفوت

لدوس علیه اللعنة اسم سیم فرعون شداد نمرود

خندوس علیه اللعنة از برای لرزه و کوسفند بازبار بیضند رکوبا

بندد اینست

| |
|---|
| هم هم هم هم هم هم هم هم هم هم هم هم هم هم هم هم هم |

اگر کسی را بعینی زن کر خون از شکم رود بر سه پاره نان نوشته بخورد

روز اول
قوس حرقوس
سلام

روز دوم
قوس مرقوس
مرقوس قولا

روز سیم
قوس مرقوس مرقوس
مرقوس من رب الرحیم

باب برید

باب برید جلته زنی نابه مقف ناراه برتغم بهقفد بنگ بخوانند و بهفت کره زنند و باب
روانا سرو چند یا رب الارباب یا مفتح الابواب افتح افتح یا فتاح
بحق پنج فرقه وده کیسو دوازده امام و بحق دعای جمیع شام
مردان خدا و بحق طه و یس که کار بسته او بگشاید و بحق جمیع
مرکز ده کنج ای مهم جلته فلان بن فلان اهیا اهیا اهله اهله
اهله سلم سلم سلم سلیلا سلیلا سلیلا یا
قدوس یا قدوس یا قدوس یا ربناه یا ربناه یا
ربنا یا ربناه جهت بسته شدن خون حیض این نوشته را یکی را بر دامن
بندد دیگری را بر دامن عقب بندد و دیگری را بر زیر ناف بندد
وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ
مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ بالاقدام ولا حول ولا قوة
الا بالله العلي العظیم هج هج لح هج هج
لواط ستهی خطا هی تا تمام شد

دعای گزیدن دل بنویسید و بر بازو راست ببندد و نیست

مه مه لهب ص ۳

لعهه مه مه ای شکل را بنویسید

باب اینا زد بخور روباه بر زن قرار کرد طلسم این است

| | | | |
|---|---|---|---|
| لا یحا | اا ل | اا ع اع | ااا لا |
| ااا ه | ء ا | // | ع ۱۱۲ |
| ســـ | ح ااا ع | ا // | // |
| د البه | وا ع اا | اا ع | ااا ع |

حضرت رسول خود نداکر عورتی یا مالی یا میشی یا مال اشتر یا درختی که ثمر نکند باید که این تعویذ را

بنویسید بر گردن اینها ببندد بار گیرد بفرمان خدای مجرب است

یُرسِلِ السَّماءَ عَلیکُم مِدرارًا وَیُمدِدکُم بِاَموالٍ

وَبَنینَ وَیَجعَل لَکُم اَنهارًا ما لَکُم لا تَرجُونَ

لِلّهِ وَقارًا وَقَد خَلَقَکُم اَطوارًا کهیعص

ا ااا له ااااا ب ک ااغ هـ اا تمام

[illegible]

اگر خون از بینی باز نه ایستد انگشت بر بینی بمالد

بگوید یا اَرضُ ابلَعی ماءَکِ وَیا سَماءُ اَقلِعی

هر آن زنی که دیوانه شود این حروف را بنویسید و بآب

بمالد و بخورد و هر چند تسکین باید بفرمان حق تعالی

ااا هـ اا ١١٨ ١١١١١١١١١١١١١ نا دفع گرد

گرد اینده ایند عا را بنویسید و با خود دارد بعد از

بسم الله هسدوس هیلا نوش هسدوس با

نوس وعن اسحاق کیوس کانوس حنی

کوس کا تول مریم دوش هدم هدا

نوس کفن کف اللهم حفظ حامل من

آل بلغ فتح لرجال بر زن زاست بسم الله جبرئیل

برت نزع جب بسم الله میکائیل برکف
دست راست بسم الله اسرافیل و بردست
چپ بسم الله عزرائیل بنویسد کشتی گردد
فتح الحبال بنویسد بر روی شمشیر نشود و بخورد مرد
فن وحد کر از موعه است جهم الکاح رع ۱۱ ۹
اوّل این بنویسد ۹ طم و ۹ ۹ هج لا ام وام لاه ر روح مم مم م
 له ام هم هج هج ۹ ۸ و ا ۹ ا ه ||||||||||
ز جهت زکام بنویسند بر سه پاره کاغذ هر روز یکبار
در بینی دماغ خود دود کند مجرب
مطلعه هکله لطلله
هر که این مهر را بنویسد و در کیسه گذارد
هرگز خالی نشود ۹۹۹۹۹۹ ۹۹۹۹۹۹ الی

جهت کرستی کرم کاکان بنویسد بر کردن ببندد ۹۹۹۹ مرالب هج ج
اگر کسی بنشود کر بشنود بانسه ببندد رعد ابد را کب تربیت کنند بخورد
کشتی کرده هج هج هج هج هج هج هج هج هج هج هج محبتد بسنج باهر
الله تعالی اگر کعو کوشت یکرهمیشه لا و باته ابش دهار
نوشته برباز دار ببندد اهو هو هو هو هو هو الحی الحی الحی
عی هو هو هو هو المول الله الل ۱۱ لا ۸ الالا ۲
۹ هواح ۲۲۱۳ اگر کسی سه آفتی رسل باشد دو دهان
او کف کنند یا دهن با پاد او بلرزد یا چشم باد هان کج شود
این چهار شکل را در عمل آورد رحمت از دور و رعف شکد
اوّل در بینی او دود کنند و شکل دوم در زیر دماغ او دود کنند
سیّم برود آب اندازد بخورند و شکل چهارم در گردن
ببندد ۱۱۱۱ کر ۱۱۱۱ صع ۱۱ لع ۱۱۱۱ کر ۱۱۱۱ ۸ صه ۱۸ ۱۸ لا و ۱۱ کرو ۱۱ کرو و لا ۱۱ کرا ۹
و لا ۱۱ ۱۱ هو ا ص ۱۱۱ ع ۱۱

اگر عورت پستانش درد کند بنویسد و بر پستانش

بچسپاند نفع یابد اا لم اا للم اا لم یاں اا ال ال

اا م م قسا اااااااااا اگر خواهی حریف را بکشی بر آتش

دعا را بنویسد در آتش بیندازد در حال کشته گردد طسم طسم

طسم طسم طسم طسم طاطا و طو کهیعص

اصباوت الوحا الوحا العجل العجل العجل بسم الله

یا اهیا شراهیا اهیا اصباوت یا ارحم

رحمتک یا ارحم الراحمین بعد از آن سوره اخلاص

بنویسد بر بازو راست بندد هرچه قل اعوذ دو بنویسد

بر بازو چپ ببندد کند نفع دعا که برکت آرد مینویسد

از برای طفلان است ۱۱۱۱۱ و ه ق از برای

بیماری کودک لقمه را چوب چوپان نویسد جای که کودک لقمه را

آب

آب بجوشد در بالا سر و در آب اندازد مجرب است

قل انّنی هدانی ربی الی صراط مستقیم

دینا قیما ملة ابرهیم حنیفا

وما کان من المشرکین مهر رسید بر دست

راست بندد ربنا انک جامع الناس

لا ریب فیه ان الله لا یخلف المیعاد

ههههه

و ع ع ع ع ع ع ع لا ه ه ع ع

ه ص م ربع صن اگر که دشمن را مجروح دارد

چون بود و نیابد یا شتا تا دیب

یا مستطیع یا ارحم الراحمین

یا اکرم الاکرمین و هو حفظه

من جميع البلاء و بحق محمد واله
واصحابه اجمعين برحمتك يا ارحم
الراحمين قاف ااا آمم
اااا الا حفظها الله تعالى
باسم فلان زاده فلان نام
هر که این شکل را بنویسد در گردن ببندد
در خواب لعل نکند و هر کس باخود دارد احتلام
نشود

طلسم اینست بنویسد

| | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|
| ٣ | ی | ٩ | ٤ | ی | ٥ | ی |
| ٩ | ی | ی | ع | ٩ | ی | ه |
| ی | ٩ | س | ی | س | ی | ٩ |
| ٩ | ی | ه | ی | م | س | ی |
| ٩ | ٩ | ٩ | ٩ | ٣ | ٩ | X |

باطرفی

یا واجد یا ماجد یا واحد یا احد یا صمد یا قادر یا مقتدر
یا مقدم یا مؤخر یا اول یا آخر یا ظاهر یا باطن یا والی یا
متعال یا بر یا تواب یا منعم یا منتقم یا عفو یا رئوف یا ذو
الجلال و الاکرام یا رب یا مقسط یا جامع یا غنی یا مغنی یا
معطی یا مانع یا منان یا نافع یا نور یا هادی یا بدیع یا باقی
یا وارث یا رشید یا صبور یا صبور یا صبور یا صادق یا
ستار الذی لیس کمثله شیء و هو السمیع العلیم البصیر
حسبنا الله و نعم الوکیل نعم المولی و نعم النصیر برحمتک یا ارحم الراحمین
خاتم جمله اسم اعظم هر کس با خود دارد از همه بلیات محفوظ باشد والله
اعلم بالصواب

| |
|---|
| ١٥٣٥٧٣٣٧٠١٤٤٠١٣١٩٣٣٢٣٢٩١١ |
| ١٣١١٧١١٩٥٤٠١١٤٥٢٥١٣١١١٤٥٣١١٦ |
| ١٣١٠ [illegible] ٥٣٨٤٣١٦٧١١١١١٢١١٧ [illegible] ٤ |
| ٦١٢١٩٤١٣٢١١١١١١٢ ٤م ٣٥٥٤٣١١٧٢٤ ١١٤٢ |
| ١٩١٤٣١٣٩١٣١١١ ٩ ١١١ ع |
| ١١٣١١٦٢١١١٤١١٣١٣٦٥٣١١٣٤١٤١٢ |
| ١٢١١١١٤٣١١١١١٤١١٢٤ ١١ |

صورت الامر دا اینست بجهت
محبت در میان مردم با خود
دارد طلسم اینست

هر کس که این طلسم با خود دارد
زبان بدگویان بر وی بسته گردد

| | | | |
|---|---|---|---|
| // | ٧٣ | ٣م | سر د |
| ٦٦ | ٣ | ٢١ | ٣م٢ |
| ٤١ | ٥ | ٢٦ | ٤١٥ |
| ٣٧ | ٤٣و | ٤١ | ٣٨ |
| ٤٣س | ٤١ | ٤ | ٣١٥ |
| د | ٤١ | ٤ | ٣ص٤ |
| ٢٧ | ٧٢ | ٣ص٤ | ٣١ |
| ٢٤ | ٧٢ | ٤٣و | ٢٣ |
| ٧ | ٧ | ٧٥ | ٤ |

هر کس این مهر سلیمان علیه السلام را با خود دارد هیچ المی بدل او نرسد و زبان بدگویان

بر دل بسته شود سح شرح مهر حضرت رسول الله فرموده بعد از نماز

جنگان با خود نگاه کند و چنان باشد هزار

ختم قرآن کرده باشد

لا اله الا الله محمد رسول الله

| | | | | |
|---|---|---|---|---|
| ۶ | ۲ | ۲ | د | ۱ |
| ۲۶ | ۱۲ | ۴ | ۱ | ۱۱۴ |
| ۲ | ۱۲ | ۷ | ۵ | ۲ |
| ۱۱ | ۲۹ | ۱۲ | ۳ | ۲ |
| ۱۱ | ۸ | ۱ | ۲ | ۲ |

شرح مهر حضرت رسول الله فرموده بعد از نماز پنجگانه

با هر نماز نگاه کند و چنان باشد هزار ختم قرآن کرده باشد

اسم الباسط را در مربع جهت رزق اسرار عجیب دارد

| | | | |
|---|---|---|---|
| ل | ه | ـ | ص |
| ـ | ص | ل | ه |
| ص | ـ | ه | ل |
| ه | ل | ص | ـ |

لهم لهم لهم لهم لهم لهم لهم لهم لهم لهم لهم

ص لا ع

طه

بالله

بالله

سح اگر کسی در دست ظالمی گرفتار باشد از برکت این مهر خلاص شود شرح این طلسم مبارک مجرب است

| |
|---|
| طا د ۲۶ ۱۲۶ ۱۲ ام ط ط ط ۶۴ |
| ۱۱ م ۵ م د ا ص ۱۱۴ ۹ د ۶ ع ه |
| ع د م ۲۹ الکم ۱۲ ط ط ۱۲ ۱۲ الیسا |
| ۱۱ ام ۱۴۱ ۲ ا ه ا ا د د ط ۱۲ لا ۱۱۹ |
| ۱۶۸ ص ۱۱ ا ط ۱۱۱ ۸۴ امع اساعه |
| اساع لسیا لیم ط ۴ باسم |

الوصال

العجل

الساعة

خلب سردم علی محبت فلان بن فلان

محمد سردم علی محبت فلان

الیاس ۱۲ الیاس ۱۱

عزرائیل

سبحان

جهت زیادتی رزق هر که با خود دارد در رزق بر روی او گشاده
گردد ااااالعاعاطالم اط ۹ صط ااااااا ۹

از برای درد دندان این دعا بخواند اما باید که چوبی یا آهنی بر آن
دندان نهد هفت بار بگوید بسم الله الرحمن الرحیم بالحکیم الله و
بالله و محمد رسول الله صلی علیه و آله و ابراهیم خلیل الله
اسئلک بالذی سکنت له ما فی السموات و الارض و هو
السمیع العلیم

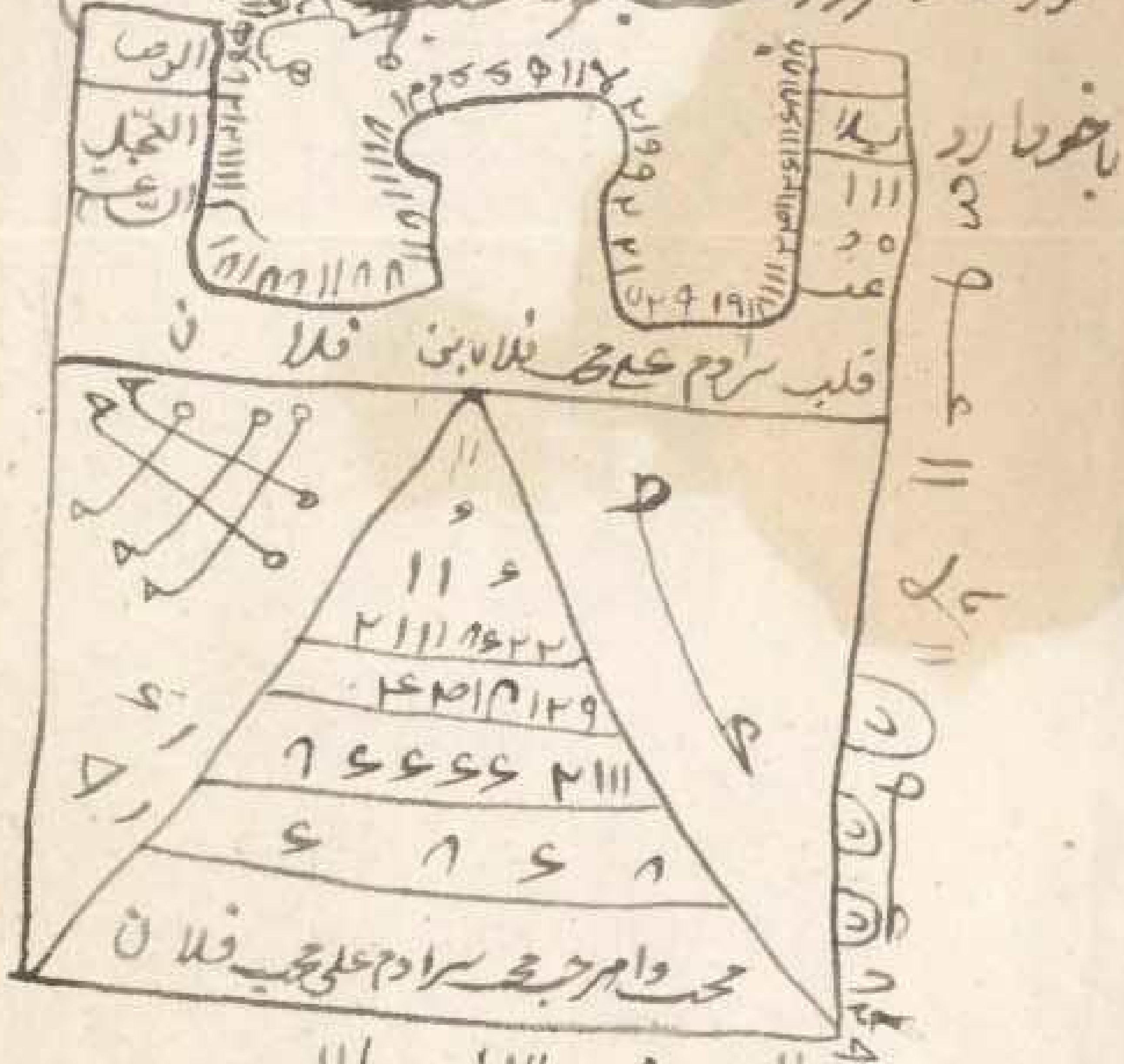
جهت اینکه طفل قبل از بیرون آمدن نوشته
بر ابنیان بندد بیرون نیاید الا به الله تعالی

| | | | |
|---|---|---|---|
| ب | بیح | ج | و |
| و | سه | و | د |
| ۲ | ا | ند | د |
| ج | ج | ع | ه |

شرح دعای بزرگوار اعظم اینست
نقل است از سلمان فارسی رضی الله
عنه که گفت هر که این دعا را احد نو
بت بخواند بعد از نماز بامداد در سجاده و با کسی تکلم ننموده
باشد بخواند و اگر مرادی و حاجت شود از سلمان صلی
بنده الدعا بسم الله الرحمن الرحیم یا حلیم یا رحیم
یا عزیز یا ذاکر یا حی یا قیوم یا واحد یا
احد یا صمد یا من لم یلد و لم یولد و
لم یکن

لم یکن له کفواً احد مرویست از حضرت
رسول صلی علیه که هر که بعد از نماز خفتن این دعا بخواند
چنان باشد که آن شب هزار رکعت نماز گزارده باشد
بسم الله الرحمن الرحیم سبحان الملک القدوس لما یشاء
یفعل ربه فعال لما یرید بعزته یا ارحم الراحمین
از برای هر مطلب یک تسبیح بعد از نماز صبح بخواند حاجت بر آورده
قل هو الله رجا ارسم بر رکنت همه جا ما را از بین
غم فرجا یا فرجا یا فرجا یا فرجا
دفع درد سینه کسی که درد سینه باشد این آیه را سه مرتبه بر قدری آب بخواند و باو دهد تا بخورد
نفعا باید و یا آنکه بر سینه او بمالند شفا یابد قوله تعالی ان الذین سبقت لهم منا
الحسنی اولئک عنها مبعدون لا یسمعون حسیسها و هم
فی ما اشتهت انفسهم خالدون لا یحزنهم الفزع الاکبر و تتلقاهم
الملائکة هذا یومکم الذی کنتم توعدون بسیار مجرب است
صد بیست مرتبه این دعا برای محبت بخوانند اللهم سخر لی قلب فلان بن فلان
علی محبتی کما سخرت النار لابراهیم علیه السلام اللهم

صورت لا هو دانست بجهت محبت در میان قوم




الست محب ۱۲ الماا

اگر این طلسم را باخود زبان بدگویان بر وی بسته گردد

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] |
| ٥ | [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] |
| [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] | ٥ | [illegible] | [illegible] |
| [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] | // |

اَلَّفَ غَلَبَهُ عَلَىٰ قَلْبِي بِحَقِّ يَا اَللّٰهُ يَا مَحْمُودُ فِي كُلِّ فِعَالِهِ و بعد آن

که صد بیست مرتبه بخواند روز پنجشنبه بر آتش نهد اگر در زنجیر باشد خود را به تو رساند

و اگر خواهی که کسی را بیاری بیاز زرده تخم مرغ این افسون اعنت برای خوانی و در

آتش انداز هر کس که خواهی بحال در حال چون ضرار دنبال تو آید یا اعلی یا اعلی

یا اعلی یا ابی یا ابی یا ابی یا اکبر یا اکبر یا اکمش یا الیا

یا الیا یا الیا یا دنا یا دنا یا دنا یا ماکالی یا یا یا امینی بر باسم فلان

بن فلان علی حب فلانه بنت فلانه الخا خواهی که کسی را بیاری کیر باسم بنویسد

٤٤٤٤٤٤ ٤٤ ٤ ٤٤ ٤ ٤ ٤ ٤٤ ٤ ٤ ٤

این دعا در خانه انگشتری دفن کند در حال عاشق تو گردد یا

ع ع ع ع و و و ص ص ص ص ح کهیعص یا مسلط ... عین الیما

بسم ... این فلان علی حب فلانه بنت فلانه را بر ... محبت

در روز پنجشنبه اول صباح نوشته در آتش انداز د و بگوید سوزانیدم

دل فلان ابن فلان بمحبت فلانه بنت فلان

۱۱ ۱۱۲۱۹۱۱

۱۱ ۱۱ ۲۱۹۱۱

الخا بنویسید

۱۶۲ ۳

در روز پنجشنبه در

اول روز زیر بیاویزد الکمصد ...

در آید باشد

۱۲۶۲۱ ۱۲۱۳۱ ۱۶۱ ۲۶۲ ...

فلان ابن فلان ... محبت ... دل

۶۲۲۰ ۲۲۲۱۲۲ ۱۶۲۱۱۲ ۲۲۲۳

العجل العجل العجل الساعة الساعة

خوشبو ... ان شاء الله تعالی

اسم الباسط در مربع جهت رزق الراعجب دارد

| | | | |
|---|---|---|---|
| ط | س | ا | ب |
| ب | ا | س | ط |
| س | ط | ب | ا |
| ا | ب | ط | س |

جهت طفل بدخو بنویسد بر سر بندد لم اسبح لم رم ا

وتحسبهم ایقاظا وهم رقود ونقلبهم ذات
الیمین وذات الشمال وکلبهم باسط
ذراعیه بالوصید اگر کسی بشراب گرفته باشد سکر
این دعا را بنویسد در آب شربت تا بدهد بنوشد
بخورد کشی اگر دو ح ح ح ح ح ح ح ح ح ح
ح ح مسعد سبح بامر الله تعالی
اگر کسی را اسهال بخشش کند این دعا را بنویسد در گردن
کند

کسی تف یابد شهد الله انه لا اله الا
هو واولو العلم قائما بالقسط ان
لا اله الا هو العزیز الحکیم از برای شکر
بهشت با دانه جو بخوانند با هفت دانه تمر بر تالود
بمالد و بر آب اندازد انخاما نخاضخا
ضخیمو ادجل مر جلا جلا جمیلا اخو شلد
شوانذ ست ازبافر دینجو ملک
اگر کسی روی چشم درد کنج شده باشد این دعا را نوشته
سکن العدوب لعاری من
لا یقول التشهد و به ولا حول و لا

ولا قوة الا بالله العلي العظيم بحسب دفع ابله
بنویسد این نقش را و به موم بگیرد و گردن ببندد
ابهقت ابلیه بپرد تا ببینا و
و دفع شود بعون الله تعالی انشاالله

| | | | |
|---|---|---|---|
| ب | ع | ح | لو |
| و | س | و | ط |
| ٣ | ١ | به | ٢١ |
| یایاب | ح | و | ھ |

دس ی
کر بیره کیف
اگر گریه کند
وخوابش نیاید

بنویسد بر گهواره بندد در خواب شود

لالاآا ▭ ااا الله

این طلسم را اسب که شاشش بند شود در زیر بندد

اسب بر کرانکر دااند

| | | | |
|---|---|---|---|
| سه | ه | ٤ک | ١١١٤ |
| ١ | ٤٠ | ١/١٤٦ | ١٤٣ |

دفع شود انشاالله

هذا التّ ما دیوان و پریان و جنیان و دفع اثر الجنیان هر کسی
با خود دارد از همه بلاهای دیوان و پریان جنیان در امان حق تعالی
بود باشد دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم عزمت علیکم
میی یهودیا وما عزیمتی سلیمان ابن داود علیه
السلام یا شا جادث یا بنادث کهیج کهلهیج کرد هیج
برو هیج آهیا شر هیا اذونی اذونی اصباوث بحق
میمون ضبنی وبحق میمون ابن میمون اصاحب القوائم
هندوی هندوی بحصومو که تحلیو مو که حصو مهو
حصو مهو که بلا کبلا که بلاکو البلا کی بحموا تنکلی
تنکری بحمو انکری برزنکی برد نشی برکو ما بکو
تاکو تاکو تنکو هیئا تنکو الفا الفا حز ما حد ما
بیلا بیلا بکیفلا بلبهیلا صمل صمل لهیئا
بحق دارو بحق بلهوه و بحق مهو و بحق سطل
الملک الموکل الارواح و بحق الجن والانس و
بحق صد هزار نام خدای عز و جل و بحق یک صد بیست

و نامهای رسل

و چهار هزار پیغمبران مرسل و بحق توریت موسی
و بحق انجیل عیسی و بحق زبور داود و بحق صحف
ابراهیم و بحق فرقان محمد المصطفی صلی الله علیه
و آله و سلم و بحق جمیع آیت توریت و کل اسم توریت
و کل حرف توریت و بحق جمیع آیت انجیل و کل اسم
انجیل و کل حرف انجیل و بحق جمیع آیت زبور و کل
اسم زبور و کل حرف زبور و بحق جمیع آیت قرآن و
کل اسم قرآن و کل حرف قرآن اکر ترسائی بحق توریت
آیت و اکر جهودی بحق انجیل و اکر موغی بحق زبور
و اکر کافری بحق مصحف کی خود مسلمانی بحق لا اله
الا الله محمد رسول الله صلی الله علیه و علی ولی الله صلی الله علیه حق
... که خوانده و نوشته بیاید و بشنوید و
حاضر شوید و ... بر دارید و بکرد ایشان نکردید
و اکر از سر این بیرون نشوید بدرکاه باری تعالی کنهکار
عاصی بوده باشید بحق این آیت قوله تعالی و ننزل
من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین و لا

یلی بن الله ...

یلی بن الله الحی الا حسنا اخرج اخرج اخرج بر حقک
یا ارحم الراحمین ... و
ص ...
بحق محمد و آله ... صم ...
اجمعین برحمتک یا ارحم الراحمین هذا دعا ام الصبیان
هر کس این دعا را با خود دارد جادوی بر وی کار نکند و هیچ زنجیر
و زنجیر ... بر سر و در ذیل حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله و سلم
در مسجد نشسته بودند ناکاه مرد مهیبی پیدا شد و در کوشه مسجد نشسته
حضرت رسول صلعم از وی پرسید که تو چه کسی گفت من فرشته ام ... و
کفت دروغ میکوئی تو دیو ... در این وقت حضرت جبرئیل علیه السلام در رسیده
کفت یا نبی الله صلعم این ام الصبیان است که هیچ زن و ... را
تو دستان ... که ضرر ... فرزندان آدم چکونه مرسد ... باد
امر کرده که هر چه فرمان ... رسول خدا صلعم ... کفت ای ...
بکو ام الصبیان کفت یا رسول الله ... من ... میرسانم و ...
مردمان ... نماز کزارند ... دل من ... و ... کفت ...
فرمان ... که مقام من ... کفت ... کردم ... نام ...
... و ... و احوال ... زنان ...

زا نیده بود و این را دیوانه گرداند و معلوم کنند و هر چند دارو دوا
خوردن سود نکند و دیگر اهل علم گویند که در دو قسم که غسل کنند و گویند
این غسل درست نیست و خلق بودم گرداند که مطیع من شوند و دیگر
در سر بوده با مقام کنند تا مردم بوا زبوده بیراهه الا لازم و در رجوع
و گویند منزل کم و آب دهد خود بفرزندان بنی آدم الدا زم
و حادثه الدام بیل کنند و گویند بای خشک است و کسی ندانند که چه
علت است حضرت رسول صلی الله علیه وسلم با صحاب فرمودند که آتش رسیده
کسی علاج نتواند کرد حضرت امیر المؤمنین ع فرمود که یا رسول الله
صلعم چه بهتر کسی بعضی ما بین که تا من وی را هلاک کنم جبرائیل ع نازل
و گفت یا رسول الله صلعم جایز نیست که وی را هلاک کنند زیرا که پنج
[illegible] بیست و شش یا خیل [illegible] باشند یا رسول الله ع از وی بپرس
که علاج این درد ها چیست حضرت رسول صلعم پرسید دیو گفت
هر زن بنده که این دعا را با خود دارد هیچ علت بول [illegible] سانم و از
وی [illegible] فرسنگ دور باشم آنگاه حضرت رسول صلعم [illegible] نامه
بستند و حضرت علی ع این دعا را بخط مبارک خود نوشت
و حمایل حضرت حسنین علیهما السلام کردند هذا
الدعا

هذا دعاء ام الصبیان کبیر

بسم الله الرحمن الرحیم

وهذا کتاب من الله العلی العظیم و من نقش خاتم سلیمان ابن داود علیهما
و ملک الجن و الانس و الشیاطین و کل بناء و غواص الی جمیع ما فی الارض
لصاحب هذا الکتاب من النازل و التوابع لعنلان و ام الصبیان
یا من الذهش و الابس و جمیع الارواح المخبثة الخبیثة عزمت علیکم
یا معاشر الارواح فتبارک الله احسن الحافظین و انتم ان کنتم من
الارواح المجوسیین فانی عزمت علیکم فتبارک الله رب العالمین
وانتم ان کنتم من الارواح المسلمین فانی عزمت علیکم بایات و اسمائه
و حروف الا تقربوا لصاحب هذا الکتاب لا فی اللیل و لا فی النهار و لا
فی سفر و لا فی حضر و اعیذه بحق التوراة و ایاتها و من القرآن و کتابها
لا اله الا الله وحده لا شریک له الها واحدا ملکا ملیکا [illegible]
نصیرا مقتدرا لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین
فاستجبنا له و نجیناه من الغم و کذلک ننجی المؤمنین لا اله الا الله
الغنی المغنی العلی العظیم الکبیر العلی العلیم الحی القیوم
الحنان المنان الاحد الصمد الواحد الاحد الفرد المعز المذل الذی
لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد و آیة الکرسی [illegible] تا آخر [illegible]

هو الجبار القديم الستار العليم القهار القوي لا اله الا هو
والملائكة واولو العلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزيز الحكيم
ان الدين عند الله الاسلام فختمت هذه التعويذ باسم الله
العظيم العالي تعالى الله عما يصفون وباسم محمد صلى الله عليه واله
وباسم من علو عليه وانعمت صغيرا او كبيرا او ذكرا او انثى او حرا
او عبدا وبحق الله وبحق خاتم سليمان ابن داود عليهما السلم
وبحق خاتم اصف ابن برخيا وبخاتم شعيب النبي وبخاتم يوشع ابن
نون وبخاتم دانيال النبي وبخاتم يعقوب عليه السلم ويوسف ع وبخاتم
وبخاتم يحيى ابن زكريا انا نبشرك بغلام اسمه يحيى لم نجعل
له من قبل سميا وبخاتم موسى ابن عمران وبخاتم عيسى ابن مريم
وبخاتم محمد صلى الله عليه واله وبحق اربع مائة عشرة سورة القرآن
وحروف وحروف بحره وكلمة وعواليع وامر ونهي يا ذا الجلال
والاكرام والجمال والبهاء واحفظ عبدك الضعيف من هذه
الافات الصعبة من كل شيء من شرها ومن كل افات الدنيا
والاخرة من جبلها وسهلها وبحرها وعلومها يا غياث
المستغيثين ويا جار المستجيرين ويا ديان يوم الدين وشريعة
المسلمين وبحق انه من سليمان وانه بسم الله الرحمن الرحيم
ولا تعلوا

الا تعلوا علي واتوني مسلمين لا اله الا انت سبحانك اني كنت
من الظالمين لا اله الا انت الكريم الديان يوم الدين لا اله الا الله
يا اله الاولين والاخرين بحق السبع السموات والارضين لا اله الا
رب العالمين وبحق طه ويس وكهيعص وحمعسق وبحق الواحد الاحد
الفرد الذي لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد بسم الله الذي
لا اله الا هو الحي القيوم العلي العظيم سبحان الله تعالى رب
العرش الكريم والحمد لله رب العالمين كانهم يوم يرون ما يوعدون
لم يلبثوا الا ساعة من نهار بلاغ فهل يهلك الا القوم الفاسقون
كانهم يوم يرونها لم يلبثوا الا عشية او ضحاها يا مخلص عيسى ابن مريم
خلص من علو عليه هذا بسم الله الرحمن الرحيم ففتحنا ابواب السماء
بماء منهمر وفجرنا الارض عيونا فالتقى الماء على امر قد قدر ويوم
تشقق السماء بالغمام ونزل الملائكة تنزيلا الملك يومئذ الحق للرحمن
انا صببنا الماء صبا ثم شققنا الارض شقا فانبتنا فيها
حبا وعنبا وقضبا وزيتونا ونخلا وحدائق غلبا وفاكهة
وابا متاعا لكم ولانعامكم فاذا جاءت الصاخة بسم الله الرحمن الرحيم
انا فتحنا لك فتحا مبينا ليغفر لك الله ما تقدم من ذنبك وما

ناجي ويتم نعمته عليك ويهديك صراطا مستقيما وينصرك الله
نصرا عزيزا اولم ير الذين كفروا ان السموات والارض كانتا
رتقا ففتقناهما وجعلنا من الماء كل شيء حي افلا يؤمنون
اذا السماء انشقت واذنت لربها وحقت واذا الارض مدت
والقت ما فيها وتخلت وبالحق انزلناه وبالحق نزل وما
ارسلناك الا مبشرا ونذيرا ان وليي الله الذي نزل الكتاب
وهو يتولى الصالحين فان تولوا فقل حسبي الله لا اله الا هو
عليه توكلت وهو رب العرش العظيم بسم الله الرحمن الرحيم
لا اله الا الله رب ابرهيم واسمعيل واسحق ويعقوب والاسباط
ورب جبرئيل وميكائيل واسرافيل وعزرائيل واعيذ من علق عليه
باسماء الله الاكبر وبكلمات الله التامات التي لا يجاوزهن
بر ولا فاجر وباسماء الله الحسنى وبعزة ملكوت الله وجبروته
وعزته وعظمته من شر ما خلق وذرء وبرء ومن الصامت
والناطق والظاهر والباطن والشاهد والغائب والغبار
والرائح ومن شر كل دابة في البر والبحر والنهر والشجر والنخيل
او ساكن الثرى عربي او عجمي او فصيح قائما بالقسطا وقاعدا
او نائما

او نائما او يقظانا او ساكن السحاب الظلم الخطار ويعمل بها
ويغلبها اعيذ من ذلك من علق عليه كتابي هذا وهو حرز الله
حيث وكان معه والله معزه ويحبس ما كان معه والله وليه
وحافظه وحادثه وعافيته مما من عين او نفس او لمس او مس
بما شاء الله لا قوة الا بالله وباذن الله وبالله خفيت وبالله
نحت واعيذه بالله الاحد الصمد الذي لم يلد ولم يولد ولم يكن له
كفوا احد واعيذه برب الفلق من شر ما خلق ومن شر غاسق اذا
وقب ومن شر النفاثات في العقد ومن شر حاسد اذا حسد واعيذه بالله
رب الناس ملك الناس اله الناس اللهم احفظ عبدك الكريم وكلامك
المجيد وصلى الله على محمد واله الطاهرين والحمد لله رب العالمين
برحمتك يا ارحم الراحمين
وحق خلق العرش استوى وخلق ادم صفوته ونفخ فيه من روحه
سجدت له الملائكة اني لا اقرب ولا اوذي ولا اتعرض لمن علق
عليه هذا الحرز والحجاب ابدا الى يوم القيمة
وحق من له وعد الوعيد ولا له شبه ولا الذي من له الاسماء
ذالك هو الله الكبير المتعال اني لا اقرب ولا اتعرض لمن علق

عليه هذا الحرز والحجاب ابداً الى يوم القيمة عهد سيم وحق الطالب
الغالب الملك الذي يعلم السر والعلانية رب الارباب ومنزل الكتاب
وعاتق الرقاب المعطي الوهاب اني لا اقرب ولا اتعرض لمن علق عليه
هذا الحرز والحجاب ابد الابدين الى يوم القيمة عهد چهارم وحق الخالق
الرازق العاتق الراتق المعز المذل السميع البصير المحيي المميت الحي القيوم
الواحد الاحد الفرد الصمد باني لا اقرب ولا اتعرض لمن علق عليه
هذا الحرز والحجاب ابد الابدين الى يوم القيمة عهد پنجم وحق الذي
خلق فسوى والذي قدر فهدى والذي اخرج المرعى فجعله غثاء
احوى ويحيي بغير حساب الاسماء رب السموات والارض وما بينهما
وما تحت الثرى باني لا اقرب ولا ادنو ولا اتعرض لمن علق عليه
هذا الحرز والحجاب ابد الابدين الى يوم القيمة عهد ششم وحق الحنان
المنان البرهان السبحان القهار السلطان المهيمن الديان الذي
لا يشغله شان عن شان باني لا اقرب ولا ادنو ولا اتعرض لمن علق
عليه هذا الحرز والحجاب ابد الابدين الى يوم القيمة عهد هفتم وحق من
خلق الخلق واحصاهم عدداً وقسم الرزق على العباد ولم ينس احداً ذالك
الواحد الاحد الفرد الصمد الذي لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفواً احد
باني لا اقرب ولا ادنو ولا اتعرض لمن علق عليه هذا الحرز والحجاب
ابد الابدين الى يوم القيمة وصلى الله على محمد وآله اجمعين الطيبين الطاهرين الائمة
المعصومين برحمتك يا ارحم الراحمين

دوازده نام ام الصبيان جلوس مرفوس ادفس حبوس ملموس
فربلوس هلتويا من البلاد ومارب ق قرقود آ احبون حبودا
اگر کسی را فرزند نباشد این طلسم بر پاره کاغذ بنویسد هر روز یکی را
در آب اندازد تا زن بخورد فرزند پیدا شود بفرمان حق تعالی مجرب است

٩٩ ١١١١١٨٩٥٥١١٩١١

ایضا اگر زنی را فرزند نشود
این طلسم را بنویسد بگردن بندد چنانکه بسینه اش برسد مجرب است
علی علی علی علی علی و و و و و ر ر ر ر ر ر
هو هو هو هو له له له له له هو سی هو هو هو ها عنا ا
لتجل التجل الساعة الساعة الوحا الوحا دعا دوازدهم شخصی
میگوید بخدمت حضرت امام محمد باقر علیه السلام عرض کردم الحضرت
که بخوان بعد از نماز دیگر این دعا را ابوحمزه گفت که کردم خوب شدم دعا اینست
یا اجود من اعطی و یا خیر من سئل و یا ارحم من استرحم ارحم ضعفی
وقلة حیلتی واعفنی من اعفنی مرض وجعی هر کس بنویسد بحمایل حسن و حسینی
از جهت ایمنی بچون طفلان که طفل نشود فرزندان و دشمن است این طلسم
بر پاره کاغذ بنویسد هر ماه یکی را از آن کاغذها بشود در آب اندازد غسل دهد
وان آب را بسر ریزد تا آن فرزند سالم بماند بفرمان خدا تعالی
و طلسم اینست

٣ع١١٨١١٥١١٩١١١ع١١١٢ ١ع١١١١٩ ١١٨١١١٩ ١١٣١٣ع١ ١١ ١١

ه١١ع ١١ع ١١عح ٨١

ک١١٨١١ع١١٤١١٩١١٨ ٢٩

١١٩٦١١٨١١عح١١٩١١٤١١١١ ه١٨١١١١ع١١٩ ١١٨١١٩ ١١٣

ک١١٨١١٩١١٤١١١٠١١٣١٩١١ ١١٨١١٩١١٤١١٣١١٨١١٤١١ ٨

ع١١١١٨١١٨١١ط١١٨١١٣ع ١١١١١١١١٤١١ط١١ ٢١ ١١ ک

ک١١١١٩١١٣١١٩١١٨١١٩١١ ع١ العجل الساعة جهت نزله

نوشته در آب اندازد تا سه روز در ریختن بنوشند مجرب است کهیعص الکفی

حمعسق انا حیی سبحان الملک القهار القاهر ههه

ههه ـــ ۲۱ ٥٥٥٥٥٥٥٥ و ح صرم جهت بیماری

که تب داشته باشد این شکل مربع نوشته در سر بیمار کذاشته فی الحال

شفا یابد تعویذ نصف سر نوشته در

یا شافی

درسر بندد مجرب است

نصف ۲ ۳ ۴ ۳ ۲ ۴ ۲ ۲

ولا حول

حسبنا الله

هرکه این اسم نوشته در زیر سر کذاشته اکه متی عادت شته باشد

در خواب خواهد دید اما باید با وضو باشد مجرب است ح م

ح ١١ ح ح ک ه ل ع م ح م ل ا ح جهت کشف

که لبته باشند مجرب است بر سه تخم مرغ سیاه بنویسند این آیه

شریفه بر یکی نوشته مار بخورد و یکی به عروس و یکی بر شمشیر که دانسته

حمله ناحق کرده باشند دو نصف نموده هر یک نصف را بخورند تخم

که داماد بخورد این آیه را بنویسند فالتقی الماء علی امر

قد قدر تخم مرغ عروس خورد این آیه را بنویسند مرج

البحرین یلتقیان تخم که مرد بخورد بنویسند

وترکنا بعضهم یومئذ یموج فی بعض ونفخ فی الصور

فجمعناهم جمعا جهت لفظ نوشته با آب بجانش بخورد و قبل رب

این دعا در طلوع بسیار مجرب است بسم الله الرحمن الرحیم عقد لله

عقد لله عقد لله عقد وس عقد وس عقد وس م ه

مهه ههههههه ۲۱ ٥٥٥٥٥٥٥٥ و و حرم

این آیه را نوشته با خود دارد از جهت درد سینه رب اشرح

لی صدری ویسر لی امری واحلل عقدة من لسانی

یفقهوا قولی امسکن ایها الوجع بامر الله تعالی ولا حول ولا قوة
الا بالله العلی العظیم از برای دفع ضرب کوفته بنویسی این کلمات را
بباو بندد بهر کجا محفوظ میماند از جمیع علتها از ریش و غیره بسم
الله الرحمن الرحیم بسم الله من جمیع الآفات والعاهات وا
لبلیات والنقمات والسطوات اعوذ بالله من شر
الجن والانس من الغم یا تمخیشا یا طشمیشا یا ماهار
بحق حرمت لا اله الا الله محمد رسول الله صلی الله علیه
وآله وسلم وبحق حرمت کهیعص وبحق حرمت حمعسق
لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم اگر کاو یا عورتی
کم شیر باشند واین تعویذ را بنویسند و در گردن او بندند زیاده
شود ودامغول شیر بهم رساند یا حافظ یا ناصر یا معان
یا مالک یوم الدین مالک ایاک نعبد وایاک نستعین
برحمتک یا ارحم الراحمین اگر ماده کاو بچه نگاه ندارد این
تعویذ نوشته در گردن او بندد دیگر سقط نشود البته وان
من الحجارة لما یتفجر منه الانهار وان منها لما
[illegible] یشقق

[illegible]

هبط

یشقق فیخرج منه الماء وان منها لما یهبط من خشیة
الله وما الله بغافل عما تعملون جهت خاک خوردن طفل اینرا
بر دل بندند از موده است الذی اکل التراب الذین اعمالهم
کسراب بقیعة یحسبه الظمآن ماء حتی اذا جاء
هر مردی که زن او آبستن باشد پیش از چهار ماه مگر این عالم
در میان هر دو پستان بنویسد حق تعالی پسری کرامت فرماید
اللهم انی سمیته محمد اللهم ان قضیت بی بطنها شیئا
فاجعله ذکرا سویا صالحا آمین اگر کسی در خواب
نبانند نوشته بر سر بندد مجرب است بسم الله الرحمن الرحیم
سبحان الله ذی الشأن الدائم السلطان کل یوم
هو فی شأن اللهم تسلط النوم علیها بمحمد وعلی و
فاطمة والحسن والحسین وتسعة من ذریة الحسین علیهم
السلام وبرحمتک یا ارحم الراحمین آمین یا رب العالمین
تمت بالخیر والعاقبة ۱۱۱۵ محی ۱۱۱۱

مواشه کرباله بعد از آنکه پیغ ... صورت کرد

دعا ... مادهٔ گاو بکن زند بنویس بر شاخ مادهٔ گاو ...

اما نویسنده باید از شیر ماده گاو تناول نماید بعد شروع در

نوشتن کند اثر بخشد مجرب است للمسح الله ...

[illegible]

فان مع العسر یسرا ان مع العسر یسرا فاذا فرغت

فانصب والی ربک فارغب جهت بول گرفتن آدمی

یا حیوانات اگر آدم باشد این شکل بنویسد بر انگشت پای بزرگ

ببندد اگر حیوان باشد بر شاخ او بنویسد فی الفور گشاده شود

از بوده ...

[illegible]

نوع دیگر این شکل ... بر زمین کشیده جهاپا ... را

... بکذارند گشاده شود

بجهت خونریزی کودکان نوشته بر ... ببندد

سماری سماوی
داحی
پروسدی

بسم الله الرحمن الرحیم یا عباد الله احبسوا یا

عباد الله احبسوا یا عباد الله احبسوا الا تخاف درکا

ولا تخشی ایه الا ولی الا خیر والی الله ...

یا ... شراهیا یا حنان یا منان یا ذو الجلال

والاکرام

اگر پرسند که روزهٔ ... از تیغ

کدامست بگو که نصیحت شنیدن و فرمان برداری سرای

والتادان است اگر پرسند که قبلهٔ ...

جواب بگو که بسم الله الرحمن الرحیم گفتن است اگر پرسند

که محراب سنگ و تیغ کدامست جواب بگو انگشت مسبحت

اگر پرسند که نماز سنگ و تیغ کدامست بگو که بذکر خدا

تبارک و تعالی مشغول بودن است اگر پرسند که سنت و دوا

چه سنگ و تیغ کدامست جواب بگو که سنگ درویشی ...

سنت است اذا الجنة که حضرت صدر و بدر

کائنات محمد مصطفی صلعم بر آن قناعت نفس ...

مبارکه قوالبته اند و تیغ بر پهلو بستن واجب است

که مهتر جبرئیل علیه السلام بسته است اگر پرسند که التاک

سر تراشی را چند وصله است جواب بگو که هفت وصله

اول لوح و تکبند دوم سنگ سیوم تیغ چهارم

مقراض پنجم امبور ششم نیشتر هفتم آیینه

اگر پرسند که این هفت وصله از که مانده بگو که لوح

و تکبند از حضرت سلمان فارسی مانده است

[illegible]

اگر پرسند که روزه کلید گناه و از تیغ
کدامست بگو که نصیحت شنیدن و فرمان بردار بسر آن
و استادان است اگر پرسند که قبله [illegible]
جواب بگو که بسم الله الرحمن الرحیم گفتن است اگر پرسند
که محراب سنگ و تیغ کدامست جواب بگو انگشت مسبحت
اگر پرسند که نماز سنگ و تیغ کدامست بگو که بذکر خدای
تبارک و تعالی مشغول بودنست اگر پرسند که سنت و وا
جب سنگ و تیغ کدامست جواب بگو که سنگ در پیش گینه
بستن سنت است اذا الجنة که حضرت صدر و بدر
کائنات محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم بر آن قناعت نفس کرم
مبارک قوا بسته اند و تیغ بر پهلو بستن واجب است
که مهتر جبرئیل علیه السلام بسته است اگر پرسند که استاد
سر تراشی را چند وصله است جواب بگو که هفت وصله
اول نوح و تکبند دویم سنگ سیوم تیغ چهارم
مقراض پنجم امبور ششم نیشتر هفتم آینه
اگر پرسند که این هفت وصله از که مانده بگو که نوح
و تکبند از حضرت سلمان فارسی مانده است

مواسته گر پایه بعد از آن یک بیخ [illegible] صورت گرد
دعا باید خواند ماده گاو بکن ژند بنویس بر شاخ ماده گاو ببندن
اما نعو [illegible] باید از شیر ماده گاو تناول نماید بعد شروع در
نوشتن که اثر بخشد مجرب است للصبح الله الله ادرو لله و لله

[illegible] ۱۱۱۶ [illegible]

فان مع العسر یسرا ان مع العسر یسرا فاذا فرغت
فانصب والی ربک فارغب جهت بول گرفتن آدم
یا حیوانات اگر آدم باشد این شکل بنویسد بر انگشت پای بزرگ
ببندند اگر حیوان باشد بر سم او بنویسد فی الفور گشاده شود

از بود الله [illegible]

[illegible]

نوع دیگر این شکل بر زمین کشیده جهار پایان را بالای
آن خط بگذرانند گشاده شود



بجهت خوشخوئی کودکان نوشته بر
سر ببندند بسم الله الرحمن الرحیم یا عباد الله احبسوا یا
عباد الله احبسوا یا عباد الله احبسوا الانجاف در کار
[illegible] الله الاول الاخر والی الله القیوم
یا رحیم [illegible] یا حنان یا منان یا ذو الجلال
والاکرام

وسنگ و تیغ از بابا جبی قلندر مانده است و مقراض از
مهتر ادریس عم مانده است و انبور از ابو عبیده جراح
مانده است و نیشتر از جهل تن مانده است و آیینه از
سلطان سکندر ذو القرنین مانده است اگر پرسند که چون
تکبیر بندی چه میخوانی که قوله تعالی بِعادٍ نِسْكِي وَ
آیة الله اکبر اگر پرسند که چون سنگ بندی چه
میخوانی جواب بگو که قوله تعالی تمر و ما [illegible] و ما لا
تقبل القدیم الله اکبر اگر پرسند که چون تیغ
بر بندی چه میخوانی جواب بگو که قوله تعالی ان الله
فاطع الله [illegible] الله اکبر اگر پرسند که چون مقراض
بندی چه میخوانی جواب بگو که قوله تعالی وجعل الیه
الامور بالخیر والحسنین و چون انبور بندی
بگو لوح الله مبارکه به وافاده الله اکبر
اگر پرسند که چون نیشتر بندی چه میخوانی جواب بگو که قوله تعالی
[illegible] به نجامت و نقصیب الندامت فما
له [illegible] الله اکبر اگر پرسند که چون آیینه بندی
چه میگوی

چه میگوی جواب بگو که صلی الله علی سیدنا محمد
واذ ما النا و کنا و صلی الله علی خیر خلقه محمد
و علی آله و اصحابه اجمعین برحمتک یا ارحم
الراحمین اگر پرسند که در اندام چند موی است جواب بگو
که یازده موی است اگر پرسند که چند موی حلال است
و چند موی حرام است جواب بگو که هفت موی حلال و چهار
موی حرام و موی چهار که حلال است اول موی سر است
دوم موی ابرو است و سیوم موی پلک است چهارم
موی سبلت پنجم موی ریش است ششم موی
سبلت است هفتم موی دوزان اگر پرسند که موی سر
چه تسبیح میگوید جواب بگو که فتبارک الله احسن
الخالقین الحمد لله رب العالمین اگر پرسند
که موی ابرو چه میگوید جواب بگو که یا اکرم
المعروف [illegible] اگر پرسند موی پلک
چه میخواند جواب بگو که میگوید یا حنان یا منان
[illegible] اگر پرسند که موی سبلت چه میگوید

www.telasm.com

جواب بگو که یا حی یا قیوم یا بدیع السموات و
الارض یا ذو الجلال و الاکرام اگر پرسند که موی
ریش چه میگوید جواب بگو که یا ستار العیوب و یا
غفار الذنوب اگر پرسند که موی سینه چه میخوانند جواب
بگو که یا سبوح یا قدوس یا رب الملائکة و الروح و
اگر پرسند که موی ساق پا چه میگوید جواب بگو یا قهار و
یا جبار یا القدیر برحمتک یا ارحم الراحمین
اگر پرسند چون مسلمانان را تراشیدن فرق سازند بگو
محلقین رءوسکم و مقصرین لا تخافون در
اثنای تنک در کردن انداختن چه میخوانند بگو که
علیه توکلت و الیه انیب اگر پرسند که در سر که
آب بریزند چه میخوانند جواب بگو که قوله تعالی
ان الله لا یضیع اجر المحسنین اگر پرسند
که چون بر سر مالی چه میخوانی جواب بگو قوله تعالی
و لا تزید الظالمین الا تبارا اگر پرسند که تیغ
از غلاف میکشی چه میخوانی بگو قوله تعالی لا اله
الا الله

الا الله تیسیر الامور اگر پرسند که چون پاکی در سنگ میزنی
تو چه میخوانی و سنگ و تیغ چه میخوانند جواب بگو یا هو یا هو
و سنگ میگوید که یا منّی و تیغ میگوید که یا لا اله
الا هو اگر پرسند پاکی و سنگ زدن چون سنگ در
پهلو زنی چه میخوانی جواب بگو که قوله تعالی فسیکفیکهم
الله و هو السمیع العلیم اگر پرسند که چون پاکی در
سر اندازی بوقت تراشیدن چه میخوانی جواب بگو بسم الله
الرحمن الرحیم الحمد لله و لا اله الا الله و
الله اکبر اگر پرسند که جانب چپ تراشی چه میخوانی
جواب بگو که بسم الله و بالله و توکلت علی الله
و علی ملت رسول الله و الله اکبر اگر پرسند
عقب سر تراشی چه میخوانی جواب بگو که بسم الله
و رب الاخذات رب الاحلات و الامی
و الله اکبر اگر پرسند چون جنس سر تراشی تمام کنی

چه میخواند جواب بگوید الحمد لله الذی شرفنا
بالبدایات والنهایات الله اکبر اگر پرسند
چون گرفتن دو دست شد چه میخواند بگوید اشهد
ان لا اله الا الله واشهد ان محمدا رسوله عبده
اگر پرسند که چون استره در چرم زنند چه میخواند جواب
بگوید حسبی الله لا اله الا الله اگر پرسند که موی
لب را میگیرد چه میگوید جواب بگوید قوله تعالی یخرج
الحی من المیت ویخرج المیت من الحی اگر پرسند
که چون موی لب را گرفتن چه میخواند بگوید قوله تعالی
سبحان الله الذی سخر لنا هذا وما کنا له
مقرنین اگر پرسند که چون موی حلقوم را میگیرد
چه میگوید جواب بگوید قوله تعالی اذا بلغت التراقی
من الحلقوم اگر پرسند که چون مقراض در دست
میگیرد چه میخواند بگوید قوله تعالی والله یهدی
من یشاء علی صراط مستقیم اگر پرسند که چون
که موی چنگک

زنخ
که موی چنگک بدست میگیرد چه میخواند جواب بگوید
که قوله تعالی یا ایها الذین آمنوا استعینوا بالصبر
والصلوة اگر پرسند که چون لنگ از گردن بگیرد
چه میخواند جواب بگوید لا اله الا الله علیه
توکلت والیه انیب اگر پرسند که چون ناخن
دست راست ببرد چه میخواند جواب بگوید الحمد لله
علی کل حال اگر پرسند که ناخن دست چپ را بگیرد
چه میخواند جواب بگوید قوله تعالی والله علی کل شیء
شهید اگر پرسند که چون ناخن پای راست
ببرد چه میخواند جواب بگوید حسبنا الله ونعم
الوکیل اگر پرسند که ناخن پای چپ را ببرد چه
میگوید جواب بگوید دین الله اکبر اگر پرسند
که چون ناخن پای چپ را ببرد چه میگوید جواب بگوید
که نعم المولی ونعم النصیر اگر پرسند که چون

www.telasm.com

ناخنی یار چپ را گرفتی چه میخوانی جواب بگو که قوله تعالی
فَاَغْشَیْنَاهُمْ فَهُمْ لَا یُبْصِرُوْنَ اگر پرسند که چون
خاتمی کنی چه میخوانی جواب بگو که یَا اَیَّتُهَا النَّفْسُ
الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِیْ اِلٰی رَبِّكِ رَاضِیَةً مَرْضِیَّةً
و چون از خادمی فارغ شوی چه میخوانی جواب بگو که
فَادْخُلِیْ فِیْ عِبَادِیْ وَادْخُلِیْ جَنَّتِیْ اگر پرسند که چون
آیینه بر دست مخدوم بدهی چه میخوانی جواب بگو فَتَبَارَكَ
اَحْسَنُ الْخَالِقِیْنَ رَبُّ الْعَالَمِیْنَ و انگی آیینه
بر دست گیرد صلوات بر خواجه کاینات بفرستد که اَللّٰهُمَّ
صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَسَلِّمْ عَلَیْهِ وَبَارِكْ اگر پرسند
که چون آیینه در غلاف کنی چه میخوانی جواب بگو که یا سُبُّوحُ
یا قُدُّوْسُ یا رَبَّ الْمَلٰئِكَةِ وَالرُّوْحِ و انگی که
تراشیده باشد چون دستار در سر نهد سه مرتبه دو کلمه شهادت
بر زبان براند اگر پرسند که پیش آیینه و عقب آیینه چیست
جواب بگو که پیش آیینه ورقست و عقب آیینه مولتست
اگر پرسند

اگر پرسند که در دست راست آیینه چیست و دست چپ
آیینه چیست جواب بگو در دست راست آیینه هشت طبقه
بهشت است و در دست چپ آیینه هفت طبقه دوزخ است
اگر پرسند که فوق آیینه و تحت آیینه چیست جواب بگو که
فوق آیینه هفت طبقه علویست و تحت آیینه هفت
طبقه سفلیست اگر پرسند که آیینه چند پر دارد جواب بگو
که پنج پر دارد یعنی پنج دست آدمی پنج آیینه ماست
اگر پرسند که استاد کمر ترا بست چه گفت جواب بگو
که بنشین بعزت و حرمت و برخیز بر خدمت و حکمت
اگر پرسند که میان چند گره هست جواب بگو که سه گره یکی
سلمانی و یکی لقمانی و یکی سلیمانی اگر پرسند که سلمانی
و لقمانی و سلیمانی کدام است جواب بگو که سلمانی
شریعت و لقمانی طریقت و سلیمانی حقیقت است اگر پرسند
که سر و پای لنگ چه میخوانند بگو که سر لنگ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ
و پای لنگ مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللّٰهِ میخوانند اگر پرسند که لنگ

چندم بر جهت بگو که آن شش جهت است اگر پرسند که لنگ
چند است جواب بگو که لنگ سه و دو است که صاحب
اصحاح یک لنگ لازم است اما لنگ چهار لنگ
اصلیست و دانست که چون آدم عم بی فرمانی کرد
و گندم خورد و لباس او از تن او فرو ریخت بهر در
ختی که در بهشت رفت پناه خواست و هیچ یکی او را پناه
نداد و او را گفتند که تو بی فرمانی کرده ما پناه بخشیدنی
نیستیم مگر درخت انجیر که از خود برگ داد و گفت که کسی را
که خدا تعالی عزیز گردانیده است هرگز خوار نمیگرداند ای
آدم تو عزیزی بیا از من پناه بستان آدم عم از آن
بستند و یکی را لنگ کرد و او را لنگ اصلی نامیده اند و
بقول دیگر لنگ او را و سنگ و تسبیح را حضرت جبرئیل عم
از بهشت آورد که پیش از آدم علیه السلام بسی هزار
سال به ید قدرت خود نور محمد صعم را آفریده بود و دوم لنگ
وصلیست که چون حضرت خاتم النبیین در صحبت چهل
تنان واصل گشتند و چهل تنان از دستار آنحضرت
یک کم چهل لنگ گرفتند و دستار حضرت عم همچنان

برجای خود بود

برجای خود بود برگی از صاحبش زیاده آمد که حضرت
او را قسمت کرد و در بر ما لنگ شده است و سیوم لنگ
صفا است که از چهل تنان مانده است و چنین روا
کنند از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که
پادشاهی بود در مغرب زمین و او را خدای تبارک
و تعالی دو دختر داده بود و چهل دو دختر در خدمت
آنها بودند و در آن شهر مردی شعیب نام او هم دو دختر
داشت صاحب جمال و منور آن دو دختر روزی جهت
آبدست رفته بود و پاره آیینه در کنار دیوار بود گرفت
و خود را پاک کرد و از قضای الهی از پاک کردن آن
حمل بروی ظاهر شد تا بعد از نهم ماه خدا تعالی وی را فرزندی
کرامت کرد القصه این حکایت در همه جا آشکار شد
و هر چهل دو دختر که در خدمت دختران پادشاه بودند
از دختران رخصت گرفته بدیدن دو دختر رفتند ایشان
دیدند که دختر شعیب پسری نیکو جمالی دارد که از حسن او
آدم آن خانه منور گشته است پس کلان آن خانه دختران
از محبت آن پسر را از بغل مادرش بگرفتند و از شوق

بوسه بر رویش میدادند و همچنان هر چهل در خانهٔ
یک یک در بغل میگرفتند و بر رویش بوسه میدادند
بحکم خدای تعالی از بوسه دادن آن هر چهل در خانهٔ
دختر حامله شدند و چون این خبر بسمع دختر پادشاه
رسید و معلوم کردند که تمام دختران باردار گشتند
پادشاه را از آن حال آگاه کردند و پادشاه را اعراض
گشت و کیفیت را گفت گویند که حمل از کجا بر شما ظاهر
شده است دختران گفتند که ای پادشاه ما هم از عیب
پاکیم و پادشاه قبول نمیکرد و همه را بکشتن اشاره نمود
اما وزیران گفتند که زنده کا نیز پادشاه در زبان ایشان
تقصیر بر خود نمیکنند و سخن از قدرت میگویند و موافق
شریعت چون ایشان لازم نمی آید لاجرم در گنبد این
گنبد بست ایشان را آنجا ببینید از زنده تا هم آنجا هلاک
شوند پس پادشاه فرمود هر چهل دختر را در آن گنبد
انداختند و در آن گنبد را محکم بستند و آن گنبد
زادوار گفتند و چون وعده حق تعالی بر آن بود هر
چهل دختر بار

بار بر زمین نهادند و غایب شدند پس دختر بکر را نهاده
که دو شنبه بودند و فرزندان آوردند و در گرد عالم
میباشند و هستند و حضرت جبرئیل بحکم رب
جلیل با ایشان طعمه میرسانید تا بزرگ شدند بنوبت
هر کدام یک روز برای بر سیه تا بر سید تدمیر رفتند و در
چهل تن یک لنگ بود که هر کدام از برای فقیری رفت
میبست و باقی تا کمر در خاکستر نشسته بودند و او
آن لنگ بود که دختر کلان روپاکی داشت فرزند بود و
در آن پیچیده بود و غایب گشته بود و آن روزی که
حضرت صلی الله علیه و آله و سلم در صحبت چهل تنان رسید
آن روز آن لنگ را سلمان فارسی که کوچک چهل تنان است
بسته بود و بفقر رفته بود پس لنگ صفاهان لنگیست
که از سلمان مانده است و چون حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
از صحبت چهل تنان بیرون آمد بهمراهی سلمان فارسی
و مهتر جبرئیل چهار تیغ و یک لنگ با ایشان داد
که او را لنگ و فا خوانند حضرت آن لنگ و فا سو

بجوان مرد قصاب دادند اگر پرسند که کیست از نجاست
جواب بگو که از کلهٔ آن گوسفند است که برای قربانی
مهتر اسماعیل ع آوردند و آن چرم با او استره میزنند
از کلهٔ همان گوسفند است اگر پرسند که سر و پا از چه
میتراشی جواب بگو که باذن صاحب کسوت میتراشم
اگر پرسند که کشتهٔ تو مرده است یا زنده جواب بگو
که هم زنده است و هم مرده اگر پرسند که چگونه جواب
بگو که تا در کمر دارم و در کار است زنده است و چون از
کمر گشودم و بر جای ماندم مرده است والله اعلم بالصواب
هر که خواند دعا طمع دارم ز نکه من سیند که کارم

بسم الله الرحمن الرحیم دعای درد
سر اصبر شو منادی لنکر رمنی آکهان علیم الله

ع آ ۱۱۱ ع ۹۱۱۱ ع ده هر

نه هر جزء خط رندارم ری

---

از جهت درد گلو بخواند بخواند که بیمار به صحت شود

اللهم انی اسئلک باسمک یا الله یا رحمن
باسمک الذی لا اله الا الله
یا ارحم الراحمین

| | | |
|---|---|---|
| [illegible] | [illegible] | [illegible] |
| [illegible] | [illegible] | [illegible] |
| [illegible] | [illegible] | [illegible] |

اگر کسی بسته باشند بنویسد این طلسم بر تخم مرغ سیاه تخم
در میان دیگ خالی اندازد تا تخم بترکد گشاده شود
یحول الله تعالی ح ح ۱۱ ام ۳ ۱۱۱۱۱۱ نوح و دیگر بر خیزد

بخواند و بدمد به اگر که دهد
بخور د یا حی یا قیوم یا رحمن
یا رحیم نام ن

ولا قوة تعلم الا
الله الصمد ۱۱۱۱۱۶ ۸

الله لا اله الا هو الحي القيوم لا تاخذه سنة ولا نوم له ما في السموات وما في الارض

محقق

اللهم اني اسالك

اللهم هذا

١١١١

www.telasm.com

اهدنا الصراط المستقیم صراط الذین انعمت علیهم غیر المغضوب علیهم

ولا الضالین [illegible]

[illegible]

الحمد لله رب العالمین الرحمن الرحیم [illegible]

[illegible]

المصطفی و المرتضی و [illegible] فاطمه

بسم الله الرحمن الرحيم

الم ذلك الكتاب لا ريب فيه هدى للمتقين
الذين يؤمنون بالغيب ويقيمون الصلوات
ومما رزقناهم ينفقون وآية الكرسي بخواند
تا يا خر وبعد ازان اينها را بخواند هو الله الذي
لا اله الا هو عالم الغيب والشهادت
وهو الرحمن الرحيم بسم الله الشافي بسم الله
الكافي بسم الله المعافي بسم الله الذي لا
يضر مع اسمه شيء في الارض ولا في السماء
وهو السميع العليم بسم الله الرحمن الرحيم
قل اوحي الي انه استمع نفر من الجن
فقالوا انا سمعنا قرآنا عجبا يهدي الى
الرشد فآمنا به ولن نشرك بربنا احد
وانه تعالى جد ربنا ما اتخذ صاحبة

والذين يؤمنون بما انزل اليك وما انزل من قبلك وبالآخرة هم يوقنون



وقولنا بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله
الجلیلة جباراً ملکاً قهاراً شمساً قمراً
لیلاً ونهاراً ملک الدوّار باسم ملک
جبار شما کرباکاسین شما کر دینادین شما کر حاذرا
سین شما کر غاببانین شما کر ایمان بخدای
عزّ وجل دارید بترسید وازین غالب بیرون
آئید واگر نه شما بکیرم وبسوزانم بحق آن نام
که آدم علیه السلام خواند صفی گشت وبحق
آن نام که نوح خواند نبی گشت وبحق آن نام که
ابراهیم خواند خلیل گشت وبحق آن نام که موسی خواند
کلیم گشت وبحق آن نام که محمد صلی الله علیه
وآله وسلم خواند حبیب رب العالمین گشت
وبحق آن نام کلام عزایم میکنم اکر ده دیوان
وپریان وجنیان وام الصبیان وحبش

وکبر وترس

وکبر وترسا وجهود وترسا ونصرا ابن
وکرجی وقناتادی وادمی مقیلا لاً
جلنادا اورس تبر کسی حبشی وفرنگی انجا
زنگی وزنگانی مشرقی ومغربی هرجا
که هستید عزایم در پیش دادیم ودر
کادمن تعجیل کنید وشتابید بیرون
آئید وهمچون آتش درهوا شوید بحق
آنخدای که آفریده هشده هزار عالم
وبحق عرش وکرسی ولوح وقلم وبحق
خدای عزّ وجل وبحق سلیمان ابن
داوود علیه السلام بسم الله وبالله
علی الله من دینی اکر جهود دانید بحق
توراة موسی اکر ترسا دانید بحق انجیل

دو رطاسوی آیجب ۴۱۳ وابن طلسم نیز بیت بهار

عیسی داکر یهود نفد بحق زبور داوود واکر
علما نید بحق فرقان محمد المصطفی صلی الله علیه
آله وسلم هرجا که هستید عزایم دریش داد نیل شنوید
بسم الله اسکن بعزة الله اسکن بقدرة الله
اسکن ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم
بند کردم باین آیات که جمله دیوان و پریان دام ا
لقبیان و جنیان بفرمان خدای عز و جل و بحق
هزار یکنام خداوند تعالی و بحق صد و بیست
چهار هزار پیغمبران مرسل و نامرسل و بحق شهیدان
کل دوران زمین و بحق آصف بن برخیا که عهد
کرده قبول و شما قبول کنید و خطا مکنید و بگذارید
این بنده خدا را و بمقام دوید و بحق جبرائیل
و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل و بحق حملة
العرش که حمل عرش شدند ربکم فوقهم یومئذ
ثمانیة و بحق آیة الکرسی اخرج باذن الله
تعالی و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم
حول
بحق صد و چهارده

چیبانه ۱۱۲۹۹ ۱۱۸ ۹ ۱۱۷ ۱۱۷ ۱۱۷ ۱۱۷ ۱۱۷ ۱۱۷ ۱۱۷ ۱۱۷ ۱۱۷ ۱۱۷

و بحق صد و چهارده سوره قرآن و بحرمت
لا اله الا الله محمد رسول الله صلی الله علیه
و آله و سلم و بحق علی ولی الله ع و فاطمه زهرا
و امام حسن و امام حسین ع و بحق جمیع شهیدان
کل دوی زمین کی بلای پریلا و سوره طه و بحق
و یس و رحیم ذی حی القیوم انما امره
اذا اراد شیئا ان یقول له کن فیکون فسبحان
الذی بیده ملکوت کل شیء و الیه ترجعون
اخرج اخرج اخرج اکر کسی را دمیخ تابخ الله
باشد این دعا را بر سر بندد و بعد از بسمله و عزرائیل
و میکائیل و جبرائیل و محمد و علی نقلست
در جواهر القرآن بجهت دفع وسوسه و حفظ از بلاها و کشاده
کار بسم الله را باین خط بیق مربع
درج کند در شرف آفتاب یا که
اثر اعتدال زرد و دایم
با خود داشته باشد با طهارت
باشد

| | | | |
|---|---|---|---|
| بسم | الله | الرحمن | الرحیم |
| الرحیم | الرحمن | الله | بسم |
| الله | بسم | الرحیم | الرحمن |
| الرحمن | الرحیم | بسم | الله |

از هالحجن ساکن سن سن رسید تجربه شده این دعا برای

از برای طفلی که نزود و بکرا در آب بمانند
در بدن طفل بریزند ۱۸ ته ۳ ااا ۲
دویم را ببندند تا نخورد ۱ ۳ اا ۱ ۲ ۸ ۱ ا ل
سیم را بر طفل ببندند اسماعیل او دا کی لبشاه دینه
ولا نودا السموات وما فی الارض ولا یئوده حفظهما
وهو العلی العظیم یا شتا دیت یا مستمع
مستمع یا الله یا ارحم الراحمین یا اکرم الاکرمین
وحفظه من جمیع البلاء بحق محمد صلعم
وآله واصحابه اجمعین برحمتک یا ارحم الراحمین
۸ ع ااا ااا ۸ حفظها الله تعالی باسم فلان
ابن فلان ا ۸ ل بنویسند بر گردن آویزد
اختیار نزید وکمرکچ حتلیله شود این نوشته را بر گردن
او ببندند شفا یابد جلیسوس اردوبس ملیوس
سادس برطوس سلومانس الیفا وصادرا ملوخ
جلنوخ کرم ملخ بنویسند در میان حاصل بیاویزد دفع شود بعد از بسمله سبحانک دایم
القایم سبحان الله الخالق الاعیان سبحا

ن الله

سن نوشته میان زراعت بیاویزد از آفت سن محفوظ ماند
ن الله الباری الباسط سبحان من یحفظ عما یصفون
اا آ ص ا ل ا ع اااا ح و ماندن فرزند دوماه
یا سه ماه یا چهار ماه از بیفتد ضایع شود این نوشته را
باخود ببرد اسماعیل علی علی علی اسماعیل حل علی
طل علی صل علی
جل علی طا علی صل علی حل علی صل علی ا ر ا ه ا ه ا ه
ا ر ا ه ا ه ا ر ا ه ا د ه ه ا ر آ ه ا ه ا ه ا ر ا ه ا ه ا ه ا ه ا ه
ده ده ده سس سس سس سس سس دو دع صالی
عماسو وکشادم وفتح کردم بحق نستعین
دعای بیفتد بند زنان حامله بندد و فرزند از رحم
خطا شود بعد از بسمله بنویسید و بر کمر بندد اللهم یا کا
شف الضر والالم یا خالق اللوح والقلم وجاعل الظلمات
والطلق نقنی من کل هم وغم سبیلی واکه برحمتک
یا ارحم الراحمین اللهم احفظ صاحب الدعوات
بحق هذا الدعاء وتعطیه برحمتک یا ارحم الراحمین
و بعد از آن این دعا را بر بیفتد ببندد ماه اول
۲ ۲ ۲ ۴ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۴ ۳ ۴ ۱ ۱ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۷ ۲ ۱ ۴ ۲ ۵

ماه دوم ط ۱۱۱ سلا لد لد سس ل ۶ م و عا م

ماه سیم ۶ عا ۱ س و عا علا ا د ا ح

ماه چهارم ط ۳ ۳ ۹ ۹ ۱ س س ۱۱۱ ۵ ۵ و ۵ و د ا س س کر ل

ماه پنجم س س ۵ و س س ۱۱۱ ۹ ۵ و ۵ و ۳

ماه ششم ۳ عا ۱ س س و ۵ عا د د س

ماه هفتم ۱۱ ص د د س و ا لا و ا عا ماه هشتم

۱۱۱ ۵ ۱ ۳ ۱۱۱ و دهم ماه نهم ۱۱۱۱ ۵ ۳ ۳ ۱۱ ۹ ۹ و لا ص ۳ عا

العمل غبار اگر کسی در چشم غبار رسیده باشد بنویسند بر چشم او بندد

العمل حیوانات مثل گاو و گوسفند وغیره هم چنین درانگرد و یا شیر ندهند این شکل را نوشته بر گردن ... بندند بچه خود را بگیرند

اگر کسی را سفیدی در چشم افتد بنویسند در چشم گذارد

۱۱۱ ۱ عا ا و ا م ان هوا صا ۱ عا ۱۱۱ س عام ۱۱۱ عا ۱
مهد ۱۱۵

مهد ۱۱۵ ا س ا ۱۱ ط ۵ ۱۱۱ عا ۱۱۱۱

العمل تا کودکی این دعا را در روز چهار شنبه بر آب بخواند و بر سر او بریزند بعد از بسمله بخواند قل اوحی الی انه استمع نفر من الجن فقالوا انا سمعنا قرآنا عجبا یهدی الی الرشد فآمنا به ولن نشرک بربنا احدا ... یا ارحم الراحمین

دعا اگر کسی را سر درد کرده در دل یاد ... بعد این شکل نام ... در گردن بندد بعد از بسمله ... یا ... یا ... یا ...

این طلسم ۱۱۱۱ ۵ ۱۱۱ م ۱۱۱۱ ...

بعد هر دعا بنویسد از برای هر حاجت بسیار خوب است

دعا بچه گریه کرده ... ۱۱۱ ع ۱۱۱ ۵ ام

بسم ... هی هی هی قد وش قد وش قد وش قد وش قد وش بچه گریه فلان ابن فلان را

دعا سر ماه طفلان این دعا را بر سه پاره کاغذ نوشته یکی را دو وقت زیر دل با موی گربه سیاه در زیر طفل دود کنند و ۲ دود کنند و یکی دیگر را در آفتاب زرد دل با موی گربه سیاه دود کنند مجرب است

اول صاصون صباصون دوقح ویاصون اطلس
مطلس سبح الماملها ریاها دعای ابلوکل افشناه

دعای دوو بیرو حبق در خانه کی ترسک بیندازد تو بی مربع را نوشته دردیوار خانه روبقبله بانتر بزند سنک انداختن برطرف شود

| |
|---|
| السسامی السرم بالعس س |
| اد لوس اس ما وس |

دعای جهت سرخ بنویسد برچوب بندد و درمیان زراعت بنا ویزد فان مع العسر یسرا ان مع العسر یسرا دعای

| | | | |
|---|---|---|---|
| ١١ | ١٣ | ١٦ | ٤ |
| ١٦ | [illegible] | ١٠ | ١٥ |
| ٦ | ١٩ | ١٢ | ٩ |
| ١٢ | ١٨ | ٧ | ٩ |

جهت ملک بنویسد و درمیان نی نهد و در جای بلند بیا ویزد بسم الله ورب السماء بسم الله الذی لا یضر مع اسمه شیئ و لا فی السماء وهو السمیع العلیم و ذات السموات یا من بیده ملکوت کل شیئ و الیه ترجعون دعای بجهت ترفع در وقت زاییدن بسته نوشته بنویسند بر کردن بندند اذنوس حلوس مانوس حنون دوس هلوس طیلعس اسوکل دمادس حصون صوحان

دعای اگر کسی فرزندش نماند بنویسد بر پنج کوزکهنه دفن کنند

| | | |
|---|---|---|
| ١٤ ١١ ٣<br>ب و ٩ ٥ | سعت غالح | سعت ۹ |
| | الی الص<br>دحت | سعت الابع<br>فاف |

دعای خوکا بر چوب بید بنویسند و درکنار زمینی بنا و بزند دهاتی لبته گردد بعد از بسم الله ترا الی الذین خرجوا من دیارهم الوف حذر الموت فقال لهم الله موتوا و ترکنا ملح ملیح و یکون دکم صبعوا علا جانب الارض دعای دفع حی کردن و قلنج نوشته بر پوست و نحو و لو نشاء لمسخناهم علی مکانتهم فما استطاعوا مضیا و لا یرجعون و من نعمره ننکسه فی الخلق افلا یعقلون دعای نوشته بدن طفل یا بزرگ برچوب بید بنویسد و در خانه بگذارد تا خوشنود شود بیرون بنشود اللهم انت لا تلقی اذهب علی ما یشاء و انت قد ما یشاء و بلاء کلهم عزیز برحمتک یا ارحم الراحمین ازبرای درد کوش نم زده یا بجوانه

اِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ
اِلَى مَعَادٍ دعای اگر در میان کشت زراعت
یا در باغ علت الکرم یبد الشعو یا در گوسفند بد نوع
علت سر الشعو باید این دعا را نوشته در آب اندازند
و در باغ گوسفندان بپاشند و در باغ زراعت
بیاویزند علما عملا عملا عملا عملا ه ه ه ه ه ه ه
ه ه ه ه اه اه اه اه اه اه اه اه بیت
بیت بیت آهیا شرا هیا قدوس قدوس
قدوس اه اه اه اه اه اه اه اه یا ارحم
الراحمین دعای افسون مار و عقرب و هر جنبنده و
گزنده باشد قل ربی خاک بر گیرد بکف دست خود
هفت بار این دعا را بخوانند و آن خاک را با آب
دهن خمیر کند و بجای گزیده مالد بتوفیق خدا
شفا یابد لیس کمثله طالب ولیس کمثله
غالب دعای اگر کسی دیوانه شده باشد این را
بنویسد در آب عالم الدنیا بخورد مجرب است بعد از بسمله
الیها السما السما السما السما سمعها
تمام شد

دعای از برای قرب کردن در میان کاسه نقش را
بنویسد و بخورد که در زمان برطرف شود بفرمان
خدا ینفعا

| | | | |
|---|---|---|---|
| و | هو | ح | نو |
| و | س | ح | ء |
| س | سه | ح | ا |
| ص | ح | ی | عد |

دعای اگر اسب را درد بگیرد این حروف را با انگشت نقش کند بر زمین و اسب را بر آن بگرداند البته شفا یابد حروف اینست

| | | |
|---|---|---|
| ح | ه | و |
| خ | ا | و |
| ح | ب | عد |
| حا | ٥ | ٥ |

دعای از برای دیو پری و وحشی این نامها را بر بیضه ماکیان بنویسند و در آن مکان دفن کنند و بر گوسفند بخوانند و بسوزانند دیو و پری و وحشی از آن مکان بگریزد و باز نیاید اگر چه سالها در آن مقام بسر برده باشد و نامها اینست بعد از بسمله بخوانند سبحان ذی الملک

وَالْمَلَكُوتِ سُبْحَانَ ذِي الْعِزَّةِ وَالْعَظَمَةِ
وَالْقُدْرَةِ وَالْهَيْبَةِ وَالْكِبْرِيَاءِ وَالْجَبَرُوتِ
سُبْحَانَ ذِي الْمَلِكِ الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ
وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ أَبَدًا أَبَدًا يَا سُبُّوحُ
يَا قُدُّوسُ يَا رَبَّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ بِحَقِّ
ببضه اینست طـ ... دعا درد سر مجرب
یا طاها یا طـ ... در یا حمسه یا طنا
دعا بجهت مار گزیده ... این دعا نوشته بشوید
و بخورد او دهد و اگر مار گزیده نتواند آمد بخورد دیگری
که از نزد او آمده و خبر آورده و بخورد او دهند دعا
اینست هیوق هیوق مطوق هه کلهیم
دعا و اگر گله گوسفند ابله بهم رسد بر سه پاره قبر ...
بنویسند و در جای گوسفند دفن کنند بسیار آزموده

۳ ر ۱۱ ۸ ر ۱۱ ۹ ۱۱۱۹ ۹۹ — ۱۱ ۸ ۱۱ ۱ ۸ ۸ ۱ ۸.

۱۱۱۸ ۱۱۹۱ ۱۱ ۸ س ۱۱۱ ۸ ر ۸ ر ۵ ۵ ۱ ۸ ۸ ۲ ۱۱ ۸ ر ۱۱

دعا بجهت درد سر بنویسد و بر سر خود بدارد از درد سر
و درد شقیقه ایمن بکند دردهای مختلف که از باد سرخ

دباد لقوه

لقوه و باد قولنج ایمن بود از برکت این اسما بعد از بسمله بنویسد
ولو ان قرآنا سیرت به الجبال او قطعت به الارض
او کلم به الموتی بل لله الامر جمیعا تعالی للدرد زبرال
دشوار زاییدن بنویسد و بر ران راست ببندد و همینکه زاییده شد
باز کنند که احتمال دارد که روده‌های او نیز فرو آید بفرمان خدا تعالی
عیسی حیة ولدت مریم ولدت عیسی علیه السلام
الا ولد اخرج بعزته وقدرته فلان زاد فلان
جهت بد خوی ماده گاو بر تخم مرغ بنویسد و از شام بپزیشا
نیمشی زند بعد از بسمله بنویسد شش هب شش هب جاعب
نحنت فحفت ما نفعت ها فسیکفیکهم الله وهو
السمیع العلیم وننزل من القرآن ما هو شفاء و
رحمة للمؤمنین ولا یزید الظالمین الا خسارا
کنت هذه الاحرف الامر ... لو یا به الله و
بعظمة الله برحمتک یا ارحم الراحمین فی امان الله تعالی لا شد
دعا تب لرز تخم مرغ را بپزد که دختر نابالغ نرسیده با
غزل نماید و هشت بخش تخ را بر سفیده مرغ بپیچد و تخم مرغ را
در زیر آتش نماید تا پخته شود سفیده و زرده را بخورد
و پوست بیضه را در آب انداز و تخ را بر دست راست

ببندد امطا امط و بدا مجد مجد مجه یا
صحها یا مجه یا مجه دعای جهت زنی که فتح داشته باشد
یعنی بسته باشد و فتح نیاید این دعوا را با خود دارد و حیض
بعقد در خوا بیاید ما شاء الله کان و لم یشاء لم یکن
اشهد ان لا اله الا الله علی کل شیء قدیر
و ان الله قد احاط بکل شیء علما دعای درد گردن
بنویسد در گردن ببندد یا من خلقنی و سوانی یا من
رزقنی و ربانی یا من اطعمنی و سقانی یا من
قربنی و ادنانی یا من عصمنی و کفانی یا من
حفظنی و کلانی یا من آنسنی و آوانی یا من اماتنی
و احیانی دعای از برای گرفتن اسم مطلوب
در خانهٔ اول بنویسد و اسم طالب را در خانهٔ آخر طلع بنویسد
بعد از بسمله نصر من الله و فتح قریب اذا جاء نصر الله
والفتح

اگر زنی نو
که فرزند بلامت نیاید
موی آن زنرا با فضلهٔ گاو در
در زیر او دود کنند

جهت زبان بندی یا حیوانی که ضرر او را شر این شکل را نوشته همراه کردن
نگاه داشته ببندد

| | | | |
|---|---|---|---|
| ٢١ | ٣ | ٣ | |
| ٥ | ٦ | ٨ | ٧ |
| ٩ | ١٩ | اعقد | یا الله |
| رحمٰن مهیمن | اعجز | فات | یا الله |

آداب امتی را حمد احمو ... یا الصراط المستقیم

بعد سه مرتبه صلوات بفرستی بر محمد و آل محمد و حکو
بنت فلان و فلان ... از دست اندا ...

یا من یعلم احد من لا یعلم استخیر برحمتک یا الله

بسم الله الرحمن الرحیم
ان ربکم الله الذی خلق السموات والارض
فی ستة ایام ثم استوی علی العرش
یغشی اللیل النهار یطلبه حثیثا والشمس
والقمر والنجوم مسخرات بامره الا له الخلق والامر
تبارک الله رب العالمین ادعوا ربکم تضرعا
وخفیة انه لا یحب المعتدین ولا تفسدوا
فی الارض بعد اصلاحها وادعوه خوفا
وطمعا ان رحمت الله قریب

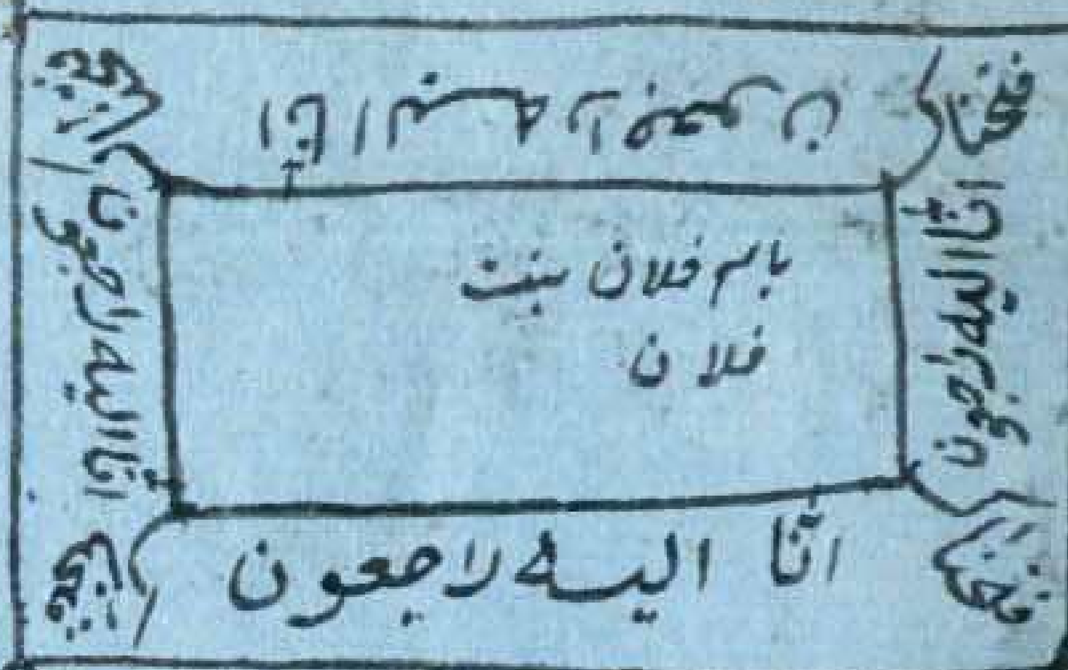
## دانستن بیماران

بجهت دانستن بیمار به میشود یا نه اگر روز یکشنبه
بیمار شود از روز نوبه بشمرد بحساب ابجد نام بیمار و نام مادر نیز
حساب کند سه سه طرح کند اگر یک ماند بهتر شود و اگر دو ماند
بمیرد و اگر سه ماند رنج او دراز کشد و اگر روز آدینه بیمار شود
پنج طرح کند بحساب بگیرند و سه سه طرح کنند اگر یک ماند
بیماری او دراز کشد و اگر دو ماند بمیرد و اگر سه ماند بهتر
شود و اگر روز دوشنبه بیمار شود شش بحساب بگیرند و سه سه
طرح کنند اگر ماند بمیرد و اگر دو ماند بهتر شود و اگر سه ماند
بیماری او طول کشد و اگر روز سه شنبه بیمار شود چهار
بحساب بگیرند و سه سه طرح کنند و اگر یک ماند بیماری او
طول کشد و اگر دو ماند بمیرد و اگر سه ماند بهتر شود
و اگر روز چهارشنبه بیمار شده باشد پنج بحساب بگیرند و سه سه طرح
کنند و اگر یک ماند بهتر شود و اگر دو ماند بیماری او
طول کشد و اگر سه ماند بمیرد و اگر روز پنجشنبه بیمار شود
سه یک بحساب بگیرند و سه سه طرح کنند اگر یک ماند بهتر
شود و اگر دو ماند بمیرد و اگر سه ماند رنج او طول کشد

واگر روز شنبه باشد شش بحساب بگیرد و ۳ ۳ طرح کنند
واگر یکی ماند بمیرد واگر دو ماند طول کشد واگر ۳ ماند بهتر
شود — واگر کسی اول شب شنبه بیمار شود برهد واگر نیم شب
بیمار شود کم برهد واگر آخر شب بیمار شود رنج وی قوی گردد اگر شب
یکشنبه بیمار شود بیم هلاک بود بیست یک روز بکشد بعد از آن
نیک شود واگر آخر شب بیمار شود بهتر شود واگر شب دوشنبه
بیمار شود اگر اول باشد خلاصی یابد اگر نیم شب باشد سی
روز بکشد اگر در آخر شب باشد کم برهد و بیم مرگ بود
اگر شب سه شنبه بیمار شود اگر شب باشد تا هفتاد نه روز بکشد
واگر در میان شب بیمار شود قوی بود بیم مرگ باشد تا چهل
روز بکشد واگر در آخر شب بیمار شود از علت بود مرض او خا
م باری بود اما امید صحت بود شب پنجشنبه بیمار شود تا هفت
روز بکشد و کمین سهل باشد واگر در میان شب باشد از حقفه
بیم باشد و کمین سهل بود واگر شب آدینه بیمار شود اگر اول
شب باشد دلیل کند که علت وی دیر کشد اما به شود اگر نیم
شب بیمار شود بیم مرگ باید اگر در طالع وی ضعیف باشد
بیماری وی

بیماری وی طول کشد بیم هلاک باشد واگر در آخر شب بیمار شود
قوی گردد ولیکن بسلامت باشد اگر چهار شنبه
یکی ماند طول کشد اگر دو ماند به میرد
اگر سه ماند صحت یابد

اگر خواهی بدانی که بیمار شد از کدام طایفه ضرر رسیده نام
بیمار او و نام مادر او بحساب ابجد بگیرد ۴ ۴ طرح کنند اگر
یکی ماند پری ترک بود واگر دو ماند پری مسلمان بود واگر سه ماند
پری کبر بود اگر چهار ماند پری جهود بود باب اگر کسی را
اجنه یا دیو گرفته باشد این نامها را بر کف مصروع بنویسند
تا پری روی خود برارد در حال مصروع بفرماید آید بفرمان خدا
تعالی بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله طیوما الرحمن
طلس ما الرحیم حسبنا الله نعم الوکیل نعم المولی ونعم
النصیر وصلی الله علی محمد وآله اجمعین اگر کسی را حابس
ده خواهی که برگردد این آیه را بنویسند بنام آن کس در زیر
سنگ گران گذارد آن شخص حال نتواند رفت بفرمان
تبرو لکاد عالم مجرب است لبیاد لبیاد تجربه شده است




عزیمت رخصت نمودن لشکر
ای پادشاهان و ای ملکان و ای دیوان و ای
پریان و ای جنیان و ای اهل القبیلان و ای فرشتگان و ای
نیکان و ای پاکان و ای عالم غیبان بحرمت دم شما و
بحرمت قدوم شما بحرمت الجبرائیل که شما ها الان عزیز
تر چیزی نبود اگر یهودی هستید بحق توریة و اگر ترسا
باشید بحق انجیل اگر مجوس باشید بحق زبور و اگر مسلمان باشید
بحق فرقان محمد المصطفی صلعم و بحق این چهار کتاب
که یاد کرده شد بحق دین شما و آیین شما و راه شما و رسم شما
و مذهب شما و ملت شما و پیر شما و پیغمبر شما که هر نظر
و زنجیر و ... و علیکم ... بیمار حاضر شوید
ایید

ایید بیایید بردارید هر کس درد او بود دوا کنید ای پادشاهان
و ای ملکان ای فرشتگان و ای نیکان و ای پاکان و ای
پریان و ای دیوان و ای جنیان این نادان را ببخشایید اگر
به شما بدی کرده از سر بی ادبی آن در گذرید اگر گستاخی کرده باشد
مگذارید که الضعیف است زحمت شما طاقت ندارد البته درد
و درد و علت از اینجا برود و دادهٔ خود را بردارید و ببرید هر چه
که شما را آنان خوش نیامده او از دل نادانی کرده شما باید
بکرم خود زحمت او ببرید و از سر تقصیرات و گناه او در گذرید ای
پریان و ای دیوان و ای جنیان بحق آن نامی که حضرت سلیمان
نبی بر دم موسی نوشته و انگشتری برابوی داده بود ...
بحرمت موسی کلیم الله و بحق عیسی روح الله و بحرمت داود
خلیفة الله و بحق محمد رسول الله و بحق علی ولی الله
و بحق هژده هزار عالم خدای عز و جل و بحق صد و بیست و چهار
هزار پیغمبران مرسل و نامرسل و بحق دوازده امام و چهارده
معصوم پاک و هفتاد و دو تن شهیدان دشت کربلا و بحق
هفده کمربستهٔ کامل سلسلهٔ حضرت امیرالمومنین علی ابن

ایبن طالب که اینها او شما شفیع میآورم از شما درمیخواهم
که دعوت مرا اجابت کنید واین بیمار بود دیگر پیشی از این
مرنجانید بلا توقف دم نقد بود واوکار کنید بزود تر زود
دعوت مرا اجابت کنید مطیع و منقاد باشید فی هذه السا
عة وبحق عزمت علیکم یا تخیثنا یا موشخیثنا یا موشیطنا
وبحق اهیا شراهیا ادونی اصباوت اخرج بحق
آدم صفی الله بحق شیث نبی الله وبحق نوح نجی الله
وبحق ادریس رفیع الله وبحق داود خلیفة الله
وبحق سلیمان سلیم الله وبحق ابراهیم خلیل الله وبحق اسما
عیل ذبیح الله وبحق یعقوب اسرائیل الله وبحق یوسف
صدیق الله وبحق موسی کلیم الله وبحق عیسی روح الله
وبحق محمد رسول الله صعم وبحق علیا ولی الله اخرجوا
من البدن هذه المریض وبحق لا اله حول ولا قوة الا
بالله العلی العظیم اخرجوا اخرجوا اخرجوا عزیمت بنی
بنی لشکر عزمت علیکم یا ارواح الجن وبحق نسوا
من تاپاید نخاسن فلا تنتصران خذوه فغلّوه
تم الجمع

ثمّ الجحیم صلّوه ثمّ فی سلسلة ذرعها سبعون
ذراعاً فاسلکوه عقد تمّ عقداً صحیحاً صریحاً
محکماً سکنا نکلهنا فی عهد الله وعهد رسول
وعهد سلیمان ابن داود عم بستم وبند کردم جماعت دیوان
وپریان وکبرانی وترسایان ومسلمانان اگر نصرانیتر
واگر جهودان واگر مجوسی واگر ادواحیر واگر قلندر
واگر کتریر واگر برادر واگر یمینی واگر جنوبی واگر شمالی
واگر مشرقی واگر مغربی واگر هفتاد دو گروه خواهر دیوان
هکیر شما او بستم و بند کردم بستم بقفل داوود بند کردم بمهر سلیمان
وختم کردم بخاتم محمد المصطفی صعم وکلید او بروح الامین
سپردم تا من نکشایم دیگری نتواند گشود بفرمان خالق بسعی تبارک
وتعالی بستم بحق هزار دیگنام خدای عز و جل وبحق صد و بیست چهار
هزار پیغمبر مرسل وغیر مرسل که بیایید وحکم عهد قبول کنید
وخط سلیمانی از قول خدا و دمکنی رید این بیمار بود بگذارید و بروید
دایه غول و بروید وبحق دین شما و مذهب شما و ملت شما

و بپیچ شما و ببندم قدم شما و بحق انجدال که شما را از نور آتش آفریده
فرمان بردار کنید از تن خواننده عزیمت ببر هفت رو بپرده بحق
دین شما و مذهب شما و بحق ملت شما و بحق هذه العزیمت
و بحق حنان یا منان یا دیان یا برهان یا سبحان ای موج
الجهوی کافر ای مسلمان ای دیو ای و پریان ای عالم ارواح
از حقیر و کبیر انچه هستند بیایید آیه خود را بر گیرید و برود
ترک این بیمار کنید دیگر مکر وید و این بیمار را بحق سلیمان
بتعمیر و بحرمت اذهبوا قبل مَا قَطَعْتُمْ مِنْ لِينَةٍ أَوْ تَرَكْتُمُوهَا
قَائِمَةً عَلَىٰ أُصُولِهَا بسته چشم شما و پای شما و دست شما
و سر شما و عقل شما و نطق شما را اگر شغبوا ولا شعبو بسته
بیصد و شصت شش رگ و چهار صد چهل چار پاره استخوان
و دو بیست بیست هفت بیوند جنیانرا در حق خواننده
دعا فلان بنت فلان و بند کردم الیشان را به بند علی ابن ابی
طالب تا من نگشایم کسی دیگر نگشاید و بحق محمد و آله
الامجاد بسته باد گفت بند گفت بند عزیمت قسم
نامه لشکر دیو کنند میدهم شما را ابو لوان و قسم میدهم
شما را او پریان

شما را و ای پریان و عهد میثاقکم با شما ای جنیان و ای ام الصبیان که باید
علاج کنید و شفا دهید بیمار را دیو مرنجانید مترسانید مگریانید
نه در خواب و نه در بیداری نه در روز و نه در شب نه در هفته و نه در ماه
نه در سال نه در جمیع عمر نه در تنهایی و نه در جمعیت ای خواننده
این عزیمت را بحق موسی و بحق عیسی و بحق داوود و بحق محمد
و بحق جبرائیل و بحق میکائیل و بحق اسرافیل و بحق عزرائیل
و بحق عرش و کرسی و لوح و قلم و بحق حاملان و کروبیان
و بحق محمد المصطفی و بحرمت علی المرتضی و بحق دوازده امام
و چهارده معصوم پاک صلوات الله و سلامه علیه و علیهم اجمعین
و بحق فریشتا بحق تحمیشا و بحق لا اله الا انت الملک الحق
الذی لا اله الا انت بحق نقش الخاتم سلیمان ابن داوود
بسته دیوانرا بسته پریانرا بسته جنیانرا بسته ام الصبیانرا و
بحکم سلیمان پیغمبر و بحق آسمان و زمین و بحق شش هزار ششصد
شش هزار آیه کلام الله و بحق صد چهارده سوره قرآن
مجید و بحق دو بیست چهل چهار هزار نقطه منقوط

بحق والشمس والقمر والنجوم مسخرات بامره الا له
الخلق والامر فتبارك الله احسن الخالقين فتبارك الله رب
العالمين بديع الجمال ببرش روح افتائیل ببرش سروائیل ببرش
عکائیل ببرش و بحق شماسی قماسی طهماس و بحق ام الجن
الکبیره خاتون و بحق لا اله الا الله محمد رسول الله و بحق علی ولی الله
اخرج اخرج اخرج هر کجا جنی بسیار سخت بود بهیچ نحو
از بدن او بیرون نرود باید که این طلسم را بنویسد کشته بخوری
خوند بگردن خود ببندد بعد از اتمام حجت به بند آب خود که
بحق رب الطالبين وسو علا [illegible] ۱۱۱
لا لا بعسلو وسلو لا حططم بجهت دفع ابن
ناصواب بر باز بنویسد و بر اهل تهمت دهد در گلوی هر کس
بند شود رفع شود عج عج عج عج عج عج عج عج عج

اگر خواهد که دختر را بنکاح خود در آورد این طلسم را
بمشک و زعفران بنویسد و بر پیشانی زهاد [illegible]
ببندد و فی الحال راضی شود در روز چهارشنبه بنویسد.
العجل العجل بحق الغالب الساعة الساعة

الصالح



الفتاح عالی ۱۶۱۰۵۱ ۲۲۵۲۲۳ [illegible] البانی
زنا [illegible] شیخ یحیی ابن ذکریا میفرماید که زنی که او
حمل نشود این عمل را شوهر زن یا محرم زن باشد باید
که بنیت درست و اعتقاد صحیح این عمل را برای حمول آن زن
ببندد بدین نیت که من فرزند نرینه یا ماده بینه هر کدام
که خواهد خدا بتعالی بوی کرامت کند ببرکت این عمل
بزرگوار بجانبکه یحیی ذکریا میفرماید که من دیدم
و حساب کردم و بفضل زن بشفقت الکبیر مطلب
حاصل شد شیخ من کود میفرماید که بعد از وفات پدرم این عمل
به [illegible] زن دادم حق تعالی هم او فرزند نرینه کرامت
کرده هر که شک آورد کافر گردد من نخلف الله
بسم الله الرحمن الرحیم ولو ان قرآنا سیرت
به الجبال او قطعت به الارض او کلم به الموتی
بل لله الامر جمیعا لله ملك السموات والارض
یخلق ما یشاء و یهب لمن یشاء لو انزلنا
هذا القرآن علی جبل لرایته خاشعا متصدعا

متصدعاً من خشية الله وتلك الامثال نضربها
للناس لعلهم يتفكرون والله ولي التوفيق فتهجد
به نافلة لك عسى ان يبعثك الله مقاماً محموداً
ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم برحمتك
یا ارحم الراحمين الفاً از بهر اولادش در شکم نمی ماند
یا بعد از متولد شدن بر طرف شود و نمی ماند از هفت
خانهٔ همسایه قدری آرد و نمک بگیرد و در شب جمعه بشوید
بر پوست بنویسد و صبح از پوست خود باز کند در دو
قیس که طفل در شکم باشد و دعا این که میباید با آب
بشوید و از آب این دعا آرد و نمک الو خمیر کند و سه
گرده نان بپزد و یک ماده سگ در پیش خود طلبد
و در پیش دامن خود هر گرده نان را به یک ماده سگ بدهد
تا بخورد بفضل خدا علاج که از آن سگ بچه رسد
بمیرد و طفل آن زن باقی ماند دعا اینست
٥٤٩٩٩
ك ٩١١١١١ ه ٤
ماه ١٨٠٥١ ماه ماه بسم یا مولا
صه

ودیگر این دعا صـه ١١١ ١١ ١٥ آلمة
میباید بموم بگیرد در قاب کند و قفل ریسمان سیاه دانه در کیسه
کوچکی کند و در پهلو این دعا ببندد و در گردن خود کند
و از خود جدا نکند و بعد از آنکه طفل متولد شد با بگردن
طفل بستن دعا اینست بعد از بسمله دعا سنخته بوتا
قربنا من المحسنين با این طلسم بنویسند و آن زن
برگردن ببندد عا طلاهماه هه شماره
ك لا ١١١ ص ٨ و ه ط ٤ ١١٧٩٥ ص و ه
طع ام ب ج ش و ه ه ٥ اگر کسی پوست باشد
که هیچ باب کن ده نکند بنویسد این دعا بر پوست پیاز
و در زیر دامن او شخص دعو کند کشته گرد در مجلس
محافظ محاطا جهت خون دماغ بنویسد و بر
پیشانی او چسبانند بسم الله الرحمن الرحیم یا آدم
سکن بعزة الله و قدرته و بحق آدم علیه و بحق
محمد و آل محمد علاج خون دماغ ترکیبی

بیفشارند و به قطره آب در بینی چکانند خون باز ایستد

الفاًء و اگر خون کاو بود در بینی مالند باز ایستد الفاًء اگر

کسی بود خون از دماغ آید این عالو نوشته در پیشانی او ببندند

مجرب است باذن الله تعالی

علاج یرقان یرقانی که چشم او

زرد گند این شکل را بنویسند

و در نظر او بدارند که بسیار

در وی نظر کند یرقان نشش

| |
|---|
| یادم بحق آدم |
| چو لا دم ها یع |
| هلح هو یع |

نایل شود

جهت درد چشم این عالو بنویسند

در گردن بندد شفا یابد آزموده

است قال بسم الله الناس ان ا

لناس قد جمعوا لکم فاخشوهم

| | | |
|---|---|---|
| ٨ | ٤ | و |
| ٤ | ه | ٨ |
| ر | ٨ | ٤ |

فزادهم ایمانا ٥ ااا اااه

دعا آل زنان و بما باقی جنبان نوشته با خود دارد

آل خوب شود بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انی

اسئلک باسمک یا الله بحق توراة موسی و انجیل

عیسی و زبور داود و فرقان محمد صلی الله علیه

و آله وسلم

و آله وسلم باین شکل بنویسند اااه ب

اااه ت اااه ث اااه ج اااه ح اااه خ اااه د

اااه ذ اااه ر اااه ز اااه س اااه ش اااه ص

اااه ض اااه ط اااه ظ اااه ع اااه غ اااه ف اااه ق

اااه ک اااه ل اااه م اااه ن اااه و اااه ه اااه

لا اااه ی اااه دفع بسته شدن حیض بسم الله الر

حمن الرحیم بسم الله المبارک العظیم در آخر اول کذشته

بمشک و زعفران بنویسند و بشویید و بخورد اگر کسی را

مار کزیده باشد این عالو بنویسند و بر آن هند تا بخورد زهر او

بر آن کار نکند بفرمان خدای تعالی یا خاسی یا تواسی

و بحق محمد و آله اجمعین از برای رزق در چهارشنبه

بهر دانه رزق یک دانه کندم بخانه و بیک لی و بعد از آن

بلته بندد و بر زمین نمنا که دفن کنند تا الله مزبحل شود

و رزق من بحل میشود مجرب است و الله اعلم بالصواب

انستی یا ولی الله جهت غایب بنویسند

بسم الله الرحمن الرحيم

قل اوحي الي انه استمع نفر من الجن فقالوا انا
سمعنا قرانا عجبا يهدي الي الرشد فامنا
ولن نشرك بربنا احدا وانه تعالى جد ربنا
ما اتخذ صاحبة ولا ولدا وانه كان يقول سفيهنا
على الله شططا وانا ظننا ان لن تقول الانس
والجن على الله كذبا وانه كان رجال من الانس
يعوذون برجال من الجن فزادوهم رهقا و
انهم ظنوا كما ظننتم ان لن يبعث الله
احدا وانا لمسنا السماء فوجدناها ملئت
حرسا شديدا وشهبا وانا كنا نقعد
منها مقاعد للسمع فمن يستمع الان

---

ع الم بعضا

وحبال بیاویزند بای براو ونو وبزو ول مراجعت نماید
و بیاید ک ۱۱۱ د ع ۱۱ ۸ ع ۱۱ ۵ ع ۱۱ ۱ ۱۱۱ ا م ا ن ک ۱۱۱۱ ا ع ۱۱۱ ۸ ۱۱۱ ع ط ط ۱۱

اگر کسی بو تمام اعضایش درد کند هفت رنگ ابریشم
بگیرد این اسم بو هفت مراتب بخواند و هفت گره بزند صبح
حال که درد میکند بالای درد ببندد شفا یابد ان شا
الله تعالی بسم الله الرحمن الرحیم فلا تقعد بعد الذکری
مع القوم الظالمین اذا عبادی عنی فانی قریب
اجیب دعوة الداع والتفت الساق بالساق والی

رنگ بر بسته المساق جهت جوزنی که حامله باشد
درد کوش و جمیع علتها و رنجها بنویسند با خود دارد
از جمله بلاها ایمن باشد اگر خواهی که بداند شخص

سبعه اند یا انه این الیه بو
بر دلت وی بنویسند
و بعد از ان بخواند اگر بسته
باشند به لرزه افتند و بعد از بسمله
لو انزلنا او تا یتفکرون ام بنویسند

| | | |
|---|---|---|
| ١٠ | ٤ | ٦ |
| ٢ | ٨ | ١١٠ |
| ١ | ٥ | ٣ |

بر بازوی او ببندند گشاده گردد الفا حرف چند بو بگیرند
و بسوزانند و خاکسترش در آب اندازند تا بخورد گشاده گردد

يجد له شهابا رصدا وانا لا ندرى اشر
اريد بمن فى الارض ام اراد بهم ربهم رشدا
وانا منا الصالحون ومنا دون ذلك كنا
طرائق قددا وانا ظننا ان لن نعجز الله
فى الارض ولن نعجزه هربا وانا لما سمعنا الهدى
امنا به فمن يؤمن بربه فلا يخاف بخسا ولا
رهقا وانا منا المسلمون ومنا القاسطون
فمن اسلم فاولئك تحروا رشدا واما
القاسطون فكانوا لجهنم حطبا
وان لو استقاموا على الطريقة لاسقينا
هم ماء غدقا لنفتنهم فيه ومن يعرض عن
ذكر ربه يسلكه عذابا صعدا وان

المساجد

المساجد لله فلا تدعوا مع الله احدا
وانه لما قام عبد الله يدعوه كادوا يكو
نون عليه لبدا قل انما ادعوا ربى ولا ا
شرك به احدا قل انى لا املك لكم ضرا
ولا رشدا قل انى لن يجيرنى من الله احد
ولن اجد من دونه ملتحدا الا بلاغا من الله
ورسالاته ومن يعص الله ورسوله فان
له نار جهنم خالدين فيها ابدا حتى اذا
راوا ما يوعدون فسيعلمون من اضعف
ناصرا واقل عددا قل ان ادرى اقريب

احضار نمودن کسی که دزد نمی‌شود و یا بشنوند نمی‌مانند خفت
سوزانیده احضار نماید باین دعا که احضار و هر کسی از مرد و زن
و طفل که اثر از جن رسیده باشد این شکل طلسم و نوشته بر
صاحب مریض دهند و بسته کنند بخواند سوزانیده و شروع در خواندن
سوره جن و انبلدی عا نماید تا ایشان حاضر شوند و بعد از آن
شدن بعد مریض بگوید که مدعا و خبر بدهد تا به بیند ایشان چه طایفه
باشند و هر طایفه خود را آن عمل بنما و دعا بدهی اما استاد میل
احضار بنمایند بخوانند و غلط نکنند و طلسم در باب ... در
مریض بگذارند و بسیار بسیار تجربه شده مجرب است اما غلط
نکنند بنهاد که استاد بی اجازه این عمل نکند که اثر نکند
بسم الله الرحمن الرحیم عظمت علیکم یا ملائکة رب
العزت بحق القرآن العظیم وبحرمت آیاته یا نو
غدفجائیل یا نوغططائیل یا الجختیائیل
یا ماغشتیسیائیل یا غعشتوئیل یا قبا

ما توعدون ام يجعل له ربي امدا
عالم الغيب فلا يظهر على غيبه احدا
الا من ارتضى من رسول فانه يسلك
من بين يديه ومن خلفه رصدا
ليعلم ان قد ابلغوا رسالات
ربهم واحاط بما لديهم واحصى
كل شيء عددا

[illegible] سنه ۱۳۵۱
با اجازه استاد ... کنند
احضار نمودن

عقفعائيل يا عقفجمسحا ئيل يا سهغلائيل
صل على محمد وآله ان تهيجو وتستخو الي اقلب
كل خلائق جميعها قلب الانس والجن وقلب هذه
الجماعة ان تهيجوا اكر مصحح مرد بانديه واكر
زن باندرها بكويد ومكتوب بخواند تا انجماعت حاضر شوند
اما بايد كه آدم سر نماز و سر نقول و سر طهارت دلتا
بخلون نباشد دعا اينست بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله وبالله ومن الله ولا غالب له الي الله
توكلت على الله ولا اله الا الله محمد رسول الله
امير المؤمنين عليا ولي الله ولا حول ولا قوة الا
بالله العلي العظيم ولا يغوثه هارب الي الله
والله على كل شيء قدير عزمت عليكم يا معشر
الجن والجنية والانس والانسية واليهود

واليهودية

واليهودية والنصراني والنصرانية والمجوس والمجو
سية والمسلمة والمسلمية والاهل الصبيان
والاهل الصبيانية والزيان داشت والزيان دا
شتية والهمد والهمدية والمسلمان والمسلمية
والكافر والكافرية بعزيمة الله عزيمة سليمان
ابن داود ع باسم الذي سخر الجن والانس والشيا
طين والطيور والوحوش فانتم الاما كلها
من شر ما خلق وذرء وبرء سلام على نوح في العا
لمين واعيذها استعاذ به وآدم وابو البشر و
شيث وادريس وهابيل ونوح ولوط وحق ابرهيم
واسماعيل وحق اسحاق ويعقوب كلا هدينا ونوحا
هدينا من قبل ومن ذريته وداود وسليمان وايوب
ويوسف وموسى وهارون وكذلك نجزي المحسنين
وبحق زكريا وعيسى والياس كل من الصالحين

يا عبادكم و مسبح ذا الكفل و ذو القرنين و طالوت
و عزيز و عزرائيل و ميكائيل و اسرافيل و جبرائيل
عليه السلام بكل مشرق او مغرب او مرسل او
ولي من اولياء الله تعالى عزمة عليكم يا معشر الجن
في التوراة و بكل آية و كلمة في التوراة و بكل حرف
و صف في التوراة و بكل اسم و رسم في التوراة
و بكل صورة في الصورة في التوراة و بكل امر
و نهي في التوراة و بكل عهد و ميثاق في التوراة
قد اخرج تعلوا باذن الله الذي بحق لا اله
الا هو عالم الغيب والشهادة هو الرحمن الرحيم
عزمة عليكم يا معشر الجن في الانجيل و بكل آية
و كلمة في الانجيل و بكل حرف و حروف في الا
نجيل و بكل صورة في الصورة في الانجيل
و بكل اسم

و بكل اسم و رسم في الانجيل و بكل امر و نهي في الا
نجيل و بكل عهد و ميثاق في الانجيل قد اخرج
تعلوا مسرعا في بدن هذه المريض باذن الله الذي
بحق لا اله الا هو بكلمتي هالك الا وجهه له الحكم و
واليه ترجعون عزمة عليكم يا معشر الجن في الزبور
و بكل آية و كلمة في الزبور و بكل حرف و حروف
في الزبور و بكل اسم و رسم في الزبور و بكل صورة
في الصورة في الزبور و بكل امر و نهي في الزبور
و بكل عهد و ميثاق في الزبور قد اخرج تعلوا
يا معشر الجن مسرعا في بدن هذه المريض باذن الله
الذي بحق لا اله الا هو الرحمن الرحيم عزمة عليكم
يا معشر الجن في الفرقان و بكل آية و كلمة في الفرقان
و بكل حرف و حروف في الفرقان و بكل اسم و رسم

في الفرقان وبكل صورة في الصورة في الفرقان
وبكل حق وتنسويق في الفرقان وبكل امر ونهي
في الفرقان وبكل عهد وميثاق في الفرقان قد
اخرج فعلوا باذن الله الذي يحيي لا اله الا الله محمد
رسول الله امير المؤمنين عليا ولي الله انكم
مجوسيا ونصرانيا ويهوديا ومسلمانيا وامرا
يعبيانيا وذيان دانستيا وهمزديا وكافرتيا
وفانيا وماييا وهوائيا وترابيا عليكم باذن
الله الذي بحق لا اله الا هو عليه توكلت وهو
رب العرش العظيم فليتوكل المتوكلون فسيكفيكم
الله وهو السميع العليم انشادت بحق بسم الله
الرحمن الرحيم بحق الم ذالك الكتاب يا اخرج
يا معشر الجن وبحق آية الكرسي يا اخرج يا معشر
الجن والانس ان استطعتم ان تنفذوا من اقطار
السموات

السموات والارض فانفذوا لا تنفذون الا
بسلطان اذهبوا قبل ان يرسل عليكما شواظ
من نار ونحاس فلا تنتصران فباي الاء ربكما
تكذبان فاذا انشقت السماء فكانت
وردة كالدهان وقل جاء الحق وزهق الباطل
ان الباطل كان زهوقا قل اوحي الي انه
استمع نفر من الجن فقالوا انا سمعنا قرانا عجبا
يهدي الى الرشد فامنا به ولن نشرك بربنا ا
حدا كهيج كهيج كهيج كهيج كهيج كهيج
كهيج كهيج من جوج ذراع وبحق شاه فارس
وبحق شاه جيهود وبحق شاه ميهود وبحق شاه
حبشي وميططرون الملك اخرج اخرج فعلوا
باذن الله الذي وبحق ننزل من القرآن ما
هو شفاء ورحمة للمؤمنين ولا يزيد الظالمين الا
خسارا

الله تعالى جد ربنا ما اتخذ صاحبة ولا ولداً
يا حي يا قيوم يا ذا الجلال والاكرام بسم الله الر
حمن الرحيم يا معشر الجن والشياطين وان كان
منكم يهودياً بحق توراة موسى فقم تعلوا اخرج
من خصاني بدن هذه المريض باذن الله الذي
ومن كان منكم نصرانياً بحق انجيل عيسى فقم اخرج
تعلوا باذن الله الذي ومن كان منكم مجوسياً بحق
زبور داود عم باذن الله الذي قم اخرج تعلوا
ومن كان منكم مسلمانياً بحق فرقان محمد المصطفى
صلى الله عليه وآله وسلم قم اخرج تعلوا باذ
ن الله الذي ومن كان منكم كافرياً قم تعلوا اخرج
اخرج من خصاني بدن هذه المريض بحق صحف
ابراهيم ومن كان منكم بحق عزمتك يا عظيم
وبحق كرم ارفع يا عظيم وبحق جنته
يا عظيم

يا عظيم وبحق توراة موسى يا عظيم وبحق انجيل عيسى
يا عظيم وبحق زبور داود يا عظيم وبحق فرقان محمد
صلى الله عليه وآله وسلم يا عظيم بحق صحف ابراهيم
يا عظيم قم اخرج تعلوا يا معشر الارواح او يهودياً
او نصرانياً او مجوسياً او مسلمانياً او كافرياً او
عربياً او عجمياً او تركياً او تاجكياً او جهودياً او
ترسانياً او ارمنياً او كرجياً او هندياً او زنكياً
او مشرقياً او مغربياً او شمالياً او جنوبياً او
يمينياً او يسارياً او مائياً او ترابياً او با
دئياً او هوائياً وجميع عفاريت الجن والانس
بحق بسم الله بسم الله الجليل الجبار وبحق بسم الله
الملك القهار وبحق رب الشمس والقمر والملك
والنور رعن طهر من آل شغل اي في ربيع الل
لله بلاد وال بنام الملك الجبار بحق

و اللیل و النهار صلوة الله و سلامه علیه و
علیهم اجمعین حاقت خاتم سلیمان ابن داود
یا جنان یا منان یا دیان یا برهان یا سلطان یا
موفان یا جهودان یا کافران یا مسلمان یا دیوان
یا پریان یا جنیان یا آدمی الجنیان یا عالم ارواح
بنجیه هستید هفتاد و ملت بروید و بکرد این بیمار
میایید بحق اذهبوا قبل ان یرسل علیکما شواظ
من نار و نحاس فلا تنتصران اینکه شما یا کاینین
ورا بتشنید و دینید این بتر سید بحق آن نام
که آدم خواند صفی گشت و نوح خواند نجی گشت و موسی خواند
کلیم گشت و عیسی خواند روح الامین گشت و ابرا
هیم خواند خلیل گشت و محمد مصطفی خواند حبیب
گشت ای جمیع ارواح شما را احضار میکنم و عزایم
میکنم و عزایم میخوانم ای جمیع کروه پریان ارواح
دیوان

علامت ... ...

دیوان و پریان و مجوسیان و ارمنیان و سکان
انبیاه و سفید از بنده و آزاد از مرد و زن از خورد
و بزرگ ای هفتاد دو گروه در هر کجا هستید
از مشرق عالم تا مغرب عالم حاضر آیید این شما
عه مسلمانان و یهود و ترسا و مجوس و کافر و
مومن و بنام خدای عز و جل بحق عرش و کرسی
و لوح و قلم و آسمان و زمین که البته حاضر آیید
و منر سید و اندیشه مکنید که مالو با شما هیچ کاری
نیست و اگر بنیایید و در آمدن تاخیر کنید بدرگاه
خدای تعالی عاصی شوید و از برکت اسم اعظم بسوزید
و ضایع شوید ای جمیع دیوان و ای گروه پریان چون
باد و باران حاضر آیید چون خاک و آتش بر
آسمان شوید از عالم غیب و فراز بر فلک شوید
از هر طایفه که هستید و بر سر دار نشوید

وخواننده این عزیمت خاص آیین داده خود بو
بر دارید بر وید ترک این بیمار کنید و نفرمان خدای
عز و جل و بحکم سلیمان پیغمبر ع و نقش الخاتم عزّ
مت علیکم منی یهودیاً و نصرانیاً و مجوسیاً و مسلمیاً
و بخاتم عزمت سلیمان ابن داود ع یا شیاطینها
ریث یا بناریث یا غاریث اذربنی اصاوت
ال نسلای بحق کهیعج بحق مهیج بحق کهلهیج بحق
مهمهیج بحق مروهیج بحق آهیا شراهیا بر
هیا اذونی اصاوت ال نسلای بحق میمون
زنکی بحق میمون حبشی بحق میمون میکی بحق
میمون مدنی بحق میمون ابن میمون صاحب
القوائم الهندی یخ و مک ۲ بنحد منهوکروا ۲
بیک ۲ بلاکوی ۲ بحموطشکبی ۲ بر نکبی ۲
میم زنکی ۲ بر کوبی ۲ طاکور ۲ کنکوبنا ۲
۲ اربکنا

ابکنا ۲ خز منا ۲ نیلا ۲ تنکبیلا ۲ طمیثا ۲
سلمد نیثا ۲ بحق دار ۳ بحق مثار بحق کیهور بحق میهور
بحق جمهور بحق صیفور بحق جیهور بحق مسطلطرون
المالک الموکل بالارواح مع الجن والانس والشیاطین
والسحر والوسواس و بحق هذا ربکنام خدایتعالی
عز و جل و بحق صد و بیست چهار هزار پیغمبران مرسل
و نامرسل بحق شهیدان کل روی زمین و بحق تورات
موسی و انجیل عیسی و زبور داود و فرقان محمد
المصطفی ص و بحق لوح و قلم و عرش و کرسی و بحق
آیات و حروف و اسم انجیل و بحق جمیع آیات و حروف
و اسم فرقان و بحق جبرئیل و میکائیل و اسرافیل
و عزرائیل و اگر یهودانید بحق توراة و اگر ترسایانید
بحق انجیل و اگر مجوسانید بحق زبور و اگر مسلمانید
بحق فرقان محمد المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم

وبحق لوح وقلم وعرش وکرسی بحق آیات وحروف
واسم تورات وبحق آیات وحروف واسم انجیل وبحق
جمیع آیات وحروف واسم زبور وبحق جمیع آیات
وحروف فی الفرقان وبحق جبرائیل وبحق میکائیل
وبحق اسرافیل وبحق عزرائیل اگر یهودانید
وبحق تورات واگر ترسایانید بحق انجیل واگر
مجوسانید بحق زبور واگر مسلمانانید بحق محمد ا
لمصطفی صلعم وبحق حملة العرش والکاتبین یا
ارواح الجن تعلوا باذن تعلوا بقول الله تعلوا
وبحق هذه العظائم بیایید بحق ابن عزایم واحضار
که خواندم بشنوید وآرام گیرید واجابت کنید مانند
بیایید وداخل شوید ودست از تن وجان خوانندهٔ
این احضار وعزایم بردارید وداده خود را از بن
بیمار کرفته بر برید بحق انه من سلیمان وانه
بسم الله الرحمن الرحیم الا تعلوا
علی واتونی

علی واتونی مسلمین وبحق لا حول ولا قوة الا
بالله العلی العظیم تعلوا تعلوا تعلوا العجل
العجل العجل الساعة الساعة الساعة ارجا
ارجا ارجا برحمتک یا ارحم الراحمین نسخه اگر در
پیش نظر مصروع باید دانست

این کلمات را نوشته در زیر
نشست طفل گذارد تا نگاه
دارد ودرون ناخن طفل را
سیاه کند وآمدن آن
نوشته تا او انداز نشست
در میان آب اندازد
و بعد از آن شخصی که
بخوانند

| | | | |
|---|---|---|---|
| ١١١ | ٣٣ عراضا | [illegible] | عمران |
| بدی | ٥ ل | برحه | ور |
| عـ | ◆ | ١٣١ ح | وصمه |
| ١٣ | صم | ٣٥ | ٩٩٣٢٢ |

٢٣ صم

ووووو ١ ٥٥٥٥٥٥٥٥ [illegible]

و تعلیم الطفل کند البته او بمیان آب کند بطرف مادر
الطفل که البته نرا بگوید بردار کله سحل گوسفند بیاورید
ذبح کنند و بعد از آن طلب نماید هر انچه میخواهد
١٣١ ٣ ٤ ١١ ١١ ٣ ٢ ١ ٥

١١ مه به عه ا ٣ ١١١ ٢ ١١ ايه ١ ٣ ١١١ عا ٤ ٧ ٩   ٩

٣ ٧ ١ ٥ ١ ايه ١١١ ٣

بسم الله الرحمن الرحيم

عزمت عليكم يا ارواح اليهود واليهودية
عزمت عليكم يا ارواح النصارى والنصرانية
عزمت عليكم يا ارواح المجوس والمجوسية عزمت
عليكم يا ارواح المسلمين والمسلمية عزمت
عليكم يا معشر الجن والانس ان استطعتم ان
تنفذوا من اقطار السموات والارض فانفذوا
لا تنفذون الا بسلطان فباى الاء ربكما تكذ
بان يا شافع يا نافع بحق ولا حول ولا قوة الا
بالله العلي العظيم بحق من هب شما وبحق ملت شما
وبحق انجناي كه از نور آتش افريده برويد بگذاريد
از تن وجان ودل وجگر وسينه شخص شتى دك و

جهار صنف

جهار صنف جهل جهار باده استخوان هفت اعضا
وجهار عناصر وارنده بيرون آييد بگذاريد
وبرويد بفرمان خدا تعالى وبحكم سليمان ابن
داوود عليه السلام بسم الله الرحمن الرحيم
يا شمخيثا ويا موشطيثا وبحق آهيا شراهيا
اذوني اصباوث وبحق آدم صفي الله اخرج
وبحق نوح نجي الله اخرج وبحق داوود خليفة
الله اخرج وبحق سليمان خليفة الله اخرج وبحق ابراهيم
خليل الله اخرج وبحق اسماعيل ذبيح الله
اخرج وبحق عيسى روح الله اخرج وبحق موسى
كليم الله اخرج وبحق لا اله الا الله محمد
رسول الله علي ولي الله اخرج عزمت
عليكم نسوطه من نار ونحاس فلا تنتصران

خذوه فغلوه ثم الجحيم صلوه ثم في سلسلة
ذرعها سبعون ذراعا فاسلكوه مهيجا
محكما سكنتا كتابا الذي في عهد الله
وعهد سليمان ابن داوود عليه السلام
ببندم وبند كردم ديوان وپريان ومغان
وگبران وكسمانان وترسايان ومسلمانان
يهودي ومجوسي ارواح جنك كسباري
صيكي خارجي وفهي وبساري وجنوبي
وشمال بند كردم طايفه حق الس بند
كردم بحكم سليمان ابن داوود عليه السلام
وبحق هفت بست جهار هزار پيغمبر وبحق تهليل
محل دور زمين وبحق آصف عهد قبول كنيد
خطا مكنيد العجل العجل العجل الساعة
الساعة

الساعة الساعة برحمتك يا ارحم الراحمين
ديو سپيد آهية شمراهية عصلانية بلابند
كود بندي جادو بندي ستاره بندي ديو
بندي پري بندي بحق اهل بند بحق جبرئيل
بند بحق ميكائيل بند بحق اسرافيل بند
بحق عزرائيل بندي بحق آدم صفي الله
بندي بحق نوح نجي الله بندي بحق ابراهيم
خليل الله بندي بحق اسماعيل ذبيح الله
بندي بحق عيسى روح الله بندي بحق موسى
كليم الله بندي وبحق محمد رسول الله رب ا
لعالمين بندي ببندم ببندم باد بهيج رهيج ببندم
ور دهفت اندام بر دارنده اين عا وبحق جلال
الله كمال الله عظمت الله وقدرت الله

ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم

جميع ممودون ارواح اول تسخير مردود
اهل دانذ ارواح انبيا و اوليا و مومنين
طلب نمايد و بگويد ارواح استادان که درين
علم محاربتی داشته اند یاد نموده مثل سکاکی
شیخ ابوجعفر و شیخ بهاء دین و محقق عاملی
و شیخ شمس مغربی و طمطم هندی و باقی
استادان فاتحه و معوذتین و آیة الکرسی
و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و شروع
عطانم نماید که ان شاء الله مسخر میشود
قل اوحی تا آیه رهقا بخواند احضار مجوسیه
و بیست مرتبه این عالو بخواند بعد از عمل
آهیا شراهیا شلیا شلیا جوسا
اجوسا

اجوسا مجوسا اهو طهو یوسف
من هلطیف سلطیف بهبکنی عظمت
علیکم یا معشر الجن انکنتم داوودیا اوز
بودا لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم
ان کلما ترا نوشته و در زیر شصت طفل گذارد

از بابت علامت دیوبیرلی اول باید که دور [illegible] خط بکشند
و خشت پاکی بیاورند و بگذارند و کارد و دسته [illegible]
در دست گیرد وقتی [illegible] آب کنند در پیش خود گذارد و [illegible]
در میان آب اندازد و دوازده چراغ و دو علم روشن کنند
و بخور بسوزد و روغن [illegible] و پیاز [illegible] و در میان
خشت گذارد [illegible] بر سر خشت [illegible]
بخوانند بعد از اتمام [illegible] و [illegible] در
خشت بگردانند [illegible] باید هر یکبار [illegible] در میان
خشت اندازد و بعد از آن [illegible] ببرد رو بقبله
کرده [illegible] بر زمین اندازد خشت [illegible] برده در طرف

خبله بکذارند در جایی که مردم عام نباشند و در رفتن و آمدن
در عقب سر خود نگاه نکنند و بیمار را سه یوم بر سبزه فرمایند
آب عزایم بود در ستاره کذاشته بعد از سه روز بر سر بیمار
دیزند و در یون مرتبه چنین نیت کنند که کلی بنی جان
خود را بشما دادم و بسبکیی جان شما را بجهت خود
خود کرفتم مرحمت سلیمان پیغمبر قربة الی الله الله
اکبر بعد از ان فدر ایب تصدق بدهد شفا یابد بفرمان
خدا تعالی
دعای سحرة از برای سوختن ایشان بخوانند
که بسوزند بسم الله الرحمن الرحیم إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي
خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ
عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَا
لشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ
الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ادْعُوا
رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ وَلَا
تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ
خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ

از برای بند بست

جهت [illegible]

بست
از برای بند قل الله احد را بخوانند بر یک نخ ابریشم کره زنند
بسته شود عقد که بخوانی بمجرد خواندن تمام بیک زنجیر
بسته کرده عقد شود در همه حال تمام عقد که بخوانند یکسی
بسته شود عقد تک بعقد الله وعقدتکم بعقود الله
سُلَيْمَانَ ابْنِ دَاوُدَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ أَنْ لَا تَنْتَشِرَ
إِلَّا بِإِذْنِي اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ
اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا
وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

جهت ضرر رسانیدن آدمیزاد به جن یا دست یا پا یا
ایشان یا جای دیگر خواهد که ملا یا آخوند خوب کنند سوره مبارکه
حمد را بخوانند خوب شود بفرمان خدا تعالی اگر خواهی که مرده
ایشان یا سوخته ایشان را زنده کنی این آیه را بخوان
که زنده شود بفرمان خدا تعالی بسم الله الرحمن الرحیم
قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ

وتنزع الملك ممن تشاء وتعز من تشاء
وتذل من تشاء بيدك الخير انك
على كل شيء قدير تولج الليل في النهار و
تولج النهار في الليل وتخرج الحي من ا
لميت وتخرج الميت من الحي وترزق من
تشاء بغير حساب

اسم بیمار و اسم مادر بیمار را
بحساب ابجد تعبیر بگیرد و از هفت هفت طرح کنند اگر یک ماند روز
یکشنبه یا دوشنبه بیمار شده باشد از پری سایه ترا بوده از جانب
بخورد دیو یا [illegible] اول پا و میان بیمار درد کند زدن او و وی محل
آفتاب برآمدن یا فرو رفتن او را زده اند طبیعت او چیز را
از خورده بیش طلب نکند و دندان [illegible] او درد کند گاه
گاه بیهوش شود اجنه خود را بصورت مادر و خواهر بنماید و
می‌ترسد و [illegible] روز زیاده نباشد اگر خواهی که به شود
[illegible] یا مرغ کبود قربانی کنند و این دعا را
نوشته

هرگاه جنی سلیمانی بوده باشد بخواند از بون آدم بیرون
باید این طلسم را نوشته سه مرتبه التمام چشته کنند
که اگر بیرون میروی برو و الا که این طلسم را بنویسیم
کشته میشوی خون بکردن خودت بعد از التمام جست
بر خود گیر مجرب تبست و از [illegible] الست د [illegible]

کـ ||||ا|ا|ا| ه لا لا لعسلهسلهو ٨

حصکطع و اگر کسی تب بود صرع گرفته باشد
سوره و اللیل تو بر مصروع بیهوش کشته بخواند
تو بدمد نیکو شود اگر دیو یا صرع باشد بالکل برود
ایضا تعویذ بید و بر بند ولی بخوانند صرع او
زایل شود بعد از بسمله فخلف من بعدهم خلف
اضاعوا الصلوة واتبعوا الشهوات
یلقون غیا وصلى الله على محمد وآله اجمعين
جهت احضار جن هفت مرتبه بخواند حاضر شود


www.telasm.com

بعد البسملة عزمت عليكم و اقسمت عليكم
بجبرائيل اسرافيل اسماعيل ملكان
مسلطان على السلاطين الجن والانس
احضروا يا اصحاب الجن والشياطين
من جانب الجنوب والشمال بحق لا
اله الا الله محمد رسول الله وبحق
علي ولي الله وبحق سليمان ابن داود
عليه السلام برحمتك يا ارحم الراحمين
ایضاً از برای جن حاضر کرده بخواند یا متی
خاتشی احتت علينا وعلى الناس
فسيكفيكهم الله وهو السميع العليم
يا ناصر يا معين استجب دعائنا
ایضاً از برای جن هفته نوبت خوانی در کنار آب بکند
تصدق [illegible] در روی خشت نام معینی رو
بکنی

باته کفشی باید بریزی تا به آب به بیند اندی اینست
یا تو خمی سا یا شلیسا یا شیلسا هر کسی
این شکل تو بنویسد و آب بشوید و بروی جنی زده
یا شو یا مصروع باشد یا جنی سوخته شود اینست ابو خمی
ایوان تو خیمی واذ اواه ایه ایضاً از جهت احراق
جنی بنویسد بر خرقه و فتیله کند و در بینی و دماغ جنی
کرفته دود کند که آن جنی هلاک شود اینست
اهلیع مهلع سلطهتو طلسح سعطل هذا
امتحن قون الارواح الجن ایضاً احراق جن که بخواند
سوخته شود اینست هذا امتحن قون الارواح الجن
سفجل هغتل خطم شاب طغیود ش
نمتا نمو نا تالينا انبناطو شانو نشا
احتراق يا عدو الله بنطق او زدن جنیا
بخواند انطقنا الله الذي انطق كل شيء
وهو خلقكم اول مرة واليه ترجعون

بلوح بلوح یا بلوح اگر کسی غش کند این طلسم
بر کاغذ با نی آتش بنویسد و بدماغ او دود کند بهوش
آید ه ١١ غ ص ٩٩٩ ١١١ع١

جهت دزد اگر مال برده باشد این طلسم بنویسد
و در زیر تخته سنگی کنند آن مال بجایش آید مجربست

جهت غش هرگاه کسی آزار داشته باشد این شکل را

جبرائیل
میکائیل
عزرائیل
اسرافیل
۴۲ ۴۲ ۴۲

بر سه پاره کاغذ ان بنویسد تا بخورد دلشها یابد
مجربست کهل مهل علیا مطیا یا ایها الاوان
اخرج یا معشر الجن والانس ان استطعتم
ان تنفذوا من اقطار السموات والارض فانفذوا
لا تنفذون الا بسلطان واحد و ملک طوطیاد

در وقت مرخص کردن جنی این عالم بخواند
هذا کتاب محمد رسول الله رسول
رب العالمین الی من طرق الدور
من العمار والزوار الا طارقا یطرق
بخیر اما بعد فان لنا ولکم فی الحق
سعة فان تک عاشقا مولعا او فاجرا
مقتحما فهذا کتاب الله ینطق علینا
وعلیکم بالحق انا کنا نستنسخ ما کنتم تعملون
ورسلنا یکتبون ما یمکرون اترکوا
صاحب کتابی هذا وانطلقوا الی عبدة
الاوثان والی من یزعم ان مع الله
الها آخر لا اله الا هو کل شیء هالک
الا وجهه له الحکم والیه ترجعون
حم لا ینصرون حمعسق تفرقت

أعداء الله وبلغت حجة الله ولا حول
ولا قوة إلا بالله العلي العظيم فسيكفيكهم
الله وهو السميع العليم بسم الله الرحمن الرحيم
طيوما بطليسوما الرحيم حسبنا الله
ونعم الوكيل ونعم المولى ونعم
النصير وصلى الله على محمد وآله أجمعين
تعلنخا مشكليا مثليا نوش وبرنوش
وتسانونوش كشطيبوش وقطميع
آنيوسي ماروسي برباه وحاه و
بندماه حلقا حليقا هههههه نج

| | | | |
|---|---|---|---|
| ١ | ١٤ | ١١ | ٨ |
| ١٢ | ٧ | [illegible] | ١٣ |
| ٦ | 4 | | ٣ |
| [illegible] | ٤ | ٥ | ١٠ |

ححححححححح و ه ص م
دعا برای حاضر کردن جنیان در آب
اندازد احضار کند طلع اینست
احضاد بشیخ دعزیمت بشیخ بیاورد



دوختر نابالغ

دوختر نابالغ بود وانگشت شست او بود سیاه کند وسورهٔ فاتحه
واخلاص ومعوذتین بود بر دوختر باکره بخواند وبعد از آن
سورهٔ یس بود تا المحضرون اول بخواند وبکیر تبه این
عزیمت بو بخواند وباز سورهٔ یس بو بخواند مبتدا تا المحضرون
وبا نه عزیمت بو بخواند وبعد از آن سوره بو با تمام بخواند
وبعد از آن عزیمت بو بخواند جمع آید ودر جواب سؤال که
دارد بکند عزیمت اینست بسم الله تعالى بسم الله الرحمن الرحيم
اللهم یا بشیح ذا الاهاموا شیطثون اللهم
یا ذانو أملخا نو دائمون اللهم یا خیثوا
میمون ارقیش وارعلیون اللهم رهیثا
رهلیلون میطرون اللهم ارغیثوا
أخلاقون اللهم دجوث اخم رخمون
اللهم اهیا شراهیا

صح است

حساب ابجد صغیر

ا ب ج د هـ و ز ح ط ي
٢ ٣ ٤ ٥ ٤ ٧ ٨ ٩ ١

ك ل م ن س ع ف ص
١ ١ ٤ ٢ ساقط ١ ٨ ٤

ق ر ش ت ث خ ذ ظ ض غ لا
٤ ١ ١ ساقط ٤ ١ ١ ساقط ١ ساقط ٤ ١

اسم بیمار والم مادر بیمار بحساب ابجد صغیر بگیرد
د هفت هفت طرح کنند واگر یک ماند روز یکشنبه
بود واگر دو ماند دوشنبه بود که بیمار شده زیان او از
پری ترسا بود از جانب زنجور دلوید اول
باد و میان بیمار درد کنند زدن او در محل آفتاب
برآمدن ... رفتن او سوزده اند طبیعت او
جنی از خوردنی طلب نکنند دندان و پهلوی
او درد کنند گاه گاه بیهوشی شود اجنه خود
بصورت مار و یا شیر باو نمایند مخاطره
تا چهار روز زیاده نباشد اگر خواهد
که به شود بیمار دو گوسفند سفید یا مرغ کبود
خون کنند و این دعا سه نوشته در

نوشته در میان دو کتف بیمار بندد و عزایم ترسانیه بر او خوانند
واگر زن باشد عزایم چهار کیش بود بخوانند اگر مرد بود
عزایم هفت کیش سه مرتبه بخوانند واین دعا را نوشته
بر بازوی او بست بندد بسم الله الرحمن الرحیم
عَزَمتُ عَلَیکُم مِنَ الاَرواحِ ترسانیة فانی
عَزَمتُ عَلَیکُم فَاِنّا سَمِعنا آیه وَلَن نُشرِکَ بِرَبِّنا اَحَداً
اِنَّهُ تَعالی جَدُّ رَبِّنا مَا اتَّخَذَ صاحِبَةً وَلا وَلَداً
وَاَنَّهُ کانَ یَقُولُ سَفِیهُنا عَلَی اللهِ شَطَطاً

سه شنبه

یا ارحم الراحمین اگر سه شنبه بیمار شده باشد از پری
بود در ساعت مریخ زده باشد سر و پا درد کنند و دل
و سینه اش بسوزد و از خواب برود و لشکر جنی زده و گریه باشد
مخاطره دو یا سه روز باشد یا هشت روز باشد اما علاجش
او گوسفند کبود یا مرغ سیاه خون کنند و این دعا را نو
شته در آب بشوید بیمار دهد تا بخورد و بجوشاند

مجرب گفته است

بیمار یازده خانه آورد بگیرد و آورد لوخیر کنند یازده
کولچه ببرد و بعد آن انبغد طوماری از کرباسی سفید
بگیرد و در کولچه‌ها بپیچد و ببرد روز سه‌شنبه در جای
پاکی بگذارد و بخور مکل افتاب غروب رفتن و عزایم
به بیمار نامه لوبجوانند هفت بار دعایی که با خود دارد این است
بسم الله الرحمن الرحیم عزمت علیکم من الارواح
المجوسیین فانی عزمت علیکم بحق نار والنور
والشراب والظل والجبال من الجبال اوزاد گ
لشکر عن النار والشمس والقمر الله بحق محمد
و آله اجمعین [illegible] اگر چهار ماند چهارشنبه باشد بیمار
شده باشد از پری کافر بوله در ساعت عطارد یا مشتری
دیر زده اند گاه گاه بیهوش شود و سرش درد کند و استخوان
پهلوهای او بجنبد سوزش بجانش فرود رود و هر دو پهلوی
خلقش درد کند و ناق او سوزش آورد و خاطر او

چهار روز

چهار روز یا ده روز باشد اگر خواهی که علاج او شود
بیاور کوسفند سیاه یا مرغ کبود ذبح کنند ابنید عالو نوشته
بر بازوی بیمار ببندد و عزایم پری کافر بر بیمار بخوانند
و قند زیاد کو گرد و موی گوسفند سیاه و سم خر و بیخ بنفشه
در زیر پای بیمار دود کنند و ابنید عالو نوشته بیمار با خود
دارد بسم الله الرحمن الرحیم عزمت علیکم یا معشر الارواح
الکفار فانی اعزم علیکم وان یکاد الذین
کفروا لیزلقونک بابصارهم لما سمعوا الذکر
ویقولون انه لمجنون وما هو الا ذکر للعا
لمین بحق آهیا شراهیا آدونای اصباوتون

---

اگر نحسی باشد یا هفت اشر روز جمعه و شنبه [illegible] از پری جهود
و در ساعت زحل زرد روی دیده باشد از جانب پهلوی
چپ ترسیده باشد و جگر و سینه او درد کند و راب بسیار بخورد
و درد زانو داشته باشد و لرزه بر اندامش پیدا شود بیمار

سه روز یا که هفت روز باشد اگر خواهی که به شود بیاور
قدری جوز بیاور روغن زرد و با بیضه مرغ داب بیاز
درهم کند و بر بدن بیمار بمالد که تا عرق کند و ابجد غالو فوشته
یکی در سر بندد و یکی زنخ بر بیمار بخور دهد شفا یابد بعد از سحل
وی انفتح من الارواح السموات فالی اعزم علیکم
ما جاء به عقل ی حق توراته والارض الذی
علم موسی الکتاب التورایت وبکل حادث
الی الرسل بحق موسی الرجاء الرجاء اسکن
اسکن باذن الله تعالی تمت تمام شد
اگر خواهی که احوال بیمار بدانی نام بیمار بنویسی بیمار به شود یا
ابجد بکلی بنویسند و در کاسه آب اندازند اگر بر روی
آب بماند به شود و اگر در وسط آب بماند طول کشد و اگر
بر زیر آب برود بمیرد طلسم این است یا هلهلا ه
١١١١

١١١١ ام ص ام مالامال هج هج هج هج هج
یا سالک
الکارزین طلسم تب بر تخم مرغ بنویسند بیمار ازو بخورد
اگر بر اسکو طول کشد و اگر زیاده ایلد شفا یابد و اگر
کم ایلد فوت شود مه مه و ی ام جهت کسی که دست پای
او بلرزد و این دعا را بنویسد بر نخود نهد بسم الله الرحمن الرحیم
المبین رسول الله صادق الوعد الا
مبین شهد الله انه لا اله الا هو والملا
ئکة و اولوا العلم قائما بالقسط لا اله
الا الله هو العزیز الحکیم
دعای تب لرزه بر تخم مرغ سیاه بنویسند و بر بخار بیمار
بیمار دهد دعا این است تملیخا مکسلمینا اذطونس مرطوش
اسکن بدم سلیمان ابن داوود علیه السلام

تب لرزه و درد سر و درد چشم فلان ابن فلان ببر
به حق لا اله الا الله محمد رسول الله علیا
ولی الله یا هو یا من یا من هو لا اله الا هو

باب هرکه دست نولید و بزبان بسته شود اگر
خشد شفا یابد و اگر کربد خوت شود دعا این است

هلال نكال هط هم كل هي كهت زبان

بند این انکال را بنولید و با خود دارد که مجرب است
اگر خواهی تجربه کنی در دیگی جوش بنویسد از ذکر مغلوم شود
طلسم این است صه اع ی ا صهه صمع
صصصعوه م لا ه

باسم فلان ابن فلان زبان و بیت زبان فلان
که زاده از فلانه

خود دارد

زبان بند جمیع مردمان بعد از بجل بنولید و با
والله من ورائهم محیط بل هو قرآن مجید
في لوح

4

في لوح محفوظ وجعلنا من بين ايديهم سدا
ومن خلفهم سدا فاغشيناهم فهم لا يبصرون
فسيكفيكهم الله وهو السميع العليم بستم
زبان ودهن فلان بن فلان را بستم سیصد و شصت و
شش رگان و چهل و چهار پاره استخوان فلان
بن فلان صم بكم عمي فهم لا يبصرون صم
بكم عمي فهم لا يرجعون صم بكم عمي فهم
لا يعقلون صم بكم عمي فهم لا يتكلمون
صم بكم عمي فهم لا ينطقون صم بكم
عمي فهم لا يعلمون بستم و مهر کردم زبان فلان
بن فلان را بحق توراة موسى و انجيل عيسى
و زبور داود و صحف ابراهیم و فرقان محمد
فسيكفيكهم الله وهو السميع العليم

جهت صلح زن و شوهر این دعا نویسد با آب بشوید است
افت قند بخورد او دهد که مثل یوسف و زلیخا شوند

| | | | | |
|---|---|---|---|---|
| تطیم | یملخسا | اذہ | قطمیر ۳ | ص ھ |
| ھ | ن ۹ | ق ۳ | ج ن | ع |
| ھ | کسا | ح ۴ | ۹ ✕ ۴ | ۹ ✕ ۹ ۴ |
| ٤٤٤٤ | ٤٤٤ | الوصا الوصا | ان | ان |
| ان | ان | الساعة | الساعة | الساعة |
| | الساعة | باسم فلان | کرزده | از فلان |

اگر خواهی که زبان دختر و مادر و قوم مانرا ب ... این دعا
بر شانه گوسفند بنویسد و در زیر دیگدان دفن کند
دعا اینست بند بندم حیا بندم دو حیا بندم لال بندم
بحکم قل هو ذو الجلال و الاکرام بالسم فلان بن فلان
بحق محمد و آله حبیب کردگار تمام شد

منظل زهربند سه دفعه بخاند کنگه دفعه اول سه مرتبه
گره گره بکوید کنگه دیوی پیشه کر تیزی باد بندی
زهربندی کننده ماری جلیتجه خلمه سبع
بافنادها وجد سبلها هادون خبی خبی
ستولهی تو کرلهی زهر یا بیت باد به بیت
لک لک زاهر به بیت طوس خیالی احرام
به بیت باد به بیت منظل زهر کش سه دفعه بخواند
بکوری بر کرانی هود جند بصیح سنم صبا
تهاکرته لکرانی مکرانی صاهود سه حیقر
یانی شب پاک روز پاک واکر د. دعا برای مار گزیده تو
مار زده یا شر ایضاً هفت مرتبه بخواند و بدمد تا بخورد شفا یابد
ستید السید الشترانی ایلکری یای الکتام النام دهان مار
توتی دوون تبنی از برای زهر دلمک گر زهر برگرد برده التار دیا
شیرکار بخواند و بدمد تا بخورد شفا یابد یا بو جهل یکبار خوانده شود
هلو اهلو اجواد لطی بحق علی مرتضی بحق حسن و حسین
و رضا بحق شهیدان کربلا بولیا بولیا بولیا جی یاجی

www.telasm.com

بسمله
رخسون کال وردو ملک و کژدم و عقرب دیبنت لعزاز
لا اله الا الله آن ابیش محمد رسول الله صلی الله علیه و
آله وسلم ستایش علیا ولی الله کشایش عقرب عقیان
کلته عیان عقرب سوردم اللهمنک بوری رغیلان اوز
ایلکیر میر دورت مینک پیغمبر بنک دعا سیلان ولیغرمان
خدا و بحکم سلیمان پیغمبر و بدم سلطان سید احمد کبیر کفنج
ستجللی بجللی جادوی چیلته چلکیلته کر کرنی یا
جوجی ما جوجی یازبر شو یاز بوشو یا مر لقف سیر ون شو
قنده قنده قرا قنده الم قنده لسته قنده بسیار قنده ریجکی
کوره کی ناصر کلدی کفنج کل کندی کل کندی یا کندی یا کندی
یا بندی یا بندی بجول بندی هله تکاری چکاری قوین
کلدی کفنج دول بوی دلار بوی شاه بوی ماه بوی کونی بو
قوین کلدی کفنج بچی بچی حلو بچی کشمیری بچی حبتجی موی یا
دلمک کهنی کری کرنه بچی کفنج الچی بچی کرمان بچی عینل
مینل جوتی الیف هوتی دریا سوتی مرح لستی کیا سوتی
اوتلا ما سایو قوین کلدی کفنج حاف چینک ملکه ملکه
طوتی طوتی ملکه زنجیبه ملکه قوین کلدی کفنج گوه بچی
گوه گوه

گوه گوه بچی مس دجلک کهر الچی الطبی یرا قوتی برا کبر مت
فاتی یرا جلی قند جلی فانوا بحکم سلیمان پیغمبر و بدم سلطان
سید احمد کبیر کفنج کل مکری کل مکری لا له مکری بره
مکرای اده بوی جره بوی زرد بوی سبحه بوی اهر بوی
و بحق خدا و بحق محمد المصطفی و بحق علی مرتضی و بحق سلیمان
سلیمان پیغمبر و بدم سلطان سید احمد کبیر کفنج طل قندی
ما قندی طل بندی لسته بندی اکر بندی طل خیبری
قوین کلدی کفنج هر د ملکری جانکری ما سبی صندل کری
خطل کری زدلکری بوکری سخت کری طل بندی ارحل
هرحل بلاج بیچاره جم فوتی قوتی دارسوتی صد خار کاخی
کالی ما لی هلا سطر قوین کلدی کفنج لا اله الا الله آن ابیشی
محمد رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم روایتی علی ولی الله کشایشی
ما دکری کلته کری کبولکری بوی بلا قزل آلا بچی بچی
اق بچی قره بچی مرد جلک کهر بچی سیکه بچی بحکم سلیمان
پیغمبر کفنج هیکری بیکری کرین کوت کتور بند بند زرد کم
دالم لکه یما لسند خالم لکه ما تو یان ماه جیان جرم بلکی
کفنج اه بلنکی ماه بلنکی لنده هوری لنده خوربی نکر نکر

بحکم سلیمان پیغمبر زهر بدر رو بدر رو شیره سینی تورتی
سینی سمنج سمنج کال دلمک ذنکی عقرب وبفرمان خدا
وبحکم خدا وبقول پیغمبر سلیمان پیغمبر زهر بدر رو بدر رو
قندی قندی ماه قندی اله نیمتا قندمی تو بزرک
مباشی خدایا تو بزرک باشی الجلیل جبار الخالق لیل
والنهار وبفرمان خدای عزوجل وبحکم سلیمان پیغمبر زهر
بدر رو بدر رو عقرب بتری جتری مبتی هاتی تورت
وندن قوین کلدی قوزی کلدی اباغلر بیکل توزی کلدی
پیغمبرین اوزی کلدی پیغمبرین قرزی کلدی زهر بدر رو بدر رو
اللهم کهنکه جوانه کلمه لهانه کرینه نکر نکر دهار دها
بحکم سلیمان پیغمبر زهر بدر رو بدر رو دور دیدم دور
بند دیدم وبحق شیخ شکر بندیم النقای مادر وشتا [illegible]
افسون کردم وبفرمان خدا وبحکم سلیمان زهر بدر رو بدر رو
دینه دینه در دینه در دینه شکر تیمور کرینه علی جنکی [illegible]
مرنکی قوین کلدی قوزی کلدی بس بوجاق بحکم
سلیمان پیغمبر نخ نخ منکا منکا مسکی مسکی برمه
تشادی قندی قندیاله قندی بری قندی
ایل کوجدی

ایل کوجدی ۳۳ بایود ارد بحکم سلیمان پیغمبر کوف جخ جخ
هونی ماهونی هاتونی ماتونی ایوانه ایوانه خاتون
ماتون آت مار اخات مار اینکه مار بی بی مار بو
مار زهره زهره بره بره بحکم سلیمان پیغمبر کوف
جخ جخ جخ عقرب نقی عقرب کل شقی عقرب
جمع کردم اللهمنک بور غیلان پیغمبرین دعاسی لان
سوردم بر مینک عقل لان بحکم سلیمان پیغمبر زهر
بدر رو بدر رو بیجی بیجی آق بیجی زنجیر اکجی بیجی ابر کره
میدم آدم بیجی دم بدم صالح بیجی کوتر کوتر قوین کلدی
قوزی کلدی بابر پادشاه هندی کلدی کشمیری
کلدی مولتانی کلدی بحکم سلیمان پیغمبر زهر بدر رو
بدر رو وشکر بند دیدم افسون کردم سیصد وشصت شش
رک چهار صد چهل چهار پاره استخوان از سر بیرون
کردم از بازو بدر کردم از سینه بدر کردم از دل بدر کردم
از قرزی بیرون کردم از پای بیرون کردم از ناخن بیرون
کردم و در زمین بنیج کردم بحکم سلیمان پیغمبر زهر بدر رو
بدر رو در وقت کردن بخوانند لا اله الا الله فید کردم
وبحق محمد رسول الله فید کردم وبحق علیا ولی الله

قید کردم زهر دلمك بر زمین بند کردم در وقت گزیدن
بخواند لا اله الا الله آسایش محمد رسول الله صلی الله علیه وسلم
ستایش ور وایش علیاً ولی الله کشایش گشادم
بحکم سلیمان پیغمبر زهر بدرو بدرو زهر بند باید خواند
گکرانی مکرامی منه یلی جهانی سکت ایتی گوا
کجا بجتادی لقی سر مه دیوی بکوری بیه
یادی سکت نون جو کون لمت خالی سکت ایتی لوا
کی افسون مار عقرب و هر جنبنده گزیده باشد قدری خاک
برگیرد بر کف دست خود هفت بار این دعا را بخواند و آن
خاک را با آب دهن خود تر کند بجای گزیده مالند بتوفیق
خدا شفا یابد دعا اینست لیس کمثله طالب و لیس
کمثله غالب جهت گزدم باید در گوش گزیده سه مرتبه
بخواند دو آیه بجایه ایلکه بجا الله هو استه کربایه
بعد از آن یک سیلی سخت بر صورت گزدم گزیده زنند
افسون دلك یا من هو یا من خلق فسوی یا من
قدر فهدی یا من یکشف البلوی یا من یسمع
النجوی یا من محی الهلکی یا من یکشف
الضحی

الضحی یا من اضحك و ابکی و یا من امات و
احیا و یا من خلق الزوجین الذکر و الانثی
بسم زهر تو را یا دلمك بحق سلیمان ابن داود لا اله
الا الله ستایش محمد رسول الله استایش علی
ولی الله ثلث مرة و بعده بقرء نادعلیا
انهم یکیدون کیدا و اکید کیدا فمهل الکافرین
امهلهم رویدا ... زهر بیرون ای
حکم حکم خدا حکم حکم مصطفی صلی الله علیه وسلم شیخ مزید شکر
شنکو کلدی بابا بیبی ان قرا کلندلی کلدی یکون حرخ
قنده قنده بلا قنده طیغا نم طیغا بنده جغا تیم ها های
ای زره زرته جم ذره جم ذره شکر ذدی شکر ذدی
حدرو حدرو لکربی الکربی للمندی للمندی اندو دب
اندو دب مکه بجا لی مکه بجا لی لولاك لولاك ذاك
زهر بحکم سلیمان پیغمبر زهر بدرو بدرو اه بلنکی ماه
بلنکی سوبه لنکی خیره تنکی سن خی بس خن
بحکم خدا و بحکم پیغمبر خدا بحکم سلیمان پیغمبر زهر بدرو بدرو

هر که از قرآن کند یک فال خویش — بیشکی واقف شود از حال خویش
باید اول کردن طهارت از نخست — مصحف پس اول آخر درست
فاتحه برخوان از اول یک بار — سورهٔ اخلاص نیت پیش از
چه نیت کرده باز این یک دعا — این دعا برخوان مصحف برکشا
سطر اول تا بهفتم بر شمر — گفت نماید حرف اول آخر شمر

بعد از بسمله بخواند اَللّٰهُمَّ اِنّی تَوَکَّلْتُ عَلَیْکَ وَتَفَأَّلْتُ بِکِتابِکَ فَاَرِنی ما هُوَ الْمَکْتُومُ فی سِرِّکَ الْمَکْنُونِ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْحَقُّ وَاَنْزَلْتَ الْحَقَّ عَلَی الْحَقِّ بِرَحْمَتِکَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ

چون الف آید بفال اندر کتاب — ابتدای کار شد خیر و صواب
ب به نیکوی بیابی راحتی — منفعت یابی ز صاحب دولتی
ت بتوبه باز گرد از خطا — کردن صدقه بود رفع بلا
ث اگر آید بفال اندر کلام — گردی اندر دین و دنیا نیک نام
ج جد و جهد کن در کار خویش — گفت در آید ناگهان دولت ز پیش
ح ز خویشان را نشنوی باشی قوی — از بلا و از عنا ایمن شوی

خ نباشی

خ نباشی خالی از خوف خطر — با خدا باشی ز هر بد کن حذر
د دولت باشدت با عز و ناز — دست تو بر هر عرض گردد دراز
ذ ز دشمن قهر گردد شاد باشی — از غم و اندوه دل آزاد باشی
ر ار بفال آمد نشان مهتری — هم ز عمر هم ز دولت برخوری
ز نجات خویش در مانی محن — عاقبت یابی از آن سختی امان
س السعادت باشدت در دو سرا — هم بیابی هر چه خواهی از خدا
ش شه زند و دشمن نیابی ترس و بیم — لیک از دو خدر کردی مقیم
ص صبر کن در باید بر مراد — چونکه کردی صبر کارت برکشاد
ض اگر آید ضمان برکسی مشو — تا نه یفتی در عنا ضامن هر کسی مشو
ط اگر آید بفال خواه بکار — در ره خالق شوی پرهیزکار
ظ اگر آید تو را ایمن کند از درد و رنج — پس بیابد آنچه طالب کرد گنج
ع اگر آید بفال اندر زمان — آشکارا گرددت راز نهان
غ چون آید تصدق دفع کن — تا خلاصی یابی از رنج کهن
ف اگر آید بفال ایمن شوی یار — جمع گردد مال گردی کامکار
ق اگر آید شوی مقبول قول — بیشکی ایمن شوی از بیم هول

کـ بینم ان بود کز نا کهان | در خصومت افتی اندر زیان
ل اگر آید بفای ابجد خاصی | از غم و اندوه دل یابی خلاصی
یم اگر آید ز دشمن ملامت یابد | یا برو دشمن باز گردد یا بدو
ن بنا تیابیم از رنج و عنا | بایدت پرهیز کردن دایما
و از خلقان شود وی نیاز | ساز دلش کار دو عالم کارساز
هـ هلاک دوشمنان آمد بفای | دستی اندر گفتگو قیل قای
لا گر بفای آید نوشو | پس بیابی سختی و رنج و عنا
ی نغایب آیدت حوال خوشی | هم بیابی در کنارش شادی خوشی
لیک جمع نوفای خوان بنگری | آنچه گوید حرف باید نگذری
این چنین بود الفهای انبیا | هم بریشان بود جمله اولیا
جمع کرد منظوم این فال کلام | شاد باد هر که خواند والسلام

افسون مار عقرب نقلست هر که این
افسون را باخود دارد یا سه نوبت بخواند و بر جبین خود
دمد از جمیع گزنده گان در حفظ آمان حق تعالی باشد و هیچ
جانور گزنده زیان و ضرر بر دارنده این افسون نتواند
رسانید اما باید بیک نفس سه بار بخواند و عزیز بیا گردید
مکرر است

این افسون تجربه و آزموده ام و بسیار مجرب است و باید انکه این
افسون بزبان هند نیست بعد از بسمله بخواند یا بنویسد
دُتّی ینجایی اَبک لجایی جهامُق اُنْ بسّه
کُرجایی و بنیوهمینی افسون سه بار بیک نفس بخواند و بر
مقدار آب بدمد و بخورد مار گزیده و عقرب گزیده و غیره دهند
که در دم ساکن شود باذن الله تعالی و اگر مار گزیده و عقرب گزیده
حاضر نباشد و رسولی که فرستاده باشند که افسون کنند باید که بیک
نفس سه بار بمقدار آب یا گیاه بخواند و بدمد و بر رسول دهد که خبر آورده باشد
که فلان موضع شخصی را مار یا عقرب گزیده باشد بار دهد تا بخورد
در دم ساکن شود اگر او اثر انبرد آنگه شخص رسانند فی الحال او
در دم ساکن شود والا رسولی که آب را ببرد شخص میرد باید که در راه
به پس سر خود نگاه نکند تا بالین بیمار رساند بفرمان خدای تعالی چنین اگر
بخورد در دم ساکن شود هرگاه دهن گرگ خواهی به بندی بخوان بکار د
یَمالَحی لَهٔ نُولَهٔ مهیلی ورتحادیقا مهیلی کمانیل لکتا
رَسُو مختعیل لتاریسوا اتائیل نفتلسک وکیعب
وَدَبین موی کلام غیجی جوجی نمیدم بال نی مجی بال
دقل لحق کلام دهان ذئب بسته شود تمت تمام شد


www.telasm.com

| | |
|---|---|
| | جدول معرفة القوس والقزح |
| حمل | دلیلست بر وزیدن بادهای معتدل |
| ثور | دلیلست بر تغییر هوا بحرارت و رطوبت |
| جوزا | بادهای خوش وزد و هوا گرد گذرد |
| سرطان | هوا تغییر گردد و میل به بالوف کنند |
| اسد | هوا مایل به برودت و رطوبت گردد |
| سنبله | هوا متغیر گردد بعفونتی وقت |
| میزان | دلیلست به بادهای تند آید پیدا |
| عقرب | احتمالی برف باشد و مناسب افتند |
| قوس | بادهای تند جهد و بالوی آید در وقت |
| جدی | هوا تیره گردد و سرمای سرد در وقت شو |
| دلو | بادهای خوش آید و هوا گرد گذرد |
| حوت | دلیلست به بالوان دلگشاده گی هوا |

در سنه ۱۲۰۶ نوشته شده

عقد الیوم بنویس روز دوشنبه میان نماز شام و خفتن جمع بنویس جای که خلایق خفته در زیر سر خوابند و میخ آهنی بر روی او بزن ... ... و اگر بر کاغذ دو رنگ بنویسی و ... ... رب العالمین ۱۱۱۲ اطرم رویش الی ... ۱۱۱۲ اطرم مویش ۲ ۱۱۸ اطرم گوشش مالک یوم الدین

یوم الدین ۱۱۱۲ اطرم دندانیش و السحر جراستخوانهایش
۱۱۱۲ اطرم ایاک نعبد ۱۱۱۲ اطرم لبهایش و ایاک
نستعین ۱۱۱۲ اطرم نمایش اهدنا الصراط المستقیم
۱۱۱۲ اطرم رگهایش صراط الذین ۱۱۱۲ اطرم ...
انعمت علیهم ۱۱۱۲ اطرم ... فمهایش ولا الضالین
۱۱۱۲ اطرم پایهایش آمین ۱۱۱۲ اطرم از سر تا قدمش
دعای طلسم هونه کبر د بستم ... بستم چرخ بستم آب بستم بحق سلیمان
ابن داود علیه السلام یا ارحم الراحمین ... مشتری
روز پنجشنبه باید خواند دعا ... طلسم هونه بر چهار دانه
گندم بخواند و بکلوش بیندازد و ... از ... برهفت
دانه جو بخواند بنویسد ... خرج داج ماج برج
جبار ستار احد صمد قادر یوم عظیم یا ارحم الراحمین
بیاد ... هفت ... که هفت رنگ باشد هفت مرتبه بخوان ...
در مابین نماز ظهر و نماز عصر روز ... هفت مرتبه
که خواندی کوف کند. دیگره بزن که بستم ذکر فلان ... برف ...
... تعلیخا شموس انلیسنوس ... الرکا
... مهیلی بحق شبیث ابن نون ... هرک
بستم کوف بجهت گشودن باز این طلسم بنویسی

و با آب بشورد و غسل کند کشف گردد اگر خواهی
که تو از منزل غایب
ی رون ك ن ی این شکل
بنویس و با آب بشور و ابرا
بدبام خانهٔ او بریزد
سه روز نشود که او آواره شود

صورا ۱۴ ۵۵ | ما صور ۱ عدد ۱۰۵ | ۲۱ ب | ۱۲ ۱۱۱ ۱۳ ۱۱ اصب

این طلسم بنویس
و با آب بشور و بخورد
هر روز ده تا سه روز
... تا از
... دا شود و مجرب است
تقدیم اولاست
بر بعد و طلسم اینست

| | | | |
|---|---|---|---|
| ل | ء | ۴ | ۲ |
| ه | ل | ء | ۴ |
| ه | ه | ل | ء |

اگر خواهی زن بخواب ... کند و اقوام را همه بنا خند
این منظر بنویسد با
بر جوجوان و جوسو
بخورد او را آخ سیاه

عنقائیل | خرقیل
۴ ۴ ۴ ه
دردائیل | قیل دائیل

۱۱۴ ه ه ف ص

ده جمیع اقوام ...
زنا طرشند ... برقی ... جرافی ... مشرع
... لی لی کوف ... از جهت زبان بند
رغبت

اغیار آنکه زن این شکل بنویسی بر استخوان
او لاخ و در قبرستان دفن کن زبان اغیار
بسته شود اکل کو کل حل حل اگر خواهی
هم طی خمو کرد اند این مربع سو در ... سی
با این طریق بمشک زعفران و کافور و عنبر اشهب کند
و در موم گیرد و در بازوی موست بند و سی ارام شود

حساب مرد و زن در حساب ابجد کبیر بنویس کند اگر طاق بماند مرد بمیرد و اگر جفت بماند زن بمیرد

| | | |
|---|---|---|
| حمعسق ۹۰ | یس ۱۱۱ ع | طه ۱۱۱ |
| الر هید ۱۱ | طس ۱۱۴ ع | کهیعص ۱۱۱ |
| عط ۱۲۱۱ | سجل ۱۱ ۴ | غسم ۱۳ ۱۱۹ |

دعای طاعون با خود دارد بسیار مجرب است و از معلوم است
الم المص الر المر کهیعص طه طسم طس
یس ص حم حمعسق ق ن الا دعای طاعون
با خود دارد بسیار مجربة الله ما ا ۲ ا ۶ ا ۵
بنج سعج سج تا به بیرون مرد و زن میباید
نوشته با خود دارد اینست ۱۱۱ ۱۱ ا ۱ ۱۷ ۱۱۱ ۱ ۳ ۱۱ و ۱۱

۱۱۴ ح ۱۹ ۷ صرص ۱ط ۴ ۴ ۴ ۹ ۹

www.telasm.com

اگر خواهی که کسی بو منتظر کنی آمدن آن این شکل بو بر کاغذ بنویس
و در شکم مار شکنداری و در قبرستان دفن کن و آنکس منتظر
شود بفرمان الله تعالی صاحب ه ع ص
له شهو
ه رس ص ط
اوکاه
١١٨١١١١١٠١١١٥ ١١٤ع صحه ١١ خ

بالعا

اگر غایب حاضر سازد بنویسی این را ببوطه و در زیر سنگ

| | | | |
|---|---|---|---|
| ١٢ | ١٣ | ه | ١١١ |
| ١٤ع | ١٩ | س | ١١١ |
| ١٥ | ١١٩ | ص | ١١١ |
| | | ه | ١١١ |
| ١١٣ | ١١٩ صا | ٢١١ | ١١١ |
| ع | ٢١١ | ص | ١١١ |
| ج س | صم | ه | ١١١ |
| ١١٧ ١٢١ | عبد ١١٤ع | کا ١١٣ | ١١١ کانا |
| ١٤ع العا١١ | جا١١ ١٢ | الحقا ١٤٠ | ورنوق ف |
| اسماعیل ١٤ع | ١٧ع الا١١ | ٢١ ١٥ | ١١٩ ق |
| ٥١ | ع | ٢ع | اعظم |

دعا که به بیمار که از هیبت جنی ... باشد بنویسد و در گلو بندد

بسم الله الرحمن الرحیم هر کس خواهد شرح احوال خود بداند نیت
فال کند یکبار سوره فاتحة الکتاب بخواند با اعتقاد تمام و انگشت بر این
نام پیغمبران نهد همان اسم که دست نهاده باشد او بو بگوید و آنچه بر آید
اسمها بدان عمل نماید و شک نیاورد که محل کفر باشد و آنکس که فال کرد
خواننده باشد چشم بر هم نهد و انگشت بر این اسمها نهد و نام پیغمبر
الله ذکر ناخوان باشد چشم بر هم نهد و دست و ربالای اسمها پیغمبر
نهد اسم که بر آید بر این عمل نماید و نام پیغمبر این است

باید نیت در دل آورد و انگشت هیچ بر سر یکی از این نامها بگذارد و آنچه بر آید بر این کار کنند که بمراد رسد

| | | | | |
|---|---|---|---|---|
| آدم ع | شیث ع | ادریس ع | نوح ع | هود ع |
| صالح ع | اسحق ع | یعقوب ع | یوسف ع | ابراهیم ع |
| اسماعیل ع | ایوب ع | شعیب ع | موسی ع | هارون ع |
| داود ع | سلیمان ع | الیاس ع | خضر ع | ذکریا ع |
| یحیی ع | عیسی ع | یونس ع | جعفر ع | مصطفی ع صلی الله |

آدم ع قال الله تعالی و علم آدم الاسماء کلها ای صاحب فال خداوند
فال بدان و آگاه باش که این اندیشه تو بغایت مبارک است
بدانکه هر کس ترا دوست میدارد و تو حکیم و بردبار و خوش خوی
و لیکن این غایت در اندیشه و فکر بودی و بسیار غم و اندوه کشیدی
و نزدیک شد که آن دگر دیدی و ستاره تو در فرج الله و بعد از این

دولت خواهی یافت و پیش از این غصه دیده و از قبیل بدگویان و حاسدان
بتو رسیده و مدتی از این متفکر بودی تدبیرها کرده بودی لیکن الحال
نیامدی تقدیر الهی شد تدبیرها راست آید و خدا ترا فتح دهد و
خلاصی یافتی و از مردم محتشم راحتی بتو باز رسد و اگر مسافری
داری باز بتو رسد خبر وی حاجتی که داری روا گردد و امسال برتو
مبارک است و خواهد بود و روز دوشنبه و پنجشنبه برتو مبارک
باشد انشاء الله تعالی

شیث علیه السلام قال الله تعالی و هو القاهر فوق عباده ای خداوند فال
شخصی ترا این فال کرده است در روز بد اول تو میکند اما از تو خواهد بود
و در کار خود دلیر باش که قرار در این اسم روزی از تو نیکی بینند و کار تو بالا گیرد و روز
گذشته توبه کن بخدای تعالی و باز گرد و گناه تو و در پنج نحس
بیرون خواهد آمد و این ستاره نحس تا بگذرد کار تو هیچ بالا نگیرد و
در سرانجام نیابی و کسی چند در حق تو بد میکنند و بدنامی و دل تو شکسته
تو گفته باید که از فلان کسی بلای و رنج و خصومت ملوک امان ترا
خلاص باشد و لیکن فردا روزی و فردا امشب برتو مبارک باشد و می باید
تنهایی و تیزی نکنی و سخن الحال بتو تا راحت یابی

وتاریخ

و تاریخ رسید جواب بجهت کارت و وقت تابستان و دلیل بر زنده و دراز
عمر و زیادتی مال باشد و از غم و محنت فرج یابی و میباید که در نماز کاهلی نکنی
تا بمراد برسی انشاء الله تعالی

ادریس علیه السلام قال الله تعالی و رفعناه مکانا علیا ای خداوند فال ترا دولت
عظیم خواهد بود و تو عزیز شوی و آنچه طلب کنی بیابی و لیکن بجای خود
رفتن است نیک ملکی و شخصی در کار تو بدی میکند و بغایت سفله و ناکس است
و در این شقاوت رنجت بسیار بتو رسید و قوم بر تو حسد میبرند و قصد
تو دارند نباید ترسی که هیچ کار بد بتو خواهد بود لیکن تو از پیش است
از آن راحتی بسیار بیابی و اندک غم بتو رسیده است و بعد چند
روز فارغ شوی که در بخت بر روی تو گشاده گردد و صورت تو
بر خلق نیکو گردد و همه ترا دوست گردد و الحال شخصی تند تیز
زود خشم گیری و زود باز آیی و هر کسی ترا حرمت و از جای که امید داری
ترا است می دارد و شب روز دعای خیر تو میگوید و زر بسیار در دنیا
بیرون خواهد رسید باید که شخص ملوک که در این هفته ستاره طالع تو

نتیجه بمیرد و خواهد آمد و در آن به سعادت خواهد افزود و یکی
در حق تو بدی میجوید هیچ غم مخور که بدی او بخود او رسد و حاجتی
که داری شد اگر دزد و از غایب خبر خوش بشنوی و مراد تو حاصل
شود ان شاء الله تعالی ـــــ نوح علیه السلام و اصنع الفلک
لکلمات ای خداوند فال بدانکه شخصی ترا بوستهٔ نیک خواهد
و تو قوم نصیحت میکنی و فرمان تو نمی برند و در میان ایشان غایب
خواهد بود و ایشان را هلاک خواهند شد لیکن ترا باد ترا بر عمر
دراز باد و نعمت بسیار اما شخصی دایم با تو بدیها میکند و تو بسیار
راحت یا و رسانیده و ترا اندک غم خواهد بود و باید صبر کنی
دراز خود با کسی نگوی تا سلامت باشی و ترا سفری در پیش
است و از این سفر راحت بسیار یابی و خبر خوش از غایب
بشنوی و از این تا دشنوی و از این روز تا پنج شنبه و شنبه بر تو
مبارک بود و روز آدینه در میان جنگ و خصومت نروی
و با کسی گفت و گوی نکنی تا ستارهای تو در روشنائی آید و کار تو بمراد
رسد ان شاء الله تعالی ـــــ هود علیه السلام قال الله تعالی
و تنصرک الله نصرا عزیزا ای خداوند فال بدانکه
روشنائی در کار تو خواهد بود اما در کارها تغییرها که چگونه
خواهد شد و قوم بر تو حسدها برند و از مردمان بتو دشمنی
می ورزند

ترا نگاه میدارد و صدقه بده
می ورزند و خدای تعالی تا ترا که خود را خواهد و مردمان ترا
تا ترا ضرر نباشد اما باید او چنان که خود را خواهد
بیم بخواه خدای تعالی کار بسته ترا بگشاید و ترا از همه اندوهها برهاند
و بمقصود برسانداما اگر نیت کاری در دل داری ده روز دیگر
صبر کن و هیچ غم در دل خود راه مده که بمرتبه عالی خواهی رسید و
خداوند تعالی ترا منفعتهای مناسب بدهد که از این راحت
بسیار ببینی اما تو شخصی تند و تیز را با هم کسی نرمی پیش گیر تا
از همه بلاها ایمن باشی یا در شکم یا در سینه ات دردی و دردی است تا
نیک بختی باشد هم در دنیا و هم در آخرت باید که راز با کسی نگوی
و در جنگ و خصومت نروی تا یک هفته دیگر ستاره تو
ـــــ در سعد آید و بمقصود برسی ان شاء الله تعالی
ابراهیم علیه السلام قال الله تعالی قلنا یا نار کونی بردا و سلاما علی ابراهیم ای خداوند
فال را نیت که در دل داری بغایت نیکوست و طالع تو قوی گردد
و از غم فرج یابی انشاء الله تو حاجتها بخواهند و در تعهد تو میکوشند
حق تعالی ترا بفضل خود نگاه دارد که بطالع تو کوشد و مردمان
که بر تو شیطان غور و فتنه فرزند چه مقبل و عاقل حق بر خود
پیش دار و ترا در سینه رنج و غم میبینم رسیده از دست او خود

دانشمندی و ایمن شد و مرد بلند بالا و زنی که بر دل الفت یافته است او
هر دو بهر تو میجویند ایزد تعالی الفت ترا مشهور گردانید و ترا بمقصود
رساند و دل در چیزی بسته و وسوسه داری که چنین خواهد شد خاطر
آسوده دار که آن چیز بتو رسد و بر وجه مراد حاصل شود و روز آدینه
بر تو مبارک باشد اما روز شنبه در میان جنگ و خصومت مرو
تا بسلامت باشی و از غایب خبر خوش بتو رسد ان شاء الله
تعالی اسمعیل ع قال الله تعالی [illegible]
ای خداوند فال شریف آمد مکرر است ترا همه کس دوست دارد
باید که راست بشنوی گناه که کرده عذر بخواه و در طاعت کوشش و خوشنودی مردم
در یابی رحمتی رسید و طوف بر تو بسته در پهلوی تو دو نشان نیک
بختی است اما مردمی ترا دعای خیر میکنند و از خدای تعالی مراد حاصل است و نیت
دعا تو میکنند خدای تعالی مراد با حاصل است دعا تو میکنند خدا نگاه میدارد و بر سر تو
دارد دلیل بر در الم تو حسد میکنند اما ترا خواری باشی و در این روز تا
بحر و نفع شد اما در این جا مرو صبر کن تا ماه نو ترا وصیت است و فرزند خواهند شد که
بر تو و مادر مبارک باشد و نیت تمیز میباش تا از همه بلاها ایمن باشی و از رنج
کسی تا آسوده گردی و دل در کسی مبند که قدر ترا بداند اما عاقبت کار تو بمراد
خواهد

تو آید و از غیب خبر خوش بشنوی آنچه میجستی امین گردی و امثال اخبار گردی
بمقصود برسی ان شاء الله تعالی اسحق ع قال الله تعالی فبشرناه با
سحق نبیا من الصالحین ای خداوند فال بدانکه در تنگی و تاریکی
گرفتاری بسیار رنج کشیدی و بلا بتو رسیده است امید چنان است که خدای تعالی
ترا درین چند روز از این محنت ها رهانید و بمقصود برسانید اما قوم بر تو مکر
و افسون میجویند حق تعالی ترا صفت دهد و ترا فرزند دهد که قدمش بر پدر
و مادر مبارک باشد و ترا دولت و نعمت فراهم شود و بزودی حاجت روا گردد
و مراد که داری برسی اما با کسی راستی میکنی و بگفته او کار میکنی ترا باید کرد
و گفته او نباید شنید و املا و ایمن میباشی و از شخصی بلند بالا و زن
میباش و روز دوشنبه و پنج شنبه بر تو مبارک باشد کار بمراد تو باشد ان شاء الله تعالی
یعقوب ع قال الله تعالی یرثنی و یرث من آل یعقوب ای خداوند
فال بدانکه بسیار غم و اندوه خورده و جور بسیار کشیده و امید از همه
چیزها بر داشته حق تعالی بفضل خویش در احسان بر تو گشاده است
و تو را از آن غم برهانید اکنون بشارت باد ترا که دریای خیر تو
گشاده گشت و آفتاب در برج طالع تو آمد یوسف باز رسید

بعد خوشی وقت و خرم خواهی بود که طالع بخت بر و میمنت بخواهد نشست

و غایب که داری بتو باز رسد ان شاء الله تعالی یوسف قال الله

تعالی لقد کان فی یوسف و فی ابتلای ای خداوند فال بدانکه

قوم با تو نان و نمک میخورند و با تو حسد میبرند بشارت باد

ترا برای ظفر یابی و در این هفته راحت بتو رسد اما کسانی که با تو

میکنند و خلاف و میکنند تو دل بر ایشان بسته دل بر خدا بند که انچه در دل داری بتو

رسد و راحت از بزرگی بتو رسد و سفر در پیش داری اگرچه از زیان بینی اما اخر سود

بسیار بیابی و دلشاد شوی اما بزودی سفر حرکت نباید که طالع تو ضعیف و از عقد

و شرکت و معامله تا چند روز دیگر صبر کن که از نحس بیرون امده ان وقت

در بخت و روی تو گشاده شود و از دست شیر و خرم شوی از بزرگان و بحسن

کوشش کن که ترا نیک و منفعت خواهد بود و در این چند روز گفت گو حذر کن و اگر

از تو چیزی گم شود بتو باز رسد در طلب او مباش و بجهت غم و اندوه بر دل تو

رسیده و بخبر یک زود غایب بر دل بتو رسد و خبر خوش بشنوی و در روز

یکشنبه و ادینه بهر کار که روی نهی مبارک است و بجمله مقصود برسی ان شاء الله

تعالی ایوب قال الله تعالی انا وجدناه صابرا نعم

العمل

العمل انه اواب ای خداوند فال بدانکه چیزی از دست تو رفته است و سبب او غم

میخوری و اگر صبر کنی با مراد خود برسی و در این مدت که [illegible] امده که

هیچ نعمت بتو نرسد [illegible] چهار روز [illegible] تو [illegible] نیک و اراده اگر نیت

سفر داری برو که نیک است و در روز [illegible] مقصود برسی [illegible] عقد و ترویج

زحمت [illegible] فکا تو خوش نیست [illegible] نحس [illegible] طالع [illegible] کنی و [illegible] بدانکه

انچه طلب میکنی بیابی ولیکن از سبب سختی [illegible] کردی و خرم گردی [illegible]

راحت خواهی یافت و کار تو مراد خواهد ان شاء الله تعالی شعیب علیه السلام

قال الله تعالی ستجدنی ان شاء الله من الصالحین ای خداوند فال بدانکه یکی

[illegible] خواهی کرد [illegible] خواهی یافت و چهار [illegible] و [illegible]

در دل [illegible] خواهی رسید [illegible] و در این چند [illegible] اما [illegible] با تو

دشمن [illegible] اما [illegible] خواهد [illegible] تا [illegible]

[illegible] خدا [illegible] از جهت [illegible] انده

با تو که قدم [illegible] پدر و مادر مبارک باشد باید که راز خود با کسی نگوید

تا مراد [illegible] و کار [illegible] و صدقه بده تا خدا ترا از [illegible] نگاه

دارد و بنام خدا مباش تا زبان بدگویان بر تو بسته گردد و

نصرت یابی و از غایب خبر خوش بشنوی و [illegible] والله تعالی

موسی عم ولما جاء موسی لمیقاتنا و کلمه ربه از خداوند فال بدانکه در قلم مانده
و حصه‌ی داری آیا چگونه خواهد شد که مراد به فتح رسد که تو غم مخور که فرد
دارد
حاصل گشته و بعد یک شبه که تا تو و بر آن شاه آید و دو غم ... زیرا گردد
و عهد باید که درین مدت تو با ما بتو رسیده و خدای عز و جل او را بتو باز دهد و کار
تو بدو را بخیر مبتلا کرده و دولت در سبب کاری مشغول است با کسی عهد
خواهی کرد دیگر که شکست و دریغ زده خبر خوش بتو رسد
و کار تو بالا گیرد و می باید که نماز کاهلی نکنی و بدانچه ترا دولت
رسد صدقه بده تا از همه بلاها ایمن باشی ان شاء الله تعالی
هامان حسن عم قال اتعبدون ما تنحتون ... انی ... ای خدا
وند فال بدانکه این رب باد ترا بدولت و راحت و برو
شفا رسیده تا آفتاب بطالع تو رسیده است آیا بعضی هستند
که بر تو حسد می برند یکی ترا دوست میدارد و نصیحت و پند
دل بشنو که امثال بر تو مبارک گشت دعا بکن که داری بتو
باز رسد هم دریغ زده سوگند خورده کفارت او را بده
تا آسوده باشی و بسیار غم و اندوه کشیده این همه بر تو بگذشت
شبی که خواهی دید و بر شکم نشان یا خالی داری و او نشان
نیک بختی است و یکی این مراد در دل داری و پیوسته خواب
آشفته می بینی و غم موش میکنی و دل قوی دار که بمراد برسی ان شاء الله
تعالی داود ٤٥

تعالی داود عم قال الله تعالی یا داود انا جعلناك
خلیفة فی الارض ای خداوند فال بدانکه بر سر قوم قهر و بزرگی
خواهی کرد و از جمله در فرمان تو باشند و از جهت زنان اندوه کشیده‌ای
و خود را نگاه دار که شخصی در عقب تو بداندیشی میکند و هر چه ترا
در دل است در زبان راست امثال رنج بتو رسیده خدای تعالی
ترا نگاه داشته و یکی بد اندیشی میکند و از برای تو جادوی میکند
[illegible] نمی آید و از خود پاکی نگوی چند روز دیگر نعمت تمام بتو رسد
باید که در نماز کاهلی نکنی تا بمراد برسی ان شاء الله تعالی الیاس ٤٦
قال الله تعالی وان الیاس لمن المرسلین ای خداوند فال تو در
غم مانده و در هوس فرزندی خدای تعالی ترا فرزند عاقل مقبل بدهد
دراز [illegible] و راه ترا خبر حق رسیده و نشان در تن داری دلیل بر
درازی عمر تو دارد و خواب‌های آشفته بسیار می بینی و فراموش
میکنی و صبر کن و در طاعت کوشش کن که قوم با تو دوستی میکنند
و نقصان کار تو میجویند و با تو دم از دوستی میزنند و از ایشان
بر حذر باش و زیان بتو رسیده و زحمت بسیار کشیده از دشمنان
اما خدای تعالی ترا نگاه داشت و عوض او بتو باز دهد و ترا اند
یشه در دل است و بجای طمع داری باید که راز خود با کسی نگوی
تا بسلامت باشی و کفارت سوگند بر تو است ادا کن و بکن تا
کار تو بمراد تو باشد و روز آدینه و شنبه بر تو مبارک است
درز

به مقصود خود برسی و غایب تو بتو رسد و بر دشمنان ظفر یابی ان شاء
الله تعالی
ذکر سلیمان علیه السلام قال الله تعالی ولسلیمان الریح غدوها شهر ورواحها
شهر ای خداوند فال بدانکه طالب کاری میکنی و در کار حیرت گرفتاری میکنی و [illegible]
بتو رسد و بدانکه کار تو اکنون سختی نخوردی ولی بر تو میگذرد و بدان ای
و [illegible] کار بسته بر تو گشاده شود و سفر در پیش داری که از آنجا راحت بسیار بتو رسد و از
جای غایب باز آید و اگر زن عقد کنی موافق که پشیمانی خواهی خورد و صبر کن که
خدای تعالی ترا روزی کند و زیادت [illegible] و در خانه [illegible] ترا علمی خبر میدهند
و حرمت او را بدار هر کار که پیش آید بگیری خوب بود اما روزی از آن به آنجا برسد از معصیت
معصیت ها پرهیز کن و صبر کن تا کار تو برآید و خبر های خوش بشنوی
و خوشی آن شوی و کار تو برآید بشارت باد ان شاء الله تعالی
فتحا مبینا
ذکر محمد علیه السلام قال الله تعالی انا فتحنا لک فتحا مبینا
ای خداوند فال بشارت باد ترا که دولت و نعمت و حرمت بسیار
بتو رسد و بر دشمنان ظفر یابی و خوش و منور گردد دولت غایب
شاد شوی و کار تو نیک شود و سفر در پیش داری که از آنجا
براحت

براحت و نعمت بسیار برسی و ترا کار بزرگ افتد که از آن فایده تمام یابی اما
یکی با تو دشمنی میکند و اما اکنون آشفته میدارد و جز [illegible] بتو برسد اما
تا سه روز یک جنگ نیکی فرزندی و [illegible] از روز بار روز [illegible]
دیگر نه بر تو مبارک باشد و از برای شخصی غم مخوری و از تو دوست
اما بزودی از او به تو رسد و هر کار که بسته شده است گشاده گردد چشمهای تو
روا گردد و بمقصود برسی ان شاء الله تعالی
ذکر زکریا علیه السلام قال الله تعالی اذ نادی ربه ندا خفیا ای خداوند
فال درگاه را شتاب مکن که شتاب خوب نیست و عاقبت از این
پشیمان شوی و بشارت باد ترا بدولت و نعمت و راحت یابی
و ~~اقبال~~ بتو رسد و از جهت فرزند غم مخور غم مخور که خدای تعالی
ترا کرامت بفرماید و قدمش بر پدر و مادر مبارک باشد و با
کسی عهد پیمان کرده ای [illegible] نخواهد و در اینجا چند روز باکی
شود اما شخصی [illegible] باشد و آنچه اندیشه تو است [illegible]
نیستی و قومی بر تو حسد می برند و در نزدیکان تو الفت و یکی [illegible] از دل او [illegible]
از ایشان بر نیاید و کار تو [illegible] تو باشد و آنکه غایب داری
زود بتو رسد و اقبال بر تو مبارک باشد و سفر [illegible]

براحت و نعمت برسی و ترا فال نیک آید که ازین فال تمام با اما
یکی با تو در صلح و پیکند و الا آشفته میرد و حضرت مصطفی صلعم بسر او
تا سه روز بگیر چنگ نگی برندی و تیزی شما از روز بار روز وی
و پنجشنبه بر تو مبارک باشد و از بهر شخصی غم مخور که او بر تو دارد
اما بتر او را یند مبین اندر هر کار که بسته شود دارای حاجت ها
روا گردد و بمقصود برسی ان شاء الله تعالی

## ذکریا علیه السلام قال الله تعالی اذ نادی ربه نداء خفیا

فال در کار ها شتاب مکن که شتاب خوب نیست و عاقبت ازین
پشیمان شوی و بعد از آن بادتر بدولت و نعمت و راحت یابی
و امسال بتو رسد و از جهت فرزند غم مخور که خدای تعالی
ترا کرامت بفرماید و قدمش بر پدر و مادر مبارک باشد و با
کسی عهد و پیمان کرده راست نیامد و در تیر چند روز با یکی
دولت نکر به آلت و ترا بخیلی نباشد و آنچه اندیشه تو ست معتبر
شود اما شخصی در اندیشه تو است و یک لحظه از دل او بیرون
نیست و قومی بر تو حسد می برند و در نزدیکان تو اند اما
از ایشان بر نیاید و کار بجز تو باشد و امسال غایب دارد
زود بتو رسد و امسال بر تو مبارک باشد و سفر با ترا دو

به مقصود خود برسی و غایب تو بتو رسد و بر دشمن ظفر یابی ان شاء
الله تعالی

## سلیمان علیه السلام قال الله تعالی ولسلیمان الریح غدوها شهر ورواحها شهر

ای صاحب فال خداوند فال ... نیک بینی و ... کار تنها و ...
بتو رسد و بدانکه کار تو ... شخصی بجور دارد ... میان او
و پس کار بسته ترا گشاید و سفر بیش از آنکه جای ... ابسیار
حاجت بازار و اگر بر تو ... عندی ... شخصی تو ... وصل کند
خدای تعالی از کار ... و ... جاه و ریاست ... و علم ... میشد
و حرمت او بدو هر کار که ... اگر ... او ... از ... اعظم
معصیت ها بر ... و ... تا ... خبر ... خبر خوش بشنوی
و خوشحال شوی و فال ... بر تو ... ان شاء الله تعالی

## فتح علیه السلام قال الله تعالی انا فتحنا لک فتحا مبینا

ای صاحب فال بشارت باد که دولت و نعمت ... بیشتر
بتو رسد و از ... نیک ... و ... دولت ... غایب
شاد شوی و کار بسته تو بگشاید و سفر و ... دارد

پیش است که بروی با اعتبار خیر بتو رسد و بمقصود برسی بلی
انشاء الله تعالی یحیی عم قال الله تعالی یا یحیی خذ الکتاب
بقوة ای خداوند فال بشارت باد ترا که بر تو هیچ غم و غصه
نخواهد ماند هر کسی که مهمانی تو باشد و از بزرگی چیزی بتو
خواهد رسید و کار بسته تو گشاده گردد و نعمت بتو بسیار
روی نماید و هیچ غم مخور که اعتقاد تو پاک در نیست و خدای تعالی
ترا بمقصود رسانیده است که در دل خلق شیرین باشی و همه
کس ترا دوست میدارند و ترا خدا یاری دهد و اگر کسی در
غربت دارد با تو رسد و دل در چیزی بسته و اندیشه مکن
که همه در برحق است انشاء الله تعالی عیسی عم من قبلک
ای خداوند فال این نیت که کرده است سبب کفایت
نیکو است و از غم برهی و بمقصود رسید و عمر تو دراز شود
و کار تو بالا گیرد و دشمنان مقهور گردند و همه دوستان
همت زیاده گردد و دشمنان خود مرحلی و [illegible] در پیش
داری بر و که نیک خواهد بود و نعمت بسیار بتو رسد که چنانچه
در این نیست از برکت پدر و مادر خدای تعالی ترا نگاه
میدارد و اگر کسی در غربت داری برود و بتو رسد و
مال بر تو مبارک باشد و دشمنان تو خوار باشد
و هر نیتی که کرده همه خوب است انشاء الله تعالی
یوسف ع

یوسف عم قال الله تعالی لا تیئسوا ... انه کان من المحسنین
ای خداوند فال در تنگی و تاریکی گرفتار شده بودی شکر خدای را که ترا از هم
بلا و غم برهانید اکنون از تنگی خلاص یافتی و ترا منفعت
خواهد رسید و خیر بسیار ببینی و بمراد برسی از زن و مرد بر حسد میبرند
و لیکن بمراد برسید و تو بر ایشان ظفر یابی و شخصی در خوب
اندیشه تو است و از این خبر میشنوی بسیار و زود خشم مبر و زود
یعقوب را خدای تعالی فرزند از دیده دور کرد و فرزند پیش پدر و مادر
مبارک گردد ... [illegible]
و دل ... [illegible]
و ... [illegible]
... [illegible]
انشاء الله تعالی صاحب قال الله تعالی الحق جل جلاله و تعالی
ای خداوند فال این نیت تعالی الحق جل جلاله ترا از ... [illegible]
بمقصود رسید و مال بسیار بتو رسد ... [illegible]
... [illegible]

در ... سفید بیاید و بر موم مهر کند ... بیمار ... بیرون ... است و خوردن
بالشد و ... گوش ... و ... بیاید و ... زردی ... دل
خواجه ... و چه با ... ببیند ... بیاید و ... [illegible]
و ... را ... بنویسد ... حاجت ... آمده ... بود ... [illegible]
و ... با ... کند ... بیاید ... گشته ... که حق تعالی روزی
... شاد است و ... آن ... گرده ... [illegible]
و ... شود راحت ... رسد ان شاء الله تعالی والله
أعلم بالصواب تمام شد ۱۲۳۳
تمت الکتاب بعون الملک الوهاب الحقیر الفقیر
... شریف ولد آخوند محمد ... تحریر ... یادگار ... [illegible]
ولد ملا محمد ...
۱۱۹ ... [illegible]

اگر خواهی که احوال بیمار را بدانی مانند با قوة میشود
... اینها را بر کاغذ دست نوشته و دست خود را بر سر
... اگر ضدین خوب میشود و اگر کم نیست قوة میشود
فصل ... مصر و مصطا اگر خواهی بدانی
که احوال بیمار نیک میشود یا نه بگیر نام بیمار ...
و مادر ... بحساب ابجد صغیر حساب کنه ...
طرح کنه اگر یکی بماند بمیرد و اگر دو بماند به شود
و اگر سه بماند بیمار ... و بطول انجامد و اگر
چهار بماند تعویذ بنویسد و اگر پنج بماند البته بمیرد
و اگر شش ماند به شود و اگر هفت بماند بیمار ... بطول
... هر آن زنی که بچه در شکم مرده باشد ...
... بچه زنده ... جدا شود و هر زنی که ...
... تا ... [illegible] ...
... اگر خواهی که ... [illegible]

... به یا خبر قعد برای ... زن و درمیان آب بد شد
اگر ... در ته آب فرو رود پسر باشد و اگر بر روی آب
بماند نشان دختر وارد
از برای ماهی اسب
... که گم شود میباید که همین طلسم را نوشته
در جای که همان ماهی بسته میشود این طلسم را نوشته
در زیر سنگی بگذارند بفرمان خدای عز و جل بزود
... و ماهی پیدا شود که بسیار تجربه رسیده
... ماهی بود همان جای طلسم که خالیست
... نوشته و رنگ ماهی هر ماهی باشد بزودی
... اسم ...

| | | |
|---|---|---|
| [illegible] | یا میکائیل | [illegible] |
| [illegible] | [illegible] | [illegible] |
| [illegible] | [illegible] | [illegible] |

دو بار شیشه کنند ... که باشد ...
یا بد حرمت این آب ... که دختر ...
... در آب اندازند ... بسم الله الرحمن الرحیم
یا کریم یا رحیم یا غفور یا شکور داده ولا لام عزم
جهت ... نوشته بر گردن بندد یا ضارع الخلیقة
بقدرته و رازق الطفل فی بطن امه ه ه ه ه ه ه ه ه ه
ع ع ع ع ع ع ع ع و ح ق ص گ ل ... جهت ... بندد ...
بر سر او بنویسند اهلکت و ضا اهلکت جهت
وضع حمل بنویسد بر کاغذ و بدهد بخورد خلاص شود ...
اگر ... فرزند شود دعا و بنویسد و بشوید و زن بخورد
بخورند و با هم صحبت دارند ... الله ...
الرحمن الرحیم یا ذا العرش الکریم والملک القدوس ...
یا رحمن یا رحیم یا ستار یا غفار یا احد یا صمد جهت
... بر گردن بندد ...

جهت عیب جلبند بر سه پاره کاغذ نوشته هر روز یکی را
با جنهد (؟) آب بلیسند در زیر صاحب دود کنند دفع شود

ططط مم ۱۱۱۱۱۱ ططط مم ۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱

سعطا سعطا

ططط مم ۱۱۱۱۱۱

سعطا الفا آزبراین نبسلرز

هر دو نوره کاغذ بزرگ دست بوست نوشتم

تو عس دست جهت فوس در پای بوست

میخواه در بار جب ننا میخواه هر مرض را

اسپ یا هر حیوان دیگر عارض شود قطع نشیم
باشد تا بند و هفت گره بزنند و بر هر گره یکبار
این دعا بخوانند و بر آن حیوان ببندند اگر بر جای
دود بشد بد بهتر است بسم الله الرحمن الرحیم
جرح عیسی ابن مریم عن حمار فحبس لم
یدخل وله یدخل وله یر هضر
ان رایتک د الله عزّ و جل شفاء الله

دفع بول الّب که گرفته باشد بنویسند این طلسم را بر پاره
نوشته و آب بوره و بقیه در زیر خاک کنند و آب بنوشند
مرتبه بر کمر داکنم بکردانند البته بولش گشاده گردد اینست

داج اعلی طه دو رسلم مسلما ه ه ء ء

از برای آسان زاییدن زنان این طلسم را بر سه
پاره کاغذ نوشته یکی را بر دست بوسته و یکی را بر ماب
ببندند و یکی را در زیر زبان کنند در ساعت رفع حمل
شود دعا اینست

دعا برای درد دل بر پاره کاغذ نوشته در آب اندازند تا بخورد یا با صبح نگاه دارد یا بهمه مرتبه

| | | |
|---|---|---|
| | | |
| ع | ٣ | ک |
| ٩ | ٤ | ٢ |
| ٤ | ٥ | |
| بسم الله | الرحمن | الرحیم |
| | | |

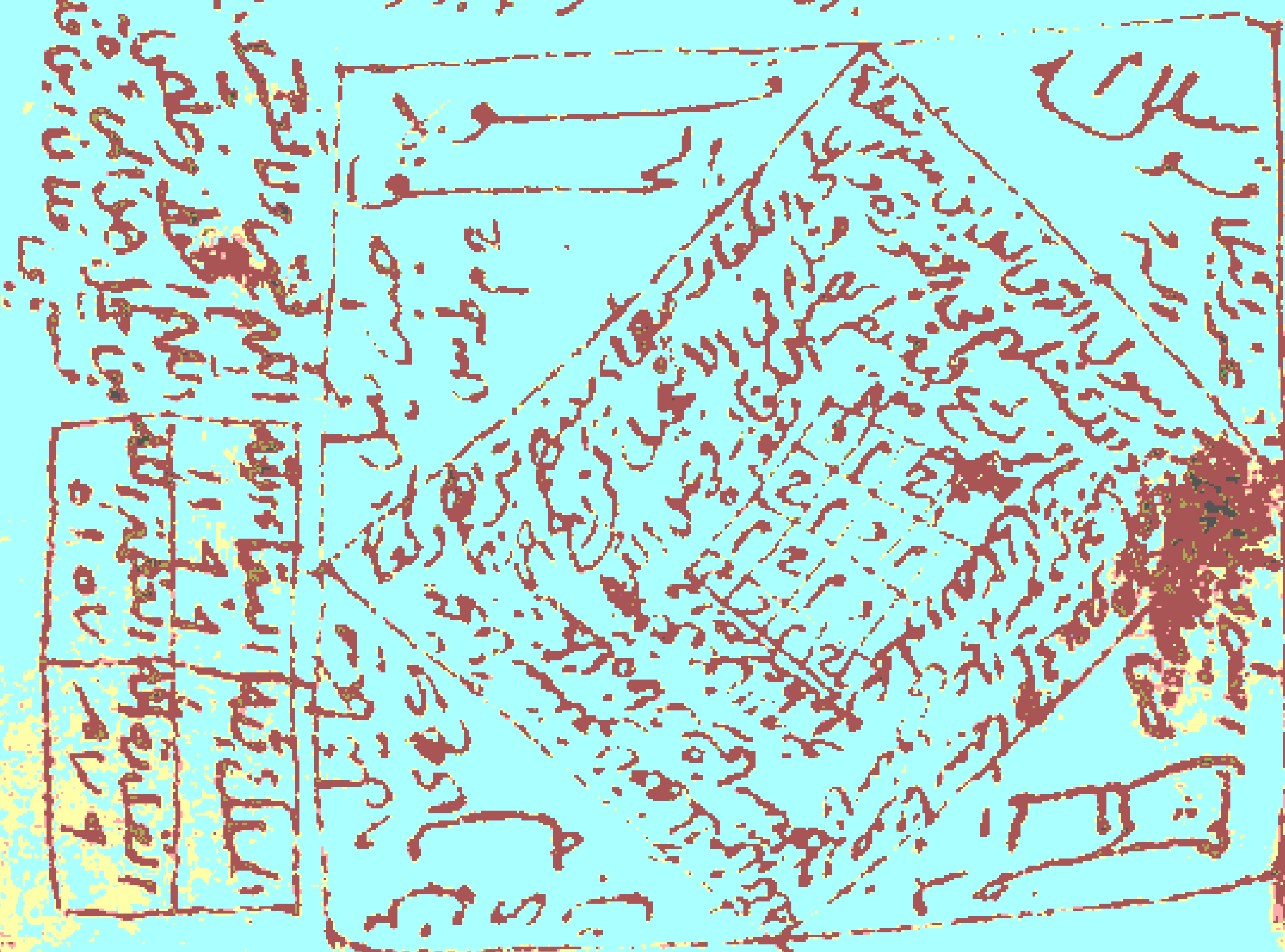
ط ط

برموضع کری در دمیلند بخوانند البته شفا یابد

وانفرادي وخضوعي بين يديك واعتمادي
عليك ربي سهل علي كل عسير واصرف
عني شر كل طالب وحاسد وعاهة
وآفة ومرض وشدة وبلاء ووباء
وذلة وكل علة وبلية يا سبوح
يا قدوس يا رب الملائكة والروح برحمتك يا ارحم الراحمين
هرگاه کسی کار بسته باشد این چهار اسم را از چهار جانب
بخواند باواز بلند البته روشن شود از جانب جنوب یا
عبد الوکیل از جانب شمال یا عبد المجید
از جانب مشرق یا عبد العزیز از مغرب یا عبد الکریم
از برون دو رکعت نماز در شب جمعه بگذارد و بعد
صد مرتبه بگوید یا الله الوکیل ... هرگاه ...

بران ... ان واله ... اسم ... ان الله ...

باسوی ... دمجرب است ... بنت العقل
الساعة ١١١٤ ٨٨ باسم فلان بنت فلان
علی ... فلان بنت فلان الله بغ ...
... ابو سهل ابن عبد الله هندی
نقلست که بنویسد ... باسم ... و ...
خود ... طل ... ومادر ... طل ...
... مجرب است
... الا ... وطا ... لا ... وما یجری
... ازبرای زن حامله ... برسر کند ...



ایضاً مجرب است جهت بند انشکوک اللوک ولا حول ولا
قوة الا بالله العلی العظیم ایضاً برای راست بند
ایضاً مجرب است اذا السماء انشقت
واذنت لربها وحقت واذا الارض
مدت والقت ما فیها وتخلت واذنت لربها و

| | | |
|---|---|---|
| [illegible] | [illegible] | [illegible] |
| [illegible] | [illegible] | [illegible] |
| [illegible] | [illegible] | [illegible] |

و حال رشته گوسفند ابر چوب کل بخواند و بر بالای
بام اندازد هر وقت که او چوب خشک شود و رشته
خشک شود لا فتی الا علی لا سیف الا
ذو الفقار یا علی مدد دفع البلای گوسفندان
و شتران اینده عالم فوشته کاتب بما اللدیر ودو دختر
باکره سر میان یا الله دفع شود نمیة نمیة
نمیة واهیة واهیة واهیة
الحمة الحمة واحدة واحدة
واحدة رحمة رحمة مبارکة
سر بندا

طرح [illegible]

بیرون شود البلا از میان گوسفندان و شتر فلان
ابن فلان دور شود یا دافع البلیات یا سامع
الدعوات برحمتک یا ارحم الراحمین جهت جای
خوردن طفل بر زبان نویسد تا بجوید دفع شود
طلمنا فا طلمنا من الحرج بوخا دینا
ما دحضنا فا الفنا فا از برای کسی که علت [illegible]
الم [illegible] ابجد جمع کند و هفت هفت طرح کند
یکی ماند علة [illegible] ماند باد ۲ ماند [illegible] دو جهار خون
پنج و [illegible] ششی بلغم هفت عشق [illegible] ۳ طرح
یکی گرمی [illegible] باد ۲ سردی [illegible] ۴۴ طرح
یکی علت جگر دو باد ۳ دوازده [illegible] جهار دق باشد
[illegible] زندان پنج [illegible]

باب اگر خواهی که کسی را از خانه بیرون کنی
کس دو ان ک اینها را بنویسد و بخورد
دهد که بسیار مجرب است ع ع ع ع ع ع
۹۹ ف ۹۹۹ ع ۱ ۹۹ ۷

املیخا الوحا الوصا ان ان
الساعة الساعة العجل العجل
العجل العجل العجل ع ع ع ع ۹ ۹
بحق فلان ابن فلان
ف ۹

جهت م ح ب بنویسد در روز چهارشنبه یا یکشنبه
بر چهار پاره کاغذ یکی در درخت آویزد
دیگری در خاک کند دیگری در مطلوب یکی را
در کنار آتش نگاه دارد و یکی را در کنار آب
در دان نگاه دارد در طلسم این است

| | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|
| ٣ | ٢ | عه | ح | ل | م | ٣ |
| ٤ | ١ | ٩ | ع | ه | عه | ع |
| ک | ٩ع | فلان علي حب | ١٣ | ١ | املك عا ٩ل | ملك ا ٩ل |

باب اگر بنویسد و در طعام کند و بخورد
آن کس دهد که مجرب است

۹ ۳ ۱۱۱۱۱ ۴ ع ح ح ۱ ۱ ۱۱ ۲

الا ۱۱۱ العجل العجل العجل ال عم ال عم ا مص
باب افسون عملک هرگاه خواهی که [illegible]
یازده نوبت بر [illegible] خواند
و در آن کس اندازد و [illegible] ذکر کرد و قوله
و رأیت الذین یخوضون فی آیاتنا
فاعرض عنهم حتی یخوضوا

+ + + + + + +

المحب بنویسد و در خم ی د کرده بخورد دلک ما و
دوم ۳ دب ان گردد ک ۲۴۲۱۹۱۱۶۴۱۱۶۹ ۳
۱۲۰۱۳۱۴۱۲۱۱۶ ابم فلان ۱ ابن فلان

المحب برکف ما ی بنویسد و در برابر اثر س ح حی
سوه س و د د ۱۴۱ ۹ باب المحب لها

قعد ک فل خال و ف ما ابن اخون بورا زان
بخوان جمیع صفت خوانده باشیه ف ن ق
که سر قسمی کاب از نخوان ودرا ان ش انداز
کهیجایب بند آتشت با فلفل سوزان بغروزان
توان فلفل سوزانی بغروزانی تو از هند و
ستانی بلق از بند جادو دی تو فلان بن
فلان رابدوان سهر فلان بن فلان آتش وش
بدوانی زود شی بحق آب الوحا الوحا الوط
والله اعلم ما احما هر که ابتدا عالوبا خوداد
هرکه او سو بند محرم از شغل است

باب حب
گردن بریان
جنع خواهی
کر بریان

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۴ | ۱۴ | ۱۰ | ۱ |
| ۹ | ۷ | ۶ | ۲ |
| ٥ | ۱۱ | ۱۵ | ۸ |
| ✳ | ۲ | ۳ | ۱۳ |

نزد خود حاضر گردانی حلیان شخصیت زیر بیان هرچه
دعا هر چیز ابدا از نبک و پیش ملوکی رفتن الا دادیر
که بتو خبر دهد جمیع حاضر شود حاما یا کاربود و بجای گاه خالی
به نشنید و گلاب بر جای گرد خود بیفکن نزد عود و عنبر
مجمر نهی و یکپاره ورق بر گیرد این تعویذ عشک و زعفران
بنویسی و در میان دو پاره الخرقه نهی و در زیر بالین خود گذارد

طلسمه خواب بینا ازدم
بخواب تمارا ماهیا
جباراً ملکا

اسئلک بالله الذی لا اله الا هو عالم الغیب لا اله الا هو الرحمن الرحیم لا اله الا هو الآخر

۱۸ ۱۱۱۱۹ ط ۱۱ ۴ ۱۱۱۶۱۵ ۱۱۴

وتبارک الله رب العالمین

ابن الله الرحمن ابن فلان

در روز دوشنبه بنویسید و در بازو
راست ببندد هر که او را ببیند عاشق و دوست
در شود مجرب است باب دیگر بنویسید و بشوید به آب و ...
هر کسی بخورد از محبت او بیقرار گردد ١١٣٣٣٢٣٣١١٥
١٢ ...١٣١٥١١٩ ...ه عه
١١٥١١٥١١٥٢٢٢٢

باب اگر خواهد که مطلوب کسی دیگر را و بغیر از او دوست
ندارد این طلسم را در شب ... در زیر ... ل ری
او نهد که با و نخوابد که بغیر او کسی را دوست دیگر نباشد
از مرده راست ١١٣ ١١٩٣ ١١ ١٢ ١٢ ١١١
٣٤ ... ١٣ ١ ... ٩١
الف اگر این طلسم ... بنویسید و بر
دست ... کند و از ... بگذرد
در ... ١١٣١١

هو ١١٥ ١١٥ ...

تمام شد

بسم الله الرحمن الرحیم
این کتاب فال قرعه روایت از اول امام جعفر صادق
رضی الله عنه و دیگر از عبدالله عباس و دیگر از دانیال پیغمبر علیه
اما بعد آنکس که فال خواهد گرفت باید که با طهارت باشد و
اندیشه و خیال نکند و سوره فاتحة الکتاب بخواند و ۳ بار قل
هو الله احد بخواند و سه صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و سه
بار ... بخواند آیت رحمت آید انکار بکند و اگر با آیة
آیت عذاب برآید انکار نکند چرا که امان دین این فال
تصنیف کرده ... امان دین اکاشف اند

١١١ قوله تعالی انا ١١١
فتحنا لک فتحا مبینا لیغفر لک الله ما تقدم من ذ
نبک و ما تأخر امام صادق و عالم ناطق جعفر ابن
محمد الصادق علیه السلام می‌فرماید که ای صاحب فال
بشارت باد ترا که خدای تعالی درهای فتح و فرج بر روی تو گشاید
دولت و اقبال رو بتو دارد اگر چیزی از تو فوت
شده باز بدست آید و هر که دارد در طلب او باش که بدست
آید عبدالله عباس گوید که ای صاحب فال فتح و نصرت

یا برج خصام شود اگر در کار فرو مانده زود گشاده گردد و اگر
سؤال از عقد نکاح کرده مبارک نیست دانیال پیغمبر میفرماید
که صاحب فال اگر نیت معامله یا خرید و فروخت کرده
نیکو نیست و اگر نیت سفر کرده برو که با شادی و خرمی باز
گردی شیخ نصیر الدین طوسی میفرماید که طالع این فال برج
مشتری است دعای صباح خواه داد سه الف فرعیت
با نیکی
بس که النعم نصر افتادی گرچه از بخت مرتو
کلم بود
رستی الحق الکنعم از آن به از ادب ۱۱ ب قوله
تعالی و
یعذب المنافقین والمنافقات والمشرکین
والمشر
کات امام جعفر صادق علیه السلام میفرماید
که ای صاحب فال چنان می نماید که در کاری فرو مانده و دل
شکسته که کار تو بستگی دارد عاقبت گشاده گردد اگر سؤال
از سفر داری نیز فتح اولاست اگر نیت از خرید و فرو
خت کرده نیکو نیست ترا عقد پیوندم نشاید و حاجتی که داری
توقف اولاتر است اما از تنها دهی حذر کن بقول زنان کار مکن
تا ملال نیابی عبد الله عباس میفرماید که صاحب فال
نیت

اب

این نیت که تو کرده صبر باید که صفت نیکو نیست دانیال
پیغمبر میفرماید که ای صاحب فال صبر کن تا طالعت از برج بای
بیرون آید انگاه هر کاری کنی خوب باشد و بمقصود خود
برسی خواجه نصیر الدین طوسی میفرماید که طالع این فال
برج جدی است و زحل است صبر کن تا مراد یابی بلکه
انشاء الله تعالی دو الف ب نه فتح الت به فال
کارها نه به بود اما سه ای دیگر مگر که به باشد
نیت هنگام این حدیث اما ای ۱۱ ج قوله تعالی
ولله جنود السموات والارض وکان الله علیما ا اج
حکیما امام جعفر صادق عم میفرماید که صاحب فال بشا
رت باد ترا که فال مبارک است این نیت که تو پیش داری
صبر تو سهل و آسان کرده و حاجتی که داری روا گردد عبد الله
عباس فرماید که صاحب فال اگر نیت از غایب داری برسد
مت بتو رسد و اگر از عقد نکاح کرده بکن که مبارک است
و اگر چیز از تو تلف شده باز آید و از قرض هم خلاص یابی
دانیال پیغمبر میفرماید که سؤال تو از آن دولت است از آن

ح ح

خرم گردی و نزدیک تو نعمت هست و بیماری نیست خواجه نصیر الدین
طوسی فرماید که طالع این برج السنبله است روشنایی باشد
و به مقصود برسی ان شاء الله تعالی  د و الف جیم اگر زنی بیاید
اندرین فال فرزندی خوب آید گر چه زنی بیش تو بیغم بود
بعد از این زیارت بیفزاید  اا د  قوله تعالی اعلموا ان الله  اا د
مولیکم نعم المولی و نعم النصیر امام جعفر صادق علیه السلام
میفرماید که ای صاحب فال چنان مینماید که برایت حالی
حاضر الوقت خوشی باشی تا دیدیم میان خصومت بید
و از دل خود با کسی مگو و دریغ نیست شنیدن دیگر صبر کن
تا کار تو نیک شود عبد الله عباس میفرماید که اگر نیت
سفر داری صبر کن و تعجیل مکن که هنوز وقت نیست دانیال
پیغمبر میفرماید که ای صاحب فال طالعت حالیا ضعیف
مینماید تا دانی زنهار که دریغ نیست خدای او دیدگوی
و حال سلطان باز دار و با مردم اعظم باش تا از شر منافقان
دور شوی  خواجه نصیر الدین میفرماید که طالع این فال
برج عقرب است و ستاره مریخ است شتاب مکن که طالع
نیک خواهد

نیک خواهد شد  جیم الف دو الف با دال فال ات
بجز افزون شود این جاه و مالت سفر بیوند غایب خوب شود
گنج کار تو صبر آمد حوالت  ا ب د  قوله تعالی یطوف  ا ب د
علیهم ولدان مخلدون امام صادق و عالم ناطق
جعفر ابن محمد صادق علیه السلام میفرماید که انجذ
وند فال چنان مینماید که برایت مهر و دل در نبود مرا
دل دادن تا این زمان کار تو بشکین داشت الفهم
هنر و نیکیست که بکند بد و مراد دل به بینی عبد الله عباس
میفرماید که ای صاحب فال حاجتی داری از بزرگان غم
مخور که زود روا گردد و دریم نیست بلکه جهد باش که تو
در نیست و کل احوال تو نیک مینماید دانیال پیغمبر
میفرماید که صاحب فال اگر سوال از غایب داری بشنو
رسید و اگر بیمار داری در صحت یابد اگر اندوهی دیده و
وقت تو مراد دیافتنی است  خواجه نصیر الدین طوسی
میفرماید که طالع این فال برج السنبله است و خانه
عطارد

عطارد است غم مخور که مراد یابی بکو انشاء الله تعالی
الف امکن لقای تو ب دالبر اهم کامت دهد ایزد تعالی
سفر بیوند غایب خوب باشد چه در کاری روی نبینی ملالی
اج د قوله تعالی والله واسع علیم امام جعفر صادق ع
میفرماید که ای صاحب فال بدان و آگاه باشی چنان مینماید
که از برای کاری رنج بسیار کشیدی و فایده ندیدی یا میخوا
هی که از کسی حیله شوی یا مقام بری روی پناه بنام الله کن
و برحکم مبارک گشت عبد الله عباس میفرماید که ای صاحب
فال مدت پنج روز است که حاجتی و کارت پراکنده بود
انشاء الله طالع از برج و بای برجهای دوشنبه که در آید دولت
قرار گیرد اگر سؤال از عقد نکاح است بکن که مبارک گشت
دانیال پیغمبر میفرماید که ای صاحب فال اگر نیت غایب
داری بسلامت برسد و اگر نیت دو شمع داری نشان
از دو شمع سرخ رنگ احتراز کن خواجه نصیر الدین
میفرماید که طالع این فال برج جوزا و خانه عطارد است
الف با جیم

الف با جیم و دال فال زیباست اکر صبر کنی کارت میسر است
غم اندیشه از خود دور گردان که این دنیا همه فتنه است غوغا است
اد ا قوله تعالی ویقولون ائنا لمردودون فی الحافرة امام اد ا
جعفر صادق علیه السلام میفرماید که اینجا اوند فال اگر سؤال
تو از بهر سفر است مرو که سرگردان شوی و اگر شراکت خواهی کرد
یا بنای کاری باید کردن و اگر از بهر غایب کرده عاقبت الامر
باز بخود رسد عبد الله عباس میفرماید که ای صاحب تو در
کاری درمانده ای باید که دائما با یار مصحوب باشی تا کار د
گشاده گردد دانیال پیغمبر میفرماید که صاحب فال اگر از تو
چیزی فوت شده به تحمل باز بدست تو آید و اگر نیت عقد نکاح
کرده یا بنای کاری میکنی صبر کن خواجه نصیر الدین طوسی
میفرماید که طالع این فال برج سنبله است عاقبت بمقصود
برسی بکو انشاء الله تعالی الف دال الف ث ث د ا
بر تو بخشد نیک نامی داد تو به نه روی بو بهشت خدا
که سعادت شود تو روی بنمای
ادج قوله تعالی واوفوا بالعهد ان العهد ادج
کان مسئولا امام جعفر صادق علیه السلام میفرماید که ای

صاحب فال چنان مینماید که تو مهربانی تو بدل کرده اند تو فارغ
باش که کار تو بالا گیرد و بلند شود بمراد برسی عبد الله عباسی
میفرماید که ای صاحب فال اگر نیت عقد نکاح داری
بکن که مبارکست اگر نقل و حرکت داری میانه حالست اما
بسنگینی می انجامد و اگر بنای کاری کرده ای بکن که فایده بینی
دانیال پیغمبر میفرماید که صاحب فال تن درستی و ایمنی صحت
بدن نیکست و اگر از خسته میپرسی صحت یابد و تا هفت روز
دیگر خلاصی یابد خواجه نصیر الدین طوسی میفرماید که طالع این
فال برج السدالت تعلق بروز یکشنبه دارد غم مخور که بمقصود
برسی بحول الله تعالی اج ا قوله تعالی فان مع العسر یسرا اج ا
ان مع العسر یسرا امام جعفر صادق علیه السلام میفرماید
که صاحب فال بدان و آگاه باش که مینماید که از سبب دوستی
بیرون بینی حالیا غم مخور که بزوال خرمی و رستگاری یابی
عبد الله عباسی میفرماید که ابجد و ندفای اگر کسی از تو جدا
شده است درین زودی باز آید مدت چهار ماهست که کاره

رونق نداشت

رونق نداشت و هر کار که کردی فایده ندیدی این زمان کار تو
روبه نیکی دارد دانیال پیغمبر میفرماید که ای صاحب فال اگر
رنجوری داری عنقریب صحت یابد و اگر غایب داری بزودی برسد
و قرض کردن و ضامن باتو نمی سازد ترک کن تا منفعت
یابی اما در خرید و فروخت تو را نیک نمی آید خواجه نصیر الدین
طوسی میفرماید که طالع این فال برج حوتست روشنایی یابی
الف جیم الف د دغالت ابد وقت بر آید جمله کار تو نیکوست
سفر بپیوند غایب خوب باشد بکام دل رسی از دشمن دوست
اج ب قوله تعالی وجعلنا علی قلوبهم اکنة ان یفقهوه
وفی اذانهم وقرا امام جعفر صادق علیه السلام اج ب
میفرماید که ای صاحب فال چنان مینماید که مدتیست که ملالی
داری و پریشان خاطری درین مقام که هستی مقصود
تو حاصل گردد انشاء الله در صحبت کسی که قران سنگینی در طالع
تو بود لکن شد عبد الله عباسی میفرماید که صاحب فال هر
مرادی که داری بدست دیوان زن که مرادت بر آید و اگر از
بیمار سوال داری صدقه بده تا صحت یابد و اگر از

غایب میرسد بسلامت بتو رسد و اگر عزم سفر داری برو
که مبارکست و جمعیت شود و اگر سؤال دوستی داری امید
بر آید و اگر از کم شده میپرسی در بدست تو آید خواجه نصیر
الدین طوسی میفرماید که طالع این فال برج عطارد است غم
مخور که بمقصود برسی   الف با جیم ب فال سعد است خوش

اج ج

می چو جام مدار دوست در نوش   اج ج قوله تعالی یا ایها
الذین امنوا انما الخمر والمیسر والانصاب والاز
لام رجس من عمل الشیطان   امام جعفر صادق
علیه السلام میفرماید که صاحب فال زنهار که درین کار که کرد
حزم مکرد و باک مدار چنانکه نشستی برخواست میسر نیست
بعد بوزده کار سر نیح واز دشمنان و بدگویان در حفظ باش
واز دوست و دشمن مترس که نباید بر سر   عبدالله عباس
میفرماید که ای صاحب فال درین نیت سفر کردن نشاید و
عقد و نکاح هم نشاید و صبر باید کردن تا این مقصود برآید
و اگر از فوت شده سؤال داری از دست رفته است و نمی
آید دانیال پیغمبر میفرماید که ای صاحب فال اگر نیت

الغایب داری صبر کن که بتو رسد و از قرض نجات یابی
و مدت چهار ماه هست که کارت رونق ندارد این زمان
دور دیگر خواهد شد   خواجه نصیر الدین طوسی میفرماید که
طالع این فال مریخ است صبر کن تا مراد نامراد یابی انشاء الله تعالی
الف آمد ثالث با دو تا جیم   چنان دانم که داری رنج بسیار
اب قوله تعالی ونجیناه من الغم وکذلک ننجی المحسنین اب ا
امام جعفر صادق علیه السلام میفرماید که صاحب فال
در کاری که کرده ای مجو کسی که بنحول دل براو تخته باشد
اتمام مخور که هر چه بد بود گذشت و طالعت روی بفتوحات نهاده و
سعادت خواهی دیدن   عبدالله عباس میفرماید که ای صاحب
فال اگر سفر خواهی کردن یا نقل و حرکتی در خاطر داری
نیک است و منفعت حاصل شود و اگر از غایب میپرسی
بسلامت بتو رسد و اگر عقد نکاح میکنی بکن که مبارکست
دانیال پیغمبر میفرماید که ای صاحب فال اگر بجای کاری
خواهی کردن بکن که مبارکست و جمعی منافق با تو دم
دوستی میزنند از ایشان برحذر باش که دشمن تواند

ولتو بابای حقیقت کی باشی که از شر او ایمن کردی خواجه نصیر
الدین طوسی میفرماید که طالع این فال برج سرطانست
الف ب الف فالبست خرم غول رسته زینج محنت و غم
اب ب سفر بیوند غایب خوب باشد مخدوم زانکه کارت اندر سلم

اب ب قوله تعالی واوفوا بالعهد ان العهد کان مسئولا
امام جعفر صادق علیه السلام میفرماید که ای صاحب
فال بیشت دست بر توبه بفروزید دولت وسعادت و بهر غیبی
که وارد بتو رسد درین زوال عبدالله عباسی میفرماید
که این قرعه مبارکست که بنام تو غلطیده است اگر نیت
سفر داری عاید بر سبیل اگر از غایب میپرسی بتو خواهد رسید
دانیال پیغمبر میفرماید که ای فال ظالمی کس مشو تا خلاص کردی
و با خلایق به مدارا زنده کانی کن و اگر قرض داری خلاص
شوی زنهار خوالا محکم دار که درین نیت بمراد برسی خواجه
نصیر الدین طوسی میفرماید که طالع این فال برج اسد است
و خانه آفتابست دلیل میکند که تا دم روز یکشنبه از این

نیت یرغیب

نیت واقف کردید مقصودیکه داری بر آید ان شاء الله تعالی

ادب قوله تعالی والنجم اذا هوی ما ضل صاحبکم ادب
وما غوی امام جعفر صادق علیه السلام میفرماید که ای
خداوند فال بس مبارکست اما قومی چند از بهر تو اند و
حدیث چند میکنند در فکر بهتان تو اند اما تو هیچ باک
مدار که هیچ عیب مدد حال تو اند تا از منافقان ایمن کردی
اما زنهار که بالم اعظم باشی و اگر نقل حرکت داری
نیکو باشد و اگر از غایب سؤال داری نیکو باشد و اگر بسفر
میروی قدم بنه که سعادت حاصل شود و اگر نیت عقد نکاح
داری بکن که مبارکست و درین نیت بلجهت باشی که
از کم شده خبر یابی خواجه نصیر الدین طوسی میفرماید که
طالع این فال برج میزانست زنهار که براستی کوشی بمقصود
برسی بکو ان شاء الله تعالی

ابج قوله تعالی ان جعلها ابج
کانت من ضاد اللطا غین مابا امام جعفر
صادق علیه السلام میفرماید که صاحب فال بدان و آگاه باشی
که تو را جمعی حسودانند هستند میباید که در کار خود

با جفتا ب باشی و بابای حقتعالی باشی تا آن شر دفع شود
عبدالله عباس میفرماید که صاحب فال اگر نیت سفر
داری حالیا صبر کن تا سرگردان نشوی اگر نیت عقد نکاح
داری نیکوست دانیال پیغمبر میفرماید که صاحب فال اگر نیت
دوستی داری انشاء کردنی اگر بیماری داری صدقه بده
تا بسلامت برخیزد و اگر از غایب نیت داری حالا مو
نوفست ولیکن بجا شود زنهار که میباید باسم اعظم
باشی تا بمراد دل برسی خواجه نصیر الدین طوسی میفرماید
که طالع این فال زحلست صبر کن تا بمراد برسی بلطف الله تعالی
الف ب جیم این هم بعبر نیست بهتر از این تو به بایدت نیست
صبر کن تا بر آیدت امید که سعادت بکار تو نگر نیست
ادد قوله تعالی للمصلین الذینهم عن صلوتهم ادد
ساهون امام جعفر صادق علیه السلام میفرماید
که صاحب فال مژده باد ترا که بر تمام خاطر و حضور دل
این فکر و اندیشه که تو کرده تدبیر نیکوست نصرت و فرح
و شادمانی مراد و کامرانی و دولت بتو مینماید
و نیز و نیکوست که مرادت حاصل شود عبدالله
عباس

عبدالله عباس میفرماید که ای صاحب فال خدا تعالی ترا
دوستی و دلخوشی بسیار خواهد داد و مراد تو و دلخواه تو شود
غم مخور که بمقصود برسی دانیال پیغمبر میفرماید که ای
صاحب فال بلا که بسلامتی خلاص هم زن خواه دو میر باید
و دشمنی که داشتی اکنون قطع شد این زمان هیچ اندیشه
مدار که بمراد برسی خواجه نصیر الدین طوسی میفرماید
که طالع این فال برج مشتریست و سعد بهر نیت که کرده
شد و بالای بلطف الله تعالی خوب فرخنده آمد این فالت
به شود زود بر یکسان حالت هر بدی که آن بد بدی از تو گذشته
بهتر از یار باشد اما فالت ب ب ب قوله تعالی ب ب ب
الحمد لله الذی خلق السموات والارض و
جعل الظلمات والنور امام جعفر صادق علیه
السلام میفرماید که ای صاحب فال لبث رشد بجای
تو کو که سعد الفلفای توا آمده الت دلیل میکنند بر مبارکی
و سعادت و جمعیت و نیک بختی کت کیش کار دولت

احوال و خلاص شدن از غم و آخر شدن قرض و دنبال از
گردانیدن و غم مخور که زود باشد که از این نیت واقع گردد یا
اگر نیت بیوندی داری بکن مبارک است و اگر از غایب
طلب میکنی بتو رسد و میفرماید که دولت در دنبال تو
دیست و طلب میکنی غم مخور که بزودی کارت سامان
گیرد دانیال پیغمبر میفرماید که ای صاحب فال مردی
که در دل داری برادر ده خبر گیرد و در هر نیت بر
خوردار شوی بسیار بسیار خواجه نصیر الدین میفرماید که
طالع این فال برج ثور است و خانه زهره است در این نیت
زود باشد که بمقصود برسی سه به در خانه آمد و
سیر از غم شود دولت فراوان و دشمنت کم
هر آن نیت که داری خوب خوب است مراد حق ب ب ا
دهد والله اعلم ب ب قوله تعالی قل انما
انا بشر مثلکم یوحی الی انما الهکم اله وا
حد امام جعفر صادق علیه السلام میفرماید

ولایت بالا دوری نیست که تو کرده دلیل میکند
بر خوبی و صحت بدن و خلق خوب و فعل نیکو و عیش
خوش است اگر چه اندکی ملال دیدی اما کام دل خواهی دیدن
ملال تو بصبر ... است اگر نیت بیوندی داری
نیکو است و اگر تجویز داری صحت یابد و اگر چیزی از تو گم شده
باز دست آید و اگر نیت سفر داری برو که مراد حاصل گردد
و اگر نیت از غایب داری بزودی رسید غم مخور که بر ...
... کام مراد تو حاصل شود خواجه نصیر الدین طوسی
میفرماید که طالع این فال برج اسد است و خانه آفتاب است
روشنای یا صبر بکن ان شاء الله تعالی و حجه یک ... نیکو دار
... دل خود بر مگردان تو دوست فا ... اندر ... کار
... کام تو از سر ... ب ا د قوله تعالی ... ب ا د
... امام جعفر صادق علیه السلام
میفرماید که ... میفرماید که ...

گفتگوی شده و مناظره اغتنه وار شده شیطانی دل را ببرد
که وغمخوار که تغییر است و پریشانی و تشویشی از طالع تو
بر شمع دعنش عبدالله عباس میفرماید که این صاحب فال
تو میر چند مدتها تو اندوه تو هر دم فکر میکنی و در نیت
بلحجت باشی که این ابول وصال میرسد و مرادت در دوستست
و حاصل میشود دانیال پیغمبر میفرماید که این صاحب فال
اگر بجهت دل دارد صحت یابد و اگر نیت عقد و پیوند دارد
یا سفر بیرون نیکست و کم شده بدست آید خواجه نصیر الدین
طوسی میفرماید که طالع این فال برج [illegible] الله
مبارک تا روز جمعه مراد یابی ان شاء الله تعالی ج ب الف
اسماء فال دال به یابی مراد و بیابی وصال و بدو
شاد باشی اندرین فال تو ز خالق بدانی تو هی ملال
ب قوله تعالی و عنده مفاتح الغیب لا یعلمها
الا هو امام جعفر صادق علیه السلام میفرماید
که این صاحب

که این صاحب فال تشریف بادی تو بود که نیت که کرده خدا
بتحقیق لطف عنایت با تو دارد دولت و سعادت میرسد و ملال
از تو کم شده و نوبت شادی میرسد و دولت کار داری فتح و فرح
روی نمود و دشمنت عاجز شود عبدالله عباس میفرماید
که این صاحب فال اگر نیت بیمار دارد صحت یابد و اگر نقل
مکانی دارد نیکو شود و اگر کسی از تو غایب شده است
باز بتو رسد و اگر از بسیار کثیر ملال با راحت مبدل شود
دانیال پیغمبر علیه السلام میفرماید که این صاحب فال اگر عزم سفر
بیرون دارد که مبارکست و اگر نیت پیوند دارد
نیکوست زنهار که ناامید مباش تا در روز دوشنبه کارت
گشایش کرده و مرادت حاصل شود خواجه نصیر الدین طوسی
میفرماید که طالع این فال برج سنبله است تا آخر ماه [illegible]
ج ب الف بنفال اسماء است تو را دولت از ذوالجلال است
اگر جهد بیحد دیدی زغم کنون دولتی با کمال آمده است

ب ج قوله تعالی فلما کشفنا عنهم العذاب

امام جعفر صادق علیه السلام میفرماید که ای صاحب فال
بدانکه کسی از تو جدا شده است و میان شما فراق افتاده از
سبب بد لشان و ملالت داری تا مدت هفت ماه گفت که طالع
لعت ضعیف بود و قوتی نداشت اکنون دور بقوت نهاده
نا دانی اما اعمی به هیچ کس مگو که زبان سرخ سر سبز میدهد بر باد
بیهوش باش که سر بر سر زبان نگیرد عبد الله عباس میفرماید
که را در نحو تو با هیچ کس مگو و متحمل باش دانیال پیغمبر علیه السلام
میفرماید که درین نیت چند روز صبر کن تا بمراد برسی
خواجه نصیر الدین طوسی میفرماید که طالع این فال برج
عقرب است و خانه مریخ است اعتقاد دار که عقرب
پر نیش [illegible] یک ب دو جیم در فالت آمد دو [illegible]
صبر در هر حالت آمد سفر پیوند هر دو خوب نیست
دیگر در کار عمل فالت آمد



ان یوم الفصل کان میقاتا یوم ینفخ فی الصور

امام جعفر صادق علیه السلام میفرماید که ای صاحب فال چنان
مینماید که در کار تو فتنه و مانده و دل تنگ داری اما غم
مخور که زود حق تعالی شود و از این نیت برون آیی و حضور دل
حاصل شود و اگر نیت پیوند داری نیکو است که نیکو و اگر سخن
داری دیگر است که شفا یابد عبد الله عباس میفرماید
که اگر غایب داری زود خواهد رسید غم مخور که فالت
مبارک آمده است و بمراد دل برسی دانیال پیغمبر علیه السلام
میفرماید که ای صاحب فال اگر نیت تو در معامله است یا
نیت کار دیگر بکن که مبارک است و کل احوال تو
در کار بار تو و شغل و عمل تو نیک مینماید خواجه نصیر
الدین طوسی میفرماید که طالع این فال برج سرطان است
و خانه ماه است تا روز دوشنبه خرم شوی انشاء الله تعالی
ب و د و الف نیک فالی آمد این چنین فال خوب حالی آمد
نعمت حق تعالی را شکر بکن به بقای نعمتی زوال آمد

ب دد قوله تعالی لا اله الا هو یحیی و یمیت ربکم و رب
اباءکم الاولین امام جعفر صادق علیه السلام میفرماید
که این بخت و دولت مینماید که دولت در بند کار تو و سفلیت
امید برآید و حاصل شود اگر نیت بمنزل داری نیکو باشد
و اگر نیت سفر داری باز نمانی عاقبت میروی نیک
مینماید عبد الله عباس میفرماید که ای صاحب فال اگر غایب
داری بتو رسد و اگر چیزی از دست تو رفته است باز بدست
تو آید خاطر جمع باش که در این نیت تا در غلط نیفتی دانیال
پیغمبر میفرماید که ای صاحب فال اگر نیت رنجوری
داری صحت یابد و میفرماید که نشی روز دیگر تحمل کن
که بعد از آن غم و اندوه نیست خواجه نصیر الدین طوسی
میفرماید که طالع این فال برج سنبله است و خانه عطارد است
اما از اهل قلم احتراض کن که بمراد دل و دولت یابی
چون دو دالست در فال تو بیابی حق نعمت های تو
تو نعمیک

تو تحصیل بنمای و مبارک باد که نیکو شود این زمان حال تو
ب ج قوله تعالی اتی لهم الذکری و قد جاءهم ب ج ا
رسول مبین امام جعفر صادق علیه السلام میفرماید که ای
صاحب فال چنان مینماید که ملامتیست که دولت در پی طلبی
اللهم وقت یاد همراهی میکنی این زمان اندیشه مکن و غم
نخور که حق تعالی از غیب فرستد بتو خواهد رسانید و مراد تو
حاصل شود عبد الله عباس میفرماید که ای صاحب فال اگر چه
زحمت و ملال چند دیدی اما هیچ اندوه مدار که بکام دل
بیابی اگر نیت پیوند داری بکن که مبارکست دوستان مدد
حال تو اند اما تو شراکت کردن و صلاح شدن عمر باز در
دانیال پیغمبر علیه السلام فرماید که اگر رنجوری داری شفا یابد و هر مراد
که داری بزودی بیابی دولت و اندیشه از دل بیرون کن که عمر در
برابر جهت جیم الف اقبال بختیار بیابی حق دولت بیشمار
ب دا قوله تعالی بل هم فی شک یلعبون امام جعفر صادق
میفرماید که ای صاحب فال در این نیت مینماید که قوم

با تو دوستی میکنند و پشیمانند غمی که خدا بتعالی عوض تو با
ایشان باز کنند تا چند روز دیگر صبر کنی که بعد از دو هفته کار
کشاده گردد و دولت سعادت پیوند گردد و اگر در سفر غایب داری
اینک بتو رسد عبد الله عباس میفرماید که ای صاحب
فال اگر وصلتی با کسی میکنی بکن که خوبست و اگر بمقامی
بمقامی خواهی رفت چند روز دیگر نیکست و دوستی روزی
صبر کن تا ستارهٔ طالعت قوت گیرد و منفعت بینی خواجه
نصیر الدین طوسی میفرماید که طالع این فال برج میزان و
خانهٔ زهره است و بهتر جا نیست امید در بند تا روز جمعه
ب اج که مراد یابی بکوانشاء الله تعالی ب اج قوله تعالی
کانو فیها فاکهین امام جعفر صادق علیه السلام
میفرماید که صاحب فال آیت نعمت تعالی تو آمده است اگر
نیت سفر داری پس مبارک است اگر نیت پیوند داری
پس نیکوست و قدمش مبارک است عبد الله عباس
میفرماید که این فال اوند فال اگر بنیت کاری میکنی
نیکوست اگر غایبی در سفر داری بتو خواهد رسید
دارد و خرم

دارد و خرم خواهی داشت ابن سعید میفرماید که ای صاحب
فال اگر چیزی از تو گم شده است باز بتو رسد و اگر بخود سفر
داری صحت یابد و دیگر نیت که تو کردهٔ دلیل است تا پنج
روز دیگر مراد یابی خواجه نصیر الدین طوسی میفرماید
که طالع این فال برج سنبله است و خانهٔ عطارد است از
اهل قلم احتراز کن تا مراد یابی ان شاء الله تعالی
ج ب الف هستند و فال جیم دلالت بر تخفیف بود در بیم
تو پیوسته با پاک معتقد باشی [illegible]
ب ج د قوله تعالی کاشف العذاب قلیلا ا
ب ج د نکم عائدون امام جعفر صادق علیه السلام میفرماید
که ای صاحب فال چند نوبت عزم انکار کرده است
نشد اکنون وقت مراد یافتن و کامرانیست و از بیت
دوستی خبر بتو رسد و جمعیت بینی عبد الله عباس
میفرماید که صاحب فال اگر نیت سفر داری برو که
نیکست و غنیمت یابی و بمراد باز گردی و اگر غایبی
در سفر داری زود باشد که دیدار او ترا باز نصیب

دانیال پیغمبر علیه السلام میفرماید که ای صاحب فال بهر نیتی که
کرده وقت آنست که بتو رسد اگر رنجوری داری خیر است
او در کن نیت کلی احوال تو روی نیکو دارد خواجه نصیر الدین
طوسی میفرماید که طالع این فال برج قوس است چنان
مینماید که این برد کسی منفعت یابی و بمقصود برسی
ان شاء الله تعالی ب ج ب قوله تعالی لیس لک من
الامر شیء او یتوب امام جعفر صادق علیه السلام
میفرماید که ای صاحب فال اگر نیت وصلتی داری بکن
که نیکست و اگر عزم سفر داری بسی خوب و مبارکست
و تمام مهمات تو برود بر اراده خیر گردد عبد الله
عباس میفرماید که ای صاحب فال چنان مینماید که تو را
نصیب از غیب خواهد رسید و اگر نیت دوستی داری
یک دل و یکجهت باش و او نیز چنین خواهد بود دانیال
پیغمبر علیه السلام میفرماید که ای صاحب فال شخصی تو را نصیحت
مینماید از سر کت او دولتی بی سبب رو نیست که طالع

تو آشفته بود

تو آشفته بود اینزمان از غم بیرون آمد اما نمیدانند که هر کس
آزموده بود دیگر میازار اگر چه اینزمان بدست فعل حلوا بیابی
شخصی نهی عاقبت حق تو باطل کند خواجه نصیر الدین طوسی
میفرماید که طالع این فال برج زهره است عاقبت مراد یابی
ان شاء الله تعالی ب د ب قوله تعالی ثم تولوا عنه وقالوا معلم
مجنون امام جعفر صادق علیه السلام میفرماید که ای
صاحب فال چنان مینماید که تو را با کسی جدائی افتاده و تو نیز
کم کرده بجای نیاورده چنان مینماید که در این نیت دو سه
روز صبر کن که بعد از این کار تو بمراد تو خواهد بود عبد الله
عباس میفرماید که ای صاحب فال اگر نیت غایبی داری
بسلامت بتو رسد و اگر نیت سفری داری مراد حاصل
کرده اما غم خور که دلیل مراد یافتنست دانیال پیغمبر علیه السلام
میفرماید که نیت معامله یا خرید و فروختی داری
یا بنای کاری خواهی کردن نیکو باشد و تن درستیست
هست و بیماری نیست خواجه نصیر الدین طوسی
میفرماید که صاحب طالع تا سه روز دیگر صبر کن که

هرچه بد بود گمان رفت مراد یابی بکوی انشاء الله تعالی

ب د ج قوله تعالی ولنذیقنهم الواناً و سیرنا

علیها یتلذذون امام جعفر صادق علیه السلام

میفرماید که ای صاحب فال چند نوبت عشق من این کار کردی

الشفتکی و ملال و بیراتش نیز دیدی اکنون وقت آمد که مرادت

حاصل شود و به مقصود برسی اما از شکایت کردن احتراز باشد

کوتاه که شکر حق تعالی که ملال و بیراتش نیز از طالعت

بیرون رفت اینزمان بعجایبات الله تعالی کوش که مراد یابی

عبد الله عباس میفرماید که ای صاحب فال در این نیت

جد و جهد کن که مراد یابی که حضرت محمد مصطفی علیه السلام

میفرماید که در کارها خیر سعی باید نمود خواجه نصیر الدین

طوسی میفرماید که طالع این فال برج مشتری است تا روز

پنجشنبه مراد یابی انشاء الله تعالی ج ب دال جیم آمد بغالت

نیک دولت و قسمت هم وصالت سفر بیوند غایب جمله خوب است

نهر کار خصوصاً خاصه مالت ب ب د قوله تعالی

والله واسع علیکم نعمه ظاهره و باطنه

امام جعفر

امام جعفر صادق علیه السلام میفرماید که ای صاحب فال بدان و آگاه

باش که خدای تعالی نعمت ظاهر و باطن ترا بتو داده است و تنها

ان و انکار تو از آن نعمت نکاه کرد اینزمان شکر الله تعالی

بجای آر که از غم خلاص یافتی عبد الله عباس میفرماید

که ای صاحب فال در این نیت عیش و شادمانی و فرح و نصرت

یابی الله تعالی نعمت بکسی میدهد که از وصیت و عاقبت

بمقصود برسی دانیال پیغمبر علیه السلام میفرماید که ای صاحب فال

الله تعالی در کلام مجید میفرماید که ان الله لا یضیع اجر

المحسنین یعنی رنج کس ضایع نمیکرداند شکر خدای تعالی بکن

که طالعت بلند شد و برخوردار خواهی دید فرزند تو دو

پسر نیکو است از سیر این برو که خوش فالست نحس بد

بد یار رسانند تو بهتر از یار باشد امسال ب ب ج

قوله تعالی من عمل صالحاً من ذکر او انثی و هو

مؤمن فاولئک یدخلون الجنة امام جعفر

صادق علیه السلام میفرماید که ای صاحب فال دلیل میکند

تو بود بر دلخوشی و مرتبه میان خلایق و مقصودی که بر دل
برآید دلخوش داد که روز دولت بتو میرسد عبد الله عباسی
میفرماید که ای صاحب فال بدانکه ایزد تعالی کار تو را ختم
کرده اند و شیرۀ دولت نیک بخشیده و طالع سعد اکبر الست
و مراد یابی بر دانای پیغمبر علیه السلام میفرماید که ای صاحب فال بهر
نیتی که کرده مراد حاصل شود اما در نماز کاهلی مکن و
دست از خیر کوتاه مکن که مراد برسی خواجه نصیر الدین طوسی
میفرماید که طالع این فال برج اسد است و خانه آفتابست
دور از شادی مینماید و مراد و مقصود خواهی رسید انشاء الله تعالی
جه درجه جیم انشاء الله این فال تو فرخ و نیکو نعمت مال تو
ج محبوب که کارت نیکو بر مراد برود دل شود خوب احوال تو
ج ج ج ج قوله تعالی الحمد لله الذی انزل علی
ج عبده الکتاب و لم یجعل له عوجا امام جعفر
صادق علیه السلام میفرماید که ای صاحب فال بشارت بادی
تو را بر دل خوشی و جمعیت و صحت بدن و کشایش
کار و نظام

کار و نظام احوال و افزونی معیشت و در بیست روز
زیاده شود و از کدورت و ملال ببرون آی عبد الله
عباسی میفرماید که ای صاحب فال که اگر بسفر میروی با
برو که نیکست و امیدت حاصل شود خواجه نصیر الدین
میفرماید که دل مشغول کاری داری دلیل بر نیکوئی
میکند و اگر پیوند میکنی مبارکست و اگر غایبی داری
او برسد و بخوردن صحت یابد و از غیب خرم شود دانای پیغمبر علیه السلام
میفرماید که طالع این فال برج جدیست روز جمعه از
واقف شود مرادت برآید بکفایت الله تعالی قرعه
تو بود سه جیم کنز فال کرد که نیک فالیت بینی غم
داری که مهربانان تو اند آنکه زینت بنی بود با تو نیکوئی
ج ج ج قوله تعالی و زخرفا و ان کل ذلک
لما متاع الحیوة الدنیا امام جعفر صادق ع
میفرماید که ای صاحب فال دلشاد دار خود را که جمله
غمهای تو رفت و پریشانیها از طالع تو بیرون
شد و سعادت بتو نهاده و مرادی که در دل داری

نزدیکست که برآید عبد الله عباس میفرماید که اینجا اوند
فال اگر نیت پیوندی داری لفضیل وست و نیکو باشد و از
طرف غایب جمعیت یابی و اگر نیت از عقد نکاح داری
بالغ میرود فرخ بست دانیال پیغمبر ع میفرماید که ای صاحب
فال از غم زندان و دوستان و کار تو مراد حاصل شود و
سعادت برآید خواجه نصیر الدین طوسی میفرماید که طالع
این فال برج زهره است دلیل میکند که تا روز جمعه
از این نیت واقف شوی و مراد یابی دو جیم یک
الف فال نیکو شد هر از خصمی که داری نیک خوشند
بلکه پیوند اگر خواهی سفر دو دیگر در کار حالت نیکو شد
ج ب قوله تعالی و انهم لیصدونهم عن السبیل ج ج
و یحسبون انهم مهتدون امام جعفر صادق ع
میفرماید که اینجا اوند فال در این نیت چند کار نیکست
و چند کار بد الت اول اگر لفضیل میروی ببرد که نیکست
و اگر پیوندی خواهی کرد زن مبارکست عبد الله عباس
میفرماید که ای صاحب فال در طالعت مینماید و از کار
که خوف داریا

که خوف دارد
ایمن شوی و از طرف مردی راحتی بتو رسد دانیال پیغمبر ع
میفرماید که صاحب فال اگر نیت کاری خواهی کرد یا انبازی
در خاطر داری بکن که نیکست و اگر بیماری داری صحت یابد
اما اغنیمی بهر کس مکن و راز دل خود بهر کس مگو که مقصود
خواجه نصیر الدین طوسی میفرماید که طالع این فال تو بقا نیته
نیکست و مراد یابی دو جیم ب بغالت آمدن این باب
خلاصت از غنا و رنج تمام سفر پیوند باشد خوب زیبا
سه روز صبر فرما اندرین کار ج ج د قوله تعالی ج ج د
قال هذا فراق بینی و بینک امام جعفر صادق
علیه السلام میفرماید که ای صاحب فال چنان مینماید که تو را
اگر جدال افتاده یا گفتگو واقع شده است بسبب این دو مطلب
نیرو عمل قهر بیار مکن اما عاقبت کارت خوب شود و از هم رنج
و فراق و زحمت بیرون آمدی دو سه روز دیگر صبر کن توکل بر
خدا نیست که خود بلند شو که عاقبت بمراد برسی عبد الله عباس
میفرماید که ای صاحب فال که در این نیت یکجهت شو
و صبر کن که طالعت از برج و بال پیدا شده آید و مراد

دل بر می خواجه نصیر الدین طوسی میفرماید که طالع این
فال برج جدی است و خانه زحل است چند تیر نیکو بکنم که عدد
بریسی بکو انشاء الله تعالی دو جیم دال در فال تو الی باد
بباید صبر کردن در همه کار که از تعجیل باشد محنت و رنج
بصبر هم خوب کردد آخر کار ج ۱۱ قوله تعالی هی حتی ۱۱ ج
مطلع الفجر امام جعفر صادق عم میفرماید که ای
صاحب فال چنان مینماید که تو با کسی جدال یا کفتکو واقع
شده است بشارت باد که تو بر ایشان ظفر یابی خاطر و حضور
دل بروزی شود و سعادتی در طالع تو پیدا میشود و مدت
سه ماهست که حال همه کارت مشوش است و ملال داری اما در میان
زوال طالعت قوت گیرد عبد الله عباس میفرماید که
ای صاحب فال اگر بیماری داری صحت یابد اما زنهار
ضامن کسی مشو که با تو نمیسازد و از غایب خرم شوی
و اگر عقد نکاح میکنی بکن که مبارک است تا روز دوشنبه
اندیشه نیست واقف شوی و مراد یابی بکو انشاء الله تعالی
جیم دو الف بفال آمد انجیه فال خوب حال امید
نعمت حق کسی

نعمت حق کسی که شکر نکرد به یقین نعمتش زوال آمد
ج ۱۲ قوله تعالی لطیف بعباده یرزق من ج ۱۲
یشاء وهو القوی العزیز امام جعفر صادق عم
عالم ناطق جعفر بن محمد صادق علیه السلام میفرماید که ای
صاحب فال نیتی که داری در وی محکم باش که وقت و
قسمت و امید است حاصل شود اما هرگز در دل خود با کسی
مکو و بهر کس اعتماد مکن علی الخصوص با بیگانه عبد الله
عباس میفرماید که ای صاحب فال اگر نیت سفر کرده نیک
میباشد و اما هرگز ضامن کسی مشو و قرض هم مکن که تو را
غمی سازد دانیال پیغمبر میفرماید که ای صاحب فال اگر
برای عقد و نکاح کرده نیکو می باشد و اگر معامله در
خاطر داری یا رنجوری نیک است و تنگدستی هست
و بیماری نیست خواجه نصیر الدین طوسی میفرماید که
ای صاحب فال طالع این فال برج میزان است
سازنا بمقصود برسی بکو انشاء الله تعالی
جیم الف جیم بر تو خوب بود کر بود این عمل و سعد

ج ب ج

دولت آمد بر در تو بیا نارد بخت کام زود بیا

قوله تعالی یعلم ما بین ایدیهم وما خلفهم

ولا یحیطون بشیء من علمه الا بما شاء

امام جعفر صادق علیه السلام میفرماید که صاحب فال چونین

داری وعده بخاطر خود نه و صبر کن تا طالعت از

نحوست وملال بیرون آید و غم قطع شود امام جعفر صادق

علیه السلام میفرماید که درین نیت که تو کرده مهمی باید صدقه بدهی

بمستحقان وشمار بوقت بگذاری که ازین نیت که ملال بیرون

آید خواجه نصیر الدین طوسی میفرماید که طالع این فال

بمنجم جدی است و خانه زحل است از مردمان سیاه چهره

باشی که دوشمن با تو دارد اما مقصود بر سر آید انشاء الله تعالی

جمیع حالت باب جهان بر مان تو صبر باید بکرد این زمان

تو صبر باید بکردن عیان که تا زود خرم شوی بی زمان

ج ب ب

قوله تعالی فاستمسك به لعلهم یتقون

تعلم نیتی کرده امام جعفر صادق علیه السلام ناطق

علیه السلام میفرماید که ای صاحب فال بدان که

جماعتی دوشمنان داری و در سبب قوی ایشان

[illegible]

دوبوز کرده اند و بیشتر وقت [illegible] دوشمنان داری

و در سر حکایت تو اند اما ایشان را عجز در کیم طالع تو دو لقوه

دارد و بر دوشمنان مظفر شوی عبد الله عباس میفرماید که

ای صاحب فال درین نیت سفر کردن نشاید و بمرادی نیکو نباشد

و ظفر که میکنی دوستان جرمه شمار و کوشش کم کن که مقصود بر سی

دانیال پیغمبر علیه السلام میفرماید که صاحب فال زینهار که با مردم

باشی و زبان از شکایت کردن کوتاه کنی و خود طهارت باشی که بمقصود

برسی بلطف انشاء الله تعالی بکسر جیم و دو ب در فال است این

نقشان صبر آمد با جهانی بیا بیا دولت از خلاق بیچون

ج ب ا

قوله تعالی وانه لذکر لك ولقومك

وسوف تسألون امام جعفر صادق علیه السلام میفرماید

که ای صاحب فال اگر نیت تو از غایب است اینك [illegible]

میرسد و روزی بتو دارد و از دل خرم شوی و از دوشمنان فتح

داری ظفر تو را خواهد بود و حضور دولت بیوا شود اما اگر

سفر کردن و نیت شراکت کردن و ضامن شدن و امانت تو را نصیب زود

غم مخور که از غم بیرون آیی اگر نیت عقد نکاح داری با

معامله میکنی بکن که مبارك است و برخوردار شوی

دانیال پیغمبر میفرماید که ای صاحب فال طالع این فال برج میزان است
و خانه زهره است زنهار که سفر در پیش گیر که روزنامه آیینه
بمراد برسی انشاء الله تعالی   جیم ب الف بعد نیکو ٥٥
کشته نیک نهال نیک درو   شکر خالق که رزق میبخشد
ج د ا دولت بخت آمده از نو   ج د ا   قوله تعالی ان المجرمین
فی عذاب جهنم خالدون   امام جعفر بن محمد
صادق علیه السلام میفرماید که ای صاحب فال اگر
نیت از غایب کرده حالا موقوف است وقت آمدن او نیست
و اگر کسی خوفی داری و از این جهت ملولی زنهار که از دو
شمنان خود تحمل کنی تا بخیر مبدل و در این نیت صابر باش
که که به هیچ صفت خوب نیست   عبد الله عباس میفرماید
که در این نیت خیر است کن تا کارت بخیر و نیکوی بر آید و به مقصود
برسی   دانیال پیغمبر ع میفرماید که صاحب فال از این نیت
صبر باید کردن که آشفته است و طالعت ضعیف است
اما غم مخور که عاقبت مراد یابی   خواجه نصیر الدین
طوسی میفرماید که طالع این فال برج عقرب است
و خانه مریخ است

و خانه مریخ است و خیال شیطانی از دل بیرون کن که بمقصود
برسی نیکو انشاء الله تعالی   جیم دال الف ترا صبر بایست
بهتر از این تو نباید زیست   صبر کن تا بر آید امید
که سعادت بکار تو نگریست   ج ا ب   قوله تعالی من کان ج ا ب
یرید حرث الآخرة   امام جعفر صادق ع
میفرماید که ای صاحب فال بشارت باد ترا که ترا ایمن خاطر
و حضور دل که این فال مبارکست که طالع تو آمده است هر
امیدی که داری اگر تا این زمان حاصل نشد این زمان وقت
است که حاصل شود و از غم خلاص گردی   عبد الله عباس
میفرماید که صاحب فال این زمان بر خیز و میان به بند و
در کاری که نیت کرده سعی کن اگر نیت سفر داری برو که
نیکست   دانیال پیغمبر ع میفرماید که ای صاحب فال اگر
نیت غایب داری بتو رسد و بیماری که داری شفا یابد و از
حال خیر بتو رسد   خواجه نصیر الدین طوسی میفرماید
که طالع این فال برج عطارد است تا روز چهارشنبه که در آ
ید بمقصود برسی   جیم جیم الف هست و به فال تو
فیروز شو نعمت های تو   ز فرزند و بود نعمت نیکوست

ج ب د بود شود و عز اقبال تو ج ب د قوله تعالى ان الله
لا يضيع اجر المحسنين امام جعفر صادق ع ص
ميفرمايد كه اى صاحب فال مراد تو به تو شود كه حضور دل
بود اشود و طلبى كه ميكنى ببايد چرا كه سعادت بتو بيوست
اكر نيت كار كرده بكن كه نيكو باشد و اكر نيت از غايب
دارى بتو خواهد رسيد عبد الله عباس ميفرمايد كه اى
صاحب فال اكر نيت بيمار كرده شفا يابد اما صدقه بايد
داد كه قربانى در راه تو هست و اما در كل نيت دانيال پيغمبر ع
ميفرمايد كه صاحب فال تندرستى و كل احوال تو نيك مينمايد
هيچ انديشه مدار كه بمراد برسى خواجه نصير الدين طوسى
ميفرمايد كه اى صاحب طالع اين فال برج مشتريست
مراد يابى ان شاء الله تعالى ج جيمست در فال تو دال
بيابى بزودى از تو مال حلال سفر بيوند غايب خوب نيكو
همه كار تو خوب هر راز ملال ج د ج قوله تعالى ج د ج
خذوه فغلوه ثم الجحيم صلوه امام جعفر ع
ميفرمايد كه اى صاحب فال مقصود تو نيست كه ملال دارى
وانتظار

وانتظار بسيار ميكشى و چندان زحمت و بليات بر ديده
دارى هيچ مراد نديدى از اين نيت باز كرد و ترك اين نيت
كن كه اگر بدست علو ابدست خود بكنى بدهى عاقبت عدو تو
باطل كند و قصد تو كند صبر كن كه پيغمبر ص ع ميفرمايد كه
العجل من الشيطان والتأني من الرحمن يعني تعجيل
در كارها كردن شيطانيست و تانى كار رحمانيست و ترك
اين نتوان كردن چند روز صبر كن و اگر نيت سفر كرده مرو
كه نيك نيست خواجه نصير الدين طوسى ميفرمايد كه طالع اين
فال برج زحل است صبر كن بمراد برسى بكو ان شاء الله تعالى
ج جيمست با دال جيم ديگر ترا صبر بايد بهر كار در ره
كه تعجيل بد باشد صبر خوب باشد بكير خالق داد كس
ج د ب قوله تعالى من كان يريد حرث الاخرة ج د ب
نزد له في حرثه امام جعفر صادق ع ص
ميفرمايد كه اى خداوند فال اين قرعه فال نشان دلخوشى
و جمعيت بتو ميرسد و اقبال و فرح و شادى رو بتو دارد ا
بيش از دلخوشى دارد و غم و غصه بخاطر خود راه مده اگر

دد

جدد قوله تعالى نصر من الله وفتح قريب
وبشر المؤمنين امام جعفر صادق علیه السلام میفرماید
که این صاحب فال را دولت ترا برابیض خاطر و حضور دل
و دولتهای ایام قسمت مبارک گشت که بنام تو اهتمام است دلیل
میکند بر خوشی و صحت بدن [illegible] کار و اقبالی [illegible]
بداند که الله تعالی حق جل جلاله در حالی تو میشود و اگر بیمار داری
صحت یابد و اگر نیت سفر داری نیکو میباید و اگر [illegible]
روزی مبارک گشت عبدالله عباس میفرماید که اگر [illegible]
[illegible] باید [illegible] غایب نیز برسد و [illegible]
الخلاص میباید و از غم خلاص یابی خواجه [illegible]
طوسی میفرماید که طالع این فال برج حوت است و [illegible]
مشتری [illegible] باشد که مقصود برسد انشاء الله تعالی
[illegible] دل آسوده [illegible] بکن [illegible] خدا و توکل [illegible]
[illegible] نیت که دارید [illegible] و [illegible] نیت [illegible] دولت [illegible]

دجب

حب قوله تعالى ولقد اخترناهم على علم
على العالمين امام جعفر صادق علیه السلام میفرماید
که [illegible] طالعت قوی شد و از غم و [illegible]
[illegible]

ببرحمه [illegible] روز بروز دولت [illegible] آید و در سر [illegible]
و اگر بیمار داری [illegible] صحت یابد و اگر [illegible] از غایب [illegible]
سلامت [illegible] برسد [illegible] و دشمن [illegible] انا فتحنا لك
[illegible] که [illegible] یابی عبدالله عباس
میفرماید که اگر نیت العقد نکاح کرده و یا خرید و
فروخت مبارک گشت بهتر نیست که [illegible] وقت و [illegible]
دانیال [illegible] علیه السلام میفرماید که [illegible]
که [illegible] الله تعالی [illegible] دل [illegible]
[illegible] دولت [illegible] بخت اقبال [illegible] نیت که دارید [illegible]
کمتر [illegible] نیت [illegible]

ددب

قوله تعالى فاصبر كما صبر اولوا العزم امام جعفر صادق
علیه السلام میفرماید که این صاحب فال [illegible] نیت که تو کرده
صبر باید که [illegible] گفته اند الصبر مفتاح الفرج
صبر کن تا [illegible] کار تو برخیزد عبدالله عباس
میفرماید اگر نیت سفر داری [illegible] باید
[illegible] و اگر از [illegible]

مراد یابی دانیال پیغمبر ع میفرماید که ای صاحب فال
بهر چه عزم کرده ترک کن که نیک نیست و لجر کردن
مراد یابی خواجه نصیر الدین طوسی میفرماید که طالع فال
برج عقرب است از دوشمنان تحمل کن تا مراد یابی انشاء الله تعالی
چه فال تو با دال ب ب دیگر بباید تو تو صبر ان تا سود
بکن صبر تا کام سر و ماه که تعجیل باشد عنا و ضرر
داب قوله تعالی قد جاءنا نذیر فکذبنا داب
وقلنا ما نزل الله من شیء امام جعفر صادق ع
میفرماید که ای صاحب فال در این نیت چند کار نیک
و چند کار بد است اول اگر نیت سفر کرده نیکوست
و اگر نیت پیوند کرده صبر باید کردن و اگر نیت بیمار کرده
صدقه بده تا صحت یابد عبد الله عباس میفرماید که ای
صاحب فال اگر چیزی از دست تو رفته باز بدست آید عاقبت
کارت گشاده گردد و اگر بنای کاری یا معامله داری چند
روز دیگر صبر کن دانیال پیغمبر ع میفرماید که تو در
سختی هست و بیماریت نیست هیچ غم مخور که از ملال
و مشقت بیرون آمدی خواجه نصیر الدین

طوسی میفرماید که طالع این برج قوس است امیدوار باش
داد که بمقصود برسی انشاء الله تعالی داد قوله تعالی
کلما القی فیها فوج سألهم خزنتها الم یأتکم
نذیر امام جعفر صادق ع میفرماید که ای بخیل و نادان فال
بدانکه چند نوبت عزم این کار کردی و نوبت نیامد اکنون
اندک روز دیگر تحمل کن که اینک از پس این شر طالعت برمیخیزد
امید و دولت بقوت نهی و حق جهد در سر این مراد بکوش
که از غم خلاص شوی عبد الله عباس میفرماید که اگر عزم
سفر داری برو که مبارک است و اگر بیمار داری صحت
و اگر عزم نکاح داری نیکوست دانیال پیغمبر ع
که ای صاحب فال زنهار که بطاعت مشغول شو
که گشایش کارت میآید و به مقصود خویش برسی زنهار
که در این نیت که کرده در دل مباش بمراد برسی
الف در میان دو دال آمده است تو سود و دولت از ذو الجلال
مرادت برآید تو دل بد مکن که از این فال اعز و مال آمده است

دب د ب ب قوله تعالی انهم یکیدون کیدا و اکید
کیدا امام جعفر صادق علیه السلام میفرماید که ای صاحب فال
این نیت که تو در دل کرده اند که ملالت دارد و آشفتگی
و برابر نیست و تو بود دشمنان هستند و کمان بتو می
اما انشاءالله عز وجل که از کید دشمنان ایمن شوی و مرادت برآید
و طالع تو قوت گیرد عبدالله عباس میفرماید که در این
چند روزی صبر کن اما تند رسی و کل احوال تو نیک است د
نمودار که در جماعت کوشی تا مدد یابی دانیال میفرماید
میفرماید که ای صاحب فال عاقبت الامر مدد یابی از
غم و غصه بیرون آیی دودال ب بود آشفته و کار
بکن صبر بکن این نیت تو ای یار مکن تعجیل تا گردد نیکو کار
دب د که در تعجیل کرد درنج تیمار د ب د قوله تعالی
بلی قد جاءنا نذیر فکذبنا و قلنا ما نزل الله
من شیء امام جعفر صادق علیه السلام میفرماید که
ای صاحب فال این نیت که تو داری آشفتگی میدهد
زنهار که باک تا گفتگو مکن و از عدو و
و دشمنان

دوشمنان بپرهیز و خاطر جمع دار که بزودی کست که طالعت
از وبال و مشقت بیرون آید از برکت این آیه اندکی تحمل کن
که نیکی است و دولت بر سر امام جعفر صادق علیه السلام می
فرماید که در این نیت خیر است نیکو بکن تا این و تفرقه از
بکنی رد و به مقصود برسی خواجه نصیر الدین طوسی
میفرماید که طالع این فال برج سنبله است تو امیدوار باشد
که به مقصود خود برسی بگو انشاءالله تعالی جه دال ب د است نو
بکن صبر تو ای ندیم ای برادر که از تعجیل جز محنت نخیزد
حق است این صحیح است از بهر د ج ج قوله تعالی د ج ج
فلله الحمد رب السموات و رب الارض رب
العالمین امام جعفر صادق علیه السلام ای صاحب فال
در این تا نترسی و اندوه مدار که فالت مبارک آمده
است و اگر نیت سفر داری بکن که نیکوست و اگر
شکستن داری بابتی کار میکنی نیکوست عبدالله
عباس میفرماید اگر غایبی داری بتو رسد

واگر میل سفر داری مرادت برآید دانیال علیه السلام
میفرماید که ای صاحب فال درین نیت استظهار بسیار شدید
اینست ما را وقت مراد برآمدنست خواجه نصیر الدین طو
سی میفرماید که طالع این فال برج عطارد است
عاقبت الامر مراد یابی دال و دو جیم آمدست در فال
عاقبت خوب گردد حالت احوال جهد کن تا نیکو شود حالت
چنین کسی جهد نیکوی میشود احوال د ب ج قوله تعالی
د ب ج وجعلنا من بین ایدیهم سدا و من خلفهم
سدا امام جعفر صادق علیه السلام میفرماید که ای
صاحب فال اگر چه سرگردانی کشیدی اما این همه
طالعت از ملال و مشقت بیرون آمد و خرم شوی
و نیت غایب کرده بسلامت بیرون رسد و کار تو بهتر
خواهد بود دانیال پیغمبر علیه السلام میفرماید که ای صاحب
فال عزت در پیش بزرگان زیادت گردد و غمخور که به
مقصود برسی خواجه نصیر الدین طوسی میفرماید
که طالع این فال برج مشتری است و سعد اکبر است
غم مخور که

غم مخور که به مقصود برسی بفال شد دال ب و جیم آمده
بیابی دولت از خلاق بیچون سفر پیوند غایب خوب باشد
د ا ا نبال نیست دشمن خوار و محزون د ا ا قوله تعالی
وما تشاؤن الا ان یشاء الله رب العالمین
امام جعفر صادق علیه السلام میفرماید که ای صاحب فال
درین نیت شکر و حمد خدای تعالی بجا آر که کار تو بمراد میرسد
بشارت و مژده کانرده خاطر خود را که روز غم از تو
کم شد و نوبت شادی رسید و هنگام عشرت آمد حضرت
عباس میفرماید که ای صاحب از خوف و ملال و پریشانی
بیرون آمدی و طالع تو در بقوت ستاره و مراد یابی
دانیال پیغمبر علیه السلام میفرماید که صاحب فال هر چه طلب
میکنی بیابی و سفر رفتن تو نیک مینماید و غایب نیز
بسلامت برسد و عقد نکاح کردن هم مبارک است
چه فالست دو الف با دال آمد نشان دولت اقبال آمد
سفر پیوند غایب خوب باشد ولیکن بیمار را تیمار باید

دج د — دج د قوله تعالی وان یکاد الذین کفروا لیزلقونک بابصارهم لما سمعوا الذکر امام جعفر صادق علیه السلام
میفرماید که ای صاحب فال این آیه چشم زخم است لقای تو امل است
لغو بر چشم زخم با خود نگاه دار تا چشم بد بتو نرسد و دیگر
چنان میبینم که دلت در بند شخصیست و بسیار خدمت
کردی فایده نکردی اما غم مخور که هر کس آزموده تو دیگر
میان مال که در این زوال کارت به ما نشود و از ملال
ببر و تو آن دانای بشعر علیه میفرماید که اگر نیت سفر داری
صبر کن که هنوز وقت نیست مبادا ملول گردی و اگر نیت
و اگر نیت پیوندی کرده میانه لست و اگر نیت بیماری
داری صدقه بده تا بلا رفع گردد خواجه نصیرالدین طوسی
میفرماید که طالع این فال برج زحل است عاقبت
الامر مراد یابی ان شاء الله تعالی
دب ا — دب ا قوله تعالی سبحان
ربک رب العزة عما یصفون امام جعفر
صادق علیه السلام میفرماید که ای خداوند فال بدرستی که
تو بو سر این خاطر

تو بو سر این خاطر حضور دل و تن در سیر و کل احوال
و فعل نیکو زینهار که در غرقه بسیار به خوار راه مده که
حمت از تو رفت و از تم غم خلاص یافتی اگر چه محنت
بسیار کشیدی اما بر دل عزادخوا بر سر عبدالله عباس
میفرماید که صاحب فال اگر عزم سفر داری قدم بنه
که مبارکست و اگر غایب داری وقت آمدن اوست
و اگر عقد نکاح یا معامله در خاطر داری نیک مینماید
خواجه نصیرالدین طوسی میفرماید که صاحب فال طالع
این فال برج میزانست و خانه مشتریست تا روز آدینه
بمطلب برسی انشاء الله تعالی چه دالست ب الف فال تو
نکو گشته الست این زمان حال تو بخور غم که مقصود یابی از این
مرادت برآید از این فال تو
دج ا — دج ا قوله تعالی الا حمیما
وغساقا جزاء وفاقا امام صادق و عالم ناطق
جعفر بن محمد صادق علیه السلام میفرماید ای صاحب
فال ترک این کار بکن و قیل و قال با کسی مکن و چند روز
در این نیت صبر کن که اگر تعجیل کنی ملول گردی

انکه پشیمانی سود ندارد چراکه طالع آشفتگی دارد و مکر و جبر
کردن خلاص کردن و اگر نیت سفر کردن نیک نیست و اگر غایب
داری جای او بر خوفست درین نیت دست در طاعت زن و توکل
بر خدای تعالی کن که مراد حاصل شود خواجه نصیر الدین طوسی
میفرماید که طالع این فال برج مریخست صبر کن تا بمقصود برسی
بکو ان شاء الله تعالی چه دالت جیم الف این زمان
بکن صبر تا کام یابی عیان مکن هیچ تعجیل در صبر کوش
که از صبر گردد دلت شادمان دد ا قوله تعالی لقد ددا
جاءکم رسول من انفسکم امام جعفر صادق ع
میفرماید که ای صاحب فال مژده باد ترا بحضور دل و صحت
بدن و دولت و سعادت و چنان مینماید که از قوم بزرگی را
حسب و نسب و طالعت رعایت در نیکی دارد اگر نیت پیوندی
داری بکن که مبارکست و از همه کلی و رستی و ملال ایمن شوی
در شادی بباز درین نیت شماره الست خواجه نصیر الدین
طوسی میفرماید که طالع این فال برج قوسست و خانه
سعادت مخمور که تا روز پنجشنبه ازین نیت واقف
کردی و مراد

کردی و مراد و مقصود حاصل کردد ان شاء الله تعالی
دو دال ریگ الف فال شما نیست سعادت صاحب فال را بهمه نیت
مهر ان نیت که داری شادی مباش که دوستت شادی دشمن بدبختی
داج قوله تعالی و برزت الجحیم لمن یری داج امام جعفر
صادق ع میفرماید که ای صاحب فال از این نیت بر
کرد بیا معنی این مکر دگر که نه تمییل هر تا سر گشته قلوب
حضرت مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم میفرماید که
الصبر مفتاح الفرج و دیگر حکما گفته اند بیت
گر صبر کنی بکار نشتابی که از صبر زغوره حلوا یابی
دانیال پیغمبر ع میفرماید که ای صاحب فال این نیت نیکو
که تو کرده هیچ صفت نیک نیست ترک این نیت کن تا ضرر
بر سر عبد الله عباس میفرماید که این نیت دست در زیر
سنگی دو شمن داری صبر کن تا به مقصود برسی بکو ان شاء الله تعالی
~~قل اعوذ برب الناس ملک الناس اله الناس~~
جه دال الف جیم امل بدان بکن صبر تا کام یابی عیان
مکن هیچ و تعجیل و در صبر کوش که از صبر گردد دلت شادمان

ددج

ددج **قوله تعالی قل اعوذ برب الناس**

ملک الناس اله الناس امام جعفر صادق فرموده
میفرماید که ای صاحب فال در این نیت در پناه الله
تعالی رو و وسواس شیاطین از دل بیرون کن تا مراد یابی
و نتوانش بسیار بخوان ده مله تا کار تو بمراد گردد اگر
سفر کرده نیک نیست و اگر نیست از عقد و نکاح کرده
میانه حالست و اگر نیت رنجور صحت یابد اما صدقه
بده اگر چیزی از دست تو بیرون رفته الله باز بدست آید خواجه
نصیر الدین طوسی میفرماید که طالع این فال برج زحلست
اما غم مخور که کارت آسان گردد بکوالنشاء الله تعالی
دو دال و جیم آمد فال بشنو بکن صبری که تا گردد فرج نو
مکن تعجیل تا گردد نیکو کار پس الله از این کار در رو
تمت الکتاب بعون الملک الوهاب تمام شد فال نامه
بدست سیادت و نجابت پناه کلب حسین سید احمد
ولد میر مهدی خبوشانی ساکن قلعه یوسف خان
دریوم شنبه

دریوم شنبه و در بیست هشتم ماه شعبان المکرم بتاریخ
۱۲۵۱ سنه و هر کس بخواند حقیر الافقر کلب حسین را
بدعا یاد دارد و فراموش نکند بعون الله تعالی
نوشتم نسخه خاکی رساله که ماند از من مسکین نشانه
خداوندا برسید که عنایت بهبخشایش فردای قیامت
بحق احمد و اولاد حیدر که سید را بهبخشی روز محشر
هر که خواند دعا طمع دارم زانکه من سید گنهکارم
**والله اعلم بالصواب** والله اعلم بالصواب

و امام جعفر صادق علیه السلام فرموده است که اصدق الرؤیا
بالاسحار و فرموده که تا نشر خواب روز ممکن بود که هم در آن
روز بود و تا نیمه خواب شب شاید که بعد از شش ماه یا بیشتر
باشد و گفته اند که آخر شب زودتر از خواب اول شب ظاهر
شود و خوابهائی که در فصل بهار به بیند امید وار باید بود
تا ثیر در تأخیر باشد چه نبات هنوز در نشو و نما بود و تا شیر
خواب تابستان بیشتر باشد و خواب خزان و زمستان
کمتر راست باشد و خواب اضغاث احلام را تعبیر اعتبار نه

نباید کرد و اضغاث احلام آنست که ببینند بکسی برجهت
لهو و لعب مثل شد یا آنکه انبیا بعمل فراعنه مشغول بودند
یا آنکه مسلمانان بحثی زنان را فتوی دادند یا آنکه درختها از
آسمان رسته بود یا آنکه شیطانی ملکی شد یا ابلیس پیشه شد
و امثال آن و باید که خواب خود را با تمام عقل نگویند و از
حاسد نیز محترز باشند و خواب خود را با هیچ کس نباید گفت
دو دشمن و کودک و منافق و جفت خواب بیننده باید کرد که
با طهارت باشد و سنت است که در وقت خواب این دعا را
بخوانند اللّٰهم انی اعوذ بک من الاحتلام و سوء
الاحلام و ان تلعب بی الشیطان فی الیقظة و
المنام و دیگر آنکه از امتلا محترز باشد چه معده ممتلی بخارات
فاسد انگیزد و معده نیز خالی نباید داشت که طبیعت از
ضعف در خواب رود و خوابهای پریشان بیند و نباید که
در بیداری فکر چیزی بر خاطر او استیلا یابد چنانچه
آنرا در خیال خواب بیند و دیگر آنکه از اخلاط نعم
یکی را محتاج طبیعت استیلا نباید که بانحراف
مزاج کشد

مزاج کشد چه صفراوی اکثر چیزهای سرخ و چه مرطوب چیزهای صفرا و
و چیزهای زرد و چه سوداوی چیزهای سیاه و مهد آفتاب و آتش
و حمام و چیزهای گرم و مبرود چیزهای سرد و مهتاب و چیزهای
کمان و علی هذا القیاس و خواب اطفال بی دلیل بود تمت
بعون الله تعالی و حسن توفیقه تعبیر خواب دیدن از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله و سلم روایت است که اول ماه تا آخر ماه چه
نتیجه بخشد هر که در اول ماه خواب بیند دروغ است دوم و سیم
اگر چیزی بیند شر شود و اگر شر بیند خیر شود چهارم پنجم و ششم
بعد از چند روز یا بعد از یکسال یا بعد از یکماه انجام در خواب
دیده چنان شود هفتم هشتم هر چه بیند همان شود نهم و دهم
دروغ است یازدهم دوازدهم تعبیر ندارد هر چه بیند چنان
شود سیزدهم چهاردهم محض دروغ است پانزدهم درست
و خلافی ندارد شانزدهم و هفدهم بعد از یکسال یا یکماه
تعبیر همانست که دیده است هیجدهم و نوزدهم درست شود
همان خواب که دیده است بیستم و بیست و یکم دروغ است

بیست و دویم هر خوابی که بینی تعبیرش فرح و نشاط باشد
بیست و سیم و بیست و چهارم اگر به بینی بر عکس شود بیست و پنجم
و بیست و ششم تعبیرش بعد از چند روز یا یک ماه یا یک سال چنانچه شود
که در خواب دیده است بیست و هفتم و بیست و هشتم هر چه در خواب
بینی چنان شود بیست و نهم البته دروغ است و آخر ماه صادق
دقیق است و خلافی ندارد تمام شد بعون الله تعالی والله اعلم بالصواب

جهت لرزه یک بار کوزه‌ای آب خورد که اصلا آب
نکرده باشند آورده یک استار نبات حبه سرخ و این شکل را
در سه حبه نبات [illegible] نوشته بنا [illegible] باد و استار آب
و در آن بیندازند صبر کند که نبات آب شود و در هنگام لرزه
دفعتاً بر سر کشد اگر توفیر یافت فبها و الا مرتبه دوم
همین عمل بجا آورد و الا نیز مرتبه سیم همین عمل را بجا آورد
که بیماری خلال لرزه یک بر طرف شود این است
مخطوط العربی مخطوط الغزنوی مرحوط ا
لمغربی مرتبه دویم این بنویسد جلبند و تلبندل
واسکیا

واسکیا بنوا مرتبه سیم این بنویسد اسکن بقدرة
الله العزیز اسکن بعزت الله القدیم اسکن بعظمة
الله العظیم جهت درد سر یک سطر نوشته در پیشانی چسبانند
بعد که تسکین یافت با آب روان اندازد مجرب است
اکح کحع ح ع ح ع ح ع ح ع اح ع ح ع ح ع ام ع ح

دفع شمعون دزد و اینها نوشته بنام آنکس که گمان
دارد و نام پدر آنکس در خمیر گیرد دو مثقال بیش نباشد
آنگاه خمیر را گلوله کرده در آب اندازد هر کدام که بر آب
برایستد دزد آنکس باشد والسارق والسارقه
فاقطعوا ایدیهما جزاء بما کسبا نکالا من الله
والله عزیز حکیم ۱۱۱۱ [illegible] ۱۱۱۳۱۱۱۹۱۲ [illegible]
خون ۱۱۱ [illegible] ۱۱ [illegible] دزد و اثبات بیمار تخم مرغ را
در ترازو کشد بعد از آن این شکل را بر آن تخم نوشته و آن تخم را
شب در زیر سر بیمار گذارد فردا صبح آن ترازو و سنگ بکشند
اگر تخم مرغ زیاده باشد زود صحت یابد و اگر مساوی باشد
بیماری طول کشد اگر کم آید بیمار فوت شود مجربست

از برای جهاد

ح ح ک ۹ ه له ه ۸ ۵۵ درد انستن مریض در حالت

المرض گفت جان خواهد برد یا نه پس باید اسم مریض تو با اسم

مادرش بحساب جمل جمع کنیز و ایام مرض تو اضافه کند

سی سی طرح بجه باقی بماند نظر در این دو لوح کند

اگر در لوح حیاط باشد مانده نیست و اگر در لوح ممات باشد

رفته

لوح ممات نیست — لوح حیات

| | | |
|---|---|---|
| ٥ | ٤ | ٢ |
| ٩ | ٧ | ٦ |
| ١٨ | ٢١ | ١١ |
| ٢٤ | ٣١ | ٢٠ |
| ٢٥ | ٤١ | ٣٠ |

| | | |
|---|---|---|
| ٨ | ٣ | ١ |
| ١٤ | ١٣ | ١٠ |
| ١٧ | ١٦ | ١٥ |
| ٢٣ | ٢٢ | ١٩ |
| ٢٦ | ٢٧ | ٢٩ |

دعای نزله و زکام بنویسند و بر سر بندد بسم الله اسمه فیل بسم

الله المیکائیل بسم الله الارض بسم الله عظمة الله بسم الله

لا یرون فیها شمسا و لا زمهریرا اسکن نزلة فلان ابن فلان

بحق لا اله الا الله محمد رسول الله صلعم علیا ولی الله

و ننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین و لا

یزید الظالمین الا خسارا ١١٢٥ محرم ١١١١ ح

دعای شیر زنان در گردن بندد بسم الله الرحمن الرحیم موسی

لقومه فقلنا اضرب بعصاك الحجر فانفجرت منه اثنتا

عشرة عینا قد علم کل اناس مشربهم کلوا واشربوا

من رزق الله و لا تعثوا فی الارض مفسدین اخرج

من بین فرث و دم لبنا خالصا سائغا للشاربین

دفع طاعون نوشته در در خانه حسبنا الله بسم الله الرحمن الرحیم

خلاق علیم حی قیوم صمد باق کیف واق معلوم

دفع آنکه هیچ فرزند سقط باید نوشتن در گردن او بندد مجرب است

بینه المقدس محیط با الارض و الله محیط بالعباد و لبثوا

فی کهفهم سلیمان ثم سعی و اذ داروا استعا ولو ان ما

فی الارض من شجرة اقلام و البحر یمده من بعده سبعة

البحر ما نفدت کلمات الله ان الله عزیز حکیم و نوحینا المثله

من دا دفع آنکه شیر کم باشد بر پاره نان بنویسند بخورد شیرش

زیاده شود و له الجوار المنشآت فی البحر کالاعلام بکل

صبار شکور جهت شغال بیمار سر عت انزال نوشته بر

کاغذ در دهن گیرد تا سیر حظ بیاورد و انزال نشود ١١٩ عم ط ٩٩

١١٩ ط ط ٩٩

در گشودن مرد بر دو پاره نان نوشته قتل الانسان ما اکفره
من ای شیء خلقه من نطفة خلقه فقدره ثم السبیل یسره
بر پاره نان دوم ثم اماته فاقبره ثم اذا شاء انشره کلا
اول دو مرد و دوم بخورد که گشاده شوند ان شاء الله تعالی
جهت دزد و سر نجیب الیت — جهت عقرب گزیده باشد نمک
را در آب کند و بران موضع مالند ۱ ۳ ۱ ۵
و سوره قل یا ایها الکافرون ۱۴ ۲ ۴ ۴
و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ ۲ ۳ ۱
برب الناس بخوانند و بران موضع بدمند شفا یابد ظهر یابد
حرارت نیفزاید باذن الله تعالی جهت آنکه بندد این اشکال را
مرد و یا زن کاغذ بنویسند یکی را بر گردن زن ببندد و یکی را
در آب انداخته مالیده بدو خورانند مجرب است بسیار
آزموده اند
کههههلعهلح
عسههجملعهلح هلوح سلوسح
بجهت شفای بیمار بنویسد با عتقاد جازم بر کاغذ و در آب
شوید و بخورد بیمار دهد و بیمار را دهد شفا یابد بسم الله الرحمن الرحیم
یا الله

یا الله یا محمد یا علی یا فاطم یا حسن یا حسین یا قیوم فلا یفوت
شیء من علمه جهت جرب از کسی گشودن این آیه بنویسد و نام
آنکس در عقب کاغذ بنویسند و در خمیر کرده و در ظرف پر آب
اندازد با اسم هر کسی که در روی آب بایستد همان کس دارد
آیه اینست انا عرضنا الامانة علی السموات والارض
والجبال فابین ان یحملنها و اشفقن منها و
حملها الانسان انه کان ظلوما جهولا قاعده
دزد را نخی بیمار بر کاغذ بنویسند بر روی آب اندازند اگر دزد
در زیر آب رود و بیمار در هر طرف شود اگر در روی آب بایستد
بهتر شود بفرمان خدای تعالی بسم الله الرحمن الرحیم اللهم احفظ
یا جبرئیل یا میکائیل یا اسرافیل یا عزرائیل و رب
العرش و بحق کلام الله تعالی که بر موسی و عیسی و زبور
داود و فرقان محمد المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم
جهت فتح دماغ بر پیشانی او بنویسد بسته گردد طب
طب مطلب طب طب مطلب هر کس الیند عالو بخواند و بر
عرق از بدن و پوک زنند زخم شود و درد نکند

دح او ف ک ع ل ن ک ی م ل و دل و یء م ل
و دل ی م ل د م ص ع لا ا دح اه لا و ه ل ق

اگر خواهی که جوال دوز بر پای خوبرویی کار نکند بخواند این
دعا را سه بار بخواند دهان وما دهان وما نکا سادمان
نیکنی نیکی نو نو نو ودبا رس کاف دکا دانا دجانا

دعا چهار شنبه صورت باید نوشت و در آب باید انداخت
و آن آب بخورند تا چهار شنبه دیگر از فتنه ها در پناه حضرت رب
العزت بوده باشد بسم الله الرحمن الرحیم اب آه اه اه
صحت طاه اع لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم
وصلی الله علی خیر خلقه محمد وآله اجمعین جهت برطرف
شدن مهر زحیر و شیلیر باشد این آیه را بر هفت پاره کلوخ بخواند و بر
هر پاره هفت بار و آن کلوخها را در آب روان اندازند بعون الله
تعالی برطرف میشود و مجرب رسیده قوله تعالی ایود احدکم ان
تکون له جنة ... الآیات لعلکم تتفکرون اگر خواهی
که طفل شیر نخورد بگیر هفت دانه گندم و هفت بار بخوان در کاغذ
... بفرمان خدا بسته گردد اگر خواهی که بگشایی بگیر
هفت دانه جو و هر کدام را هفت بار بخوان گشاده گردد

بسم الله الر

بسم الله الرحمن الرحیم وان من الحجارة لما یتفجر منه
الانهار وان منها لما یشقق فیخرج منه الماء وان
منها لما یهبط من خشیة الله وما الله بغافل عما تعملون

جهت نزله این طلسم را نوشته در میان طلسم هفت دانه جو
بگذارد و در چاه آب و یا در دریا بیندازد که دفع کند که آن جو
پوسیده شود نزله هم برطرف شود

| | | |
|---|---|---|
| ۶ | ١ | ١۶ |
| و | و | ٣ |
| ٢ | ١ | ١۴ |

| | | |
|---|---|---|
| ۶ | ١ | ٨ |
| ٧ | ۵ | ٣ |
| ٢ | ٩ | ۴ |

| | | | |
|---|---|---|---|
| ١ | ١١ | ١۴ | [illegible] |
| ١٣ | ٢ | ٧ | ١٢ |
| ٣ | ١۶ | ٩ | ۶ |
| ١٠ | ۵ | ۴ | ١۵ |

بنویسد و بخورد مجرب است

اگر کسی دیوانه شود این الحرف را بنویسند بر کاغذ و ببندد

| | | | |
|---|---|---|---|
| ع | ا | ت | و |
| ۶ | ٢١١ | ٩ | ١ |
| ١٢ | ١٠٠ | ۶۴ | ٢ |
| بل | ال | ١١ | ١٠١ |

بسم الله الرحمن الرحیم السما السما السما السما
السما السما سمعا و بر سر بیمار ببندند که شفا یابد مجرب است

اگر زنی یا دختری را بخت بسته باشد این دعا را
بنویسند و بر گردنش ببندند مفتحه او باز شود که بخواهد

او بود از زیر سر خود نهد در حالی خواهد ببیند
دعا اینست بعد از بسمله بسم الله وبالله ومن عند
والیه ترجعون لیتلون الیها الا هو الذی
خلقکم من نفس واحدة وجعل منها زوجها
لیسکن بها فلما تصلی من نیل وطوال

باب تعلوم که کره کم با خدا بیل عالی بنویسند و در موم
بگیرند در میان منک اندازند بعد از بسمله اللهم یا
معطی یا من یضیع ویرفع انک علی کل شیء قدیر
سبحان ربی العظیم وبحمده اللهم ارزقنا مودتها
کتبی وذهنا وامعا کتبرا برحمتک یا ارحم الراحمین

اگر خواهد بداند بیمار صحت یابد یا نه این اسم بنویسند
و در آب اندازد اگر سرخ شود طمع از آن بیمار ببرند
و اگر سبز شود امید شفا باشد و اگر سیاه شود بیمار
طول کشد و اگر سفید شود شفا یابد یا واحد الباقی
اول کل شیء وآخره یا واحد الباقی سبحان الرؤف الرحیم

نوع دیگر این اسم را بر جبین جند دیگ نوع گرد و اسر دیع
العجل ااا ء اا ء اا ء اا البع ااا البح ولا حول ولا قوة
الا بالله العلی العظیم نوع دیگر دعای عهد نامه اینست
چنانچه بسته باشند این عهد نامه بنویسد عشک و زعفران
در آب انداز بخورد و بخوابد و در خواب گشاده شود
بسم الله الرحمن الرحیم اللهم فاطر السموات والا
رض عالم الغیب والشهادة هو الرحمن الر
حیم انی عهدت الیک فی هذه الحیوة الدنیا
بان اشهد انک الله لا اله الا انت وحده
لا شریک له وان محمد عبدک ورسولک
وان علی ولیک فلا تکلنی الیها تقربنی من
الشر وتباعدنی من الخیر وانی لا اثق الا
برحمتک فاجعلنی من عبدک نوبته الا یوم
القیامة انک لا تخلف المیعاد وصلی الله علی محمد واله
اجمعین

بچه او نمیرد از وی نوار هفت خانه ...

ازو بگیرد و در دمش خوخمیر کنند و سه نان ازان بپخته کرده

به سگ دهد تا بخورد و هر بچه کان ازان سگ بمیرد

چه ازان نشود به ما گر این سوره را نوشته با خود دارد بسم الله الرحمن الرحیم

این مروم لما یسحاق حماحیها عود رعون الطا

ملطینا المسقون ان علی کل شئ قدیر اشرهیا

من الباعوس ال شری سکلم حردها حها کرو

وود دعط مثل کا وو کو شفند وغیره

وبچه خود بریزد و یا شیر نبیند این شکلها بنویسد بر گردن

مادرش ببندد بچه خود بگیرد

ههه ههه

ه ه ه ه ه ه

این حرفها نوشته به بازویش ببندد چندانکه او را

خوابش نیاید که طالع که مو ه ه ه هم حی من ارادان لا

یزال الله منه وان صح حرة تکتب عند الطالع

الاحد عند طلوع الشمس وشد علی و سعفانه ولا یزال

الم

الم ۱۱۱ الا بعد حیرة خویله و اسم لسته و یبکی لذة

۲۱۱ ۱۱ اص لو ما الا ۱۱۱۱ ۳ ۹ ۱۱ ۳ ۱۱ ۳ اص ر لا طلا لا ۳۱۱

لثبره

بحق هذه الاسماء و بحق الاسم اعلا

الکرسیکم با منتر

هر بستر باشد مرد را این هفت طلسم بر هفت نان بنویسید

و بخورند فی الحال نگاه دارد

حصل عله ما لاه

کاکا کلسا سحاه سسمحد جرمت خاک

خوردن طفل در طعام آمیخته بخورانند و بپرهیزم در کردن

او بندد و از خاک خوردن خلاص گردد عجیب مجرب و آز

موده است بسم الله الرحمن الرحیم خلقتنی من

خلق یقعلون یا الیی نست نن یا

دعای تب نبز را این نام بنویسید در سه تکه چوب بنویسید

وجدا جدا آتش زند از تب و لرزه بر طرف شود

شداد ابن عاد فرعون ابن مصعب نمرود ابن کنعان

الدعا حرز نافعی بر هفت دانه بخوانند و هفت دانه بخورد

جدا نشود و دیگر نیما بر مجرب است بسم الله الرحمن الرحیم

و از همه بلاها خدا محفوظ بدارد

ان غضب الله علیها ان کان من الصادقین
و لولا فضل الله علیکم و رحمته و ان الله
تواب حکیم ایند دعا بر طاس کشیده دارند و این دعا بر طاس
بخوان و طاس کاسه بود بسم الله الرحمن الرحیم لیس یا
بیر یا جبر یا حیا و نور و قدوس و جلال
و کمال ابریشم و تفل بهر و تلهر و هوا
لوحی و بحق سلیمان ابن داود علیه جلوشن
احفظ بر کنوش نوعا ادحا حیا من احیا
ملکت ملکت ملکوت یا سبحان یا غالب
الحق یا موسی ابن عمران اطریق السماء
فلقم فلقم برو فتلقم فلقم برو فتلقم فلقم برو
و این شکل ۹ بر نان خنج دختر نابالغ بنویسد
و در زیر چادر کند تا بتواند نکاه کند و سوره
قد او حی

... لا ای حی ۹ بر او بخواند چیز بند شکل اینست اا۸اا۸اا۸اا۸اا
... و این شکل ۹ بر بیت سر بنویسید اا۸اا۸اا۸
... ام ۹ ااااا۸اا ۹ ۲اا۵اا۵ام ام ۹ دفع کرمان زراعت
غیره بنویسید در میان چهار نی کند و در چهار طرف زراعت دفن کنند
بسم الله ایتها الدب والهوام والحیوانات اخرجوا من هذه الارض
الزرع الی الخراب کما خرج یونس من البطن الحوت وان لم
تخرجوا خرجت ارسلت علیکم شواظ من نار و نحاس
فلا تنتصران الم تر الی الذین خرجوا من دیارهم وهم الوف
حذر الموت فقال لهم الله موتوا فاخرجوا منها فانک
رجیم فخرج منها خائفا یترقب سبحان الذی اسری
بعبده لیلا من المسجد الحرام الی المسجد الاقصی الذی
بارکنا حوله کانهم یوم یرونها لم یلبثوا الا عشیه
او ضحها فاخرجناهم من جنات وعیون و زروع و مقام
کریم و نعمت کانوا فیها فاکهین فما بکت علیهم

السماء والارض وما كانوا منظرين اخرج منها

فما يكون لك ان تتكبر فيها فاخرج انك من الصاغرين

اخرج منها مذموما مدحورا فلناتينهم بجنود

لا قبل لهم بها ولنخرجنهم منها اذلة وهم صاغرون

دعای ... اخلوا کانو وا خلوا بغفار دیا

خوب سید در گردن کنند

و پوست بیاز در گردن کنند

۱۹۱۱

بسم الله الرحمن الرحیم البرهان

بسم الله العزیز المنان

اللهم انی اعوذ بک من ... شدید السلطان کل یوم هو فی شان اللهم انی اعوذ

بک فی الطعن والطاعون والوباء الحمد لله رب العالمین

و این دعا هر صبح و شام بخواند یا من لطیف له تلطف

الطف بنا فیما نزل انت القوی نجنا عن

حر الوباء لی خمسة اطفی بهم

المصطفی والمرتضی وابناهما والفاطمة

و این دعا بنویسند و بخورند ... ۵

دعای طاعون بنویسند با خاک و تربت و در آب انداز و بخورد بسم الله الرحمن الرحیم

تمت الشجم مح مح همح سعح سعح مح مح سعح

دعای شب ... طاعون ... بنویسند

... زیر خاک کنند ... و در آب اندازد

مجرب است نقش مرتبه بخوانند ... عقرب بسم الله الرحمن الرحیم

لا اله الا الله ... محمد رسول الله

... نیست منظر دیگر از برای عقرب نقش مرتبه بخوانند

... الله تعالی طاعون ...

بسم الله الرحمن الرحیم بنویسند و در اندرون خانه روی قبله بچسباند

الله الواحد القیوم ... الواحد القهار ... الحی ...

... حسبنا الله اللهم انا نعوذ بک من الطعن والطاعون والوباء والفجأة وشماتة الاعداء وما قد سبق

ربنا اصرف عنا العذاب انا مؤمنون وصلی علی محمد وآله حسبنا

الله ونعم الوکیل فالله خیر حافظا وهو ارحم الراحمین

هر که در وقت خواب ... این دعا را بخواند از همه ... دامان ...

بسم الله الرحمن الرحیم اعوذ بکلمات الله التامات من

شر ما خلق

جمع اگر سهو شب شنبه بابد اگر چو نجا طول کشد اگر یکشنبه

روز شنبه اگر نجس سه شنبه اگر یکی چاشت طول کشد اگر لاچ چهارم

هر کس این دعا را با خود با بازو بندد در روی باد و خورد

بشر بچ بیم روز ت باد ولله ۱۳۲۹ کهیعص حمعسق ف

طه

از جهت الم خلل یا بد بسوزاند

| | | |
|---|---|---|
| ١٣٣٩ / ٩ | ٣٣٩ | ١٣٣٩٣ |
| ٣٩٣ / ١٢ | ١٣٩٥ | ١٣٩٢ |
| ١٣٣٩ | ١٣٣٩ | ١٣٣٩٦ |

مجرب است و خیر دعا یا عزیز کا

شرح دعا باو شبند مجرب است

رسول صل الله علیه و آله فرمود هر که این تعویذ

بر بازو بندد چیح اصلی بر دی کار کند

این دعا را که این تعویذ کو بر کردن

و شمشیر بر کردن گوسفند بر بندد

اورد کفر کرد باز بند این تعویذ

| | | |
|---|---|---|
| ٦ | ١ | ٨ |
| ٧ | ٥ | ٣ |
| ٢ | ٩ | ٤ |

از برای مطلب خواند

یا بدیع لفنا ایب الحجب مبلل

بسم الله الرحمن الرحیم

کو بی محبت جات لو تک کا بید شنید

منکا وی خدا یا رسول یا عنا حیا یا بو

عا ابد اااا ب ااات اااث ااااااج ااااااع ااااااح

اااا ن ااااا اه اا ز ااااااس ااااااش ااااص

خص اااااط ااااا ظ اااع ااااااع اااااف

ااق ااااک اال ااام ااان ااو اااه

ی اااا اااع ااام ااااالو طریق اینجا روی تسبیح

ن صلوات بر محمد بفرستد و سوره مبارک بخوند انا انزلنا الفتح

المستقیم بخواند و این دعا هر شب بخواند بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله برحمته خیر لا جی عافیه والعد

بدند




... حضرت
یوسف علیه السلام که
هر کس خواب بیند
و از آن منفعل باشد
در لایح تعبیر نامه مطا
لعه کنند و احوال
خود معلوم نماید

و بباید دانست که هر کس الله تعالی را در خواب بیند همیشه دل او
تازه و خاطر او خوش باشد و خرم و تا آن شخص زنده باشد
به نزد خدا متعلا باشد و از یاد او بیکریزه بیر دارد و دل او پر نور
باشد و معرفت دارد باب اگر فرشتگان آسمان را در خواب
بیند دنیا و آخرت او به خوبی بگذرد و در طاعت حق حریص گردد
و سعادت مند شود باب اگر پیغمبران را در خواب بیند تا در
دنیا باشد با عزت و جاه منزلت باشد و از آتش رستگار شود
باب اگر اولیا را در خواب بیند از رحمت حق بهره مند شود
و رزق او افزون شود همیشه کار او نیک شود باب

اگر مرده

اگر مرده در خواب بیند کار وی جمله با صلاح آید باب
اگر مرده در خواب چیزی بوی دهد توانگر گردد اگر مرده
در خواب چیزی از وی ستاند نشانه بیماری بود اگر در خواب
بیند که مرده میرود آن شخص برود بمیرد باب اگر
بخواب بیند که مرده عمرش دراز شود اگر بروی اعتراض کند
صدقه دهد تا بخیر بگذرد و اگر بخواب بیند که خویش اعتصاب
او میرود مالدار شود باب اگر در خواب بیند که کسی میکند
خبر ناخوشی بشنود و اندیشناک گردد باب اگر خواب
که مرده سخنی میگوید آن روز خبری و شادی کنند باب اگر
خواب بیند که با اهل خانه طعام میخورد و آخرتش نیک باشد باب
اگر خواب بیند که با فرشته سخن میگوید کارش روز بروز ترقی
کند باب اگر جواهر بیند در خواب بلند همت شود باب
اگر گندم در خواب بیند غمگین شود اگر گندم در خواب
بیند دل او از غم خلاص شود اگر جو در خواب بیند
غمناک شود اگر رطب در خواب بیند همیشه بخشش

خلایق عزیز باشد باب اگر انگور در خواب بیند غمناک شود باب
اگر از هر نوع میوه در خواب بیند دلالت بر خرمی [illegible]
دارد باب اگر زردآلو در خواب بیند در نظر پادشاهان بزرگ
شود اگر میش در خواب بیند جمعیتی پیدا کند اگر شیر جا در
خواب بیند رنجی بوی رسد اما سهل گذرد اگر یخ در خواب
بیند کار خوفناک از دست او بر آید اگر در خواب بیند که در
سایه درخت میوه دار نشسته نعمت بدست آورد اگر آتش
که بر او افتاده
در خواب بیند اگر خدا او را از بلا نگاه
دارد اگر گیاه در خواب بیند صاحب باغ شود اگر
هیمه در خواب بیند سرانجام خانه او نیک شود اگر آب
تیره در خواب بیند ناخوشی باو رسد اگر آب صاف در
خواب بیند روزی حلال یابد اگر خواب بیند آب
سبز بزرگی و شادی باو رسد اگر خواب بیند که آب
صاف از حلقش بیرون می آید واعظ شود اگر خواب بیند
که با آب صاف غسل میکند از گناه پاک شود اگر خواب
بیند که با آب نجس

ببیند که با آب نجس غسل میکند غمگین شود اگر خواب بیند
که خاک در دست دارد نعمت یابد اگر خواب بیند که بجای
غرور رفته خدا او را از جور ظالم نگاه دارد اما توبه کند اگر
در خواب بیند که با آتش غرور رفته از وی خشم و اعراض پیدا کند
اگر آتش ضعیف در خواب بیند بیمار شود اگر در خواب بیند
که کسی او را آتش خاسته با دوستان خود خصومت کند
اگر خواب بیند آتش در وی افتاده از وی البته با کسی جنگ
کند و خشم بر وی افزاید اگر خواب بیند نان و طعام [illegible]
بزرگ و از غم و پریشانی برهد اگر بازار صحبت در خواب بیند
دیدن لشکر بیگانه در الغ مکان ولی ملک بیند شود اگر خواب
بیند که درختی را از بیخ میکند در آن شهر خرابی پیدا شود پادشاه
او هلاک گردد و قحطی پدید آید اگر خواب بیند که کسی
ظلم کرده از گناه توبه کند اگر خواب بیند که انگشتری
نقره در دست دارد و غیره نصرت یابد اگر انگشتری
طلا در دست دارد مال عظیم یابد و در خواب بیند که

قرآن میخواند خردمند و صاحب نعمت شود اگر خواب بیند
که انگشتری گم کرده عجب بوی رسد اگر خواب بیند که انگشتر
در دست او شکست از قبیله او کسی بمیرد اگر خواب که جامه
نو پوشید بخداوند نزدیک شود اگر خواب که جامه سرخ پوشیده
اگر زن باشد خرم شود اگر مرد بود تمکین گردد اگر در خواب بیند
جامه زرد پوشیده نشانه رنجوری بود جامه کبود نشانه ماتم بود
اگر در خواب جامه سفید پوشیده آن شخص بمیرد اگر جامه سبز پو
شیده البته صحت یابد اگر در خواب بیند گوسفند کشته و یا سر بریده
کرده یا خورده از خدا رزق حلال باو رسد اگر در خواب بیند
که بر شتر نشسته پادشاه وقت شود بمرتبه عالی رسد اگر در خواب
بیند که بدنبال شتر میرود سعادتمند گردد اگر در خواب
بیند که گرگ او را درند در میان قوم عزیز شود اگر خواب
بیند که سگ بجانب او فریاد میکند از ظالمی یا حرامزاده زحمتی
باو رسد اگر در خواب بیند که سگ همراه او میرود بر دشمن
ظفر یابد اگر خواب بیند که سگ را کشته [illegible]
اگر خواب بیند که ماری کشته از مار توانگر گردد

اگر خواب بیند

اگر خواب بیند که مار او را گزیده از دشمن آزار باو رسد اگر
خواب بیند که مار همراه دارد و موافق باشد که با کسی جنگ نکند اگر
در خواب بیند که گربه در دست دارد طمع زنگ زرد باو رسد
اگر خواب بیند که با گربه طعام میخورد غم و الم پیدا کند اگر خواب
بیند که گربه طعام میدهد مال از دشمن بیرون رود اگر خواب بیند
گربه کشته است درویش شود اگر خواب بیند که گربه بر وی تف و یا
بول کرده نعمت یابد اگر خواب بیند دست خود را بریده مادر و پدر
او بمیرد اگر خواب بیند که پای خود را بریده در کار وی خلل پیدا شود
اگر خواب که کور شده البته روشنایی در کار وی پیدا شود اگر شراب
در خواب بیند رسوا شود اگر سپند در خواب بیند و یا قلیه [illegible] اگر خواب
بیند مثل جوز بیا و هیل و زنجبیل و فرس و نقل و دارچینی انواع
دیگر بمراد و رسیده شود اگر در خواب بیند که ترازو شکسته قاضی
او در بار [illegible] اگر مسجد در خواب بیند طالب علم شود اگر قیامت
در خواب بیند [illegible] شود بر طاعت اگر آفتاب در خواب
بیند از پادشاه نفع بوی رسد اگر عمارت در خواب بیند

زیادتی عمر دولت بود اگر گلاب در خواب ... بیند ... شادی بود

اگر زعفران در خواب بیند رنجور شود اگر حجامت در خواب بیند غم

و الم بود اگر در خواب بیند که میر ببرد بخت دولت بود اگر در خواب

حمی جمال مقبول بیند از دل یابد اگر خواب بیند که بسته شده غرق

خسته از غم خلاص شود اگر در خواب بیند که بنده خریده مال نعمت

بود اگر آتش در خواب بیند فتنه بود اگر در خواب مرد بیند با زن خود

مجامعت میکند از اولاد بد رنجش بمرد اگر زن در خواب بیند با شوهر

خود مجامعت میکند از اولاد بد رنجش بمرد اگر خواب که غسل میکند

از گناه پاک شود اگر در خواب که آب عرق شده تصدق دهد اگر

خواب بیند که چراغ یا شمع در دست دارد او را فرزند کرامت شود

اگر خواب بیند که آب سیاه شده نشانه مرگ بود اگر بیند که بکوه

از کوه بیرون آمدن از منصب معزول گردد

بالا میرود مرتبه او بالا رود صاحب منصب شود اگر در خواب جنگ

بیند خبر ناخوشی بوی رسد اگر خواب بیند که نماز میکند از آتش

دوزخ نجات یابد اگر بیند که همگی معظم مرد نیک بخت شود

تارکیب

اگر در خواب بیند به روشنایی مبدل شود اگر خواب بیند

که روغن میخورد نشانه غم و الم بود اگر خواب بیند که

زیادتی

اگر ببیند که با قاضی ... میگوید در ان سال جنگ و کین ورزد

از خانه او کم نشود اگر در خواب بیند که عمامه سیاه بر سر نهاده فرزند

بمیرد و سیاه بخت بود اگر خواب بیند که خربزه میخورد رنجور شود اگر

خواب بیند که ... در دست دارد دیوانه شود اگر خواب بیند که حنظل

دانه در دست دارد بیمار شود اگر خواب بیند که کودکان بیند

نشانه فرزند بود اگر خواب بیند که دندان او شکسته مصیبت بود

اگر در خواب بیند که مصحف میخواند حق تعالی کار او را مهیا کند اگر

خواب که بینی خود را بریده البته عیبی که در رو ظاهر گردد اگر خواب

بیند که با آسمان رفته مرتبه او بلند گردد اگر خواب که با آفتاب

سخن میگوید رزق بر وی گشاده شود اگر خواب بیند که در ستاره

آن گفته یا فرود آمده بمرتبه پادشاهی رسد یا در اقلیم توانگر گردد

اگر خواب مال دار ... بیند ابدال شود و دنیا کار او بنشیند بار وده

اگر ... در خواب بیند کار آخر او نیک شود اگر آب گینه در خواب

بیند مراد و مقصود او حاصل شود اگر ... بیند مال از دست او برود

اگر دوزخ بیند نشانه گذشتن از صراط بود اگر خواب بیند

عذاب ... بود اگر نظر ... بیند نشانه ... بود

شرب ... در ... شود ... تو خواب

که میخورد دولت و نعمت بود اگر در خواب جو وارد بیند
نشانه کن دکامی بود اگر برنج خواب بیند نشانه رنج بود
اگر گوشت در خواب بیند نشانه میراث بود اگر دنبه در خواب
بیند دماغ خشکی کند اگر ترب و سبزی بیند اندوه و غم بود
اگر آب سرخ بیند نشانه جنگ و جدال بود اگر نمک بیند سر
انجام خانه بود اگر صدای طبل بشنود خبر ناخوش بود اگر
مهمان در خواب بیند نشانه عمل صالح بود اگر ریسمان بیند
قدرت یابد اگر ریگ بیند زنده گی خوش بود اگر زندان خواب
بیند از پادشاه بیم بود اگر دایره بیند عذر بود و فتنه رو دهد اگر
جامه در خفتن بیند نجات از دوزخ بود اگر از غسل بیند نجات
از غم بود اگر تزویج بیند بیم از سلطان بود اگر در خواب با شخصی
معانقه کند کار سازی آخرت بود اگر ماشوره بیند موجب
خوشدلی بود اگر خیمه در خواب بیند غم و اندوه بود اگر
بیند عیش و شادی بود اگر شیر در خواب بیند که میخورد نشانه
کسب حلال بود اگر جی مست بیند که میکند عیش و شادی
بود نقش نگار زن در خواب بیند نشانه که فرزند بود

اگر خوک بیند نشانه کیونامی بود اگر روباه بیند نشانه زنا
شمندی بود اشغال بیند نشانه مفلسی بود اگر اهل دوزخ در خواب
بیند نشانه توبه کردن بود بر اسب نشستن اجل بود
سوار شدن اسب خوشحالی بود تازیانه خوردن دولت و نعمت
بود باغ دیدن نشانه ملک و پادشاهی بود گوشت شتر در
خواب دیدن مال حلال بود اگر بیند که میرزند غم و اندوه بود
اگر گوسله بیند خیر برکت بود کبوتر بیند نشانه زن بود اگر
باز بیند صدقه در دولت بود و انواع جانور دیدن قوت بود
آفتاب بیند از پادشاه بود گریه کردن و مرده شستن بر دو نفع
ظفر یابد با جنازه رفتن بزرگی بود از فتنه سرفرازی
بود در خواب مومنان دیدن کارش بالا برد در آب غرق شدن
زحمت بود دکان دیدن عیش بود از کوه بزیر رفتن در غم و محنت
بود نماز گذاردن طاعت بود جامه سیاه نشانه هر کسه بود با جا
عت گفتن لیسیار رنگ از علت پاک شود جامه کهنه دیدن
غم و اندوه بود گوسفند دیدن روزی حلال بود بز غالم دیدن
جنگ غم و قایم هلال دیدن خبر ناخوش بود از آسمان بزیر

قدر نشانه اجل بود باسمان بالا رفتن مرتبه اعلا بود
باسمان پرواز کردن سفر پیش آمدن بهشت دیدن زوال بود
[illegible] دیدن اندوه بود مورچه دیدن حرص دنیا بود [illegible] دیدن
انبوه لشکر بود ماهی خوردن مال حرام بود مرده در کنار [illegible]
دیدن نوحه کردن [illegible] آید در خواب بیند که شیخ شده طلاق زن [illegible]
[illegible] زوال و ویران بود از خانه خود دور افتادن درد و محنت
افتقار [illegible] غم اندوه بود خاک خوردن زوال مال [illegible]
درخت شکستن خصومت و عداوت بود درخت نشا[illegible]
نعمت [illegible] بود ستاره دیدن نفعی بود [illegible] رسد [illegible] خود بود
اندوه بود با [illegible] نرم نشانه ظلم و ستم بود با [illegible]
خیر و برکت بود خانه ساختن نشانه دولت بود
الموت در خواب دیدن درازی عمر بود شمشیر دیدن نشانه
سلطنت بود مرده بر زنده سلام کردن بسیار خوب بود
رقص کردن اندوه بود [illegible] در خواب دیدن نشانه
دانشمند بود برهنه دیدن [illegible] برسد [illegible]
زدن بسیار نیکو بود قصاب دیدن نشانه موت [illegible]